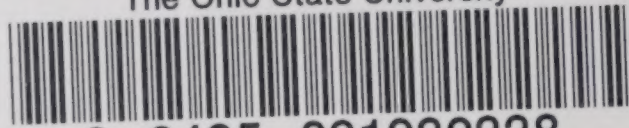


The Ohio State University



3 2435 031932338

KKX494A2A351887
Mecelle-yi ahkam-i adliye /

001

THE OHIO STATE UNIVERSITY BOOK DEPOSITORY

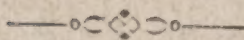


D	AISLE	SECT	SHLF	SIDE	POS	ITEM	C
8	03	02	01	8	14	016	3

9470

مجله عدلیه

اشبهو مجله عدلیه ناظری و مجله جمعیت جلیله سی رئیس
دولتو احد جودت پاشا حضرتلرینک ترتیب و تنسیق
و معارف نظارت جلیله سی رخصت رسمیه سیله ایکنجی
دفعه اوله رق



در سعادت

مطبعة عثمانیه ۴ ده طبع اولمشدر

س ۱۳۰۵ نه

صحیفه

مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتی

۰۲

(مقدمه ایکی مقاله بی حاویدر)

مقاله اولی . علم فقهک تعریف و تقسیمی

۲۰

مقاله ثانیه . قواعد فقهیه بیاننده در

۲۲

(کتاب البیوع بر مقدمه ایله یدی بابدیر)

مقدمه . بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه

۳۷

باب اول . عقد بیعه متعلق مسائل بش فصلدر

۴۷

فصل اول . رکن بیع حقنده در

۴۷

فصل ثانی . قبولک ایجابیه موافق اولسنک لزومی

۵۰

فصل ثالث . مجلس بیع حقنده در

۵۲

فصل رابع . شرطله بیع حقنده در

۵۳

» خامس . اقاله بیع حقنده در

۵۴

باب ثانی . مبیعه متعلق مسائل بیاننده درت فصلدر

۵۶

فصل اول . مبیعک شروط و اوصافی حقنده

۵۶

» ثانی . بیعی جائز اولوب اولمیان شیر حقنده

۵۷

» ثالث . مبیعک کیفیت بیعنه متعلق مواد بیاننده

۵۹

» رابع . صراحة ذکر اولمقصرین بیعده داخل اولوب

۶۵

اولمیان شیر بیاننده

باب ثالث . ثمنه متعلق مسائل بیاننده ایکی فصلدر

۶۸

فصل اول . ثمنک اوصاف و احوالنه مترتب مواد

۶۸

» ثانی . وعده ایله صاتش حقنده اولان مواد

۷۰

۷۱	باب رابع	• بعد العقد ثمن و مئتمنه تصرفه متعلق مسائل بیاننده اولوب ایکی فصلدر
۷۱	فصل اول	• بعد العقد وقبل القبض بايعك ثمنه ومشترينك مبيعه حق تصرفلری
۷۲	فصل ثانی	• ثمن ومبيعك تزيد وتزيلي بياننده
۷۵	باب خامس	• تسليم وتسليمه متعلق مسائل التي فصلدر
۷۵	فصل اول	• تسليم وتسليمك حقيقت و كيفيتي بياننده
۷۸	» ثانی	• مبيعك حق حبسنه دائر مواد
۸۰	» ثالث	• مكان تسليم حقهنده
۸۱	» رابع	• تسليمك مؤنتی ولو ازم تماميتي بياننده
۸۲	» خامس	• هلاك مبيعه مترتب اولان مواد
۸۳	» سادس	• سوم شرا وسوم نظر حقهنده
۸۴	» باب سادس	• خيارات بياننده اولوب يدي فصلدر
۸۴	فصل اول	• خيار شرط حقهنده در
۸۶	فصل ثانی	• خيار وصف حقهنده در
۸۷	فصل ثالث	• خيار نقد حقهنده در
۸۸	فصل رابع	• خيار تعيين حقهنده در
۸۹	فصل خامس	• خيار رؤيت حقهنده در
۹۲	فصل سادس	• خيار عيب حقهنده در
۹۹	فصل سابع	• غبن وتغريز حقهنده در
۱۰۱	باب سابع	• مبيعك انواع واحكامي بياننده التي فصلدر
۱۰۱	فصل اول	• بيعك انواعي
۱۰۲	فصل ثانی	• انواع يوعك احكامي
۱۰۵	فصل ثالث	• سلم حقهنده در
۱۰۶	فصل رابع	• استصناع بياننده در

صحیفه

فصل خامس . بیع مر یضك احكامی	۱۰۸
فصل سادس . بیع الوفا حقنده در	۱۰۹
(کتاب الاجارات بر مقدمه ایله سکنز بادر)	
مقدمه . اجاره یه متعلق اصطلاحات فقهیه	۱۱۴
باب اول . ضوابط عمومیه بیاننده در	۱۱۷
باب ثانی . عقد اجاره یه متعلق درت فصلدر	۱۲۱
فصل اول . رکن اجاره یه دائر مسائل	۱۲۱
فصل ثانی . اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنده	۱۲۴
فصل ثالث . صحت اجاره نك شرائطی حقنده	۱۲۵
فصل رابع . اجاره نك بطلان و فسادی حقنده	۱۲۷
باب ثالث . اجرتیه متعلق مسائل بیاننده اوچ فصلدر	۱۲۸
فصل اول . بدل اجاره حقنده در	۱۲۸
فصل ثانی . اجرتك سبب لزومنه و آجرتك اجرتیه کیفیت	۱۳۰
استحقاقنه متعلق مسائل	
فصل ثالث . اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی حبس	۱۳۴
ایدوب ایده مامسی حقنده در	
باب رابع . مدت اجاره یه متعلق مسائل	۱۳۵
باب خامس . خیارات حقنده اولوب اوچ فصلدر	۱۳۸
فصل اول . خیاری شرط حقنده	۱۳۸
فصل ثانی . خیاری رؤیت حقنده	۱۴۱
فصل ثالث . خیاری عیب حقنده	۱۴۳
باب سادس . مأجورك انواع و احکامی بیاننده اولوب	۱۴۶
درت فصلدر	

صفحه	
۱۴۶	فصل اول . اجاره عقاله متعلق مسائل
۱۴۹	فصل ثانی . اجاره عروض حقنده
۱۵۰	فصل ثالث . اجاره حیوان حقنده
۱۵۶	فصل رابع . اجاره آدمی حقنده
۱۶۱	باب سابع . بعد العقد آجر ومستأجر وظیفه وصلاحیتلرینه دأر اولوب اوچ فصلدر
۱۶۱	فصل اول . تسلیم مأجور حقنده در
۱۶۲	فصل ثانی . عاقدینك مأجورده تصرفلرینه دأر
۱۶۴	فصل ثالث . رد و اعاده مأجوره متعلق مواد
۱۶۵	باب ثامن . ضمانت بیاننده اولوب اوچ فصلدر
۱۶۵	فصل اول . ضمان منفعت حقنده
۱۶۷	فصل ثانی . مستأجرك ضمانی حقنده
۱۶۹	فصل ثالث . اجیرك ضمانی حقنده
	(کتاب الکفاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)
۱۷۴	مقدمه . کفالتله دأر اصطلاحات فقهیه
۱۷۶	باب اول . عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلدر
۱۷۶	فصل اول . ركن کفالتله دأر در
۱۷۷	فصل ثانی . شرائط کفالتله متعلقدر
۱۷۹	باب ثانی . کفالتك احکامی حقنده اولوب اوچ فصلدر
۱۷۹	فصل اول . کفالت منجزه ومعلقه ومضافه نك حکمی
۱۸۲	فصل ثانی . کفالت بالنفسك حکمی
۱۸۳	فصل ثالث . کفالت بالمالك احکامی
۱۸۸	باب ثالث . کفالتدن برأت حقنده اوچ فصلدر

حقيقه

فصل اول . بعض ضوابط عموميه بيانده	١٨٨
فصل ثانی . كفالت بالنفسدن برأت حقنده	١٨٩
فصل ثالث . كفالت بالمالدين برأت حقنده	١٩٠

(كتاب الحواله بر مقدمه ايله ايكي بابدر)

مقدمه . حواله يه دأر اصطلاحات فقهيه	١٩٤
باب اول . عقد حواله بيانده اولوب ايكي فصلدر	١٩٥
فصل اول . ركن حواله بيانده در	١٩٥
فصل ثانی . شرايط حواله بيانده	١٩٦
باب ثانی . احكام حواله بيانده	١٩٨

(كتاب الرهن بر مقدمه ايله درت بابدر)

مقدمه . رهنه دأر اصطلاحات فقهيه	٢٠٤
باب اول . عقد رهنه دأر اولوب اوچ فصلدر	٢٠٥
فصل اول . ركن رهنه دأر مسائل بيانده در	٢٠٥
فصل ثانی . انعقاد رهنك شرائطي حقنده	٢٠٦
فصل ثالث . مرهونك زوايد متصله سي ورهندنصكره واقع اولان تبديل وزياده حقنده در	٢٠٧
باب ثانی . راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل	٢٠٨
باب ثالث . مرهونه متعلق مسائل حقنده ايكي فصلدر	٢٠٩
فصل اول . مرهونك مؤنت ومصارفي حقنده	٢٠٩
فصل ثانی . رهن مستعار حقنده	٢١٠
باب رابع . رهنك احكامي بيانده درت فصلدر	٢١١

حقیقه

۲۱۱	فصل اول	• رهنك احكام عمومیه سی بیانده
۲۱۵	فصل ثانی	• راهك ومرتھنك رهنده تصرفلری
۲۱۷	فصل ثالث	• ید عدلده اولان رهنك احكامی
۲۱۸	فصل رابع	• بیع رهن حقنده

(کتاب الامانات بر مقدمه ایله اویچ بابدر)

۲۲۲	مقدمه	• اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه
۲۲۴	باب اول	• اماناته دأر بعض احكام عمومیه
۲۲۶	باب ثانی	• ودیعه حقنده اولوب ایکی فصلدر
۲۲۶	فصل اول	• عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل
۲۲۷	فصل ثانی	• ودیعه نك احكامی و ضماناتی حقنده
۲۳۸	باب ثالث	• عاریت حقنده اولوب ایکی فصلدر
۲۳۸	فصل اول	• عقد و شرط اعاریه متعلق مسائل
۲۳۹	فصل ثانی	• عاریتك احكام و ضماناتی حقنده

(کتاب الهبه بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

۲۵۰	مقدمه	• هبهیه دأر اولان اصطلاحات فقهیه
۲۵۱	باب اول	• عقد هبهیه متعلق مسائل ایکی فصلدر
۲۵۱	فصل اول	• رکن و قبض هبهیه دأر مسائل
۲۵۵	» ثانی	• شرائط هبه بیانده در
۲۵۶	باب ثانی	• احكام هبه بیانده اولوب ایکی فصلدر
۲۵۶	فصل اول	• هبه دن رجوع حقنده
۲۶۰	» ثانی	• هبه مریض حقنده در

(کتاب الغصب بر مقدمه ایله ایکی بادر)

حکیمه

مقدمه	• غصب و اتلافه دائر اصطلاحات فقهیه	۲۶۴
باب اول	• غصب حقنده اولوب اوچ فصلدر	۲۶۶
فصل اول	• غصبک احکامی بیاننده	۲۶۶
فصل ثانی	• غصب عقاره متعلق بعض مسائل	۲۷۱
فصل ثالث	• غاصب الغاصبک حکمی بیاننده	۲۷۳
باب ثانی	• اتلاف بیاننده اولوب درت فصلدر	۲۷۴
فصل اول	• مباشرة اتلاف حقنده	۲۷۴
فصل ثانی	• تسبیحاً اتلاف بیاننده	۲۷۷
فصل ثالث	• طریق عامده احداث اولنان شیریه دائر	۲۷۹
فصل رابع	• جنایات حیوان حقنده در	۲۸۰

(کتاب الحجر والا کراه و الشفعه بر مقدمه ایله اوچ بادر)

مقدمه	• حجر و اکراه و شفعهیه متعلق اصطلاحات فقهیه	۲۸۸
-------	---	-----

باب اول	• حجره متعلق مسائل بیاننده درت فصلدر	۲۹۱
فصل اول	• صنوف و احکام محجورین حقنده	۲۹۱
فصل ثانی	• صغیر و مجنون و معتوهه دائر مسائل	۲۹۳
فصل ثالث	• سفیه محجور حقنده	۳۰۰
فصل رابع	• مدیون محجور حقنده	۳۰۱
باب ثانی	• اکراهه متعلق مسائل	۳۰۴
باب ثالث	• شفعه حقنده اولوب درت فصلدر	۳۰۵
فصل اول	• مراتب شفعه بیاننده	۳۰۵

۳۰۹	فصل ثانی	• شرائط شفعه حقنده
۳۱۲	فصل ثالث	• طلب شفعه به دأر
۳۱۴	فصل رابع	• حکم شفعه به دأر
(کتاب الشریکت بر مقدمه ایله سگز بادر)		
۳۱۸	مقدمه	• شرکت متعلق اصطلاحات فقهیه
۳۲۱	باب اول	• شرکت ملک بیاننده اولوب اوچ فصلدر
۳۲۱	فصل اول	• شرکت ملک تعریف و تقسیمی
۳۲۴	فصل ثانی	• اعیان مشترک کن کیفیت تصرفنه دأر
۳۳۲	فصل ثالث	• دیون مشترک که حقنده در
۳۴۰	باب ثانی	• قسمت حقنده اولوب طقوز فصلدر
۳۴۰	فصل اول	• قسمتک تعریف و تقسیمی بیاننده
۳۴۳	فصل ثانی	• شرائط قسمت بیاننده در
۳۴۶	فصل ثالث	• قسمت جمع
۳۴۹	فصل رابع	• قسمت تفریق
۳۵۲	فصل خامس	• کیفیت قسمت
۳۵۴	فصل سادس	• خیارات بیاننده
۳۵۵	فصل سابع	• قسمتک فسخ و اقاله سی حقنده
۳۵۷	فصل ثامن	• احکام قسمت حقنده
۳۶۱	فصل تاسع	• مهائنه بیاننده در
۳۶۶	باب ثالث	• حیطان و جیرانه متعلق مسائل درت فصلدر
۳۶۶	فصل اول	• احکام املا که دأر بعض قواعد
۳۶۸	» ثانی	• معاملات جواریه بیاننده در
۳۷۵	» ثالث	• طریق نقل حقنده در

حقیقه

۳۷۸	فصل رابع .	حق مرور و مجری و مسیله دأر
۳۸۱	باب رابع .	شرکت اباحه حقنده التي فصلدر
۳۸۱	فصل اول .	مباح اولوب اولیان شیلر حقنده
۳۸۴	» ثانی .	مباح اولان شیلر استملاکی حقنده
۳۸۶	» ثالث .	مباح اولان شیلر احکام عمومیه سی
۳۸۸	» رابع .	حق شرب و شغه بیانده
۳۹۰	» خامس .	احیاء موات حقنده در
۳۹۳	» سادس .	قیولر وصولر و اشجارک حریمی حقنده
۳۹۶	» سابع .	احکام صیده متعلق اولان مسائل
۴۰۱	باب خامس .	نفقات مشترک بیانده ایکی فصلدر
۴۰۱	فصل اول .	اموال مشترک کنک تعمیرات و مصارفی
۴۰۶	» ثانی .	نهر و مجرالرک کری و اصلاحی
۴۰۹	باب سادس .	شرکت عقد بیانده اولوب التي فصلدر
۴۰۹	فصل اول .	شرکت عقدک تعریف و تقسیمی
۴۱۱	» ثانی .	شرکت عقدک شرائط عمومیه سی
۴۱۳	» ثالث .	شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی
۴۱۵	» رابع .	شرکت عقده متعلق ضوابط بیانده
۴۱۹	» خامس .	شرکت مفاوضه دأر در
۴۲۲	» سادس .	شرکت عثمان مباحثی حقنده
۴۳۷	باب سابع .	مضاربه حقنده اولوب اوچ فصلدر
۴۳۷	فصل اول .	مضاربته تعریف و تقسیمی
۴۳۸	» ثانی .	مضاربته شروطی حقنده
۴۳۹	» ثالث .	مضاربته احکامی حقنده
۴۴۵	باب ثامن .	مزارعه و مساقاة حقنده ایکی فصلدر

صحيقه

فصل اول	• مزارعه بيانده در	۴۴۵
فصل ثانی	• مساقات بيانده در	۴۴۷

(کتاب الوکاله بر مقدمه ايله اويچ بابدر)

مقدمه	• وکالت حقنده اصطلاحات فقهيه	۴۵۲
باب اول	• وکالت رکن و تقسيمي حقنده در	۴۵۳
باب ثانی	• شرط وکالت بيانده در	۴۵۶
باب ثالث	• وکالتك احکامی حقنده التي فصلدر	۴۵۷
فصل اول	• وکالتك احوال عموميه سی بيانده	۴۵۷
« ثانی	• شرايه وکالت حقنده در	۴۶۱
« ثالث	• بيعه وکالت حقنده در	۴۶۹
« رابع	• مأموره دائر اولان مسائل	۴۷۲
« خامس	• خصوصته وکالت حقنده در	۴۷۶
فصل سادس	• عزل وکيله دائر مسائل بيانده در	۴۷۷

(کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ايله درت بابدر)

مقدمه	• صلح و ابرايه دائر اصطلاحات فقهيه	۴۸۲
باب اول	• عقد صلح و ابرا ايدنلره دائر در	۴۸۴
باب ثانی	• مصالحه نك احوال و شروطی حقنده	۴۸۷
باب ثالث	• مصالح عنه حقنده اولوب ايکي فصلدر	۴۸۸
فصل اول	• صلح عن الاعيان حقنده در	۴۸۸

صکیفه

۴۹۰	فصل ثانی	• دیندن و حقوق سائر مدد صلح حقنده
۴۹۱	باب رابع	• احکام صلح و ابرا حقنده ایکی فصلدر
۴۹۱	فصل اول	• احکام صلحه دائر اولان مسائل
۴۹۳	فصل ثانی	• ابرایه دائر اولان مسائل

(کتاب الاقرار درت بادر)

۴۹۸	باب اول	• اقرارك شرائطی بیاننده در
۵۰۰	باب ثانی	• اقرارك وجوه صحتی بیاننده
۵۰۳	باب ثالث	• اقرارك احکامی حقنده اوچ فصلدر
۵۰۳	فصل اول	• احکام عمومی بیاننده در
۵۰۵	فصل ثانی	• نفی ملك و نام مستعار بیاننده
۵۰۷	فصل ثالث	• اقرار مریض حقنده در
۵۱۴	باب رابع	• اقرار بالکتابه بیاننده در

(کتاب الدعوی بر مقدمه ایله ایکی بادر)

۵۲۰	مقدمه	• دعوی حقنده اصطلاحات فقهیه
۵۲۱	باب اول	• دعوانك شروط و احکامی درت فصلدر
۵۲۱	فصل اول	• دعوانك شروط صحتی
۵۲۶	فصل ثانی	• دفع دعوی حقنده
۵۲۸	فصل ثالث	• خصم اولوب اولمانلر بیاننده در
۵۳۴	فصل رابع	• تناقض بیاننده در

۵۴۱ باب ثانی . مرور زمان حقننده در

(کتاب البینات بر مقدمه ایله درت بادر)

۵۵۰	مقدمه	• بعض اصطلاحات فقهیه بیانده
۵۵۲	باب اول	• شهادت حقننده اولوب سکر فصلدر
۵۵۲	فصل اول	• شهادتک تعریف و نصای
۵۵۳	فصل ثانی	• شهادتک کیفیت اداسی حقننده
۵۵۶	فصل ثالث	• شهادتک شروط اساسیه سی
۵۵۹	فصل رابع	• شهادتک دعوایه موافقی
۵۶۳	فصل خامس	• شاهدلرک اختلافلری بیانده
۵۶۵	فصل سادس	• تزکیه و تحلیف شهود حقننده
۵۷۰	فصل سابع	• شاهدلرک شهادتدن رجوعی حقننده در
۵۷۱	فصل ثامن	• تواتر حقننده در
۵۷۲	باب ثانی	• حج خطیه و قرینه قاطعه ایکی فصلدر
۵۷۲	فصل اول	• حج خطیه بیانده در
۵۷۳	فصل ثانی	• قرینه قاطعه بیانده در
۵۷۴	باب ثالث	• تحلیف بیانده در
۵۷۸	باب رابع	• ترجیح بینات و مخالفه دائر درت فصلدر
۵۷۸	فصل اول	• تنازع بالایدی بیانده در
۵۸۰	فصل ثانی	• ترجیح بینات حقننده در
۵۸۵	فصل ثالث	• سوز کیمک اولدیغنه و تحکیم حاله دائر
۵۸۸	فصل رابع	• مخالفه دائر در

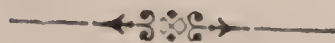
(کتاب القضاء بر مقدمه ایله درت بادر)

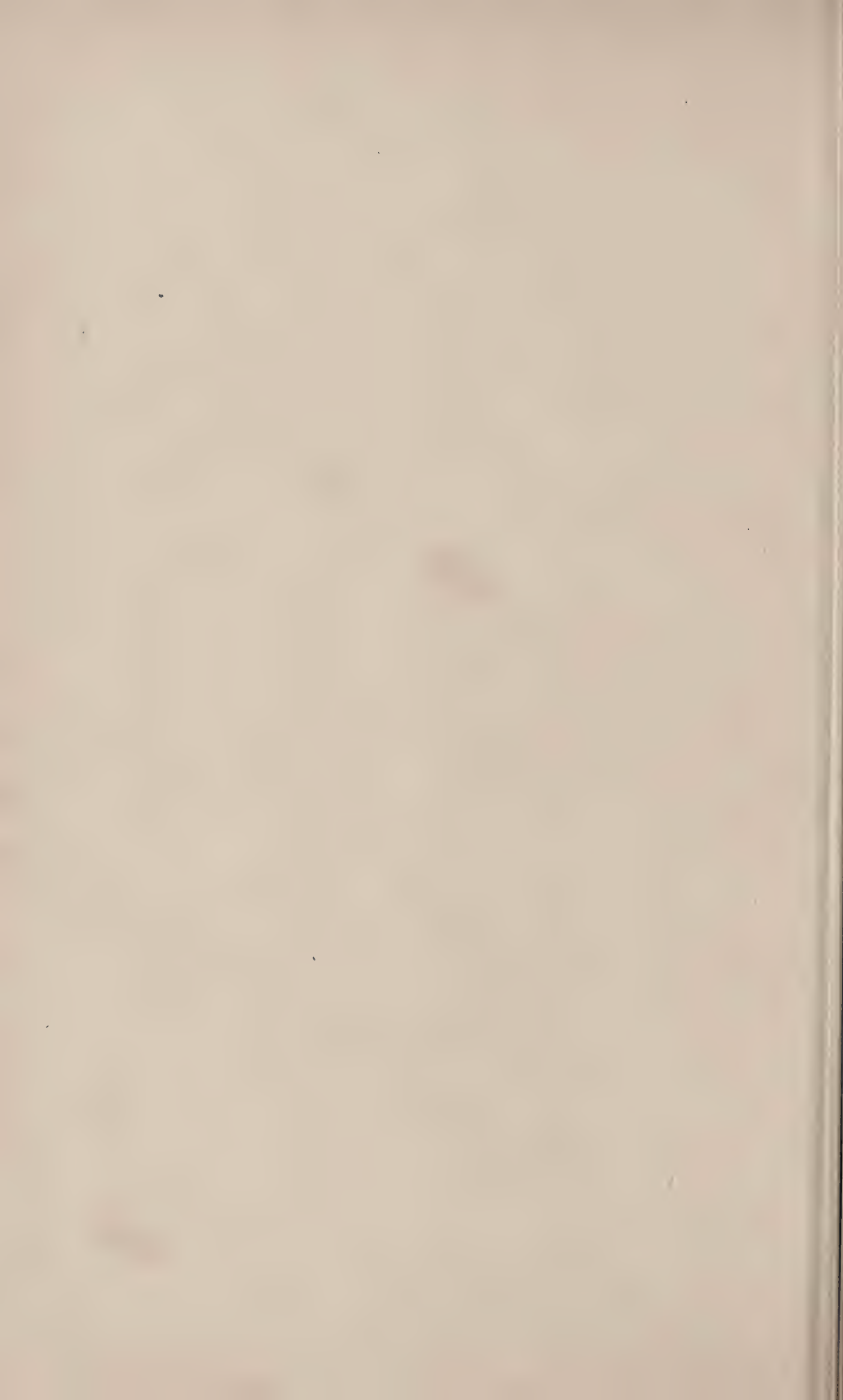
تخفیه

مقدمه	• قضا حقننده اصطلاحات فقهیه	۵۹۴
باب اول	• حکامه دائر اولوب درت فصلدر	۵۹۶
فصل اول	• حاکم اوصافی بیاننده	۵۹۶
» ثانی	• حاکم آدابی بیاننده	۵۹۷
» ثالث	• حاکم وظائفی حقننده	۵۹۸
» رابع	• صورت محاکمه دایره در	۶۰۳
باب ثانی	• حکمه دایره اولوب ایکی فصلدر	۶۰۶
فصل اول	• حکم شروطی بیاننده در	۶۰۶
» ثانی	• حکم غیابی بیاننده در	۶۰۸
باب ثالث	• دعوانک بعد الحکم رؤیتی حقننده	۶۰۹
باب رابع	• تحکیمه دایره مسائل بیاننده در	۶۱۱

* متفرقات *

کتاب بیات حقننده • بعض وصایای شامل مذکره	۶۱۵
بلاینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله پیله جک صورته	۶۱۸
سندات شرعیه نک تنظیمی حقننده تعلیمات سنیه	
تعلیم اصول تحلیف	۶۲۸





◀◀ جابه جمعيتندن تنظيم اولنان مضبوطه نك صور تيدر ▶▶

محاط علم عالي و كالت پناهيلري بيورلديغي اوزره
علم فقهك امر دنياه تعلق ايدن جهتي مناحيات
ومعاملات وعقوبات قسملرينه منقسم اولديغي كبي ملل
متمدنه نك قوانين اساسيه سي دخي بو اوج قسمه تقسيم
ومعاملات قسمي قانون مدني ديو توسيم اولنور فقط
بوعصر لرده معاملات تجاريه پك زياده توسع ايلش
اولديغندن پولچه وافلاس كبي پك چوق خصوصلرده
قانون اصلیدن استثنا اولمش و بومسائل استثنائيه يي
حاوي بشقه جه برده تجارت قانوننامه سي تنظيم قلمشدر كه
خصوصات تجاريه ده معمول به اولوب جهات سارده ده
ينه قانون مدني به مراجعت قلميور مثلا بر محكمه تجارتده
تجارت قانوني حكمنجه رؤيت اولنان بر دعوانك رهن
وكفالت و وكالت كبي بعض خصوصات متفرعه سنده
قانون اصلي به مراجعت اولنه يور جرائدن نشأت
ايدن حقوق عاديّه دعوالرنده دخي بومنوال اوزره
معامله ايديليور قانون مدني به مقابل دولتيه ده
قديمًا و حادثًا پك چوق قوانين و نظامات ياپلش در

واکړچه بونلر کافه معاملاتک فصل و تسویه سنده کافی
 دکل ایسه ده علم فقهک معاملات قسمی بو خصوصه
 اولان احتیاجاته کافی و وافیدر و دعاوینک شرع و قانونه
 حواله سنجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمیز
 حقوق مجلسلری حکامک تحت ریاستلرنده بولنده رق
 امور شرعیه بی شرعا رؤیت ایتدکاری کی مجالس تمیزده
 نظاما رؤیت اولنان مادهلر دخی انلرک معرفتیه فصل
 و بومثالو مشکلاتلر حل اولمقده در شو قدرکه قوانین
 و نظامات ملکیه نک اصل و مرجعی علم فقه اوله رق
 نظاما رؤیت اولنان موادک دخی نیجه خصوصیات
 متفرعه سی مسائل فقهیه یه تطبیق ایله فصل و حسم اولنه
 کلوب مجالس تمیز اعضاسی ایسه مسائل فقهیه یه
 مطلع اولدقلرندن کویا حاکم افندیلر قوانین و نظامات
 موضوعه نک خارجنده اوله رق مرافعاتی استدکاری
 قابله دوکه یورلر نظریله باقوب برطاقم سوء ظنلره ذهاب
 ایله کفتکویه باعث اوله یورلر .

دولت علیه نک تجارت محکمه لرنده دخی تجارت
 قانوننامه همایونی دستور العمل اولوب دعوانک تجارتیه
 تعلق ایتیان خصوصیات متفرعه سندده عظیم مشکلات
 چکامکده در شویله که اوروپا قانونلرینه مراجعت

اولنسه چونكه بونر باراده سنيه موضوع قوانین
اولدیغندن محاکم دولتعلیه ده مدار حکم اوله من شرعه
حواله اولندوقده دخی محاکم شرعیه او مثلاً خصوصیات
متفرعه ده مرا فعه یی اساسندن طومتغه مجبور اولور
حالبوکه ایکی محکمه نك اصول محاکمه سی اساساً مختلف
اولدیغندن بالطبع ایشده چتاللق پیدا اولدیغی جهتله
بومثلاً خصوصیاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه یه
مراجعت ایدیه میور محاکم تجارت اعضاسی کتب
فقهیه یه مراجعت ایتسون دینلورسه بودخی قابل دکادر
زیرا فن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی مجالس تمیز
اعضاسیه هم حالدر .

علم فقه ایسه بر بحربی پایان اولوب بوندن درر
مسائل لازمه یی استنباط ایله حل مسئله ایده بیلک خیلیدن
خیلی مهارت و ملکه یه موقوفدر علی الخصوص مذهب
حنفی اوزره طبقات متفاوتده پک چوق مجتهدلر کلوب
اختلافات کثیره وقوعبولمش و فقه حنفی فقه شافعی
کی تنقیح ایدیه میوب پک متشعب و متشتت اولمشدر
ایشته بونجه اقوال متخالفه ایچنده قول صحیحی تمیز
ایله حوادلک اکا تطبیقنده عظیم عسرت واردر قالدیکه
تبدل اعصار ایله عرف وعادته مبتنی اولان مسائل

فقهیه دخی تبدل ایدر مثلاً قدمای فقها عندندۀ اشترا
اولنه جق خانۀك براوطه سنی کورمك کافیدر و متأخرین
عندندۀ هر اوطه سنی کورمك لازمدر بوایسۀ عن دلیل
بر اختلاف اولیوب بلکه انشآت حقندۀ عرف و عادتک
اختلافندن نشآت ایشدر که مقدما خانۀك هر اوطه سی
بر طرز اوزره یاپیلۀ کلدیکندن براوطه سنی کورمك
سائرینی کومکدن مغنی ایش مؤخرأ خانۀك اوطه لری
مختلف یاپلق عادت اولدیغندن هر اوطه سنی کورمك
لازم کلمشدر حقیقت حالده لازم اولان کیفیت ایسۀ
مقصد شرایه کورده بر علم کافی حاصل ایتکدن عبارت
اولسایله اصل قاعدۀ شرعیۀ تغیر ایتیوب فقط بونک
حوادثه امر تطبیقی تبدل احوال زمان ایله تبدل
ایدیور بومثلاًو اختلاف زمانی ایله اختلاف برهانی
بیننی فرق وتمیز ایتک دخی خیلی دقتۀ محتاجدر
مسائل فقهیۀ بی احاطۀ ایله غورینۀ اطلاع ایسۀ پک
کوچدر و برارالق مسائل فقہ حنفی بی جمع و احاطۀ
ایتک اوزره عصرک فقها و فضلاسی جمع ایدیلاک
تاتار خانیۀ و فتاوی جهانگیریه کبی کتابلر تالیفنه همت
اولمش ایسۀ دهینۀ بالجمله فروع فقهیۀ و اختلافات
مذهبیۀ حصر و احاطۀ ایدیلا مامشدر .

وفي الواقع كتب فتاوی حوادثك قواعد فقهيۀ

تطبيقه دائر ویرلمش اولان فتوالری حاوی مؤلفات
 دیمک اولوب حالبوکه بونجه عصر لردنبرو سادات
 حنفیه طرفندن ویرلمش اولان فتاوانک جمع واحاطه سی
 نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دکدر بناء علیه
 (ابن نجیم) برطاقم قواعد ومسائل کلیه یی جمع ایدرک
 بونلرک تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج ایلرک
 یولنده برکوزل چغر اچش ایسه ده اندن صکره کی
 عصر لرک عالم وفقیه یتشدرمک یولنده اولکی سماحتی
 کوریه مدیکندن انک اثرینه اقتفا ایله اچش اولدیغی
 چغری شاهراه ایده بیله جک ذاتلر ظهوریه بویولده
 بذل جهد ایلرینه مساعد اولماشدر وشمدی ایسه
 هر طرفده علوم شرعیه ده مهارتلو ذواته ندرت کلدیکندن
 محاکم نظامیه ده لدی الایجاب کتب فقهیه یه مراجعتله
 حل شبهه ایده بیله جک اعضا بولندرمق شویله
 طورسون ممالک محروسه ده کائن بو قدر محاکم شرعیه یه
 کافی قضات بولمق مشکل اولمشدر

بناء علی ذلک اختلافاتدن عاری ویالکیز اقوال
 مختارده یی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهیه دائر سهل
 المأخذ برکتاب یایلسه هرکس قولایلقله مطالعه ایدرک
 معاملاتنی اکا تطبیق وبویله مضبوط برکتاب اولدیغی

حالده نائب افندیله عظیم فائده سی اوله جغی کبی
مجالس نظامیه اعضاسیله امر اداره ده بولنان مأمورین
دخی بالمطالعہ مسائل شرعیہ یت انتساب ایله لدی الایجاب
ایشلرینی وسعری مرتبه شرع شریفه توفیق ایدرلر
وهم محاکم شرعیه ده معتبر و مرعی و همده مجالس
نظامیه ده حقوق دعواری ایچون قانون وضعندن مستغنی
اولور مطالعه سنه مبنی اویله بر اثر جلیک وجوده
کلمی خیلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی
بونک ایچون مجلس تنظیبات دائرہ سنده بر جمعیت علمیه
تشکیل ایدلش و خیلجه مسائل یازلش ایکن حیر فعله
کله میوب بو دخی (الامور مرهونه باوقاتها) حکمنجه
تأسیسی اهم اولان بر چوق مواد خیریه کبی مغبوط
اعصار اولان عصر محاسن حصر همایونه قالمشدر .

موفقیت جلیله حضرت پادشاهی ثمره فیض بهر دسی
اوله رق مشاهد اعین اقتخار اولان بونجه آثار حسنه
صرد سنده بو دخی حصوله کلمک اوزره علم فقهدن
عصرک احتیاجاته کوره روزمره ظهوره کلان معاملاتک
تطبیقنه کافی اوله بیله جک اویله بر اثر خیرک وجوده
کتورلمسی امر اهمی عاجزلرینه حواله بیوزلش
اولدیغندن بر موجب اراده علیه دیوان احکام عدلیه

دارنده بالاجتماع فقهك معاملات قسمندن كثير الوقوع
ومعاملات عصره كوره بدیهی لازم اولان مواد
حقنه سادات حنفیهك اقوال معتبره سی جمع ایدیلرک
متعدد کتابلره تقسیم و (احکام عدلیه) اسمیه توسیم
اولنق اوزره بر مجله ترتیبه بالابتدار مقدمه سیله کتاب
اولی ختام بوله رق بر نسخه سی ذات حقایق ایات
حضرت فتوی پناهی یه ویرلدیکی کبی علم فقهده مهارت
ومعلومات کافی سی اولان دیگر بعض ذوات فخرمه
دخی برر نسخه سی بالاعطا اولنان اخطارات اوزرینه
تعديلات لازمه اجرا اولندقدن صکره تبیض ایله
حضور حقایق ظهور وکالت پناهی لرینه عرض
اولندی بونک لسان عربی یه نقل و ترجمه سی در دست
اولدیغی کبی دیگر کتابلر دخی جمع و تألیف اولنق
اوزره در .

بالمطالعہ محاط علم عالی بیوریلورکه مقدمهك ایکنجی
مقاله سی (ابن نجیم) ایله انک مسلکینه سالک اولان
فقهانک جمع ایلدکاری قواعد فقهیه اولوب حکام شرع
بر نقل صریح بولمقجه یالکز بونلرله حکم ایدمز لیکن
مسائل فقهیهك انضباطنه کالی فائده لری اوله رق
ارباب مطالعه مسائلی ادله سیله ضبط ایتش اولورلر

و مأمورین سائرہ یہ ہر خصوصہ مرجع اولہ بیلور
و ہونرلہ بر آدم معاملاتنی مہما ممکن شرعہ توفیق
و تقریب ایدہ بیلور بناء علیہ کتاب یا خود باب عنوانیلہ
یا زلیوب مقدمہ یہ درج اولنمشدہ کتب فقہیہ دہ
اکثریا مسائل ایلہ مبادی مخلوط اولہ رق ذکر اولنمش
ایسہ دہ ہو مجلدہ ہر کتابہ متعلق اولان اصطلاحات
اول کتابک مقدمہ سی اولق اوزرہ ذکر اولنہ رق
مسائل سازجہ ترتیب اوزرہ یا زلیوب فقط ہو مسائل
اساسیہ بی ایضاح ضمنندہ مثال اولہ رق کتب فتاوا دن
برخیلی مسائل درج و علاوہ اولنمشدہ .

فی زماننا جریان ایدن اخذ و اعطا اکثریا بعض
شرائطہ مربوط اولوب مذہب حنفیہ ایسہ صلب
عقدہ درمیان اولنان انواع شرائطک اکثری بیعی
مفسد اولدیغی جہتلہ کتاب البیوعک الک مہم مجتہ
(بیع بالشرط) فصلی اولہ رق جمعیت عاجزانہ مزجہ
یک چوق بحث و مناظرہ بی موجب اولدیغندن مباحثات
جاریہ نک خلاصہ سی بروجہ آتی ایراد اولنق مناسب
کورلشدہ .

(بیع بالشرط) حقنہ اکثر مجتہدینک اقوالی

یکدیگره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزئیہ ایچون
ومذهب حنبلیده علی الاطلاق بایع کندوسی ایچون
مبیعه منفعت مخصوصه شرط ایده یلور لیکن بایعه
بوصلاحیت اولوبده مشتری طرفنده اولمامسی رأی
وقیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحه الله علیه
حضرتلریله هم عصر اولوبده مؤخرأ اتباعی منقرض
اولان مجتهدلردن (ابن ابی لیلی) ایله (ابن شبرمه)
رحه الله علیهما حضرتینی دخی بوخصوصده یکدیگره
ضدتام اوله رق برر رأیده بولنمشلردر شویله که
ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع وشرط فاسد واین
شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز وهمده شرط
جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی (المسلمون عند شروطهم)
حدیث شریفنه مباین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو
حدیث شریفه تمامیه موافق ایسه ده بایع ومشتری
اجراسی جائز وقابل اولمیان شرطلر درمیان ایده یلوب
شرطه رعایت ایسه بقدر الامکان اولمق فقها عندنده
مسلماتدن اولمسایله شرطه رعایت مسئلهسی تخصیص
واستثنا قبول ایدر برقاعده در بناء علی ذلک مذهب
حنفیده برطریق متوسط اتخاذا اولنه رق بیعک شرائطی

(جائز) و (مفسد) و (لغو) دیو اوچ قسمه تقسیم
اولمشدن شویله که عقد بیعک مقتضاسندن اولیوب
یاخود مقتضای عقد بیعی تأیید ایتیوبده احد طرفینه
نافع اولان شرط مفسد واکا معلق اولان بیع فاسد
اولور و برطرفه نفعی اولیان شرطله بیع صحیح
و شرط لغودر زیرا بیع و شرادن مقصد تملیک و تملک
خصوصی یعنی بلامانع و مزاحم مشتری نک مبیعه و بایعک
ثمنه مالک اولسی کیفیتدر حالبوکه برطرفه نافع اولان
شرطک اجراسنی اولطرف طالب و طرف آخراندن
هارب اوله رق منازعه یه مؤدی اوله بیلور بو صورتده
ایسه عقد بیع تمام اولماش دیمک اولور فقط عرف
وعادت منازعه یی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط
متعارف ایله بیع تجویز اولمشدن .

معاملات تجاریه بر وجه مشروح ذاتاً مستثنی
برحاله اولوب اصنافک اکثریسنده دخی برر معامله
متعارفه تقرر ایتدیکنه و عرف طاری دخی معتبر
اولدیغنه نظراً فسادی موضوع بحث اوله جق یالکز
برطاقم متفرق و متشتت الیش و یریش ایدنلرک خارج
از عرف و عادت ایتدکلی شرطلر قالوب بونلرک دخی
چندان دکری و بحث کوتورر یری اولدیغندن معاملات

عصرک تیسیری ایچون مذهب حنفینک خارجنده
اوله رق ابن شبرمه مذهبنک اختیاری مناسب کورلیوب
سائر فصللرده اولدیغی کبی باب اولک دردنجی فصللنده
دخی مذهب حنفی اوزره بیعی مفسد اولیان شرطلرک
بیانیله اکتفا اولمشدر .

الحاصل بوجله ده مذهب حنفینک خارجنده
چیقلمیوب مواد مندرجه سنک اکثری الحاله هذه
فتواخانه ده معتبر و معمول به اولدیغی جهتله بونلر
حققده بحثه لزوم کورلار فقطینه فقهای حنفیه دن
بعض فحول ائمه نك اقوال معتبره سی ناسد ارفق
و مصلحت عصره اوفق اولق حسیله اختیار اولمش
ایدوکندن بونلرک مأخذ مقبوله واسباب موجدیه سی
بروجه آتی بیان اولنور .

یوز طقسان یدنجی وایکی یوز بشنجی ماده لر
موجبجه معدومک بیعی صحیح دکادر حالبوکه
کل وانکنار کبی شکوفه و سبزه و میوه محصولات
متلاحق الورود اوله رق بعض افرادی ظهور ایتدن
دیگر بعض افرادی حصوله کلوب پکر اولدیغی
جهتله اکثریا بومثالولرک ظهور ایتش وایدجک

اولان محصولاتی طویدن اوله رق صاتلمق عرف
وعادت اولمشدر و بو مثللو محصولاتده موجوده تبعاً
معدومك دخی برابر اوله رق طویدن صاتلمسنى (امام
محمد بن حسن الشیبانی) رجة الله علیه حضرتلری
استحسانا تجویز بیورمش و (امام فضلی) و (شمس
الائمة الحلوانی) و (ابو بکر بن فضل) رجة الله
عليهم انك قوليله افتتا ايتمش اولدقلرندن وناسی
بو مثللو عرف وعادتلرندن کچـورمك قابل اوله میوب
حالبوکه معاملات ناسی فسادہ نسبتدن ایسه مهما امکان
صحتہ جل ایتک اولی اولدیغندن بو مجله ده دخی
قول محمد بالترجیح ایکی یوز یدنجی ماده ا کا موافق
اوله رق یازلمشدر .

(صبره) مسئله سنده مثلاً کـیله سی شو قدر
غروشه اولمق اوزره بر ییغین بغدادی صاتلدقده (امام
اعظم) رجة الله علیه حضرتلرینک عندنده یالکز بر کیله سی
حقنـده بیع صحیح اولور و امامین رجة الله علیهما
عندلرنده اول ییغین تماماً صاتلمش اوله رق قاچ کیله
چیقارسه ا کا کوره ثمنی ویرمك لازم کلوب معاملات
ناسی تیسیر ایتک حسیله صاحب هدایه کبی نیچه
فتها دخی بو خصوصده انلرک قولنی اختیار ایتمش

اولدقلرندن ايکي يوز يکرمنجي ماده اول منوال اوزره
تحریر قلمشدر

امام اعظم حضرتلرينك عندنده خیار شرطك
مدتی اوچ ككوندن زیاده اوله میوب امامین عندنده
ایسه هر قاچ کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه
وبو خصوصده دخی انلرك قولى حال و مصلحتده اوفق
کورلديکنه مبنی اختیار اولنهرق اوچیوزنجی مادهده
مدت مطلق اوله رق درج اولمشدر

خیار نقدده دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده
مدتك اطلاق خصوصنده (امام محمد) علیه رجة
الصمد حضرتلری منفرد ایسهده مصلحت ناسه اوفق
اولق حسیله انك قولى اختیار اولنهرق اوچیوز
اون اوچنجی مادهده دخی فلان وقتیه قدر دیو مدت
اطلاقی اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرتلرينك عندنده استصناعا
منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور
ایسهده امام ابو یوسف رجة الله علیه حضرتلرينك
عندنده مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالده

رجوع ایدمز شمدی ایسه عالمده پک چوق کارگاهلر
 یاپیلهرق بونجه طویلر وتفنکار وواپورلر مقاوله
 وسپارش ایله یاپدیریله کلوب استصناع کیفیت
 مصالح جسمه جاریه دن اولسایله مستصنعک عقد
 استصناعی فسخده مخیر اولسی نیجه مصالح جسمه یی
 اخلال ایده جکندن واستصناع خصوصی خلاف
 قیاس اولهرق عرف ناسه مبنی استحسانا مشروع
 اولان سلمه مقیس وعرفه مستند بر کیفیت اولدیغندن
 مصلحت عصره نظرا امام ابو یوسف قولنک اختیارینه
 لزوم کوریلهرک اوچیوز طقسان ایکنجی ماده اکا موافق
 اولهرق یازلمشدر

مسائل مجتهد فیهاده امام المسلمین حضرتلری
 هر قنغی قول ایله عمل اولنق اوزره امر ایدرسه
 موجبنجه عمل اولنق واجب اولدیغندن معروضات
 مبسوطه نزد حقایق وفد وکالتپناهیلرنده دخی قرین
 تصویب بیورلدیغی حالده مجله ملفوفه نک بالاسی
 خط همایون حضرت خلافتیناهی ایله توشیح
 بیورلق باینده

فی ۱۸ ذی الحجه سنه ۲۸۵ وفی ۱۰ مارت ۲۸۵

مفتش اوقاف همایون

سید خلیل

ناظر دیوان احکام عدلیه

احمد جودت

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد خلوصی

عن اعضاء

شورای دولت

سیف الدین

عن اعضاء شورای

دولت محمد

امین

عن اعضاء دیوان

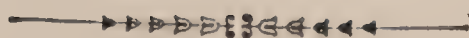
احکام عدلیه سید

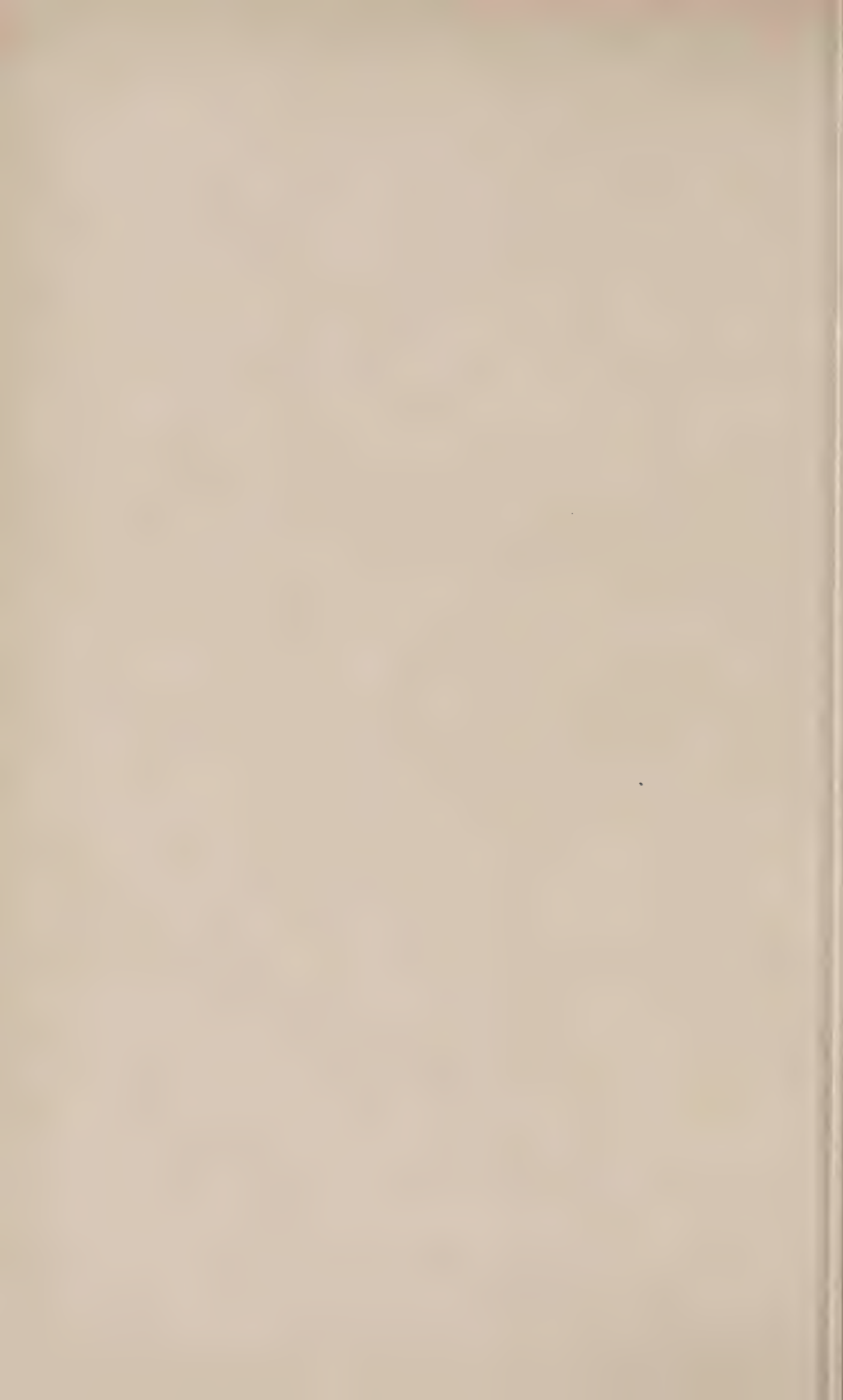
احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت

ابن عابدین زاده

علاء الدین





مَجْلَدُ حُكْمِ عِلَالِي

(بره مقدمه ايله اون التى كتابى شاملدر)

كتاب اول بيوع حقنده در

» ثانى اجارات »

» ثالث كفالت »

» رابع حواله »

» خامس رهن »

» سادس امانات »

» سابع هبه »

» ثامن غصب »

» تاسع حجر و اكراه و شفعه »

» عاشر انواع شركت »

» حادى عشر وكالت »

» ثانى عشر صلح و ابرا »

» ثالث عشر اقرار »

» رابع عشر دعوى »

» خامس عشر بينات و تحليف »

» سادس عشر قضا »

کتاب الیوت

— ✕ — اخطار ✕ —

اشبو مجله ده مندرج مسائل اساسیه سازجه بی
شرح وایضاح ضمننده ایجاب و لزومنه کوره مثال
اوله رق کتب فتاوا دن اخذ و درج اولان مسائلک
تقریقنه علامت اولمق اوزره مسائل اساسیه اشبو
بیوک و امثله و علاوات سائر دها کوچک حروفله
ترتیب و طبع ایتدرلدی .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عِلْمُ فِقْهِ

مَوْجِبِ عَمَلٍ وَادِّ

(مقدمه)

ایک مقاله فی جاوید

(مقاله اولی)

(علم فقهك تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱ ماده

علم فقه مسائل شرعیه عملیه بی بیلکدر

مسائل فقهیه یا امر آخرتہ تعلق ایدر که احکام عباداتدر
ویا خود امر دنیاہ تعلق ایدر که مناسکات و معاملات و عقوبات
قسملرینه تقسیم اولنور . شویله که جناب حق بو نظام عالمک
وقت مقدره دک بقاسنی اراده ایدوب بوایسه نوع انسانک بقاسنه
ونوعک بقاسنی تناسل و توالد ایچون ذکور و انثنک ازدواجنه

منوطدر . و برده نوعك بقایى اشخاصك عدم انقطاعیله در .
 انسان ایسه اعتدال مزاجی حسیله بقاده غذا و لباس و مسکنجه
 امور صناعیهیه محتاج اولور بودخی افرادی بینده تعاون و اشتراك
 حصولنه توقف ایدر . الحاصل انسان مدنی الطبع اولدیغندن
 سایر حیوانات کی منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت
 ایله یکدیگره معاونت و مشارکته محتاجدر . حال بو که هر شخص
 کندویه ملایم اولان شیئی طلب و مزاحم اولان شیئه غضب ایدر
 اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خالندن محفوظ قلسی ایچون
 كرك ازدواج و كرك مابه انتمدن اولان تعاون و اشتراك خصوصلرنده
 بر طاقم قوانین مؤیده شرعییهیه محتاج اولور که اولکیسی فقهك
 مناکحات قسمی وایکنجیسی معاملات قسمیدر و امر تمدنك بو منوال
 اوزره پایدار اولسی ایچون احکام جزا ترتیبی لازم کلوب بودخی
 فقهك عقوبات قسمیدر
 اشبو معاملات قسمنك کثیر الوقوع اولان مسائلی کتب
 معتبره دن جمع ایله کتابلره و کتابلر بابلره و بابلر فصللره تقسیم اولنق
 اوزره بو مجله نك تالیفنه ابتدار اولنشدر . ایشته محاکمه
 معمول به اوله جق مسائل فرعیه بروجیه آتی ابواب و فصولده
 ذکر اولنده جق مسائلدر . انجق محققین فقها مسائل
 فقیهیه بر طاقم قواعد کلیهیه ارجاع ایتشلردر که هر بری
 نیجه مسائلی محیط و مشتمل اولدق کتب فقهیهده مسلماندن
 اولق اوزره بومسائلك اثباتی ایچون دلیل اتخاذا اولنور .
 واول امرده بو قواعدك تفهیمی مسائله استیناس حاصل ایدر
 و مسائلك ذهنلرده تقرینه وسیله اولور . بناء علی ذلك طقسان
 طقوز قاعده فقهییه جمع ایله متصوده شروعیدن مقدم بروجیه
 آتی مقاله ثانیه اولق اوزره ایراد اولنور . واکرچه بونلردن

بعضیسی منفردا اخذ اولند قدده بعض مستثنیاتی بولنور ایسه ده
یکدیگری تخیص و تقیید ایتد کلرندن من حیث المجموع کلیت
وعمومیترینه خلل کلز

(مقالهٔ ثانیه)

(قواعد فقهیه بیانده در)

۲ ماده

برایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در
یعنی برایش اوزرینه ترتب ایده جک حکم اول ایشدن مقصد نه ایسه
اکا کوره اولور

۳ ماده

عقودده اعتبار مقاصد و معانی یه در الفاظ و مبانی یه
بناء علی ذلک (بیع بالوفا) ده رهن حکمی جریان ایدر

۴ ماده

شک ایله یقین زائل اولماز

۵ ماده

برشیئک بولندیغی حال اوزره قالمسی اصلدر

۶ ماده

قدیم قدیمی اوزره ترک اولنور

۷ ماده

ضرر قدیم اولماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلك برکیمسه برینک ماننی تلف ایدوبده مقدارنده اختلاف
ایتسدر سوز متلفک اولوب مال صاحبی ادعا ایتدیکی زیاده بی
اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا (شرکت مضاربه) ده کار اولوب اولدیغنده اختلاف اولنسه
عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربک اولوب صاحب سرمایده کار
اولدیغنی اثباته محتاج اولور

۱۰ ماده

برزمانده ثابت اولان شیئک خلافده دلیل اولمدیقه بقاسیله
حکم اولنور

بناء علی ذلك برزمانده برشی برکیمسده نک ملکی اولدیغنی ثابت
اولسه ملکیتی ازالد ایدن بر حال اولمدیقه ملکیتک بقاسیله حکم
اولنور

۱۱ ماده

بر امر حادثک اقرب اوقاتنه اضافتی اصلدر

یعنی حادث اولان برایشک سبب وزمان وقوعنده اختلاف اولنسه
زمان بعیده نسبتی اثبات اولمدیقه حاله اقرب اولان زمانه نسبت
اولنور

۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر

۱۳ ماده

تصریح مقابلہ سندہ دلالتہ اعتبار یو قدر

۱۴ ماده

مورد نصده اجتہادہ مساع یو قدر

۱۵ ماده

علی خلاف القیاس ثابت اولان شی سائرہ مقیس علیہ اولماز

۱۶ ماده

اجتہاد ایله اجتہاد نقض اولنماز

۱۷ ماده

مشقت تیسیری جلب ایدر

یعنی صعوبت سبب تسهیل اولور و ضارلق و قتنده وسعت کواسترلمک
لازم گلور

قرض و حواله و حجر کی یک چوق احکام فقہیہ بواسطه متفرعدر
وفقہائک احکام شرعیہ کواسترده کلری رخص و تخفیفات هب
بوقاعده دن استخراج اولنمشدر

۱۸ ماده

برایش ضیق اولدقده متسع اولور

یعنی برایشده مشقت کوریلجده رخصت و وسعت کواستریلور

۱۹ ماده

ضرر و مقابلہ بالضرر یو قدر

۲۰ ماده

ضرر ازاله اولنور

۲۱ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیلری مباح قیلر

۲۲ ماده

ضرورتلر کندو مقدار لر نجه تقدیر اولنور

۲۳

بر عذر ایچون جائز اولان شی اول عذرک زوالیله باطل
اولور

۲۴ ماده

مانع زائل اولدوقده ممنوع عودت ایدر

۲۵ ماده

بر ضرر کندو مثلیله ازاله اولنه ماز

۲۶ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور

طیب جاهلی منع ایتک بو اصلدن تفرع ایدر

۲۷ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

۲۸ ماده

یکی فساد تعارض ایتد کده اخفی ارتکاب ایله اعظمینک

بارد سنده باقیلور

۲۹ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

۳۰ ماده

دفع مفسد جلب منافعدن اولادر

۳۱ ماده

ضرر بقدر الامكان دفع اولنور

۳۲ ماده

حاجت عمومي اولسون خصوصي اولسون ضرورت
منزله سنه تنزِيل اولنور

بيع بالوفانك تجويزي بو قبيلندركه بخارا اهالي سنده بورج تكثير
ايتدكده كوريلان احتياج اوزرينه بو معامله مرعي الاجرا
اولشدر

۳۳ ماده

اضطرار غيرك حقني ابطال ايتز

بناء على ذلك برآدم آج قالوبده برينك الكمكني يسه بعده قيمتي ويرمسي
لازم كلور

۳۴ ماده

المسي ممنوع اولان شئيئك ويرمسي دخي ممنوع اولور

۳۵ ماده

ايشلمسي ممنوع اولان شئيئك استمسي دخي ممنوع اولور

۳۶ ماده

عادت محكمدر

یعنی حکم شرعی بی اثبات ایچون عرف و عادت حکم قیلنور کرک عام
و کرک خاص اولسون

۳۷ ماده

ناسک استعمالی بر حجتدرکه انسکه عمل واجب اولور

۳۸ ماده

عاده ممتنع اولان شی حقیقه ممتنع کبیدر

۳۹ ماده

ازمانک تغیر یله احکامک تغیری انکار اولنه ماز

۴۰ ماده

عادتک دلاتیلله معنای حقیقی ترک اولنور

۴۱ ماده

عادت انجق مطرد یا خود غالب اولدقده معتبر اولور

۴۲ ماده

اعتبار غالب شایعه در نادره دکادر

۴۳ ماده

عرفا معروف اولان شی شرط قلنش کبیدر

۴۴ ماده

بین التجار معروف اولان شی بیلر نده مشروط کبیدر

۴۵ ماده

عرف ایله تعیین نص ایله تعیین کبیدر

۴۶ ماده

مانع و مقتضی تعارض ایتدکده مانع تقدیم اولنور
بناء علی ذلک بر آدم بورجلیسی یدنده مرهون اولان مالنی اخره
صاته ماز

۴۷ ماده

وجودده برشیئه تابع اولان حکمده دخی اکا تابع اولور
بناء علی ذلک بر کبه حیوان صاتلدقده قارنده کی یاور یسی دخی
تبعاً صاتلش اولور

۴۸ ماده

تابع اولان شیئه آروجه حکم ویریلده من
مثلاً بر حیوانک قارنده کی یاور یسی آروجه صاتیلده من

۴۹ ماده

برشیئه مالک اولان کیمسه اول شیئک ضرور یاتندن
اولان شیئه دخی مالک اولور
مثلاً برخانه بی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان طریقه دخی
مالک اولور

۵۰ ماده

اصل ساقط اولدقده فرع دخی ساقط اولور

۵۱ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز
یعنی کیدن کیرو گلز

۵۲ ماده

بر شی باطل اولدوقده آنک ضمنده کی شی دخی باطل
اولور

۵۳ ماده

اصلک ایفاسی قابل اولمدیغی حالدده بدلی ایفا اولنور

۵۴ ماده

بالذات تجویز اولنمیان شی بالتبع تجویز اولنه بیلور
مثلا مشتری مبیعی قبض ایچون بایعی توکیل ایتسه جائز اولماز
اما اشترا ایلدیکی ذخیره یی اونچوب قوبق ایچون بایعه چوانی
ویروب اودخی ذخیره یی چواله وضع ایدیجک ضمنا وتبعاً قبض
بولنور

۵۵ ماده

ابتداء تجویز اولنمیان شی بقاء تجویز اولنه بیلور
مثلا حصه شایعه یی هبه ایتک صحیح دکلدر اما برمال موهوبک
بر حصه شایعه سنه بر مسحق چیقوبده ضبط ایتسه هبه باطل اولیوب
حصه باقیه موهوب لهک مالی اولور

۵۶ ماده

بقا ابتدادن اسهلدر

۵۷ ماده

تبرع انجق قبض ایله تمام اولور

مثلا بر آدم برینه برشی هبه ایتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

۵۸ ماده

رعیه یعنی تبعه اوزرینه تصرف مصلحته منوطدر

۵۹ ماده

ولایت خاصه ولایت عامه دن اقوادر

مثلا متولی وقفك ولايتی قاضینك ولایتدن اقوادر

۶۰ ماده

کلامك اعمالی اهمالندن اولادر

یعنی بر کلامك بر معنایه حلی ممکن اولدجه اهمال یعنی معناسز اعتبار اولناملیدر

۶۱ ماده

معنای حقیقی متعذر اولدقده مجازه کیدیلور

۶۲ ماده

بر کلامك اعمالی ممکن اولماز ایسه اهمال اولنور

یعنی بر کلامك حقیقی و مجازی بر معنایه حلی ممکن اولماز ایسه اولخالده مهمل یعنی معناسز براغیلور

۶۳ ماده

متجزی اولیان بر شیئك بعضنی ذکر ایتك کلنی ذکر

کبیدر

۶۴ ماده

مطلق اطلاق اوزره جاری اولور . اکر نص یا خود

دلالة تقیید دلیلی بولماز ایسه

۶۵ ماده

حاضرده کی وصف لغو و غائبده کی وصف معتبردر

مثلا بایع مجلس بیعه حاضر اولان بر قیر آتی صاته جق اولدیغی

حالده شو يا غز آتی شو قدر بيك غروشه صاندم ديسه ايجابی معتبر
اولوب يا غز تعبيری لغو اولور اما ميدانده اولميان بر قير آتی يا غز ديو
صانسه وصف معتبر اولمغله بيع منعقد اولماز
۶۶ ماده

سؤال جوابده اعاده اولنمش عد اولنور
يعنی تصديق اولنان بر سؤالده نه دينلش ايسه مجيب انی سويلش
حکمنده در

۶۷ ماده
سا کته برسوز اسناد اولنماز . لکن معرض حاجتده
سکوت بياندر

يعنی سکوت ايدن کيمسه يه شو سوزی سويلش اولدی دينلر لکن
سويليه جک یرده سکوت ايتمی اقرار و بيان عد اولنور
۶۸ ماده

بر شيئک امور باطنده ده دليلی اول شيئک مقامنه قائم اولور
يعنی حقیقه نه اطلاع متعسر اولان امور باطنده ده دليل ظاهر یسی
ایله حکم اولنور

۶۹ ماده

X مکاتبه مخاطبه کبیدر

۷۰ ماده

دلسترک اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کبیدر

۷۱ ماده

X ترجمانک قولى هر خصوصده قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر ✕

۷۳ ماده

سندہ مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر ✕

مثلاً برکیمسه ورثه سندن برینه شوقدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار
ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موتده اینسه دیگر ورثه تصدیق
ایتمکده بواقاراری حجت دکلدر زیرا دیگر ورثه دن مال قاجر مق
احتمالی مرض موتہ مستنددر اما حال صحته اینسه اقرار ی معتبر
اولور واول حالده اولان احتمال مجرد برنوع توهم اولدیغندن
اقرارک حجیتنه مانع اولماز

۷۴ ماده

توهمه اعتبار یوقدر ✕

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبدر ✕

۷۶ ماده

بینہ مدعی ایچون ویمین منکر اوزرینه در ✕

۷۷ ماده

بینہ خلاف ظاهری اثبات ایچون ویمین اصلی ابقا ✕
ایچوندر

۷۸ ماده

بینہ حجت متعدیه و اقرار حجت قاصرددر ✕

۷۹ ماده

کشی اقرار یله مؤ اخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لکن متناقضک علیهنه اولان

حکمه خلل کلز

مثلا شاهدلر شهادتلرندن رجوع ایله تناقض ایتدکلرنده
شهادتلی حجت اولماز لکن اولکی شهادتلی اوزرینه قاضی حکم
ایتمش ایسه بوحکم دخی بوزیله میوب محکوم بهی شاهدلرک تضمین
ایتمسی لازم کلور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولدیغی حالده فرعک ثابت اولدیغی واردر
مثلا برکیمسه فلانک فلانده شوقدر، غروش دینی واردر بن دخی
اکا کفیم دیسه واصیلک انکاری اوزرینه دائن ادعا ایتمسه
مبلغ مزبوری کفیلک ویرمسی لازم کلورم

۸۲ ماده

شرطک ثبوتی عندنده اکامعلق اولان شیئک ثبوتی لازم
اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنمق لازم کلور

۸۴ ماده

وعدلر صورت تعلیق اکتسا ایله لازم اولور

مثلا سن بومالی فلان آدمه صات اکر اچقه سنی ویرمز ایسه
بن ویریرم دیسه بومالی الان اچقه دی ویرمه بووعدی ایدن
کیمسه نک اچقه دی ویرمی لازم کلوز

۸۵ ماده

برشیئک نفعی ضمانی مقابله سنده در

یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه عائد ایسه انک
ضمنده دیمک اولوب اول کیمسه نک بو وجهله ضمانی اول شی
ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلا خیار عیب ایله رد اولنان بر حیوانی مشتری قولنامه
اولسندن طولای بایع اجرت الدماز زیرا قبل الرد تلف اولیدی
خساری مشتری به عائد اوله جق ایدی

۸۶ ماده

اجرت ایله ضمان مجتمع اولماز

۸۷ ماده

مضرت منفعت مقابله سنده در

یعنی برشیئک منفعتنه نائل اولان انک مضرتنه متحمل اولور

۸۸ ماده

کلفت نعمته و نعمت کلفته کورده در

۸۹ ماده

بر فعالک حکمی فاعلنه مضاف قلمور • و مجبر اولمده
آمرینه مضاف قلمماز

۹۰ ماده

مباشر یعنی بالذات فاعل ایله متسبب مجتمع اولدوقده
حکم اول فاعله مضاف قلنور

مثلا برینک طریق عامده قازمش اولدیغی قوییه دیگر برینک
حیوانی القا ایله اتلاف اینسه اوضامن اولوب قوییه حقر ایدن
کیمسه یه ضمان لازم کلز

۹۱ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور

مثلا بر آدمک کندو ملککنده قازمش اولدیغی قوییه برینک
حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کلز

۹۲ ماده

مباشر متعمد اولسه ده ضامن اولور

۹۳ ماده

متسبب متعمد اولدیجه ضامن اولماز

۹۴ ماده

حیواناتک کندو لکندن اوله رق جنایت و مضرتی
هدر در

۹۵ ماده

غیرک ملککنده تصرفله امر ایتک باطلدر

۹۶ ماده

برکسنه نك ملککنده انک اذنی اولقسزین آخر برکیمسه نك
تصرف ایتسی جائز دکلدز

۹۷ ماده

بلا سبب مشروح برینک مالنی بر کیمسدهنک اخذ ایللی
جائز اولماز

۹۸ ماده

برشیده سبب تملکک تبدلی اول شیئک تبدلی مقامنه
قائمدر

۹۹ ماده

کیمکه برشیء وقتندن اول استعجال ایلر ایسه محرومیتله
معاتب اولور

۱۰۰ ماده

هر کیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیئی نقض ایتمکده سعی
ایدر ایسه سعی مردود در

— کتاب اول —

(بیوع حقنده اولوب بر مقدمه ایله یدی)
(بابیه منقسمدر)

مقدمه

(بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه بیانندهدر)

۱۰۱ ماده

ایجاب . انشای تصرف ایچون ابتدا سویلنیلان
سوزدرکه تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول . انشای تصرف ایچون ثانیاً سویلنیلان سوزدرکه
انکله عقد تمام اولور

۱۰۳ ماده

عقد . طرفینک بر خصوصی التزام و تعهد ایتلریدرکه
ایجاب و قبولک ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد . ایجاب و قبولک متعلقنده اثری ظاهر اوله جق
وجهله یکدیگره بروجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع . مالی ماله دکشمکدرکه منعقد یاخود غیر منعقد اولور

۱۰۶ ماده

بیع منعقد • انعقاد بولان بیع دیمك اوله رق صحیح
وفاسد و نافذ و موقوفه تقسیم اولنور

۱۰۷ ماده

بیع غیر منعقد • بیع باطلدر

۱۰۸ ماده

بیع صحیح • یعنی بیع جائز ذاتاً و وصفا مشروع اولان
بیعدر

۱۰۹ ماده

بیع فاسد • اصلاً صحیح اولوبده و صفا صحیح اولمیان
یعنی ذاتاً منعقد اولوبده بعض اوصاف خارجییه سی
اعتباریله مشروع اولمیان بیعدر (باب سابعه باق)

۱۱۰ ماده

بیع باطل • اصلاً صحیح اولمیان بیعدر

۱۱۱ ماده

بیع موقوف • غیر ك حقی تعلق ایدن بیعدر بیع فضولی کی

۱۱۲ ماده

فضولی • بغیر اذن شرعی دیگر بر کیمسه نك حقنده
تصرف ایدن کیمسه در

۱۱۳ ماده

بیع نافذ • غیر ك حقی تعلق ایتیمان بیعدر که لازم و غیر

لازم قسملرینه منقسم اولور

۱۱۴ ماده

بیع لازم • خیاراتدن عاری اولان بیع نافذدر

۱۱۵ ماده

بیع غیر لازم • کندوسنده خیاراتدن بریسی بولسان
بیع نافذدر

۱۱۶ ماده

خیار • مخیر لک دیمکدر تکیم باب مخصوصنده بیان
اولنده بقدر

۱۱۷ ماده

بیع بات • بیع قطعی دیمکدر

۱۱۸ ماده

بیع الوفا • بر کیمسه بر مالی آخره ثمنی رد ایتد کده کیر و
ویرمک اوزره شوقدر غروشه صاتمقدر که مشتری مبیع
ایله انتفاع ایلسنه نئرا بیع جائز حکمنده و طرفین بونی
فسخده مقتدر اولدقلری جهته بیع فاسد حکمنده و مشتری
مبیعی آخره صاتممدیغی جهته رهن حکمندهدر

۱۱۹ ماده

بیع بالاستغلال • بایع برمانی استیجار ایتک اوزره وفاء بیع
ایتمکدر

۱۲۰ ماده

بیع . مبيع اعتباریله دخی درت قسمه تقسیم اولنور
قسم اول . ثمن مقابله سنده دیکره مالی صاتمقدر که بیوعک
الک مشهوری بو اولدیغندن بوکا (بیع) تسمیه اولنور
قسم ثانی صرف و قسم ثالث بیع مقایضه و قسم رابع سلمدر

۱۲۱ ماده

صرف . نقدی نقده بیع ایتمکدر که ترکیه آچه بوزمق
تعبیر اولنور

۱۲۲ ماده

بیع مقایضه . عینی عینه یعنی غیر از نقدین مالی ماله مبادله
ایتمکدر که لسان ترکیده طرانیه دینلور

۱۲۳ ماده

سلم . مؤجلی معجله صاتمق یعنی پشین پاره ایله ویردیییه
مال المقدر

۱۲۴ ماده

استصناع . برشی یا یاق اوزره اهل صنعت ایله عقد مقاوله
ایتمکدر که یاپانه (صانع) ویایدیرانه (مستصنع)
ویاپیلان شیئه (مصنوع) دینلور

۱۲۵ ماده

ملاک . انسانک ملاک اولدیغنی شیدر کرک اعیان اولسون
و کرک منافع اولسون

۱۲۶ ماده

مال • طبع انسانی مائل اولوبده وقت حاجت ایچون
ادخار اولنه بیلان شیدرکه منقوله و غیر منقوله شامل
اولور

۱۲۷ ماده

مال متقوم • ایکی معنایه استعمال اولنور • بری
انتفاعی مباح اولان شیدر • دیکری مال محرز دیمکدر
مثلا دکزده ایکن بالق غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله احراز
اولندقه مال متقوم اولور

۱۲۸ ماده

منقول • بر محلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیدرکه نقود
و عروضه و حیوانات و مکیلات و موزوناته شامل اولور

۱۲۹ ماده

غیر منقول • عمار دنیلان خانه و اراضی مثللو محل
آخره نقلی ممکن اولمیان شیدر

۱۳۰ ماده

نقود • نقدك جمعی اولوب التون و کموشدن عبارتدر

۱۳۱ ماده

عروض • عرضك جمعی اولوب نقود و حیواناتدن
و مکیلات و موزوناتدن بشقه اولان متاع و قش امشالی
شیلردر

۱۳۲ ماده

مقدرات • کیل یا وزن یا صای یا ذراع ایله مقدری
تعیین اولنان شیر اولوب مکیلات و موزونات و عددیات
و مذروعاته شامل اولور

۱۳۳ ماده

کیلی و مکیل • کیل ایله اولچیلان شی

۱۳۴ ماده

وزنی و موزون • طارتیلان شی

۱۳۵ ماده

عددی و معدود • صاییلان شی

۱۳۶ ماده

ذرعی و مذروع • ارشون ایله اولچیلان شی

۱۳۷ ماده

محدود • حدود و سنورلری قابل تعیین اولان عقار

۱۳۸ ماده

مشاع • حصص شایعه بی حاوی اولان شی

۱۳۹ ماده

حصه شایعه • مال مشترک هر جزئه ساری و شامل اولان سیدر

۱۴۰ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی بیننده غرضجه

تفاوت فاحش اولمیان شیر

۱۴۱- ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر

۱۴۲- ماده

حق مرور • آخرک ملکندن یکمک حقیدر

۱۴۳- ماده

حق شرب • برنهردن نصیب معین معلومدر

۱۴۴- ماده

حق مسیل • برخانهك خارجہ صوی و سیلی آقق

وطمهلوق حقیدر

۱۴۵- ماده

مثلی • چارشو و بازارده معتدبه یعنی بهانك اختلافنی

موجب برتفاوتسز مثلی بولنان شیدر

۱۴۶- ماده

قیمی • چارشو و بازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنورسدهده

فیأئجه متفاوت اولان شیدر

۱۴۷- ماده

عددیات متقاربه • آحاد وافرادی بیننده قیمتیجه تفاوت

اولمیان معدوداتدرکه هب مثلیاتنددر

۱۴۸- ماده

عددیات متفاوتہ • آحاد وافرادی بیننده قیمتیجه تفاوت

بولنان معدوداتدرکه هب قیمیاتدن معدود اولور

۱۴۹ ماده

رکن البیع . یعنی مبیعک ماهیتی مالی ماله دکشمکدن عبارت اولوب آنجق بوکا دلالت ایتک حسبیه ایجاب و قبوله دخی (رکن بیع) اطلاق اولنور

۱۵۰ ماده

محل البیع . مبیعدن عبارتدر

۱۵۱ ماده

مبیع . صاتیلان شی که بیعده تعین ایدن عیندر و بیعدن مقصود اصلی اودر

زیرا انتفاع انجق اعیان ایله اولوب ثمن مبادله امواله وسیلهدر

۱۵۲ ماده

ثمن . صاتیلان شیئک بهاسیدر که ذمته تعلق ایدن شیدر

۱۵۳ ماده

ثمن مسمی . طرفینک بالتراضی تسمیه و تعین ایتدکری

ثمندر کرک قیمت حقیقیه مطابق اولسون و کرک ناقص

یازاند اولسون

۱۵۴ ماده

قیمت . بر مالک بهای حقیقیسیدر

۱۵۵ ماده

ثمن . ثمن مقابلنده صاتیش شی

۱۵۶ ماده

تأجيل . دینی بروقت معینه تعلیق و تأخیر ایتکدر

۱۵۷ ماده

تقسیت . دینی متعدد و معین و قتلرده تأدیہ ایتک اوزره
تأجیلدر

۱۵۸ ماده

دین . ذمته ثابت اولان شیدر
مثلا برکیمسه نک ذمته شوقدر غروش بورجی و میدانده موجود
اولیان شوقدر غروش و میدانده موجود اولان ایچه نک یاخود
بریغین بغدادیک قبل الافراز بر مقدار معینی هب دین
قیلنددر

۱۵۹ ماده

عین . معین و مشخص اولان شیدر
مثلا برخانه و برآت و برصندالیه و میدانده موجود بریغین بغدادی
و بر مقدار ایچه هب اعیانددر

۱۶۰ ماده

بایع . مال صاتان

۱۶۱ ماده

مشتري . صاتون الان

۱۶۲ ماده

متبایعان . بایع ایله مشتریدر که (عاقدین) دخی
دینور

۱۶۳ ماده

اقاله . عقد بيعی رفع وازاله ایتکدر

۱۶۴ ماده

تغیریر . الدائمق

۱۶۵ ماده

غبین فاحش . عروضده نصف عشر و حیواناتده عشر

وعقارده خمس مقداری و یادهاز یاده الدائمقدر

۱۶۶ ماده

قدیم . اولدرکه اولنی بیلور کسنه اولیه

(شرح)

عروض کدهسی عقار و حیوانات و مکیلات و موزوناته مقابل اولهرق

استعمال اولنور ایسدهده بعضاً دخی یالکز حیوان و عقاره مقابل

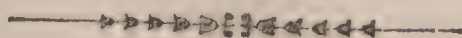
اولهرق استعمال اولنور

مجله نك یوز التمش بشجی ماده سنده مکیلات و موزونات مذکور

اولدیغندن عروض بوراده مکیلات و موزوناته شامل اولور مجله

جمعیتنده بو وجهله مطالعه اولنمشدر

(جودت)



(باب اول)

(عقد بیعه متعلق مسائل بیاننده اولوب بش فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن بیع حقنندهدر)

۱۶۷ ماده

ایجاب و قبول ایله بیع منعقد اولور

۱۶۸ ماده

بیعه ایجاب و قبول عرف و عادت بلده ده انشای بیع
ایچون مستعمل اولان لفظلر در که بونئرله یازارلق کسیلوب
لسانمزده خیرلشمق تعبیر اولنور

۱۶۹ ماده

ایجاب و قبول ایچون اکثریا ماضی صیغه سی استعمال
اولنور

مثلا بايع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتم و مشتری دخی
الدم و یاخود مشتری الدم و بعده بايع صاتم دیسه بیع منعقد
اولوب اولکی صورتده (صاتم) لفظی ایجاب و (الدم) لفظی
قبول وایکنجی صورتده الدم لفظی ایجاب و صاتم لفظی قبولدر
وکذا بايع صاتم یرنده ویردم و یاخود تملیک ایتدم دیوب مشتری
دخی الدم یرنده راضی اولدم و یاخود قبول ایلدم دیسه بیع منعقد
اولور

۱۷۰ ماده

الورم وصاتارم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد اول نور سه
بیع منعقد اولور واکراستقبال مراد اول نور سه منعقد اولماز

۱۷۱ ماده

اله جغم صاته جغم کبی وعد مجرد معناسنه اولان مستقبل
صیغه سیله بیع منعقد اولماز

۱۷۲ ماده

صات وصاتون ال کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد
اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر
ایله دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شومالی بکا شوقدر غروشه صات دیوب بایع دخی
صاتم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بومالی شوقدر غروشه
ال دیوب مشتری دخی الدم دیسه یاخود مشتری الدم دیوب بایع
دخی ال ویاخود وار خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور
زیرا بومقامده ال ویاخود وار خیرینی کور تعبیرلری ایشته صاتم
ال دیمکدر

۱۷۳ ماده

ایجاب وقبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور
۱۷۴ ماده

دلسزك اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور

۱۷۵ ماده

ایجاب وقبولدن مقصد اصلی که تراضی طرفیندر بوکا

دلالت ایدن مبادله فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور .
وبوکا (بیع تعاطی) دینلور

مثلا بازار لقسنز ولا قدیسز مشتری اچقی ووروب اتمکچی دخی
اکا اتمکی ویرسه بیع منعقد اولور
وکذا مشتری اچقی ووروب قارپوزی السه وایع سکوت ایتسه
ینه بیع منعقد اولور

وکذلك مشتری بغدادی المق ایچون بغدایچی به بش التون ووروب
وشو بغدایی قاچه صاتیورسین دیوب اودخی کیلهسی بر التونه
دیسی اوزرینه مشتری سکوت ایتدکدنصره بغدایی استدیکنده
بایع یارین ویریرم دیسه وینلرنده ایجاب وقبول جریان ایتسه بیع
ینه منعقد اولور . حتی فرداسی بغدایک کیلهسی بر یحق التونه
چیقسه بایع ینه بر التون فی ایله ویرمهک مجبور اولور .
وبالعکس بغدایک بهاسی تنزل ایتسه مشتری بوندن طولایی اولکی
فی ایله المقدن امتناع ایده مز

کذلك مشتری بولمک شوراسندن بکاشوقدر غروشلق طارت دیسی
اوزرینه قصاب دخی کسوب طارتسه بیع منعقد اولوب مشتری
المقدن امتناع ایده مز

۱۷۶ ماده

بعد العقد ثمنک تبدیلی ویاخود تزید ویا تنزیلی ایله تکرار
پازارلق اولندقده عقد ثانی معتبردر

مثلا بر مالک یوز غروشه پازارلغی کسلدکدن صکره بر یوزلک التونه
یاخود یوز اون ویا طقسان غروشه تکرار پازارلق اولندقده عقد
ثانی معتبردر

(فصل ثانی)

(قبولك ايجابه موافق اولسنگ لزوهی بیاندهدر)

۱۷۷ ماده

ماقدیندن بری هر نه ایله نه یی ايجاب ایدرسه دیکری دخی
بعینها انکله انی قبول ایتک لازمدر . یوقسه ثمنی
یاخود ثمنی تبعض و تفریق ایتکه صلاحیتی یوقدر

مثلا بایع مشتری به شوقاشی سکا یوز غروشه صاتم دیدکده مشتری
اولوجهله قبول ایدرسه تمام اوقاشی یوز غروشه الور . یوقسه
اول قاشی یاخود نصفی الی غروشه قبوللانه من

و کذا شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم دیدکده مشتری
قبول ایدرسه ایکسینی اوچ بیک غروشه الور اما ایکسیندن برینی
بیک بشیوز غروشه الدماز

۱۷۸ ماده

قبولك ايجابه ضمنا موافقتی کافیدر

مثلا بایع شومالی سکا بیک غروشه صاتم دیوب مشتری دخی بیک
بشیوز غروشه الدم دیسه بیع بیک غروش اوزرینه منعقد اولور .
الحق اول مجلسده بایع اول زیاده یی قبول ایدرسه مشتری طرفندن
زیاده قلغش اولان بشیوز غروشک دخی اعطاسی لازم کلور .
و کذا مشتری شومالی بیک غروشه الدم دیوب بایع دخی سکز یوز
غروشه و یردم دیسه بیع منعقد اولوب ایکوزک حط و تنزیلی
لازم کلور

۱۷۹ ماده

متبايعاندين برى متعدد شيلرك بهالرينى تفصيل ايتسه بيله
صفقه واحده ايله يعنى طوپدن اوله رق بيعى ايجاب
ايتدكده ديكرى دخى اولوجهله قبول ايدرك مجموع
ثمن ايله مجموع مبيعى اله بيلور

يوقسه صفقه يى تفريق ايدرك ايچندن ديلديكىنى ذكر
اولنان بهاسيله قبول ايدوب المقده مخير دكلدر

مثلا بايع شو ايكي حيوانى اوچ بيك غروشه صاتم شو بيك
غروشه وبو ايكي بيك غروشه وياخود هر برى بيك بشر يوز
غروشه در ديسه مشترى ايكي سنى اوچ بيك غروشه اله بيلور *

يوقسه ايكي سندن ديلديكىنى ذكر اولنان بهاسيله اله من
وكذا بايع شو اوچ طوپ قاشى يوزر غروشه صاتم ديوب مشترى
دخى برطوپنى يوز غروشه ياخود ايكي طوپنى ايكيوز غروشه قبول
ايتدم ديسه بيع منعقد اولماز

۱۸۰ ماده

متبايعاندين برى متعدد شيلرك بهالرينى تفصيل و بشقه
بشقه بيعى ايجاب ايتديكى صورتده ديكرى ديلديكىنى ثمن
مماسيله قبول ايتسه بيع منعقد اولور

مثلا بايع متعدد مبيعك بهالرينى تفصيل و تعيين ايله برابر صاتم
لفظنى دخى تكرار ايدرك شونى بيك غروشه صاتم وبونى ايكي
بيك غروشه صاتم ديرسه اول حالحه مشترى ايكي سندن برينى معين
اولان بهاسيله قبول ايدوب اله بيلور

(فصل ثالث)

(مجلس بیع حقننده در)

۱۸۱ ماده

مجلس بیع بازارلق ایچون اولنان اجتماعدر

۱۸۲ ماده

مجلس بیعده بعد الایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین
مخیردر

مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعده بومالی شوقدر غروشه صاتم
یاخود الدم دیو بیعی ایجاب ایلسه دیکری درعقب الدم یاخود
صاتم دیمیوبده برمدت اره سی کچدکدن صکره ینه اول مجلسده
قبول ایتسه بیع منعقد اولوب هر نقدر مجلس اوزون اوزادی یه
سورمش وایجاب وقبولک اره سی خیلی اوزامش اولسه ده
ضرر ویرمز

۱۸۳ ماده

بعد الایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت
ایدر برقول یاخود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل
اولوب قبوله محل قالماز

مثلا متبایعاندن بری صاتم یاخود الدم دیدکدن صکره ایکیسندن
بررسی بشقه برایشله یاخود بر دیگر بحث ومذاکره ایله مشغول
اولسه ایجاب باطل اولوب اندن صکره قبول ایله بیع منعقد
اولماز

۱۸۴ ماده

متبايعانندن برى بيعى ايجاب ايدوب انجق ديكر ينك قبولندن
اول رجوع ايتسه ايجاب باطل اولوب اندن صكره قبول
ايله بيع منعقد اولماز

مثلا بايع بومتاعى شوقدر غروشه صاتدم ديوبده مشتري قبول
ايتدم ديمدين رجوع ايتسه مشتري ينك صكره دن قبول ايتدم ديميله
بيع منعقد اولماز

۱۸۵ ماده

قبل القبول ايجابك تكرارى ايجاب اولى ابطال ايدوب
ايجاب ثانى يه اعتبار اولنور

مثلا بايع بومالى يوز غروشه صاتدم ديدكدن صكره هنوز مشتري
قبول ايتدم ديمدين دونوب يوز يكرمى غروشه صاتدم ديسه ومشتري
قبول ايتسه ايجاب اوله اعتبار اوليوب بيع يوز يكرمى غروش
اوزرينه منعقد اولور

(فصل رابع)

(شرطله بيع حقهنده در)

۱۸۶ ماده

عقد بيعك مقتضاسندن اولان شرطله بيع صحيح و شرط
معتبر اولور

مثلا بايع قبض ثمن ايدنجيكدن مبيعى حبس ايتك شرطيله صاندقده
بو شرط بيع ضرر ويرميوب بلكه مقتضاي عقدى بياندر

۱۸۷ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر در

مثلا فلان شیئی ترهین ایتمک یا خود شو آدمی کفیل و یرمک شرطیه
برشی صاتمق صحیح و شرط معتبر در • حتی مشتری بوش شرطله
رعایت ایتمز ایسه بایع بیعی فسخ ایده بیلور • زیرا بوش شرطله
مقتضای عقد اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

۱۸۸ ماده

متعارف یعنی عرف و عادت بلده ده جاری اولان شرطله
بیع دخی صحیح و شرط معتبر در

مثلا کورکی قاپلامق و کلیدی یرینه میخلامق و یرتق البسیدی
یامه مق شرطیه صاتمق صحیح اولوب بوش شرطله دخی بایع رعایت
ایتمسی لازم کلور

۱۸۹ ماده

احد عاقدینه نفعی اولیان شرطله بیع صحیح اولوب
انجق شرط فاسد در

مثلا آخره صاتمق یا خود مرعایه صالحو یرمک شرطیه بر حیوانی
صاتمق صحیح اولوب فقط شرط لغود در

(فصل خامس)

(اقاله بیع حقننده در)

۱۹۰ ماده

عاقدین بعد العقد رضایله بیعی اقاله ایده بیلور لر

۱۹۱ ماده

بيع کبی (اقاله) دخی ایجاب و قبول ایله اولور
مثلا عاقدیندن بری بیعی اقاله یاخود فسخ ایتدم و دیگری قبول ایتدم
دیسسه و یاخود بری بیعی اقاله ایت و دیگری ایتدم دیسه اقاله صحیح
یعنی بیع منفسخ اولور

۱۹۲ ماده

ایجاب و قبول مقامنه قائم اولان تعاطی صورتیه دخی اقاله
صحیح اولور

۱۹۳ ماده

بيع کبی اقاله ده دخی اتحاد مجلس لازمدر
یعنی مجلس ایجابده قبول بولنق لازم کلوب یوقسه عاقدیندن بری
بیعی اقاله ایتدم دیوبده دیگری اول مجلسده قبول ایتدین مجلس
بوزلسه یاخود احد طرفیندن اعراضه دلالت ایدر برشی صادر اولسه
بعده دیگرینک قبولی مفید اولماز

۱۹۴ ماده

حین اقاله ده مبيع مشتری یدنده قائم و موجود اولق
شرطدر

بناء علیه مبيع تلف اولمش ایسه اقاله صحیح اولماز

۱۹۵ ماده

مبيعك بعضیسی تلف اولسه باقیسنده اقاله جائزدر
مثلا بايع اکینیه برابر ملکی اولان ارضی صا تو بده مشتری ا کینی
یچدکن صکره اقاله ایلسدلر ارضده ثمندن حصه سیله اقاله صحیح اولور

۱۹۶ ماده

ثمنك تلف اولسى اقاله نك صحته مانع دكلدر

(باب ثانى)

(مبيعہ متعلق مسائل بيانده اولوب درت فصلہ منقسمدر)

(فصل اول)

(مبيعك شروط و اوصافى حقندهدر)

۱۹۷ ماده

مبيعك موجود اولسى لازمدر

۱۹۸ ماده

مبيعك تسليمى ممكن و مقدور اولق لازمدر

۱۹۹ ماده

مبيعك مال متقوم اولسى لازمدر

۲۰۰ ماده

مبيع مشتري نك معلومى اولق لازمدر

۲۰۱ ماده

مبيعك معلوميتى سائرندن تميز ايدجك حال و وصفنى

بيان ايله حاصل اولور

مثلا شوقدر كيله قزله بغدادى ♦ ياخود فلان و فلان حدود ايله

محدود اولان عرصه ديو صائلسه مبيع معلوم و بيع صحيح اولور

۲۰۲ ماده

مبيع مجلس بعهده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر
مثلا بايع شو حيواني صاتم ديوب مشتری دخی کوره رك قبول ايديجك
بيع صحيح اولور.

۲۰۳ ماده

مبيعك مشتری عندنده معلوم اولسي کافی اولوب بشقه
صورتله تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

۲۰۴ ماده

مبيع عقدده کی تعيين ايله تعين ايدر
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعين ايدرك شوساعتي صاتم ديوب
مشتری دخی قبول ايتدکده باييك اول ساعتي عينا ويرمسي لازم
کلور ۰ يوقسه اني اليقويوبده يرينه اول جنسدن ديگر بر ساعت
ويره مز

(فصل ثانی)

(بيعی جائز اولوب اولميان شيلر بياننده در)

۲۰۵ ماده

معدومك بيعی باطلدر
مثلا بر اغاجك هينج بلور ماش اولان ميوه سنی صاتمق باطلدر

۲۰۶ ماده

كاملا بلور مش اولان ميوي اكه صالح اولسون اولسون
اغاجی اوزرنده ايكن صاتمق صحيحدر

۲۰۷ ماده

افرادی متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتیموبده
رفته رفتد ظهور ایدد کلان میوه و شکوفه و پیراق
و سبزه نك بر مقداری بلورمش اولدیغی حالده انلره
تبعاً انلره برابر هنوز بلورمامش اولنلری دخی طوپدن
صاتمق صحیح اولور

۲۰۸ ماده

جنسی بیان اولنهرق صاتیلان شی بشقه جنسدن
چیقسه بیع باطل اولور
مثلاً بایع صرچه یی الماس دیو صاتسه باطلدر

۲۰۹ ماده

تسلیمی ممکن و مقدور اولمیان شیئی صاتمق باطلدر
مثلاً دریایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغك و طوتوبده تسلیمی
ممکن اولمیان برفراری حیوانك بیعی باطلدر

۲۱۰ ماده

بین الناس مال اولمیان شیئی صاتمق یاخود انکله بر مال
صاتون المق باطلدر

مثلاً لاشه یی و حر اولان بنی آدمی صاتمق و یاخود انلرك مقابلنده
برمال اشترا ایتك باطلدر

۲۱۱ ماده

مقوم اولمیان مالی صاتمق باطلدر

۲۱۲ ماده

متمقوم اولمیان مال ايله بر مال صاتون المق فاسددر

۲۱۳ ماده

مجهولك بيعی فاسددر

مثلا بايع مشترى به مالك اولديغ كافة اشياى سكا شو قدر غروشه
صا تدم ديوب مشترى دخی الدم ديسه ولكن اشيا مشترينك
معلومی اولسه بيع فاسد اولور

۲۱۴ ماده

بر ملك عقارك قبل الافراز بر حصه معلومه شایعه سنی
مثلا نصفنى ياتلثنى ياخود عشرينى صاتمق صحیحدر

۲۱۵ ماده

بر كيمسه حصه شایعه سنی شریكندن اذن المقسرين آخره
صاته بیلور

۲۱۶ ماده

ارضه تبعاً حق مرورك وحق شريك وحق مسيلك
وقنواته تبعاً صويك بيعی جائزدر

(فصل ثالث)

(مبيعك کیفیت بيعنه متعلق مواد بیاننده در)

۲۱۷ ماده

مكيلات و موزونات و عددیات و مذروعاتك كيل و وزن

وصایى و ذراع ايله بيعى صحیح اولدیغی کبی جزافا
صاتمق دخی صحیحدر

مثلا بايع بريغين بغدادی و برطام صمانی و بريغين طوغله یی
و بردنک متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

۲۱۸ ماده

حبوباتی برمعین قاب و اولچک ايله اولچوب و یاخود
برمعین طاش ايله طارتوب صاتسه هر نقدر اول قاب
و اولچکک نه مقدار ایدوکی و طاشک قاچ قیه و درهم
اولدیغی معلوم دکلسده بيع صحیح اولور

۲۱۹ ماده

منفردا صاتمسی جائز اولان شیئک مبیعدن استثناسی
دخی جائز اولور

مثلا بايع براغاجک میوه سندن شوقدر قیه سی کندوسنه قالمق
اوزره باقیسنی صاتسه صحیح اولور

۲۲۰ ماده

مقدراتک یالکز افراد و اقسامنه بها تقدیر ایدرک طوپدن
صاتمق صحیح اولور

مثلا بريغين بغدادی ورقایق اودونی و برسوری قویونی و بر
پاستال چوقدی کیله سی یاچکیسی یا قیدسی و یا هر رأس یاخود
هر ذاعی شوقدر غروشه اولق اوزره صاتمق صحیح اولور

۲۲۱ ماده

محدود اولان عقارات ذراع و دونم ايله صاتلدیغی کبی

تعیین حدود ایله دخی صاتیلور

۲۲۲ ماده

عقد بیع نه مقدار اوزرینه واقع اولور ایسه انجق اکا
اعتبار اولنور

۲۲۳ ماده

مکیلات و عددیات مقار به ایله تبعیضنده ضرر اولیان
موزوناتدن بر مجموعك مقداری بیان اولنهرق صاتلدقده
کرکسه یالکز اول مجموعك ثمنی ذکر اولنسون کرک
کیله سنک یا عدد و وزنک بهاسی بیان و تفصیل اولنسون
بیع صحیح اولور

فقط لدی التسیم تمام چیقارسه بیع لازم اولور .
و ناقص چیقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی
فسخ ایدر . و دیلرسه ظهور ایدن مقداری ثمندن
حصه سیله الور . و زائد چیقارسه زیاده سی
بایعکدر

مثلا بایع بریغین بغدادی طویدن اولدق الی کیله اولق اوزره
بشیوز غروشه یاخود الی کیله اولق اوزره هرکیله سنی اوزر
غروشه صاتلدقده تمام کلورسه بیع لازم اولور و قرق بش کیله
چیقارسه مشتری مخیر اولوب استرسه بیعی فسخ ایدر استرسه
قرق بش کیله یی درتیوز الی غروشه الور والی بش کیله چیقارسه
فضله سی اولان بش کیله بایعکدر

و کذا برکوفه یورطه یوز عدددر دیو الی غروشه یاخود یوز
عدد دیو دانه سی یکر میشر پاره یه صاتلدقده عند التسلیم طقسان

عدد چيقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر دیلرسه
طقسان یورطدی قرق بش غروشه الور واکر یوز اون عدد
چيقارسه فضله سی اولان اون یورطه بایعکدر
کذلک برفوچی یاغ یوز قیه اولق اوزره صاتلده حکمی منوال
مشروح اوزره در

۲۲۴ ماده

تبعیضنده ضرر اولان موزاناتدن بر مجموعک مقداری بیان
ویالکز اول مجموعک بهاسی ذکر اولنه رق صاتلده قدی التسلیم
ناقص چيقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر
ودیلرسه چیقان مقداری مجموع ثمن مسما ایله الور وزائد
کلورسه زیاده سی مشترینک اولوب بایع مخیر اوله ماز

۲۲۵ ماده

مثلا بش قیراطدر دیو یکر می بیک غروشه صاتیلان برالماس
طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترک
ایدر و دیلرسه اول طاشی یکر می بیک غروشه اولور واکر بش بوچق
قیراط چيقارسه اول طاش یکر می بیک غروشه مشترینک اولوب
بونده بایع مخیر اوله ماز

تبعیضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعک مقدار یله
اقسام واجزاسنک بهاسی دخی بیان ونفصیل اولنه رق
صاتلده قدی التسلیم کرک ناقص چیقسون و کرک
زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ
ایدر و دیلرسه چیقان مقداری اقسام واجزا ایچون
بیان اولنان بها حسابیله الور

مثلا بش قيه در ديو هرقيه سی قرقر غروشه صاتیلان بر باقر منقال
درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه ایکی صورتده دخی
مشتري مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول منقال درت
بوچق قیه ایسه یوز سگسان غروشه و بش بوچق قیه ایسه ایکوز یکر می
غروشه آور

۲۲۶ ماده

کرك عرصه اولسون و كرك امتعه و اشياي سائر اولسون
على العموم مذروعاتدن بر مجموعك مقداری و یا لکز
اول مجموعك بهاسی بیان یاخود ذراعنك دخی بهاسی
تفصیل اولندرق صاتلده ایکی صورتده دخی حکمی
تبعیضنده ضرر اولان موزوناتك حکمی کبدر . فقط
کرباس و چوقه مثالو قطع و تبعیضنده ضرر اولیان امتعه
واشیا مکيلات حکمنده در

مثلا یوز ارشون اولق اوزره بیک غروشه صاتیلان بر عرصه
طقسان بش ارشون چیقسه مشتري مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر
و دیلرسه اول عرصه یی بیک غروشه آور و زائد چیقسه مشتري
تماما اول عرصه یی بیک غروشه آور

و کذا بر قات روبهلق اولق اوزره یا پلش اولان بر طوپ قاش
سکر ارشوندر ديو درتیوز غروشه صاتلده یدی ارشون چیقده یی
تقدیرده مشتري مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه درتیوز
غروشه اول طوی آور و طقوز ارشون چیقده یی صورتده مشتري
تماما اول طوی درتیوز غروشه آور .

كذلك یوز ارشون اولق اوزره هر ارشونی اوزر غروشدن ديو
صاتیلان بر عرصه طقسان بش یاخود یوز بش ارشون چیقده یی

تقدیرده مشتری مخیر اولوب ترك ایدر یاخود طقسان بش ارشون
ایسه طقوز یوز الی غروشه و یوز بش ارشون ایسه بیک الی
غروشه آلور

وکذا برقات روبه لقی اولمقی اوزره یاپیش اولان برطوپ قاش
سکز ارشوندردیو ارشونی الیشر غروشه صاتلده یدی یاخود
طقوز ارشون چیقدیغی صورتده مشتری مخیر اولوب ترك ایدر
یاخود یدی ارشون ایسه اوچ یوز الی غروشه و طقوز ارشون
ایسه درتیوز الی غروشه آلور

اما بریستال چوقه یوز الی ذراع اولق اوزره یدی بیک بشیوز
غروشه دیویاخود هر ذراعی الیشر غروشه دیو صاتلده یوز قرق
ذراع چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسح ایدر •
و دیلرسه یوز قرق ذراعی یدی بیک غروشه آلور • واکر زائد
چیقارسه زیاده سی بایعکدر

۲۲۷ ماده

عددیات متفاوتده یالکز مجموعک مقدار بهاسی بیان
اولنه رق صاتلده عند التسلیم تمام کلورسه بیع صحیح
ولازم اولور • و ناقص و یاخود زائد کلورسه ایکی
صورتده دخی بیع فاسد اولور

مثلا الی رأس درد یو ایکی بیک بشیوز غروشه صاتیلان پر سوری
قیون عند التسلیم قرق بش یاخود الی بش رأس چیقسه بیع فاسد
اولور

۲۲۸ ماده

عددیات متفاوتده مجموعک مقدار یله آحاد وافرادیکنک
بهاسی بیان و تفصیل اولنه رق صاتلده عند التسلیم

تمام کاورسه بیع لازم اولور . و ناقص چیقارسه مشتری
مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اولمقداری
ثمن مسمادن حصه سیله الور . و زائد کاورسه بیع فاسد
اولور

مثلا الی راسدر دیوهر بری الیشر غروشه صاتیلان برسوری قویون
قرق بش راس چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر
و دیلرسه قرق بش قویون ایکی بیک اکیوز الی غروشه الور و الی بش
راس چیقارسه بیع فاسد اولور

۲۲۹ ماده

مواد آنقدهن مشتریك مخیر اولدیغی صورتلرده مشتری
مبیعك ناقص اولدیغی بیلهرك قبض ایتدکدن صکرده بیعك
فسخنده مخیر اوله مان

(فصل رابع)

(صراحة ذکر اولمق سزین بیعده داخل اولوب)

(اولمیان شیلر بیاندهدر)

۲۳۰ ماده

عرف بلدهده مبیعك شامل اولدیغی هرشی من غیر ذکر
بیعده داخل اولور

مثلا خانه بیعنده مطبخ و کیلاری و زیتونك بیعنده زیتون اغاجلری
من غیر ذکر داخل اولور زیرا مطبخ و کیلار خانهك مشتملاتنددر
و زیتونك برطاقم زیتون اغاجرینی حازی اولان ارضه اطلاق

اولنور یوقسه یالکز برارضه زیتونلک تعبیر اولنماز

۲۳۱ ماده

مبیعک جزئی حکمنده اولان یعنی غرض اشترایه نظرا
مبیعدن انفکاک کی قابل اولمیان شیر من غیر ذکر بیعده
داخل اولور

مثلا کلیدک بیعنده مفتاحی وسودی ایچون النان اینکک بیعنده سود
امن یاورسی من غیر ذکر داخل اولورلر

۲۳۲ ماده

مبیعک توابع متصله مستقره سندن اولان شیر من غیر ذکر
بیعده تبعاً داخل اولور

مثلا برقوناغک بیعنده میخلانمش کلیدلر ویرلی طولاب و مندر لکدر
کی یرلی اولمق اوزره موضوع و مبنی اولان شیر وحدودی داخلنده
اولان باغچه سیله طریق عامه یاخود چیتماز زقاغه موصل اولان
یوللر و باغچه و عرصه بیعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاجلر
پازارلقده تصریح اولنسه دخی معیدن ایرلمیوب برابر صاتلمش اولورلر

۲۳۳ ماده

اسم مبیعک مشتملاتندن اولمیوب یاخود مبیعک توابع متصله
مستقره سندن اولمیان و مبیعک جزئی حکمنده و یا نکلک برابر
صاتلمسی عرف و عادت اقتضاسندن بولنمیان شیر حین
بیعده ذکر اولنمدیقه بیعده داخل اولماز . فقط عرف
و عادت بلده جه مبیعه تبعاً صاتیله کلان شیر من غیر ذکر
بیعده داخل اولور

مثلاً خانه بیعنده یرلی اولمیان طولاب وقنه په وصندالیه کی
یرلی اولمیوبده قاندرلمق اوزره موضوع اولان شیلر وباغ وباغچه
بیعنده لیمون وچچیک صاقسیلری و آخر محله نقل اونمق اوزره
دیگلمش اولان فدانلر و اراضی بیعنده اکین و اشجارک بیعنده میوه
پازارلقده ذکر و شرط اولمقدقه مبیع ایله برابر صاتلمش اولمازلر
فقط برلکده صاتلمشی عرف و عادت اولان یرلرده بئک آتئک کی
ویوک بارکیرینک یولاری من غیر ذکر بیعده داخل اولور
۲۳۴ ماده

تبعا بیعده داخل اولان شیئک ثمندن حصه سی یوقدر
مثلاً یوک بارکیرینک قبل القبض یولاری سرقت اولسه ثمن مسمان
برشی تنزیل ایتک لازم کلز
۲۳۵ ماده

حین بیعده علاوه اولنان بعض الفاض عمومیه نک شامل
اولدیغی شیلر بیعده داخل اولور
مثلاً بایع شو خانه یی جمیع حقوقیه صاتم دیسه اول خانه نک حق
مروری و حق شربی و حق مسیلی بیعده داخل اولور
۲۳۶ ماده

بعد العقد و قبل القبض مبیعده حاصل اولان ثمره
وزیاده مشتری به عائد اولنور
مثلاً بر باغچه صاتلمقدقه قبل القبض حاصل اولان میوه و سبزه
مشتری به عائد اولور
کذلک صاتلمش اولان اینک قبل القبض تولد ایدن یاورسی
مشترینک مالیدر

(باب ثالث)

(ثمنه متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ثمنك او صاف و احوالنه مترتب اولان مواد بیاندهدر)

۲۳۷ ماده

حین بیعده تسمیه ثمن لازمدر

بناء علیه بیعك بهاسی ذکر اولنماز ایسه بیع فاسد اولور

۲۳۸ ماده

ثمنك معلوم اولسی لازمدر

۲۳۹ ماده

ثمنك معلومیتی میدانده ایسه مشاهده ایله دکل ایسه مقدار

ووصفی بیان ایله حاصل اولور

۲۴۰ ماده

متنوع التون تداول ایدن بلده نه درلو التون اولدیغی

بیان اولنمقسنزین علی الاطلاق شوقدر التون دیو بازارلق

اولنسه بیع فاسد اولور • کومش سکه دخی بوکاقیاس اولبه

۲۴۱ ماده

غروش اوزرینه بازارلق اولندقدده مشتری رایج

اولان مسكوكاتك ممنوع اوليان هر قنغی نوعندن استر
ایسه ویره بیلور

۲۴۲ ماده

ثمنك وصفی بیان اولندرق بازارلق اولندیغی صورتده
عقد هر قنغی نوع نقد اوزرینه واقع اولمش ایسه اندن
ویرلك لازم کلور

مثلا مجیدیه التونی یاخود انکلیز ویافرانسر التونی ویاخود
یکرمیالك مجیدیه ویادیرکلی ریال ویرلك اوزره دیو بازارلق اولندیغی
صورتده هر نه درلو مسكوكات دینلش ایسه اندن ویریلور

۲۴۳ ماده

عقدده کی تعیین ایله ثمن تعیین ایتز

مثلا مشتری انده کی یوزلك التونی کوسترهرك بشوالتون ایله بومالی
اشترا ایتدم دیوب بایع دخی ویردم دیدکده مشتری عینا اول
التونی ویرمکه مجبور اولماز بلکه انی الیقویوبده یرینه مثلی اوله رق
بشقه بریوزلك التونی ویره بیلور

۲۴۴ ماده

یرنوع مسكوكاتك یرینه اجزاسی دخی ویریله بیلور .
فقط بو خصوصده عرف و عادت بلندیه اتباع اولنمق
لازم کلور

مثلا یکرمیالك مجیدیه دیو بازارلق اولندیغی صورتده یکرمیالك
یرینه اجزاسندن اولان اولنق و بشقی دخی ویریله بیلور اما
الجماله هذه در سعادته جاری اولان عرف و عادته نظرا یکرمیالك
یرینه اجزاسندن اولان قرقلق وایکیالك ویریله من

(فصل ثانی)

(وعده ایله صااتش حقنده اولان مواد بیاننده در)

۲۴۵ ماده

ثمنی تأجیل و تقسیط ایله بیع صحیح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنك تأجیلنده و تقسیطنده مدت معلوم و معین اولق
لازمدر

۲۴۷ ماده

شو قدر کون یا آی و یاسنه و یا خود روز قاسم کبی عاقدین
عندنده معلوم و معین اولان بروقته قدر وعده ایله بازارلق
اولنسه بیع صحیح اولور

۲۴۸ ماده

(یغمور یا غدیغی وقت) کبی معین اولمیان بر مدت بیانیه
بازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

۲۴۹ ماده

و یرمسیه بازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنسه برآیه
مصرف اولور

۲۵۰ ماده

ثمنك تأجیل و تقسیطنده مقاوله اولنان مدت مبیعك
تسلیمندن اعتبار اولور

مثلا برسنده وعده ايله صا تمش اولان برمتاعی بايع برسنده توقیف ایتد کدنصره مشتری به تسلیم ایتسد حین تسلیمندن اعتبارا برسنده بکلمسی یعنی وقت بعدن تمام ایکی سنه مرورنده مشترینک اچدی ویرمسی لازم کلور

۲۵۱ ماده

بیع مطلق پشین اولق اوزره منعقد اولور • فقط بیع مطلق بر مدت معلومه ايله موقت و مقسط اولق اوزره عرف و عادت اولان یرده اول مدته مصروف اولور مثلاً پشین یا ویرمسی به لاقردینی اولقسزین چارشودن بری برشی ایلده آچمسی پشین ویرمسی لازم کلور • فقط آی یا هفتده باشنده ثمنک تمامی یا خود بر مقدار معینی انفق عادت بلده ایسه اول عاده رعایت اولنور

(باب رابع)

(بعد العقد ثمن و مثنده تصرفه متعلق مسائل بیانده)

(اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بعد العقد وقبل القبض بايعك ثمنده و مشترینک مبیعه)

(حق تصرفلری بیانده در)

۲۵۲ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبیعه تصرف ایده یلور مثلاً برکیمسه صا تمش اولدیغی مالک آچمه سنی بورجه حواله ایده یلور

ماده ۲۵۳

مشتري قبل القبض مبيعى عقار ايسه آخره صاته بيلور
واكر منقول ايسه صاته ماز

(فصل ثانى)

(بعد العقد ثمن و مبيعك تزويد و تنزيلي بيانده در)

ماده ۲۵۴

بايع بعد العقد مبيعك مقدارينى زياده ايده بيلور
و مشتري مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده ي
طلبه حق اولوب بايعك ندامتى مفيد اولماز . اما اول
مجلسدن صكره مشتريك قبولى معتبر دكلدر

مثلا يكرمى غروشه يكرمى عدد قارپوز بازارلق اولندقدن صكره
بايع بش دها ويردم ديوب مشتري دخى اول مجلسده قبول ايدر
ايسه يكرمى غروشه يكرمى بش قارپوز انور اما اول مجلسده قبول
ايتيويده صكره دن قبول ايده جك اولسه بايع اول زياده ي ويرمك
اوزره اجبار اولندماز

ماده ۲۵۵

مشتري بعد العقد ثمن مسمايى تزويد ايده بيلور . و بايع
مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده ي طلبه حق
اولوب مشتريك ندامتى مفيد اولماز . اما اول مجلسدن
صكره بايعك قبولى معتبر دكلدر

مثلا يك غروشه بر حيوان بازارلق اولندقدن صكره مشتري ايكوز

غروش دهاضم وز ياده ايتدم دبوب بايع دخي اول مجلسده قبول
ايدرسه اول حيواني بيك-ايكيوز غروشه الور . اما بايع اول
مجلسده قبول ايتيويده صكره دن قبول ايدمك اولور ايسه مشري
فضله ويرمك اولديغي ايكيوز غروشي ويرمكه اجبار اولندماز
ماده ۲۵۶

بايعك بعد العقد ثمن مسمادن بر مقداريني حط وتنزيل
ايتيوي صحیح و معتبر در

مثلا بر مال يوز غروشه بازارلق اولندقدن صكره بايع يكرمي
غروشي تنزيل ايتدم ديسه اول مالك مقابلنده انجق سكره
غروش اولور
ماده ۲۵۷

بعد العقد بايعك مقدار مبيعي و مشتريك ثمن مسماي تزييد
ايتيوي و يا بايعك ثمن مسمادن تنزيل اصل عقده ملتحق
اولور يعني اصل عقد كويا اول تزييد و يا تنزيل اوزرينه
واقع اولمش حكمنده طوتيلور
ماده ۲۵۸

بعد العقد بايع مبيعي تزييد ايتدكده زيادهك ثمن مسمادن
حصه سي اولور

مثلا بايع اون غروشه صاتمش اولديغي سكره قارپوز اوزرينه ايكي
قارپوز دها زياده و مشري قبول ايتديكي صورته اون غروشه
تمام اون قارپوز صاتمش اولوب حتى قبل القبض بو ايكي قارپوز
تلف اولسه بهالرينك ثمندن تنزيلييه سكره قارپوز ايچون بايع
انجق سكره غروش طلب ايدم اولور

كذلك بايع عرصه سنك بيك ذراعنى اون بيك غروشه صاندقدن
صكره يوز ذراع دخی زياده ومشتري قبول ايتديكى تديرده بر
شفيع چيقسه اون بيك غروشه مجموعى يعنى بيك يوز ذراعنى
اله ييلور

۵۲۹ ماده

بعد العقد مشترى ثمن مسماي تزييد ايتدكده ثمن مسما
ايله زيادتك مجموعى عافدين حقنده تمام مبيعه مقابل
اولور

مثلا اون بيك غروشه بر ملك عقار اشترا اولندقدن صكره
قبل القبض مشترى بشيوز عروش دها زياده وبايع قبول ايتديكى
صورته اول عقارك بهاسى اون بيك بشيوز عروش اولوب حتى
بر مستحق چيقه رق بعد الاثبات والحكم اول عقارى السه مشترى
بايعدن اون بيك بشيوز عروش طلب واخذ ايده ييلور اما اول
عقاره بر شفيع چيقسه چونكه انك حقى اصل عقدده تسميه اولنان
ثمن اوزرينه تعلق ايتمش اولديغنه وصكره كى زيادتك عافدين
كوره اصل عقدده التحاقى انك حقنى اسقاط ايده ميه جكنه مبنى اول
عقارى شفيعى اولان كيمسه اون بيك غروشه اله ييلور صكره دن
زياده اولنان بشيوز عروشى بايع اندن طلب ايده من

۲۶۰ ماده

بعد العقد بايع ثمن مبيعى حط وتنزيل ايتدكده مبيعك
تمامى ثمن مسمانك باقيسنه مقابل اولور

مثلا بر ملك عقار اون بيك غروشه اشترا اولندقدن صكره بايع بيك
غروشى حط وتنزيل ايتديكى صورته اول عقار طقوز بيك
غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفيع چيقسه افى طقوز بيك
غروشه اله ييلور

۲۶۱ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعك جهله منى حظ ايدہ بيلور
فقط اصل عقدہ ملحق اولماز

مثلا بايع بر ملك عقارى اون بيك غروشه صاقدون صكره
قبل القبض اول اچد دن كاملا واز چكسه شفيعى اول عقارى اون
بيك غروشه الديلور بوقسه اچد منى الورم ديدمن

(باب خامس)

(تسليم و تسليمه متعلق مسائل بيانده اولوب التى)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم و تسليمك حقيقت و كيفيتي بيانده در)

۲۶۲ ماده

بيعهه قبض شرط دكلدر . فقط بعد العقد اولاً مشترى
ثمنى بايعه و ثانياً بايع مبيعى مشترى يد ويرمكه بور جلو
اولور

۲۶۳ ماده

مبيعك تسليمى مشترينك بلا مانع مبيعى قبض ايدہ بيله جاك
و جهله تسليمه بايعك اذن ويرمسيه حاصل اولور

۲۶۴ ماده

مبيعك تسليمی حاصل اولدیغی کبی مشتری دخی آنی
قبض ایتیش اولور

۲۶۵ ماده

مبيعك اختلافیه کیفیت تسليمی دخی مختلف اولور

۲۶۶ ماده

مشتری عرصه و اراضینک ایچنده بولندیغی و یا خود
بر طرفندن کورر اولدیغی حالده قبضه بایعك رخصت
و یرمسی تسلیمدر

۲۶۷ ماده

اوزرنده اکیین اولان ارضك تسلیمنده اوزرنده کی
اکینی بچوب یا خود حیوانه یدیروبده ارضی تخلیه
ایتمکه بایع مجبور اولور

۲۶۸ ماده

اوزرنده میوه اولان اغاجك تسلیمنده میوه سنی دیو شروب
اغاجی تخلیه ایتمکه بایع مجبور اولور

۲۶۹ ماده

اغاج اوزرنده اوله رق صاتلش اولان میوه یی مشتری
دیو شرمسینه بایعك رخصت و یرمسی تسلیمدر

۲۷۰ ماده

خانه و باغ کبی کلیدلی عمارك ایچنده ایکن بایعك

مشتري به تسليم ايتدم ديمسي تسليمدر وخارجنده ايكن
مبيع اكر مشتري در حال اني كايديله بيله جاك مرتبه قريب
ايسه مجرد تسليم ايتدم ديمسي تسليمدر . و اكر اول مرتبه
قريب دكل ايسه اورايد وارونده ايچنه كيره بيله جاك قدر
وقت مروريله تسليم تحققيدير

۲۷۱ ماده

كليدي عقارك مفتاحني ويرمك تسليمدر

۲۷۲ ماده

حيوان باشندن ياقولاغندن و يايولارندن طوتيلوب تسليم
اولنور . فقط مشتري نيك كلفتمزجه تسليمند قدرتي اولان
محمده ارايه سيله قبضنه رخصت اعطاسي دخی تسليمدر

۲۷۳ ماده

مكيلات و موزونات مشتري نيك امريله ككيل ياوزن
اولنه رق تهيه واعطا ايلديكي ظرف وقاب درونده قونلاق
تسليمدر

۲۷۴ ماده

عروضك تسليمي مشتري نيك انه اعطاسيله ياخود يانه
قويق و ياميبدانده اولونده بالارائه قبضنه رخصت
ويرمك ايله اولور

۲۷۵ ماده

انبار و صندوق کبی کلیدلی بر محل ایچنده بولسان شیلر
طوپدن صاتلقدده مفتاحنک مشتری یه اعطاسیله قبضنه
رخصت ویرلک تسلیمدر

مثلا بر انبار بغدادی یا خود بر صندوق کتاب طوپدن صاتلقدده مفتاحنک
اعطاسی مبیعی تسلیم دیملدر

۲۷۶ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدر ایکن بایعک کوروبده منع
ایتماسی قبضه رخصتدر

۲۷۷ ماده

بایعک اذن او لمقسزین مشترینک ثمنی تأدیه ایتدین مبیعی
قبض ایتمی معتبردکلدر

فقط مشتری بلا اذن قبض ایدوبده یدنده مبیع تلف
اولور یا خود سقطلنور اینسه قبض معتبر اولور

(فصل ثانی)

(مبیعک حق حبسنه دائر مواد بیاندهدر)

۲۷۸ ماده

پشین صاتشده مشتری ثمنی تماما تأدیه ایدنجه یه دك بایعک
مبیعی حبس و توقیف ایتک حق واردر

۲۷۹ ماده

بایع اشیای متعدده بی صفتة واحد ایلہ صاتد قدہ هر برینک
بشقه بشقه بهاسنی بیان ایتش اولسه بیلہ تماما ثمنی
قبض ایدنجہ یه دك مجموع مبیعی حبس ایدہ بیلور

۲۸۰ ماده

مشترینک رهن و کفیل و یرمسی بایعک حق حبسنی
اسقاط ایدہ من

۲۸۱ ماده

بایع ثمنی قبض ایتدین مبیعی تسلیم ایدر ایسه حق حبسنی
اسقاط ایتش اولور
بو صورتده ثمنی قبض ایدنجہ یه دك توقیف ایتک اوزره
مبیعی استرداد ایدہ من

۲۸۲ ماده

ثمن مبیعی الموق اوزره بایع برکیمسه بی مشتری اوزرینه
حواله ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور
و بو صورتده همان مبیعی مشتری یه تسلیم ایتسی لازم کاور

۲۸۳ ماده

و یرمسی یه صاتشدہ بایعک حق حبسنی اولیوب وعدہ سی
حلولنده ثمنی قبض ایتک اوزره همان مبیعی مشتری یه
تسلیم ایتسی لازم کاور

۲۸۴ مادہ

بایع پشیم اولق اوزره ساتدقن صکره ثمن مبیعی
تأ جیل ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور
و وعده سی حلولنده ثمنی قبض ایتک اوزره همان مبیعی
تسلیم ایتسی لازم کاور

(فصل ثالث)

(مکان تسلیم حقنددر)

۲۸۵ مادہ

عقد مطلق حین عقدده مبیع نروده ایسه اوراده تسلیمنی
اقتضا ایدر

مثلاً بر کیمسه تکفور طاغنده کی بغدادینی استانبولده بر کیمسده
ساتدقه اول بغدادینی تکفور طاغنده تسلیم ایدر یوقسه استانبولده
تسلیم ایتک اوزره اجبار اولنده باز

۲۸۶ مادہ

مبیعک نروده اولدیغی مشترینک معلومی اولیوبده
بعدالعقد مطلع اولسه مخیردر . دیلرسه بیعی فسخ ایدر
و دیلرسه حین عقدده مبیع نروده ایسه اوراده قبض ایلر

۲۸۷ مادہ

بر محل معینده تسلیم اولنق شرطیه ساتلش اولان مالک
اوراده تسلیمی لازم کاور

(فصل رابع)

(تسليمك مؤنتى يعنى كلفتى ولوازم تماميتى بيانده در)

۲۸۸ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشترى به عائددر
مثلا آنچه نك صايه و طارتمه اجرتلى كى مصارف صرافيه
مشرى طرفندن ويرمك لازم كلور

۲۸۹ ماده

مبيعك تسليمه متعلق مصرفلر بايعه عائددر
مثلا كيله جى و قنطار جى اجرتلىنى بايعك ويرمى لازم كلور

۲۹۰ ماده

جزافا صايتلان شيلرك مؤنتى مشترى به عائددر
مثلا بر باغك اوزومى مجازفة صاتلده دوشيرمى مشترينك
اوزرينه در

كذلك بر انبار بغدادى مجازفة صاتلده انباردن اخراج و نقل
مشرينك اوزرينه لازمدر

۲۹۱ ماده

اودون و كمور كى حيوان اوزرنده محمولا صاتلش اولان
شيلرى مشترينك خانه سنده نقل ايتك امرنده عرف
وعادت بلده نه ايسه اكا اتباع اولنور

۲۹۲ ماده

سند و حجت تحريرى اجرتى مشترى اوزرينه لازمدر .

فقط بايەك دخى محكمه ده بيعى تقرير و اشهاد ائىلى لازم
كلور

(فصل خامس)

(هلاك مبيعہ مترتب اولان مواد بيانده در)

۲۹۳ ماده

مبيع قبل القبض بايەك ينده تلف اولسه مشترى حقنده
برشى ترتيب ايتيوب ضررى بايعه عائد اولور

۲۹۴ ماده

مبيع بعد القبض تلف اولسه بايع حقنده برشى ترتيب ايتيوب
ضررى مشترى به عائد اولور

۲۹۵ ماده

مشرى مبيعى قبض ايدوب لکن ثمنى تأديه ايتدين مفلسا
فوت اولسه بايع مبيعى استرداد ايدم يوب غرمایه داخل
اولور

۲۹۶ ماده

مشرى مبيعى قبض و ثمنى تأديه ايتدين مفلسا فوت اولسه
بايع ثمنى مشترينك تركه سندن استيفا ايدنجه يه دك مبيعى
حبس ايدم بيلور

بوصورته حاکم مبيعى بيع ايدوب ثمنى وفا ايدر ايسه بايەك الدجغنى

تماما ایفا ایدر و فضلہ سی قالدیغی تقدیرده غرمایه ویرر واکر بایعك
الہ جغندن ناقص ایسه اول ثمنی بایع تماما الدقندن صکره نقصانی غرامة
مشتريك تر کدسندن الور

۲۹۷ ماده

بايع ثمنی قبض ایدوب لكن مبیعی مشتری یه تسلیم
ایتمدن مفلسا فوت اولسه مبیع بایع یدنده امانت قالمش
اولور

بوصورتده مشتری مبیعی الوب سائر غرما مداخله ایدهمز

(فصل سادس)

(سوم شرا و سوم نظر حقمنده در)

۲۹۸ ماده

سوم شرا طریقيله یعنی تسمیه ثمن اولنه رق اشترا ایتك
اوزره مشتریك قبض ایدوبده کوتوردیکی مال مشتری یدنده
تلف و ضایع اولدوقده قیامتدن اولدیغی تقدیرده قیمتی
و مثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلی بایعه ویرمسی لازم کلور .
اما ثمن تسمیه اولنماش ایسه مشتری یدنده امانت حکمنده
اوله رق بلا تعد تلف و ضایع اولدیغی حالده ضمان لازم کلر
مثلا بايع بوحیوانك بهامی يك غروشددر کوتور بکنور ایسهك
آل دیوب مشتری دخی اولوجهله اشترا ایتك اوزره الوب کوتورسه
وخاندسندده حیوان تلف اولسه دکر بهامی بایعه ویرمسی
لازم کلور . اما بهامی بیان ایدلمیهرك بايع کوتور بکنور ایسهك

الورسون دیوب مشتری دخی بکنور ایسه بعده بازار لغنی ایدوبده
اشترا ایلک اوزره کوتوردکده یدنده بلا تعد تلف اولسه ضمان
لازم کلز

ماده ۲۹۹

سوم نظر طریقله یعنی کورمک یاخود کوسترمک اوزره
قبض اولنان مال کرک بهاسی بیان اولنسون و کرک بیان
اولنسون قابضک یدنده امانت اوله رق بلا تعد تلف و ضایع
اولسه ضمان لازم کلز

(باب سادس)

(خیارات بیاننده اولوب یدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(اختیار شرط بیاننده در)

ماده ۳۰۰

بایع یا مشتری و یاخود ایکسی بردن مدت معلومه ایچنده
بیعی فسخ ایتک یاخود اجازت ایله انفاذ ایتک خصوصاً صنده
مخیر اولمق اوزره بیعده شرط قیلق جائزدر

ماده ۳۰۱

اختیار شرط ایله مخیر اولان طرف مدت خیارنده یعنی مخیر
اولدیغی مدت ظرفنده دیلر سه بیعی فسخ ایدر و دیلر سه
مجیز اولور

۳۰۲ ماده

كرك فسخ و كرك اجازت قولا اولديغى كې فعلا دخى
اولور

۳۰۳ ماده

اجازت قوليه اجازت ويردم ياراضى اولدم كې رضايه
و فسخ قولى فسخ ايتدم ياواز چكدم كې عدم رضايه دلالت
ايدن سوزلردر

۳۰۴ ماده

اجازت فعليه رضايه و فسخ فعلى عدم رضايه دلالت
ايدن فعلدر

مثلا مشترى مخير اولديغى حالده مدت خياريه مبيعى صاتلفه
چيقارمق ياخود رهن و يا ايجار ايتك كې تملك لوازمندن اولان
بر وجهله تصرف ايتمى اجازت فعليه و بايع مخير اولديغى حالده
اولوجهله تصرف ايتمى فسخ فعليدر

۳۰۵ ماده

مخير اولان كيمسه بيعى فسخ و ياخود انفاذ ايتدين مدت
خيار مرور ايدر ايسه بيع تمام اولور

۳۰۶ ماده

خيار شرط وارثه انتقال ايتز

بوصورته مخير اولان كيمسه بايع ايسه وفاتيله مشترى مبيعده مالك
اولور . و اكر مخير مشترى ايسه وفاتنده وارثى مخير اولمقسزين
مبيعده مالك اولور

۳۰۷ ماده

بايع و مشتري ايكيسي بر دن مخير اولدقلى تقديرده هر قنغيسى فسح ايدر ايسه بيع منفسح اولور . و هر قنغيسى اجازت ويررسه يالكز انك خياري زائل اولوب ديكرى مخير قالور

۳۰۸ ماده

يالكز بايع مخير اولديغى صورتده مبيع كندى ملكندن چيقميوب ينه كندوسنك مالى عد اولنور . و مبيع بعد القبض مشتري يندنه تلف اولسه ثمن مسمى لازم كليوب مشتري نك يوم قبضنده كى قيمتى ويرمى لازم كلور

۳۰۹ ماده

يالكز مشتري مخير اولديغى صورتده مبيع بايعك ملكندن چيقوب مشتري نك مالى عد اولنور . و مبيع بعد القبض مشتري يندنه تلف اولسه ثمن مسمانك اعطاسى لازم كلور

(فصل ثانى)

(خيار و صف بيانده در)

۳۱۰ ماده

بايعك بروصف مرغوب ايله متصف اولق اوزره صاتمى

اولدیغی مال اول و صفدن عاری چیقسه مشتری مخیردر •
دیلسه بیعی فسخ ایدر و دیلسه مجموع ثمن مسما ایله
مبیعی قبول ایدر بوکا خیاری و صف دیرلر
مثلا صاغیلور دیو صاتلش اولان بر اینک سوتدن کیش اولدیغی
ظاهر اولسه مشتری مخیر اولور
وکذا کیجه وقتی قرمزی یاقوتدر دیو صاتیلان طاش صاری یاقوت
چیقسه مشتری مخیردر

۳۱۱ ماده

خیار و صف وارثه انتقال ایدر

یعنی خیاری و صف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجک مبیعک
اول و صفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدقده وارثک دخی بیعی
فسخ ایتکه صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری مبیعده تملکک
لوازمندن اولان بر وجهله تصرف ایدر سه خیاری ابطال
ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(خیاری نقد حقننده در)

۳۱۳ ماده

بایع و مشتری فلان وقته قدر تأدییه ثمن اولنمق و اولنه هر سه

بینلرنده بیع اولماق اوزره بازارلق ایتسه لر صحیح اولور
بوکا خیار نقد دینلور

۳۱۴ ماده

مدت معینه ده مشتری ثمنی تأدیه ایده مز ایتسه خیار نقد
ایله عقد اولنان بیع فاسد اولور

۳۱۵ ماده

خیار نقد ایله مخیر اولان مشتری مدت معینه ایچینده
وفات ایدر ایتسه بیع باطل اولور

(فصل رابع)

(خیار تعیین بیاننده در)

۳۱۶ ماده

قیمتدن ایکی یاخود اوچ شیئك بشقه بشقه بهالری
بیان اولنهرق بونلردن مشتری دیلدیکنی المق یاخود
بایع دیلدیکنی ویرمك اوزه صاتمق صحیح اولور
بوکا خیار تعیین دینلور

۳۱۷ ماده

خیار تعیینده تعیین مدت لازمدر

۳۱۸ ماده

خیار تعیین ایله مخیر اولان کیسه مدت معینه مرورنده
الدیغی شیئی تعیینه مجبور اولور

۳۱۹ ماده

خيار تعين وارثه انتقال ايدر

مثلا اعلى واوسط وادنى اولمق اوزره بر جنسدن اوچ طوب قاشك اوچ يادرت كون ظرفنده مشترى قنغيسى اختيار ايدر ايسه الموق اوزره بايع لاعلى التعيين برينى صاتسه و مشترى دخى بو منوال اوزره قبول ايتسه بيع متعقد اولور و مدت معينه مرورنده مشترى برينى تعيين ايله ثمن مسماسنى ويرمكه مجبوردر و قبل التعيين وفات ايتسه وارثى دخى اولوجهله برينى تعيينه مجبور اولور

(فصل خامس)

(خيار رؤيت حقنده در)

۳۲۰ ماده

بر كيمسه بر مالى كورمدين اشترا ايتسه كورنجه يهدك مخيردر كورد كده ديلرسه فسخ ايدر و ديلرسه قبول ايدر

بو كا خيار رؤيت دينلور

۳۲۱ ماده

خيار رؤيت وارثه انتقال ايتز

بناء على ذلك مشترى المش اولديغى مالى كورمدين وفات ايتسه واثى مخير اولمقسزىن اول ماله مالك اولور

۳۲۲ ماده

مالنى كورمدين صاتان بايع ايچون خيار رؤيت يوقدر

مثلا بر کیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کوزمدین صاتسه بیع
بلاخیار منعقد اولور

۳۲۳ ماده

خیار رؤیت بختنده رؤیت مبیعک اصل مقصدی بیلدیرن
حال و محلنه واقف اولمقدن کنایه در

مثلا مشتری ایچی طیشی بر دوزی یه اولان ساده بز وقاشک طیشی
و چچکلی و چبوقلی قاشک چچکلرینی و چبوقلرینی کوروب
ودول ایچون النان قیونک ممسنی واتی ایچون النان قیونک ارقه سنی
یوقلایوب و ما کولات و مشروباتک چاشنیسینی طاقوبده بعده
اشترا ایلسه خیار رؤیت یوقدر

۳۲۴ ماده

نمونه کوسـتریلهرک صاتیلان شیلرک نمونه سنی کورمک
کفایت ایدر

۳۲۵ ماده

مبیع نمونه دن دون چیقار ایسه مشتری مخیر اولوب
دیلسه قبول ایدر و دیلسه رد ایدر

مثلا بغدادی و یاغ و بر دوزی یه یاپیش اولان بز و چوقه و امشالی
معمولاتک نمونه سنه باقیله رق اشترا اولنوبده بعده نمونه دن اشاغی
ظهور ایتسه مشتری مخیر اولور

۳۲۶ ماده

خان و خانه کی عقاراتک اشترا سنده هر اوطه سنی
کورمک لازمدر . فقط اوطه لری یک نسق اولنلرک بر
اوطه سنی کورمک کافیدر

۳۲۷ ماده

متفاوت شیلرک طوپدن اشترا سنده هر برینی بشقه بشقه
کورمک لازمدر

۳۲۸ ماده

مشتری متفاوت شیلرک بعضیسنی کورو بده بعضیسنی
کورمدین طوپدن اوله رق اشترا ایتسه و کورمدیکی
کورد کده بکنمسه مخیر اولوب دیلرسه هپسنی بردن
قبول ایدر و دیلرسه هپسنی بردن رد ایدر . یوقسه
بکندیکنی الویده بکندیکنی رد ایده من

۳۲۹ ماده

اعمانک بیع و شراسی صحیح اولوب فقط وصفنی بیلدیکی
برمال اشترا ایتد کده مخیر اولور

مثلا وصفنی بیلدیکی بر خانه اشترا ایلسه مخیر اولوب وصفنی
او کړند کده دیلرسه قبول ایدر و دیلرسه رد ایدر

۳۳۰ ماده

مبیع قبل الشرا اعمایه وصف و تعریف اولنوبده اشترا
ایلسه مخیر اوله ماز

۳۳۱ ماده

اعمانک یوقلامق ایله معلوم اولان شیلرده ایله طوتوب
یوقلامسیله و قوقلیه جق شیلرده قوقلامسیله و طاتیله جق
شیلرده طاتمسیله مخیر لکی ساقط اولور

یعنی بوشلاو شیلری یوقلایوب وقوقلایوبده بعده اشترا ایلسه
بیعی صحیح و لازم اولور
۳۳۲ ماده

برکیمسه شرا قصیدیه یعنی الیجی کوزیله کورمش
اولدیغی مالی بر مدت صکره اول مال اولدیغی بیله رک
اشترا ایتسه خیار رؤیتی یوقدر . فقط اول مالد
برتغیر حاصل اولمش ایسه اولوقت مخیر اولور
۳۳۳ ماده

مبیعک اشتراسنه یاخود قبضنه وکیل اولان کیمسه نك
رؤیتی اصیلک رؤیتی کبیدر
۳۳۴ ماده

رسولک یعنی مجرد مبیعی الوب کوندرمکه مأمورا
کوندریلان آدمک رؤیتی مشترینک خیار رؤیتی
اسقاط ایلز
۳۳۵ ماده

مشترینک مبیعه تملکک لوازمندن اولان بروجه نه
تصرف ایتسی خیار رؤیتی اسقاط ایدر
(فصل سادس)

(خیار عیب بیانده در)

۳۳۶ ماده

بیع مطلق مبیعک عیبندن سالم اولسنی اقتضا ایدر

یعنی دیویدن برائتی شرط ایتمکسزین و صاغلام و چوروک و قصورلی
و قصورسز دیمکسزین مال صاتمق مالک صاغلم و عیبسز اولمسنی
ایجاب ابدر

۳۳۷ ماده

بیع مطلق ایله صاتیلان برمالک عیب قدیمی تین ایتدکده
مشتري مخیردر دیلرسه رد ایدر و دیلرسه ثمن مسما ایله
قبول ایلر * یوقسه مالی الیقویوبده عیبی ایچون بهاسنی
تنقیص ایده مز * ایشته بوکا خیار عیب دینلور

۳۳۸ ماده

عیب دیو اهل واربابی بیننده مالک بهاسنه ایراث
نقصان ایدن قصوره دیرلر

۳۳۹ ماده

عیب قدیم بایع یدنده ایکن مبیعهده موجود اولان
قصوردر

۳۴۰ ماده

بعدالبیع قبل القبض بایع یدنده ایکن مبیعهده حادث اولان
عیب موجب رد اولان عیب قدیم حکمندهدر

۳۴۱ ماده

بایع حین بیعهده مبیعک برعیبنی بیان ایدرک مشتري اول
عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سببیه مخیر اوله ماز

۳۴۲ ماده

بايع برمالی هر عيب دعواستندن ذمتی بری اولمق شرطيله
صاآدقده مشتری ایچون خیار عيب یوقدر

۳۴۳ ماده

مشتری برمالی هر عیبيله مقبولدر دیو اشترا ایلر سه ارتق
انده عيب دعواسنه صلاحیتی یوقدر

مثلا مشتری بر حیوانی کور طوپال چوروک چاریق هرته ایتسه
مقبولدر دیو صاآتون ایتسه ارتق عيب قدیمی وار ایش دیورد
ایدهمز

۳۴۴ ماده

مشتری مبیعک عیبینه مطلع اولدقدن صکره انده تملکک
لوازمندن اولان بروجه ایله تصرف ایتسه خیار عیبی
اسقاط ایش اولور

مثلا مشتری مبیعی عيب قدیمه بعدالاطلاع بیعه عرض ایتسه یعنی
صاآیلغه چیقارسه عیبیه رضا دیمک اوله رق ارتق رد ایدهمز

۳۴۵ ماده

مبیعک مشتری عندنده بر عیبی حادث اولدقدن صکره
عيب قدیمی میدانه چیقسه مشتری نک بایعه رد ایتکه
صلاحیتی اولیوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی
واردر

مثلا مشتری صاتون الدیغی برطوپ قاشی کسوب بیچدکن صکره
چوروك یاخود یاتقین اولق مثالو برعیب قدیمه مطلع اولسه
چونکی کسوب بیچمسیله بریکی قصور دها پیدا اولدیغندن
رد ایده میوب فقط عیب قدیمندن طولایی نقصان ثمن اولور
۳۴۶ ماده

نقصان ثمن بیغرض اهل وقوفك اخباری ایله معلوم
اولور

شویله که میبعک بر کره سالما وبر کره معیبا قیمتی تقویم و تقدیر
اولنوب بو ایکی قیمت بینده کی تفاوت سالما اولان قیمتک قاجده
بری ایسه ثمن مسمانک اول نسبتله نقصانی نقصان ثمن اعتبار
اولور

مثلا مشتری التمش غروشه الدیغی برطوپ قاشی کسوب بیچدکن
صکره عیب قدیمه مطلع اولدقده اهل وقوف اول قاشک سالما
قیمتی التمش وعیب قدیمی ایله قیمتی قرق بش غروش اولدیغنی اخبار
ایتسه لر نقصان ثمن اون بش غروش اولمغله مشتری نیک انی طلب ودعوا
ایتمکه صلاحیتی واردر

واکر اول مالک سالما قیمتی سکسان ومعیبا قیمتی التمش غروش
اولدیغنی اخبار ایتسه لر اشبو ایکی قیمت بینده کی تفاوت که یکر می
غروشدر سکسان غروشک ربعی اولمغله ثمن مسمانک ربعی اولان اون بش
غروشی مشتری نیک طلب ودعوا یه صلاحیتی اولور

واکر اول قاشک سالما قیمتی الی ومعیبا قیمتی قرق غروش اولدیغنی
اخبار ایتسه لر ایکی قیمت بینده تفاوت اولان اون غروش الی
غروشک خسی اولمغله ثمن مسمانک خسی اولان اون ایکی غروش
نقصان ثمن اعتبار اولور

۳۴۷ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم ینه ردی موجب
اولور

مثلا بر حیوان اشترا اولنوبده مشتری عندنده خسته اولدقدن
صکره عیب قدیمی میدان چیقسه مشتری انی بایعه رد ایده میوب
نقصان ثمن الور فقط اول خسته لق زائل اولسه مشتری عیب
قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

۳۴۸ ماده

بایع اگر مشتری عندنده بر عیب حادث اولدقدن صکره
عیب قدیمی میدان چیقان مبیعی اول عیب حادث ایله
کیرو المغه راضی اولور ایسه مانع رد بولندیغی
تقدیر ده مشتری نک نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی
قالمیوب یا مبیعی بایعه رد یا خود تمام بهاسیله قبول
ایتمکه مجبور اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمه مطلع اولدقدن
صکره آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن ادعاسنه
صلاحیتی قالمز

مثلا مشتری بر طوپ بز الوب کوملک کسدکدن صکره چو روک
ایدوکنه مطلع اولدیغی جالده صاتسه بایعدن نقصان ثمن ادعا
ایده مز

زیرا بایع بن انی عیب حادث ایله یعنی کسلیش اولدیغی حالده

الوردم ديه بيله جكندن مشترى انى صاتمسيه حبس وامساك ايتمش
اولور

۳۴۹ ماده

زياده يعنى مبيعته مشترينك مالندن بر شيئك ضم
وعلاوه دسي مانع رد اولور

مثلا بزي ديكلهك ياخود بو ياتمق ايله مشترينك ايلهكي ياخود بويامي
بزه ضم اونمق وكذا عرصهيه مشترى طرفندن اغاج ديكلهك رده
مانعدر

۳۵۰ ماده

مانع رد بولنديغي حالده بايع راضى اولسه دخى
معيب اولان مبيعى كيرو اله ميوب نقصان ثمن ويرمكه
مجبور اولور

حتى مشترى اول مالى عيب قديمه مطلع اولدقدن
صكره صاتسه بيله بايعدن نقصان ثمن اله بيلور

مثلا مشترى صاتون الديغي بر طوپ بزدن كوملك بيجدير وب
ديكدير دكدن صكره برك چوروك اولديغنه مطلع اولدقده بايع
راضى اولسه دخى استرداد ايده ميوب نقصان ثمن ويرمكه مجبور
اولور. ومشرى اول كوملكى صاتسه بيله برك نقصان ثمنى بايعدن
الور

زيرا بو صورتده مشترينك مالى اولان ايلهكلهك مبيعته علاوه
وانتجاق مانع رد اولمغله بايع بن انى بويلاه كسلش وديكلشمش اولديغي
حالده انوردم ديكه صلاحيتى اولميه جفندن مشترى انى بيع ايله
حبس وامساك ايتمش اولماز

۳۵۱ ماده

صفقه واحده ايله اشترا اولنان شيلرك بعضيسي معيب چيقدقده قبل القبض ايسه مشري مجموعني رد ايدر ياخود ثمن مسما ايله قبول ايلر يوقسه معيب رد ايدوبده ديكرى اليقويمغه صلاحيتي يوقدر . واکر بعد القبض ايسه تفریقنده ضرر اولديغي حالده يالكز معيب اولانی ثمن مسمان سالما حصه سيله رد ايدر وبايغك رضاسي اولدقچه ايکيسي بردن رد ایده من . اما تفریقنده ضرر اولديغي حالده مجموعني بردن رد ايدر ياخود مجموعني ثمن مسما ايله قبول ايلر

مثلا قرق غروشه النان ايکي فسدن بريسي قبل القبض قصورلي چيقسه ايکيسي بردن رد ایده پيلور . واکر بعد القبض بريسي قصورلي چيقسه يالكز اني سالما قيمتي قاچ غروش ايسه قرق غروشدن تنزيل ايله رد ايدر . فقط برچفت اياق قابي انوبده بعد القبض برتکي قصورلي چيقسه ايکيسي بردن رد ايله تماماً آچه سني استرداد ایده پيلور

۳۵۲ ماده

مکيلات وموزوناتدن اوله رق بر شخص برجنسدن اولمق اوزره اشترا و قبض ايتمش اولديغي مقدار معينك بعضيسني چوروك بولسه مخيردر ديلرسه جله سني قبول ايدر و ديلرسه جله سني رد ايدر

۳۵۳ ماده

بغدای و امشالی حبوبات طبراقلی چیقدیغی تقدیرده عادة
قلیل عد اولنورسه بیع صحیح و لازم اولور و اگر
بین الناس عیب عد اولنور درجه ده ایسه مشتری
مخیر اولور

۳۵۴ ماده

یمورطه و جوز مقوله سی شیلرک بعضیسی فنا و چور و ک
چیقسه یوزده اوچ کبی عرفا و عادة استکثار اولنیه حق
درجه سی معفو اولور . و اگر قصورلی چیقسان یوزده
اون کبی چوق اولورسه معفو اولیوب مشتری جمله
مبیعی بایعه رد ایله تماما ثمنی کیر و الور

۳۵۵ ماده

مبیع اگر اصلا منتفع به اولیه حق حالده ظهور ایدر
ایسه بیع باطل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر
مثلا اشترا اولنان یمورطه اصلا ایشه یرامن صورتده بوزوق چیقسه
مشتری تماما آچده سی کیر و الور

(فصل سابع)

(غبن و تغیر بیاننده در)

۳۵۶ ماده

بیعده بلا تغیر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیسه
بیعی فسخ ایدمز

فقط مال یتیمی بلا تغیر اولسه دخی غبن فاحش ایله
بیع صحیح اولماز مال وقف و بیت المال دخی مال یتیم
حکمنده در

ماده ۳۵۷

متبایعاندن بری دیگرینی تغیر ایدوبده بیعه غبن
فاحش اولدیغی تحقق ایتدکده مغبون اولان کیمسه
بیعی فسخ ایدوبیلور

ماده ۳۵۸

غبن فاحش ایله مغبون اولان کیمسه نك وفاتنده تغیر
دعواسی وارثنه انتقال ایتز

ماده ۳۵۹

تغیر اولنان مشتری بیعه غبن فاحش اولدیغنه مطلع
اولدقدن صکره مبیعه تملکک لوازمندن اولان
بروجه ایله تصرف ایدر ایسه ارتق حق فسخی قالماز

ماده ۳۶۰

تغیر و غبن فاحش ایله اشترا اولنان مبیع تلف یا مستهلک
اولسه و یا خود اول مبیعه معیب اولق و عرصه
اولوبده اوزرینه بنا یا یلق کبی بر کیفیت حدوث ایتسه
مغبون اولان کیمسه نك بیعی فسخه صلاحیتی قالماز

(باب سابع)

(مبيعك انواع و احكامى بياننده اولوب التى فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بيعك انواعى بياننده در)

۳۶۱ ماده

بيعك انعقادنده ركنى اهلندن يعنى عاقل و مميزدن
صدور ايتك و حكيمى قابل اولان محله مضاف اولق
شرطدر

۳۶۲ ماده

ركننده خلال اولان بيع مثلا مجنونك بيعى باطلدر

۳۶۳ ماده

بيعك حكيمى قابل اولان محلى موجود و مقدور التسليم
و مال متقوم اولان مبيعدر

بناء على ذلك معدومك و مقدور التسليم و مال متقوم اولان
شيئك بيعى باطلدر

۳۶۴ ماده

انعقاد بيعك شرطى بولنوبده بعضى اوصاف خارجيه سى
اعتباريه مشروع اولمازسه مثلا مبيع مجهول يا خود
ثمنده خلال واقع اولور ايسه بيع فاسد اولور

۳۶۵ ماده

بيعك نافذ اولسى ايچون بايع مبيعه مانك يا خود مال
صاحبك وكيلى ياوليسى ياوليسى اولمق وغيورك حقي
اولماق شرطدر

۳۶۶ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور
يعنى مشتريتك مبيعه تصرفي جائز اولور

۳۶۷ ماده

خيار اتدن بريسي بولنور ايسه بيع لازم اولماز

۳۶۸ ماده

بيع فضولى وبيع مرهون كى غيرك حقي تعلق ايدن بيع
اول غيرك اذنه موقوفا منعقد اولور

(فصل ثانى)

(انواع بيعوك احكامى بيانده در)

۳۶۹ ماده

بيع منعقدك حكيمى ملكيتدر
يعنى مشتريتك مبيعه وبايعك ثمنه مالك اولميسدر

۳۷۰ ماده

بيع باطل اصلا حكيمى افاده ايتز

بناء علیه بیع باطله مشتری بایع ازینکه مبیعی قبض ایتدکده
مبیع مشتری عندنده امانت قبیلندن اولدرق بلا تعد تلف اولسه
مشتری ید ضمان لازم کلز

۳۷۱ ماده

بیع فاسد عندالقبض حکمی افاده ایدر

یعنی مشتری بایع ازینکه مبیعی قبض ایتدکده اکا مالک اولور
بناء علیه بیع فاسد ایله اشترا اولنان مبیع مشتری عندنده تلف
اولسه ضمان لازم کلور . شویله که مثلیاتدن ایسه مثلی و قیمیاتدن
ایسه یوم قبضده کی قیمتی مشتری بایعه ویرمسی لازم اولور

۳۷۲ ماده

بیع فاسدده عاقدیندن هر برینک بیعی فسخ ایتدکه حق
واردر

فقط مبیع اگر مشتری یدنده تلف اولور ایسه یاخود
مشتری انی استهلاک و یا دیکره بیع صحیح ایله بیع
یا هبه کی بر صورتله الندن چیقارر ایسه و یاخود مبیع
خانه اولو بده تعمیر اولنق و یا عرصه اولو بده اجاج
دیکلمک کی بر صورتله مشتری طرفندن مبیعه برشی
علاوه و یاخود بغدادی اولو بده طحن ایله اون ایدلمک
کی مبیعک اسمی دکیشه جک صورتله تغیر ایدیلور
ایسه حق فسخ قالماز

۳۷۳ ماده

بیع فاسد فسخ اولندقدده اگر قبض ثمن اولنمش ایسه

بايع ثمنى رد ايدنجه يه دك مشترينك مبيعى حبس ايتك
حقى واردر

ماده ۳۷۴

بيع نافذ فى الحال حكمى افاده ايدر

ماده ۳۷۵

بيع نافذ لازمده متبايعاندين هيچ بريسى دونه من

ماده ۳۷۶

بيع غير لازمده مخير اولان كيمسه بيعى فسخ ايدىيلور

ماده ۳۷۷

بيع موقوف عند الاجازه حكمى افاده ايدر

ماده ۳۷۸

بيع فضوليدى مالى صاحبي ويا وكيلى يا خود ولىسى

يا خود وصيسى اجازت ويرر ايسه نافذ ووير من ايسه

منفسخ اولور . فقد اجازتده بايع و مشترى و مجير

و مبيع قائم اولمق شرطدر بونلردن بريسى هلاك اولسه

اجازت جائز اولماز

ماده ۳۷۹

بيع مقايضه ده بد لينك ايكي سنده مبيع حكمنده اولديغندن

بونلرده مبيعك شرائطى معتبردر . فقط تسليمجه منازعه

وقوعنده متبايعان ايكي سى بردن تسليم و تسليم ايدرلر

(فصل ثالث)

(سلم حقننده در)

۳۸۰ ماده

بیع کبی سلم دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور
مثلا مشتری بایعه یوز کیله بغدادی ایچون بیک غروش سلم
ویردم دیوب اول دخی قبول ایتدکده (سلم) منعقد اولور

۳۸۱ ماده

سلم انجق مقدارینی و صفتنی مثلا اعلالغنی یا ادنالغنی
تعیین ایلک قابل اولان شیلرده صحیح اولور

۳۸۲ ماده

مکیلات و موزونات و مذروعاتک مقداری کیل و وزن
و ذراع ایله تعیین اولنور

۳۸۳ ماده

عددیات متقاربه نك تعیین مقداری صایی ایله اولدیغنی کبی
کیل و وزن ایله دخی اولور

۳۸۴ ماده

طوغله و کریج کبی عددیاتک قالبری معین و معلوم اولمق
لازمدر

۳۸۵ ماده

بز و چوقه امثالی ذراعیاتک طول و عرضی ورقتی و نهدن
معمول و نرمک ایشی اولدیغی تعیین اولنمق لازمدر

۳۸۶ ماده

سلك صحتمده و مبیعك جنسی مثلا بغدادی و پرنج و خورما
دیو و نوعی مثلا یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو
و صفتی مثلا اعلا یا خود ادنا دیو تعیین و كرك مبیعك
و كرك ثمنك مقداری و مبیعك زمان و مكان تسلیمی
بیان اولنمق شرطدر

۳۸۷ ماده

صحت سلك بقاسنده ثمنك مجلس عقدده تسلیمی شرطدر .
و عاقدین قبل التسلیم افتراق ایدر لر ایسه عقد سلم
منفسخ اولور

(فصل رابع)

(استصناع بیانندهدر)

۳۸۸ ماده

بر کیمسه اهل صنایعدن بریند بکا شو قدر فروشه شویله
برشی یاب دیوب اودخی قبول ایسه استصناعا بیع منعقد
اولور

مثلاً مشتری پاپوشچی به ایاغنی کوستره رڼ فلان نوع سختیاندن شو قدر غروشه بکا برچفت پاپوش یاب دیوب اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول وعرضنی و اوصاف لازمدهنی بیان ایدرڼ برقایق یاخود کمی یا یمق اوزره بازارلق ایتسه استصناع منعقد اولور کذلک طول و حجمی وسائر اوصاف لازمدهنی بیان اولندرق هر بری شو قدر غروشه اولق اوزره برقا بریقدهجی ایله شو قدر ایکندهلی تفنک یا یمق اوزره بازارلق اولنسه استصناع منعقد اولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیلرده علی الاطلاق استصناع صحیحدر . اما متعامل جاری اولمیان شیلرده مدت بیان اولنور ایتسه سلم اولوب انده شرائط سلم معتبردر . و اگر مدت بیان اولنمازسه ینه استصناع قبیلهندن اولور

۳۹۰ ماده

استصناعده مصنوعات مطلوبه موافق اولدجق وجهه توصیف و تعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده یشین آچه و یرمک لازم دکدر

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین بازارلقدن دونه من . فقط مصنوع اگر تعریفه موافق اولمزه مستصنع محیردر

(فصل خامس)

(بيع مريضك احكامي بيانده در)

۳۹۳ ماده

بر مريض مرض مواتده ايكن ورثه سندن بريسنه بر شي صائسه ديكر وارثلك اجازته موقوف اولوب مريضك وفاتندن صكره اجازت ويررلر ايسه نافذ اولور و ير مزله ايسه نافذ اولماز

۳۹۴ ماده

مرض مواتده ايكن مريض حين وفاتنده كندويه وارث اولميان برينه ثمن مثليه بر شي صائسه صحيح و معتبر اولور . و اكر محاببات يعنى ثمن مثلندن نقصان ايله بيع و تسليم ايتدكدن صكره فوت اولسه ثلث مالى محاباته مساعد اولديغي تقديرده بيع ينه صحيح و معتبر اولور . و ثلث مالى محاباته مساعد اولديغي صورتده مقدار نقصاني مشتري اكاله مجبور اولور . و اكالم ايتز ايسه ورثه بيعي فسخ ايدم يلور

مثلا بيك بشيوز غروش قيملو بر خانه دن بشقه نسنديه مالك اولميان مريض مواتدن اول خانه سني وارثي اولميان بر كيسه يه بيك غروشه بيع و تسليم ايتدكدن صكره فوت اولسه محاببات ايتمش اولديغي بشيوز غروش ثلث ماله مساعد اولمغه بيع صحيح و معتبر

اولوب ورثه بویعی فسخ ایده من واکر مریض اول خانهدی
 بشیوز غروشه بیع و تسلیم ایتمش اولسه محاببات ایتمش اولدیغی بیک
 غروش ثلث مالک ایکی قاتی اولغله ورثه مشتری یه ثمنی مبیعک
 ثلثان قیمته - ابلاغ ایت دیوتکلیف ایتدکلرنده مشتری ناقص اولان
 بشیوز غروشی ویرر اید ورتیه بیعی فسخ ایده من واکر ویرر اید
 بیعی فسخ ایله خانهدی استرداد ایده بیلورلر

۳۹۵ ماده

ترکهای مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتنده مالنی
 ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده
 داینلری مبیعک ثمن مثلنی مشتری یه اکمال ایتدیررلر واکمال
 ایتزسه بیعی فسخ ایده بیلورلر

(فصل سادس)

(بیع الوفا حقه در)

۳۹۶ ماده

بیع وفاده بایع ثمنی رد ایله مبیعی استرداد ایده بیلدیکی کی
 مشتری دخی مبیعی رد ایله ثمنی استرداد ایده بیلور

۳۹۷ ماده

بیع وفا ایله صاتیلان مبیعی کرک بایع و کرک مشتری آخره
 صاته من

۳۹۸ ماده

مبيعك منافعندن بر مقدارى مشترى به حائد اولق اوزره
شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور

مثلا وفاء صاتیلان باغك اوزومى بايع ايله مشترى بینده مناصفة
تقسیم اولنق اوزره بالتراضی معاولة ایتسدر اول معاولة موجبجه
عمل اولنق لازم کلور

۳۹۹ ماده

وفاء صاتیلان مالك قيمتى دینه مساوی اولدیغی حالدده
مشرى یدنده تلف اولسه مقابلی اولان دین ساقط
اولور

۴۰۰ ماده

وفاء صاتیلان مالك قيمتى دیندن ناقص اولدیغی حالدده
مشرى یدنده تلف اولسه قيمتى مقدار دیندن ساقط
اولور و اوست طرفنى دخى مشترى بايعدن اخذ
واسترداد ایلر

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالك قيمتى دیندن زیاده اولدیغی حالدده
مشرى یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان
مقدارى ساقط اولور و تعدی وقوعبولش ایسه زیادهی
دخى مشترى ضامن اولور و اگر بلا تعد تلف اولش

اولسه اول زياده يي مشتري نك اوده سي لازم كلز

۴۰۴ ماده

بيع وفاده متبايعان دن بريسي فوت اولدوقده حق فسخ

وارثه انتقال ايدر

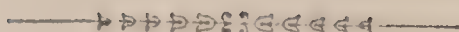
۴۰۳ ماده

مشتري اله جفني استيفا ايتكدجكه وفاء اشتر ايتش اولديغي

ماله بايعك ديكر غريملي مداخله ايده من

اراده سنه تاريخي في ۸ محرم سنه ۲۸۶

۱۷



كتاب الأحياء

فیق الزخرف لولوب

بر منی عمل اوله

✧ کتاب ثانی ✧

(اجارات حقنده اولوب بر مقدمه ایله سکرز بابی شاملدر)

✧ مقدمه ✧

(اجاره یه متعلق اولان اصطلاحات بیاننده در)

۴۰۴ ماده

اجرت . کرا یعنی بدل منفعت و ایجار کرایه و یرمک
و استیجار کرا ایله طوتمق دیمکدر

۴۰۵ ماده

اجاره . لغت عربده اجرت معناسنده در فقط ایجار
معناسنده دخی استعمال اولنمشدر اصطلاح فقهاده

منفعت معلومه ي عوض معلوم مقابلہ سندہ بيع ايتك
ديمكدر

۴۰۶ ماده

اجاره لازمہ . خيار شرط و خيار عيب و خيار رؤيتدن
عاری اولان اجاره صحيحه در که طرفيندن بریسی بلا عذر
بونی فسخ ایدہ من

۴۰۷ ماده

اجاره منجزه . وقت عقددن اعتبارا ايجار در

۴۰۸ ماده

اجاره مضافه . کله جک بروقت معیندن اعتبارا
ايجار در

مثلا کله جک فلان آيك ابتدا سندن اعتبارا برخانه بوقدر مدت
ايچون شوقدر غروشه ايجار اولنسه اجاره مضافه اوله رق منعقد اولور

۴۰۹ ماده

آجر . اجاره يه ویرن کیمسه در ضم میم ايله مکاری
وکسر جیم ايله موجر دخی دینلور

۴۱۰ ماده

مستأجر . کسر جیم ايله استیجار ایدن کیمسه در

۴۱۱ ماده

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیملرک قتحيله موجر
ومستأجر دخی دینلور

۴۱۲ ماده

مستأجر فيه . اجيرك هقد اجاره ايله التزام ايلديكى
عملی ایفا ایچون مستأجر طرفندن ڪندوسنه تسليم
اولنان مالدر

البسه ديكيمك اوزره درزیه ویریلان قاش و نقل ایچون حاله
ویریلان حوله کي

۴۱۳ ماده

اجير . نفسنی کرایه ویرن کیمسه در

۴۱۴ ماده

اجر مثل . بیغرض اهل وقوفك تقدیر ایتدکاری
اجرتدر

۴۱۵ ماده

اجر مسمی . حین عقدده ذکر و تعیین اولنان او جررتدر

۴۱۶ ماده

ضمان . برشیئك مثلیاتدن ایسه مثلی و قیامتدن ایسه
قیمتی ویرمکدر

۴۱۷ ماده

معدلا ستغلال . کرایه ویرمك اوزره اعداد و تعیین
اولنش شیدرکه فی الاصل کرایه ویرمك اوزره یا پلش
یا آلنش خان و خانه و حمام و دکان کي عقارات ايله کرا
عربه سی و کرا بار کیری مثلاً و شیردر

و بر شیئک علی التوالی اوچ سنه ایجار اولنمی معد
للاستغلال اولدیغنه دلیلدر

و بر کیمسه نفسیچون یادر مش اولولدیغی بر شیئک معد
للاستغلال اولدیغی ناسه اخبار و اعلام ایله معد للاستغلال
اولور

۴۱۸ ماده

مسترضع . اجرت ایله سود انا طوتان کیمسه در

۴۱۹ ماده

مهایاه . تقسیم منافعدن عبارتدر

مثلا برخانده مشترک اولان ایکی کیمسه بر سنه بری و دیگر سنه دیگری
مناوبه انتفاع اتمک اوزره قرار ویرمک کبی

(باب اول)

(ضوابط عمومیہ بیاننده در)

۴۲۰ ماده

اجاره ده معقود علیه منفعتدر

۴۲۱ ماده

معقود علیه اعتبار یله اجاره ایکی نوعدر

نوع اول منافع اعیان اوزرینه وارد اولان عقد اجاره
اولوب ایجار اولنان شیئه عین مأجور و عین مستأجر دخی
دینلور و اشبو نوع اول اوچ قسمه تقسیم اولنور

قسم اول اجارهٔ عقار در . خانه و اراضی ایجاری
کبی
قسم ثانی اجارهٔ عروض در . البسه و اوانی ایجاری
کبی

قسم ثالث اجارهٔ حیوان در
نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب
بونده مأجوره اجیر دینلور اجرتله عمله و خدمه طوتمق
کبی

حرف و صنایع اصحابی استیجار ایتک دخی بوقیلندر که مثلاً
قاش درزیدن اولمق اوزره البسه کسدرمک استصناع اولدیغی
کبی درزییه قاش و پرویده البسه دیکدرمک دخی عمل اوزرینه اجاره
دیمکدر

۴۲۲ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدر که یالکز مستأجره ایشمک اوزره
طوتیلان اجیر در . آیلقلی خدمتکار کبی
قسم ثانی اجیر مشترکدر که مستأجردن بشقه سنه ایشمامک
شرطیله مقید اولمیان اجیر در

مثلاً حال و دلال و درزی و ساعتچی و قیوچچی و اسکله قایقچی
و کرا عربه جیسی و قریه چوبانی هب اجیر مشترکدر که بر شخصه
مخصوص اولمیوب هرکس ایچون ایشلیه بیلورلر فقط بونلردن
بری فلان وقتله قدر یالکز مستأجره ایشمک اوزره استیجار اولندقدن

اول مدت ظرفنده اجیر خاص اولور کذلک بر حال یا خود عربده جی
یا قایقچی فلان محله قدر بشقه سنه ایشلیوب مستاجرہ مخصوص
اولق اوزره استیجار اولندقدہ اورایہ وارنجہ قدر اجیر خاص
اولور

۴۲۳ ماده

اجیر خاصک مستأجری بر شخص اولدیغی کبی شخص واحد
حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله پیلور

بناء علیه بر قریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولق اوزره عقد
واحد ایله بر چوبان استیجار ایتدکلرنده اول چوبان اجیر خاص
اولور اما کندولرندن بشقه سنک حیوانی دخی رعی ایلسنی تجویز
ایتدکلری صورتده اول چوبان اجیر مشترک اولور

۴۲۴ ماده

اجیر مشترکک اجرتہ استحقاقی عمل ایله در

۴۲۵ ماده

اجیر خاصک اجرتہ استحقاقی مدت اجارہ ده عمل ایچون
حاضر بولنمسیله در یوقسه بالفعل ایشلمسی شرط
دکلدر

فقط عملدن امتناع ایدہ من وایدرسہ اجرتہ مستحق
اولماز

۴۲۶ ماده

عقد اجارہ ایله منفعت معینہ مستحق اولان کیسه عینا
اول منفعتی یا مثلی یا خود مادوننی استیفایده پیلور
اما مافوقنه تجاوز ایدہ من

مثلاً تیمور جیەك ایشك اوزره استیجار اولنان دكانده مستاجر
مضرتده تیمور جیەكە مساوی یا خود اندن اھون بر صنعتی اجرا
ایده بیلور وبر کیسه ساکن اولق اوزره استیجار ایلدیکی خانده
ساکن اولیوبده اشیا وضع ایدهجك اولسه جائز اولور . اما
عطارلق ایتك اوزره استیجار ایلدیکی دكانده تیمور جیەك ایشلیدمز

۴۲۷ ماده

هرشی که مستعملینك اختلافیه مختلف اوله انده تقید
معتبردر

مثلاً بر کیسه نك ركوبی ایچون استکرا اولنان آتہ بشقه سی ارکاب
اولندمز

۴۲۸ ماده

هرشی که مستعملینك اختلافیه مختلف اولیه انده تقید
لغودر

مثلاً بر کیسه نك سکناسی ایچون استیجار اولنان خانده بشقه سی
اسکان اولنه بیلور

۴۲۹ ماده

كرك قابل تقسیم اولسون و كرك اولسون بر کیسه
حصه شایعه سنی شریکینه ایجار ایده بیلور ایسه ده
آخره ایجار ایده مز . فقط بعد المهایاه نوبتی ایجار
ایده بیلور

۴۳۰ ماده

شیوع طاری عقد اجاره بی افساد ایتمز

مثلاً بر کمیسه خانه سنی ایجار ایتدکن صکره نصف حصه سی
بر مستحق طرفدن ضبط اولنسه باقی حصه شایعه حقنده اجاره
باقی قالور

۴۳۱ ماده

ایکی شریک بر لکده اوله رق مال مشترکی شخص آخره
ایجار ایده بیلور لر

۴۳۲ ماده

بر شیئی ایکی کشی یه ایجار ایتک جائزدر . و هربری
اجرتدن کندو حصه سنده عائد اولان مقداری و یروب
یکدیگره کفیل اولدقجه برینک حصه سی دیکردن
النه ماز

(باب ثانی)

(عقد اجاره یه متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن اجاره یه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۴۳۳ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

۴۳۴ ماده

اجارده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه و یردم

واستيجار ایتدم و قبول ایتدم کبی عقد اجاره ایچون مستعمل
اولان سوزلردر

۴۳۵ ماده

اجاره دخی بیع کبی ماضی صیغله سیله منعقد اولوب مستقبل
صیغله سیله منعقد اولماز

مثلا بری ایجار ایده جکم دیوب دیکری استیجار ایتدم یا خود بری
ایجارایت دیوب دیکری ایجار ایتدم دیسه ایکی صورتده دخی اجاره
منعقد اولماز

۴۳۶ ماده

اجاره مشافهه ایله اولدیغی کبی مکاتبه ایله و دلسزک اشارت
معروفه سیله دخی منعقد اولور

۴۳۷ ماده

تعاطی طریقیله دخی اجاره منعقد اولور
نته کم شفاها بازارلق اولنمقسنزین یولجی واپورینه واسکله قایقنه
و کرا بارکیرینه بنک کبی که اجرت معلوم ایسه اولقدر و دکل ایسه
اجر مثل اعطاسی لازم کلور

۴۳۸ ماده

اجاره ده سکوت رضا و قبول عد اولنور
مثلا بر آدم شهریه الی غروش کرا ایله بر دکان استیجار ایدوبده
بر قایچ آی ساکن اولدقدنصکره آی باشنده آجرا کر انمش غروشه
راضی اولور ایسه ک اوتور اولماز ایسه ک دکانی براق دید کده مستاجر
انی رد ایله التمش غروشه راضی اولم دید کدنصکره دکانده مسترا
اوتورسه کافی السابق الی غروش کرا لازم اولور . واکر برشی

دیموب و دکاندن چیقیمیوبده مسترا اوتورمش ایسه شهریه التشر
غروش ویرمسی لازم کلور

کذلک دکان صاحبی یوز غروشه و مستأجر سکسان غروشه دیسه
وصاحبی مستأجری براغوب اودخی دکانده ساکن اولسه سکسان
غروش اجرت لازم اولور ♦ واکر طرفین سوز لرنده اصرار
ایلد کلری حالده مستأجر ساکن اولور ایسه اجر مثل لازم کلور
۴۳۹ ماده

بعد العقد بدلك تبديل ویا تزیید ویا تنزیلی ایله تکرار
پازارلق اولندقدده عقد ثانی معتبر در
۴۴۰ ماده

اجاره مضافه صحیح ووقتی حلولندن اول لازم
اولور

بناء علیه احد عاقدین مجرد وقتی کلدی دیو اجاره یی فسخ ایده من
۴۴۱ ماده

اجاره صحیح اوله رق منعقد اولدقدنصکره بشقه سی اجرتیه
نقدر ضم ایته آجر مجرد بونک ایچون اجاره یی فسخ
ایده من

فقط وصی یا متولی یتیمک یا وقفک عقارینی اجر مثلندن
نقصان ایله ایجار ایتهسه اجاره فاسد اولوب اجر مثلاً
اکمالی لازم کلور

۴۴۲ ماده

مستأجر از ث یا هبه کبی بروجله عین مأجوره مالک

اولیچق اجارەنک حکمی قالماز

۴۴۳ ماده

موجب عقدك اجراسنه مانع اولور بر عذر ظهور ایتد كده
اجاره منفسخ اولور

مثلا دوكون ایچون بر اشجی استیجار اولندقده احد زوجین فوت
اولسه اجاره منفسخ اولور

و كذا دیشی اغریان کیمسه دیشنی چیقارمق اوزره شوقدر غروشه
بر دیشجی ایله مقاوله ایتشیکن اغری زائل اولیویرسه اجاره منفسخ
اولور

كذلك مسترضعك وفاتيله اجاره منفسخ اولیوب اما چوجغك یاخود
سوت انانك وفاتيله منفسخ اولور

(فصل ثانی)

(اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنده در)

۴۴۴ ماده

اجاره نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اولملری
شرطدر

۴۴۵ ماده

بیوعده اولدیغی کبی اجاره نك انعقادنده دخی ایجابك قبوله
موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

۴۴۶ ماده

آجر ایجار ایده جکی شیئك متصرفی یاخود متصرفنك

وکیل یاولیسی یاوصیسی اولق لازمدر

۴۴۷ ماده

فضولینک ایجاری متصرفک اجازتنه و متصرفی صغیر و یا
مجنون ایسه اجر مثلیله ایجار اولندیغی صورتده ولیسنک
و یاوصیسنک اجازتنه موقوفا منعقد اولور

فقط اجازتک صحتنده درت شیئک یعنی عاقدین و مالک
و معقود علیهم و بدل اجاره عروضدن اولدیغی تقدیرده
انک دخی قیام و بقاسی شرط اولوب بونلردن بریسی معدوم
اولسه اجازت صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(صحت اجارهنک شرائطی حقنده در)

۴۴۸ ماده

اجارهنک صحتنده عاقدینک رضاسی شرطدر

۴۴۹ ماده

مأجورک تعیینی لازمدر

بناء علیه ایکی دکاندن بری تعیین و تحبیر ایدملکسزین ایجار اولسه
صحیح اولماز

۴۵۰ ماده

اجرت معلوم اولق شرطدر

۴۵۱ ماده

اجاره ده منفعت مانع منازعه اوله جق و جهله معلوم اولمق
شرطدر

۴۵۲ ماده

خانه و دكا كين و سود انا امثالنده مدت اجاره نك بيانيله
منفعت معلوم اولور

۴۵۳ ماده

حيوان استيجار اولندقدده يوك يوكلكمك ايچونميدر يوخسه
ركوب ايچيونميدر و كيم بنه جكددر بوراسنك تعييني ياخود
ديلديكني اركاب ايتك اوزره تعميمي ايله برابر اجاره نك
مدتي ياخود مسافه سي دخي بيان اولنمق لازمدر

۴۵۴ ماده

اراضي استيجارنده تعيين مدتله برابر نه ايش ايچون اولديغي
بيان اولنمق و زراعت ايچون ايسه نه اكييله جكي تعيين
وياخود مستأجر هر نه ديلر سه امك اوزره ديو تعميم قلنمق
دخي لازمدر

۴۵۵ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتي عملك بيانيله
يعني نه ياپه جغني و نصل ياپه جغني تعيين ايله اولور
مثلا اثواب بوياديله جق اولدقدده اثوابك بوياجي يه ارا نده سي ياخود
غلظت ورقتنك بيلدبرلسي ورنكسك بياني لازمدر

۴۵۶ ماده

اشیا نقلنده اشارتله و نقل اولنده جق محلك تعینیه منفعت
معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسک دینلده کده یوک مشاهد
ومسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی معلوم اولور

۴۵۷ ماده

منفعت مقدور الاستیفا اولمق شرطدر
بناء علیه بر فراری حیوانک ایجاری صحیح اولماز

(فصل رابع)

(اجاره نك بطلان و فسادى حقنده در)

۴۵۸ ماده

انعقاد اجاره نك شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل
اولور

مثلا مجنونك وصی غیر میرك ایجار واستیجاری باطلدر ♦ فقط
بعد الانعقاد آجر یا مستأجرك تجنن ایتسیله اجاره منفسخ اولماز

۴۵۹ ماده

اجاره باطلده استعمال ایله اجرت لازم اولماز
فقط مال وقف و یا مال یتیم ایسه استعمال ایله اجر مثل
لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

۴۶۰ ماده

انعقاد اجاره‌نك شرط‌ری بولنوبده شرائط صحتدن بریسی
بولنمسه اجاره فاسد اولور

۴۶۱ ماده

اجاره فاسده نافذدر . فقط اجاره فاسده ده آجر
اولان کیمسه اجر مثله مالک اولوب اجر مسمايه مالک
اولماز

۴۶۲ ماده

اجاره‌نك فسادى بعضا بى‌لاك مجهول اولسندن و بعضا
دیگر شرائط صحتك بولنمامسندن نشأت ایدر
اولكى صورتده بالغاً مابلغ اجر مثل لازم کلور .
ایکینجی صورتده اجر مسمايه تجاوز ایتماك شرطيله
اجر مثل لازم کلور

(باب ثالث)

(اجرته متعلق مسائل بیاننده اولوب اویچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(بدل اجاره حقندهدر)

۴۶۳ ماده

بیعده ثمن اولمغه صالح اولان شیء اجاره ده بدل اولمغه

صالح اولديغى كېي ثمن اولمغه صالح اولميان شيلر دىخى
بدل اجاره اوله بيلور

مثلا بر حيوان مقابلنده ياخود بر خانهك سکناسى مقابلنده بر بستان
استيجار اولنه بيلور

۴۶۴ ماده .

بدل اجاره نقد ايسه ثمن مبيع كېي مقدارىنى تعيين ايله
معلوم اولور

۴۶۵ ماده

بدل اجاره عروضدن ياخود مكيلات ياموزونات ياخود
عدديات متقاربدهن اولديغى حالده مقداريله برابر
وضفى دىخى بيان ايتك لازم كاور

ونقلى حل ومؤنته محتاج اولان شيلرده هرزده تسليمى
شرط قلدور ايسه اوراده ايفا اولمق لازم كاور . ومكان
ايفا بيان اولمديغى تقديرده مأجور اكر عتقار ايسه اول
عتقارك اولديغى محملده واكر عمل ايسه اجيرك عمل ايفا
ايتىم يرده واكر حوله ايسه اجرتك لازم اولديغى
مكانده ايسى لازم كاور

اما حل و... اولميان شيلرده ديلديكى يرده اولور

(فصل ثانی)

(اجرتك سبب لزومنه و آجرك اجرتہ کیفیت استحقاقنه)

(دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۶۶ ماده

عقد مطلق ایله اجرت لازم اولماز

یعنی مجرد اجاره منعقد اولدیغی کی همان بدل اجاره‌نك تسلیمی لازم
کلیز

۴۶۷ ماده

تعجیل ایله اجرت لازم اولور

یعنی مستأجر بروجہ پیشین اجرتی تسلیم ایتسه آجر اکا مانك اونوب
بعده مستأجرانی استرداد ایدهمز

۴۶۸ ماده

شرط تعجیل ایله اجرت لازم اولور

یعنی بدل اجاره‌نك بروجہ پیشین ویرمسی شرط قلندقدہ عقد
اجاره كرك منافع اعیان اوزرینه وارد اولسون و كرك عمل اوزرینه
وارد اولسون هر حالده مستأجر ك اول امرده بدل اجاره‌یی تسلیم
ایتسی لازم کلور

واولکی صورتده آجر اجرتی استیفا ایدنجه‌دك مأجوری تیمدن
وایکنجی صورتده اجیر اجرتی استیفا ایدنجه‌دك عبا امتناع
ایده‌یلور

وایکی صورتده دخی آجرك بروجہ پیشین ایله مطالبه ایله
مستأجر ایفادن امتناع ایدر ایتسه فسخ اجا
حق واردر

۴۶۹ ماده

استیفای منفعت ایله اجرت لازم اولور
مثلا بر محله کیمک اوزره استیجار اولنان بارکیره رکوب ایله اورایه
وارلدقده آجری اجرت مستحق اولور

۴۷۰ ماده

اجاره صحیحده استیفای منفعته اقتدار ایله دخی اجرت
لازم اولور

مثلا بر کیمسه اجاره صحیحده ایله استیجار ایلدیکی خندی قبض
ایتدکن صکره ساکن اولسه بیله اجرت ویرمسی لازم کلور

۴۷۱ ماده

اجاره فاسدهده استیفای منفعته اقتدار کافی اولمیوب حقیقه
انتفاع بولندقجه اجرت لازم اولماز

۴۷۲ ماده

من غیر عقد و بلا اذن بر کیمسه برینک مالنی استعمال ایتدیکی
صورتهده معد للاستغلال ایسه اجر مثل لازم اولور
دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکن صکره استعمال
ایدر ایسه معد للاستغلال اولسه دخی اجرت اعطاسی
لازم کلور

زیرا بو حالده استعمال ایتسیله اجرت راضی اولمش اولور

۴۷۳ ماده

اجرتک تعجیل و تأجیلی حقنده عاقدین هر نه شرط

ایدرلر ایسه اکا رعایت اولنور

۴۷۴ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورتده ابتدا آجرك مأجوری
تسلیم و اجیرك عملی ایفا ایلمسی لازم کلوب اجرتك ایفاسی
انجق مقاوله اولنان وقت تأدییه نك انقضاسنده لازم اولور

۴۷۵ ماده

تعمیل و تأجیل شرطی اولقسزین عقد اولسان اجاره
مطلقده عقد اجاره كرك منافع اعیان اوزرینه اولسون
و كرك عمل اوزرینه اولسون هر حالده ابتدا آجرك مأجوری
تسلیم و اجیرك عملی ایفا ایلمسی لازم کلور

۴۷۶ ماده

اجرت اکر شهریه یا خود سنویه کبی بروقت معین ایله
موقت ایسه لزوم ایفاسی اول وقتك انقضاسنده در
مثلا شهریه ایسه آیک تمامنده و سنویه ایسه سنه حتامنده ایفا اولنق
لازم کلور

۴۷۷ ماده

اجرتك لزومنده مأجورك تسلیمی شرطدر
یعنی کرا وقت تسلیمدن اعتبارا ایشلر
بو صورتده آجر قبل التسلیم مرور ایدن مدتک اجرتنی
اله من . و اکر قبل التسلیم مدت اجاره منقضی اولور

ایسه اجرتدن بر شیئه مستحق اولماز

۴۷۸ ماده

ماأجور ایله انتفاع بالکلیه فوت اولدوقده اجرت ساقط اولور

مثلا حمام تعمیره محتاج اولوبده تعمیری اثناسنده بر مدت معطل قالسه اول مدتک اجرتدن حصه سی ساقط اولور . كذلك دکرمنک صوی کسیلوبده معطل قالسه صویک انتطاعی وقتندن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط مستأجر اون اوکوتمکدن غیری بر صورتله اول دکرمنک اوندن انتفاع ایتدکده بدل اجاره دن ا کا اصابت ایدن حصه سی ویرمسی لازم کلور

۴۷۹ ماده

بر کیمسه بر دکان استیجار و قبض ایتیشیکن بر مدت اخذ واعطایه کساد عارض اولغله صنعت ایشلمدی و دکان قیالو قالدی دیو اول مدتک کراسنی اعطادن امتناع ایدهمز

۴۸۰ ماده

مدت اوزرینه بر قایق استیجار اولنوبده اثنای راهده مدت منقضی اولسه ساحله یناشجیه دک اجاره ممتد اولور . ومستأجر فضله اولان مدتک اجر مثلنی ویرر

۴۸۱ ماده

بر کیمسه خانه سنی دیگر کسنه یه مرمت ایتک وبلا اجرت

ساکن اولیٰ اوزره ویرسه و او دخی کندو طرفندن
مرمت ایدرک برمدت ساکن اولسه عاریت قیلندن
اولمغله مصارف تعمیریه اول کمسنه یه عائد اولور .
و صاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت نامنه
برشی الهماز

(فصل ثالث)

(اجرت ایچون اجیرک مستأجر فیهی حبس)

(ایدوب ایدهمامسی حقنده در)

۴۸۲ ماده

درزی و بویاجی و جامه شوی کبی عملنده اثر اولان
اجیرک و یرمسی یه مقاوله اولنماش ایسه اجرت ایچون
یدنده مستأجر فیهی حبس ایتکه صلاحیتی واردر .
و بو وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولماز فقط اجرت دخی الهماز

۴۸۳ ماده

حال و ملاح کبی عملنده اثر اولیان اجیرک اجرت ایچون
مستأجر فیهی حبس ایتکه صلاحیتی یوقدر
و بو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولور و مال صاحبی بونده مخیر اولوب دیلرسه

محمول اوله رق قيمتى تضمين ايتديرر واجرتنى ويرروديلرسه
غير محمول اوله رق تضمين ايتديروب اجرت ويرمز
(باب رابع)

(مدت اجاره يه متعلق مسائل بياندهدر)

۴۸۴ ماده

برکيمسه کرک يوم کي قصير اولسون و کرک سنین کي
طويل اولسون معلوم اولان مدت اوزرينه مال
وملکني آخره ايجار ايدە بيلور

۴۸۵ ماده

مدت اجاره نك ابتدای حين عقدده تسميه يعنى ذکر
وتعيين اولنان وقتدن اعتبار اولنور

۴۸۶ ماده

حين عقدده ابتدای مدت تسميه اولنمز ايسه وقت عقددن
اعتبار اولنور

۴۸۷ ماده

برسنه لك اولمق اوزره هر آيلغى شوقدر غروشه اوله رق
برعقارک ايجارى جائز اولديغى کي شهریه سی بيان
اولنمق سزین برسنه لك اولمق اوزره شوقدر غروشه
ايجارى دخی صحیح اولور

۴۸۸ ماده

آيك ابتدا سنده ايكن اجاره كرك بر آيلق اولسون و كرك زياده اولسون شهریه اوله رق مقاوله اولنور ايسه آيلق اولق اوزره منعقد اولور بوصورته آي اوتوز كوندن ناقص اولسه دخی تمام آيلق اعطاسی لازم كلور

۴۸۹ ماده

آيك برازی كچمشيكن بر آيلق اولق اوزره مقاوله اولنديغي صورتده بر آي اوتوز كون اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۰ ماده

آيك برازی كچمشيكن شو قدر آيلق اوله رق مقاوله اولنور ايسه اولكي ناقص آي الكصكره كي آيدن اوتوز كون اولق اوزره اتمام اولنوب اجرتی يوميه حسابيله ايفا اولنور . واره یرده كي آيلر غره ايله حساب و اعتبار قيلنور

۴۹۱ ماده

آيك برازی كچمشيكن قاچ آيلق اولديغي بيان اولتمسزین هر آيلغي شو قدر غروشه اولق اوزره مقاوله اولنديغي صورتده ابتدا كي ناقص آي اوتوز كون اعتبار اولمق لازم كله جكي كي ديكر آيلر دخی اولوجه ايله

اوتوزر کون اولمق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۲ ماده

آيك ابتداسنده ايكن برسنه لك اوله رق عقد اجاره اولندقدنه سنه اون ايكي آي اولمق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۳ ماده

آيك برازی کچمشيكن اجاره برسنه لك اوله رق عقد اولندقدنه برآي ايامي اوله رق اعتبار اولنوب ديسكر اون بری غره اعتباريله حساب اولنور

۴۹۴ ماده

قاج آيلق اولديغي ذکر اولتمق سزین هر آيلغي شوقدر غروشه اولمق اوزره برعقار اجاره اولنسه عقد صحیح اولور

فقط برنجی آی تمام اولندقدنه ايکنجی ودهما صکره کی آيلرك برنجی کچمه سيله برنجی کوننده آجر و مستأجر دن هر بری اجاره دي فسخ ايدوبيلور . اما اولکی کچمه سيله کونی کچد کدنصکره فسخ ايدومز

واکر احد عاقدین بويله اثنای شهرده فسخ ایتدم ديسه اول آيك نهايتنده منفسخ اولور

واکر اثنای شهرده شهر آتی ابتداسندن اعتباراً فسخ ایتدم ديسه شهر آتی حلو لنده منفسخ اولور

واکر ایکی یاز یاده آیلق پشین ویرلش ایسه هیچ بریسی
اول آیلرک اجاره سنی فسخ ایدمز
۴۹۵ ماده

بر کیمسه بر کون ایشلک اوزره بر اجیر طوتدیغی صورتده
طلوع شمسدن عصره قدر یاخود غروب شمسه قدر
ایشلک خصوصنده عرف بلده نه ایسه اکا کوره عمل
اولنور

۴۹۶ ماده

بری مثلاً اون کون ایشلک اوزره بر دولکر استیجار
ایتسه عقدی ولی ایدن کونلر اعتبار اولنور
واکریازین اون کون ایشلک اوزره دیو استیجار ایتسه
قنغی آیک قاچنجی کونندن اعتباراً ایشلیه جکنی بیان
ایتمکجه صحیح اولماز

(باب خامس)

(خیارات حقنیده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیार شرط بیانده در)

۴۹۷ ماده

بیعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیار شرط جاری

اوله رق احد طرفین یا خود ایکسی بردن شو قدر کون
مخیر اولق اوزره ایجار و استیجار جائز اولور
۴۹۸ ماده

مخیر اولان کیمسه مدت خیارنده دیلر سه اجاره بی فسخ
ایدر و دیلر سه مجیز اولور
۴۹۹ ماده

کرك فسخ کرك اجازت (۳۰۲) و (۳۰۳) و (۳۰۴)
ماده لرده بیان اولندیغی اوزره قول اولدیغی کبی فعلا
دخی اولور

بناء علیه آجر مخیر اولدیغی صورتده مأجورده تملک لوازمندن
اولان بروجله تصرف ایتمی فسخ فعلیدن • و مستأجر مخیر
اولدیغی صورتده مأجورده مستأجرینک تصرفی کبی تصرف
ایتمی اجازت فعلیه در
۵۰۰ ماده

مخیر اولان کیمسه اجاره بی فسخ یا خود انفاذ ایتمدن
مدت خیار مرور ایدر سه خیاری ساقط اوله رق اجاره
لازم اولور
۵۰۱ ماده

مدت خیار وقت عقددن اعتبار اولور
۵۰۲ ماده

مدت اجاره نك ابتدای خیارک سقوطی وقتندن معتبر در

۵۰۳ ماده

شوقدر ذراع یادونم اولمق اوزره استیجار اولنان یرزیده
یاخود ناقص چیتسه اجاره صحیح اولور • واجر مسمی
لازم کلور

فقط نقصان صورتنده مستأجر مخیر اولوب دیلرسه
اجاره یی فسخ ایده بیلور

۵۰۴ ماده

هردو نمی شوقدر غروشه اولمق اوزره بریر استیجار اولنسه
اجرتی دونم حسابیله ویرلمک لازم کلور

۵۰۵ ماده

برایش فلان وقته قدر ایضا اولمق اوزره اجرتی تعیین
اولنهرق عقد اجاره جائز و شرط معتبر اولور

مثلا برکیمسه کسوبده کوماک دیکمک وبوکون یتشدرمک اوزره
درزییه بزویرسه یاخود شوقدر کونیده مکویه یتشدرمک اوزره
برآدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره جائز اولور • واجر شرطی ایضا
ایدرایسه اجر مسمی الور وایضا ایتزایسه اجر مسمایی تجاوز
ایتماک اوزره اجر مثل الور

۵۰۶ ماده

عملده و عاملده و حیل و مسافهده و مکانده و زمانده ایکی
یا اوج صورت اوزرینه اجرتک تردیدی صحیح اولور •
وهر قحنی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت
اعطایی لازم کلور

مثلاً اکنه اردی دیکمک اوزره شوقدر و او یولغامه دیکمک اوزره
بو قدر غروشه بازارلق اولندقدنه قنغی صورتده دیکلورایسه اکا کوره
مقاوله اولنان اجرتک اعطاسی لازم کلور

یا خود بردکاده عطارلق ایتک اوزره شوقدر و تیمور جیات اینسان
اوزره بو قدر غروشه مقاوله اولندقدنه مستأجر قنغی عملی اجرا
ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه سنی اعطا ایدر

و کذا بر دابه به بغدادی یو کتمک اوزره شوقدر و تیمور یو کتمک اوزره
بو قدر غروشه استکرا اولندقدنه قنغی سنی یو کلدرا ایسه اکا کوره معین
اولان اجرتی ویرر

یا خود بکاری شو حیوانی چورلی به دیک یوز و ادرندیه دیک ایکی یوز
و فلبه به دیک اوچیوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده مستأجر نره به
کیدر ایسه اوراسنک اجرتی اعطا ایلر

و کذلک آجر شو خانه یی یوز و بوخاندی ایکیوز غروشه ایجار
ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتدکنصکره هر قنغیسنده ساکن
اولور ایسه انک ایچون معین اولان اجرتی ویرمی لازم کلور
کذلک بر کیمسه برجهدی درزی به بوکون دیکر سه الی و یارین دیکر سه
اوتوز غروش ویرمک اوزره بازارلق ایتسه جائز و شرطلر معتبر
اولور

• (فصل ثانی)

(خیار رؤیت حقننده در)

۵۰۷ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت واردر

۵۰۸ ماده

مأجورك رؤيتى منافعك رؤيتى كبيدر

۵۰۹ ماده

مستأجر كورمدين بر عقارى استيجار ايتسه كور دكدە
مخير اولور

۵۱۰ ماده

بر كيمسه مقدا كورمش اولديغى برخانه يي استيجار ايتسه
انك ايچون خيار رؤيت يوقدر . مكر كه سكينايه مضر
اوله جق بر محلى منه دم اوله رق هيئت اولاسى تغير ايتش
ايسه اولخالده مخير اولور

۵۱۱ ماده

هر عمل كه محلك اختلافيله ذاتا مختلف اوله انده اجيرك
خيار رؤيتى واردر

مثلا بر جبه ديكمك اوزره درزى ايله بازارلق اولنديغى صورتده درزى
ديكه جكي چوقه ياشالى يي كوردكدە مخير اولور

۵۱۲ ماده

هر عمل كه محلك اختلافيله اوليه انده خيار
رؤيت يوقدر

مثلا شوقدر قيه پموغك چكردكنى ايقلامق اوزره شوقدر غروشه
مقاوله اولنديقه اجير پموغى كورمسه كندوسى ايچون خيار رؤيت
يوقدر

(فصل ثالث)

(خیار عیب حقننده در)

۵۱۳ ماده

بیعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیار عیب وارد

۵۱۴ ماده

اجاره ده خیاری موجب اولان عیب منافع مقصوده نك
بالکلیه فوت یا خود مختل اولمسنه سبب اولان
شیدر

مثلاً خانه بتون بتون منهدم اولمق و دکرمنك صوی کسلك ايله
منفعت مقصوده فوت اولدیغندن و خانه نك چاتیسی چوكمك یا خود
سکنایه مضر بر محلی منهدم اولمق و کرابار کیرینك ضرر قی یاره لنمق
منافع مقصوده یی اخلاص ایلدیکنندن بونلر اجاره ده خیاری موجب
اولان عیوبنددر . اما خانه نك ایچروسنه یغمور و صغوق کیر میه جك
صورته صوایی دوکیم و بار کیرک یایی یا خود قویروغی کسلك
کبی منافی اخلاص ایتمان قصورلر اجاره ده خیاری موجب اولماز

۵۱۵ ماده

منفعتك استیفاسندن مقدم مأجورده بر عیب حادث اولسه
وقت عقدده موجود کبیدر

۵۱۶ ماده

مأجورده بر عیب حادث اولدقده مستأجر مخیردر .
دیلسه عیبیلله برابر استیفای منفعت ایلر بوصورته

اجرتی تماماً ویرر و دیلر سه اجاره‌ی فسخ ایلر

۵۱۷ ماده

مستأجر ك اجاره‌ی فسخ‌نندن مقدم آجر اكر عیب
حادثی ازاله ایلر ایسه مستأجر ك حق فسخی قلماز .
و مستأجر بقیه مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی اكا
مانع اوله ماز

۵۱۸ ماده

منافعی اخلال ایدن عیب حادثك رفعندن مقدم مستأجر
اجاره‌ی فسخ ایده جك اولور ایسه آجر ك حضورنده
فسخ ایده بیلور . یوخسه غیابنده فسخ ایده من
واكرا آجر ك غیابنده یعنی اكا خبر ویرمکسزین فسخ
ایلر ایسه فسخی معتبر اولیوب کماکان مأجور ك کراسی
ایشلر

اما منافع مقصوده بالکلیه فوت اولدیغی صورتده آجر ك
غیابنده دخی فسخ ایده بیلور
و كرك فسخ ایتسون و كرك فسخ ایتسون درتیوز یتش
سکزنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم

اولماز

مثلاً خانه مأجور ك منافعی اخلال ایلر بر محلی منهدم اولسه مستأجر
فسخ اجاره ایده بیلور . فقط آجر ك حضورنده فسخ ایتسی لازم
کلور یوخسه اكا خبر ویرمکسزین خاندن چیتیزیر سه چیتهمش
کی اجرت ویرمی لازم کلور

اما خانه بتون بتون منهدم اولديغي صورتده آجرك حضورينه محتاج اولمقسزين مستأجر فسخ اجاره ايد بيلور . وهر حالده اجرت لازم گلز

۵۱۹ ماده

خانه نك براوطه سي ياخود برديواري منهدم اولوبده مستأجر فسخ اجاره ايتيمهرك باقيسنده ساكن اولسه اجرتدن برشي ساقط اولماز

۵۲۰ ماده

بركيمسه ايكي خانه يي بردن شوقدر غروشه استيجار ايدوبده بريسي منهدم اولسه ايكي سني بردن ترك ايد بيلور

۵۲۱ ماده

شوقدر او طه لي اولق اوزره استيجار اولنان خانه نك او طه لري ناقص چي قسه مستأجر مخيردر ديلر سه فسخ اجاره ايدر و ديلر سه اجر مسما ايله اجاره يي قبول ايلر

اما اجاره يي ايفا ايدوبده اجرتدن برمقدار يني تنقيص ايد مز

(باب سادس)

مأجورك انواع و احكامى بيانده اولوب درت فصلى)

(حاويدر)

(فصل اول)

(اجاره عقاره متعلق مسائل بيانده در)

۵۲۲ ماده

کیمک سکناسی ایچون اولدیغی بیان ایدلمیه رک بر خانه یادکان
استیجار اولنسه جائز اولور

۵۲۳ ماده

بر کیمسه خانه سنی یادکانی ایچنده امتعه واشیاسی اولدیغی
حالده ایجار ایتسه اجاره صحیح اولوب آجر امتعه
واشیاسنی تخلیه ایله خانه یی تسلیمه مجبور اولور

۵۲۴ ماده

بر کیمسه نه اکه جکنى تعیین یاخود هر نه دیلر سه اکک اوزره
دیو تعیم ایتیه رک برارضی استیجار ایتسه اجاره فاسد
اولور . فقط قبل الفسخ تعیین ایدوبده آجر دخی راضی
اولور ایسه صحت منقلب اولور

۵۲۵ ماده

بر کیمسه دیلدیکنی اکک اوزره استیجار ایلدیکی ارضده

صيفيه وشتايه اوله رق بر سنه ايچنده مكررا زراعت
ايدە بيلور

۵۲۶ ماده

زرعك ادر اكندن مقدم مدت اجاره منقضى اولسه زرعك
ادر اكنه دك مستأجر اجر مثلى ويره رك ارض اوزرنده
اكيني ابقا ايدە بيلور

۵۲۷ ماده

نه ايچون اولديغى بيان ايدلميه رك دكان و خانه استيجارى
صحيح اولوب كيفيت استعمالى عرف وعادته مصروف
اولور

۵۲۸ ماده

بركمسه نه ايچون اولديغى بيان ايتمه رك استيجار ايلديكى
خانه ده كندوسى ساكن اوله بيلديكى كې بشقه سنى دخى
اسكان ايدە بيلور • وايچنه اشياسنى وضع ايدە بيلور •
وبنايه وهن و ضرر كتورميه جك هر نوع ايش ايشليه
بيلور • اما بنايه وهن و ضرر كتورده جك ايشى صاحبك
رضاسى اولمديقه ياپه ماز

حيوان باغله مق خصوصنده عرف وعادت بلده معتبر
ومر عيدر دكانك حكى دخى بو وجهله در

۵۲۹ ماده

منفعت مقصوده يي اخلال ايدن شيلرى ياي مق آجره عائددر

مثلاً د کرمنک خرقنی آیقلامق صاحبنک اوزرینه در . کذلک خاننک وصو یوللرینک و کونکلیرینک تعمیر و اصلاحی و سکنایه محل اولان شیلرک انشاسی و بنایه متعلق سائر ایشلرهب صاحبی اوزرینه لازمدر . واکر صاحبی بونلری یایمقدن امتناع ایدر ایسه مستأجر اول خانه دن چیقہ یلمور . مگر که استیجار ایتدیکی وقت اول خانه بو حال اوزره اولوبده آنی کورمش ایسه عیبه راضی اولمش دیمک اولمسیله صکره دن بونی بهانه ایدرک اول خانه دن چیقہ ماز . واکر مستأجر بوشیلری کندو طرفندن یاپارایسه تبرع قبیلندن اولوب مصرفنی آجردن طلب ایده مز

۵۳۰ ماده

آجرك اذنیله مستأجرك اجرا ایتدیکی تعمیرات اكر طامك كرمیدینی افطارمق کبی مأجورك اصلاحنه و خلل تطرقندن صیانتنه عائد ایسه مصرفنی آجردن التیق شرطی ذکر اولنماش ایسه بیله مستأجر بو تعمیراتك مصرفنی آجردن آلور . واکر خانهك فروونی تعمیر ایتك کبی مجرد مستأجرك منافعه عائد ایسه اولیه بر شرط ذکر اولندقجه مستأجر انك مصرفنی آجردن اله مز

۵۳۱ ماده

مستأجر بر عقار مأجورده بنا احداث ایلسه یا خود اغاج دیکسه اجارهك انقضاسنده آجر مخیر اولور . دیلر سه اول بنایی یا خود اغاجی قلع ایتدیر . و دیلر سه قیمتی

آزاولسون چوق اولسون و يروب ابقا ايدر

۵۳۲ ماده

مدت اجاره ده ترا کم ایدن توز و طپراق و سو پرندينك تطهير
وازاله سی مستأجر اوزرينه در

۵۳۳ ماده

مستأجر مأجوری تخریب ايدر اولوبده آجر منعه
مقتدر اوله مسه حاكمه مراجعتله اجاره يي فسخ ايتديره
بيلور

(فصل ثانی)

(اجاره عروض حقنده در)

۵۳۴ ماده

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه و اسلحه
و چادر و امثالی منقولاتك اجاره سی جائزدر

۵۳۵ ماده

بر کیمسه بر محله کیمك اوزره البسه استیجار ایتدکده اول
محله کیمیوبده خانه سنده کیسه یاخود هیچ کیمسه بيله
اجرتنك اعطاسی لازم کلور

۵۳۶ ماده

بر کیمسه کندو کیمك ایچون استیجار ایلدیکی البسه يي
بشقه سنده کیدیره من

۵۳۷ ماده

حلیات البسه کبیدر

(فصل ثالث)

(اجاره حیوان حقنده در)

۵۳۸ ماده

معین بر حیوانی استکرا ایلک صحیح اولدیغی کبی بر محل
معینه قدر کوتورمک اوزره مکاری ایله مقاوله ایتک دخی
صحیحدر

۵۳۹ ماده

فلان محله قدر دیو بر معین دابه استکرا اولندیغی صورتده
اگر دابه یولده بیتاب اولوب قالور ایسه مستأجر
مخیر اولور . دیلر سه حیوان طور انجیه قدر بکار و دیلر سه
اجاره بی نقض ایلر و بو حالده اورایه قدر اولان مسافه نك
اجر مسمان حصه سی نه ایسه انی آجره ویرر

۵۴۰ ماده

فلان محله شو قدر یوک کوتورمک اوزره بازارلق اولندیغی
صورتده حیوان یولده بیتاب اولوب قالور ایسه بشقه
حیوانه تکمیل ایله یوکی اول محله قدر کوتورمکه مکاری
مجبور اولور

۵۴۱ ماده

لاعلى التعيين بر حيوان استيجارى جائز اولماز . فقط بعد العقد
تعيين اولنوبده مستأجر دخی قبول ايدرايسه جائز اولور
وبرده معتاد اولديغی اوزره لاعلى التعيين بر نوعدن
بردايه استيجار اولندقدده جائز ومطلق متعارفه
مصرف اولور

مثلا عادت اولديغی اوزره مکاری ايله فلان محله قدر بر بارکیر استيجار
اولندقدده مکاری بروجه معتاد بر بارکیر ايله اول کيسه یی اورا يه
ايصال ایتکه بورجلی اولور

۵۴۲ ماده

اجارده سنجاق و ولايت کبی بر قطعه نك اسميله حد مسافه یی
تعيين ايلك کافی دکلدر . مکرکه اول قطعه نك اسمی
بر شهره اطلاق اولنمق اوزره عرف اوله

مثلا بوسنديه دك يا خود عربستانه قدر ديو حيوان استکرا ايلك صحيح
اوليوب واريلدجق شهر يا قصبه يا قريدنك تعيينی لازم کلور . فقط
شام لفظی بر قطعه نك اسمی اولديغی حالده شهر دمشقده اطلاق اولنمق
اوزره عرف اولديغندن شامه قدر ديو حيوان استکرا اولنسه
صحيح اولور

۵۴۳ ماده

فلان محله قدر ديو بر حيوان استکرا اولنوبده اول محلك
اسمی ايکی بلده يه اطلاق اولنور اولديغی تقدیرده
هر قنغيسنه کيدیلور ايسه اجر مثلی لازم کلور

مثلاً استانبولدن چكمنجه يەدك بر حيوان استكرا اولنوبده بيوك يا خود
كوچك چكمنجه ديو تصريح قلنديخي تقديرده هر قنغيسنه كيديلور ايسه
انك مسافه سنه كوره اجر مثل ويرلك لازم اولور
۵۴۴ ماده

بر بلديه دك بر حيوان استكرا اولندقدده مستأجرى
اول بلده ده كى خانه سنه قدر كوتورمك لازم اولور
۵۴۵ ماده

بر محل معينه دك حيوان استيجار ايدن كيمسه مكارينك
اذنى اولدقجه اول محلى تجاوز ايدهمز . و تجاوز ايتدكده
صاغ و سالم صاحبنه تسليم ايدنجه يەدك اول حيوان
مستأجر ك ضماننده اولوب كرك ذهابنده و كرك ايانده
تلف اولسه ضمان لازم كلور
۵۴۶ ماده

بر محل معينه كيتمك اوزره ديو دابه استكرا اولندقدده
مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كيدهمز . و كيدوبده
حيوان تلف اولسه ضامن اولور
مثلاً تكفور طاغنه كيتمك اوزره استيجار ايتديكى حيوان ايله اسليه يە
كيتسه و حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور
۵۴۷ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبده اورا يە كيدن يوللر
متعدد اولسه مستأجر ناسك سلوك ايتديكى يوللردن
هر قنغيسيله استرسه كيده بيلور

و حیوان صاحبی کیده جک یولی تعیین ایتیشیکن مستأجر
 بشقه یولدن کیدوبده حیوان تلف اولدیغی صورتده
 اگر بویول حیوان صاحبنک تعیین ایلش اولدیغی یولدن
 دها طولاشق یا صرب ایسه ضمان لازم کلور و اگر مساوی
 یا خود دها اهون ایسه ضمان لازم کلز

۵۴۸ ماده

مستأجر شوقدر مدت ایچون استیجار ایلدیکی حیوانی
 اول مدتدن زیاده استعمال ایده مز و ایدوبده یدنده حیوان
 تلف اولسه ضامن اولور

۵۴۹ ماده

فلان آدم بنک اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کی
 دیلدیکنی بندیرمک اوزره تعمیماً استکراسی دخی صحیحدر
 ۵۵۰ ماده

• رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوک یوکدیله مز
 • ویوکدیلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
 • لکن بو حالده اجرت لازم اولماز • (۸۶) ماده یه باق

۵۵۱ ماده

فلان آدم بنک اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقه سی
 ارکاب اولنه ماز • وارکاب اولنوبده حیوان تلف
 اولسه ضمان لازم کلور

۵۵۲ ماده

برکیمسه دیلیدیکنی بندرمک اوزره استکرا ایلدیکی دابهیه
دیلرسه کندوسی را کب اولور و دیلرسه بشقه سنی
ارکاب ایدر . فقط ـکـ کندوسی بنسون و کرک
بشقه سنی بندر سون هرکیم را کب اولور ایسه مراد
تعین و تخصص ایدوب اندنصکره بشقه سی ارکاب
اولنده ماز

۵۵۳ ماده

رکوب ایچون بر حیوان استکرا اولنوبده کیمک بنه جکی
تعین و دیلیدیکنی بندرمک اوزره دیو تعیم اولنمسه اجاره
فاسد اولور

فقط قبل الفسخ تعین و بیان اولنور ایسه صحت منقلب
اولور . و بو صورتده دخی هرکیم تعین ایدر ایسه اندن
بشقه سی اول حیوانه ارکاب اولنده ماز

۵۵۴ ماده

یوک ایچون حیوان استکرا اولندقدده سمر وایب و چوال
حقنדה عرف بلده معتبردر

۵۵۵ ماده

یوکک مقداری بیان یا خود اشارتله تعین ایدلمیه رک حیوان
استکرا اولندقدده مقداری عرف و عادتله محمول اولور

۵۵۶ ماده

مستأجر کرا حیواننی صاحبک اذنی اولقسزین ضرب
ایده ماز و ضرب ایدو بده اندنناشی حیوان تلف اولسه
ضامن اولور

۵۵۷ ماده

کرا حیواننی ضرب ایتک اوزره صاحبی اذن ویردیکی
صورته مستأجر انجق ضربی معتاد اولان یرینه
اوره بیلور . واکر ضربی معتاد اولان موضعدن بشقه
یرینه ضرب ایله مثلا صاغریسنه اوره جق یرده باشنه
اورمغله حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور

۵۵۸ ماده

یوک ایچون استکرا اولنان حیوانه بینیه بیلور

۵۵۹ ماده

یوکک نوع و مقداری ذکر و بیان اولنهرق حیوان استیجار
اولندقدده مضرتده اکامثال یاخود اندن دهاا هون اولقدر
دیگر برنوع یوک دخی یوکدیلله بیلور . اما مضرتی
دها زیاده اولان شی یوکدیلله من

مثلا برکیمسه بش کیله بغدای یوککتمک اوزره استکرا ایلدیکی بارکیره
کوک کندوسنک اولسون وکوک بشقه سنک اولسون وهرقغنی نوعدن
اولورسه اولسون بش کیله بغدای یوککده بیلدیکی کی بش کیله ارپه
دخی یوککده بیلور . اما بش کیله ارپه یوککتمک اوزره استکرا
ایلدیکی حیوانه بش کیله بغدای یوککده من نته کیم یوز قیه

پموق يوكلىك اوزره استكرا اولنان حيوانه يوزقيه نيمور يوكلدياه
مدىكى كى

ماده ۵۶۰

كرا حيوانندن يوكى اينديرمك مكارى اوزرينه در
ماده ۵۶۱

ماجورك نفقهسى اجر اوزرينه در

مثلا استكرا ولنان باركرك علفى وضوارلمسى صاحى اوزرينه در
فقط انك اذنى اولقسزىن مستاجر حيوانه يم وير ايسه تبرعدر صكره
صاحبندن اچقه سنى اله ماز

(فصل رابع)

(اجاره آدمى بياننده در)

ماده ۵۶۲

خدمت يا اجراى صنعت ايچون باب ثانينك فصل ثالثده
بيان اولنديغى اوزره مدت بيانيله يا خود ديكر صورتده
عملى تعيين ايله اجاره آدمى جائزدر

ماده ۵۶۳

اجرت مقاوله ايدلميه رك بر شخص بر كيمسه نك طلبى اوزرينه
اول كيمسه يه خدمت ايتدكده اجرت ايله خدمت ايدر
مقوله دن ايسه اجر مثل الور . دكل ايسه برشى اله ماز

ماده ۵۶۴

بر كيمسه بر شخصه مقدار بيان ايتميه رك فلان ايشى

کور سکا اکرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایلسه
اجر مثله مستحق اولور

ماده ۵۶۵

اجرت تسمیه اولنقسزین عمله استخدام اولندقدده کونده لکی
معلوم ایسه اجرت معلومه ودکل ایسه اجر مثلی
ویریلور . بوکا مماثل اصنافک معاملهری دخی
بوجله در

ماده ۵۶۶

قیمیاتدن لاعلی التعین برشی ویرلمک اوزره اجیر ایله عقد
اجاره اولندقدده اجر مثل لازم اولور

مثلا بر کیمسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت سکا بر چفت
اوکوز الیوریم دیسه اوکوز اعطاسی لازم کلیوب اجر مثل لازم
کلور . فقط عادت اولدیغی اوزره البسه یا یلق اوزره سوت انا
استیجاری جائز والبسه نک نصل اوله جغی وصف و تعریف اولندیغی
تقدیرده اوسط درجه سی لازم اولور

ماده ۵۶۷

خدمه یه خارجدن ویرلمش اولان بخشیش اجرتیه محسوب
ایدیله ماز

ماده ۵۶۸

بر علم یا صنعت تعلیمی ایچون استاد استیجار اولندقدده اگر
مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت اوزرینه منعقد اولور

حتی استاد تعلیمه حاضر و مهیا بولنقی ایله اجرتیه مستحق
اولور شاگرد کرک تعلم ایتمسون و کرک ایتمسون
واکر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اوله رق منعقد
اولور . بوضورتده شاگرد تعلم ایدرسه استاد اجرتیه
مستحق اولور . والا اجرت اله ماز

ماده ۵۶۹

برکیمسه مثلا اوغلنی صنعت اوکرنمک ایچون اوسته یه
ویروب احدهما آخره اجرت شرط ایتمدکاری حالده
چوجق صنعت اوکرنده کد نصکره یکدیگردن اجرت مطالبه
ایتمه لر عرف و عادت بلده نه ایسه انکله عمل اولنور

ماده ۵۷۰

برقریه اهالیسی برخواجه یاخود امام یامؤذن استیجار
ایدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلمه لر اجرتلرینی اول
قریه اهالیسندن الورلر

ماده ۵۷۱

بالنفس عمل ایتمک یعنی کندو ایشلمک اوزره استیجار اولنان
اجیر کندو یرنده بشقه سنی قوللانه ماز

مثلا برکیمسه برجبه یی شو قدر غروشه درزی کندو ایله دیکمک اوزره
بازارلق ایتدکده درزی انی آخره دیکدیره میوب کندوسی دیکمک لازم
کلور و آخره دیکدیردیکی تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

ماده ۵۷۲

مطلق اوله رق مقاوله اولندیغی صورتده آجر کندو یرنده

بشقه سنی قولانه بیلور

۵۷۳ ماده

مستأجرک اجیره بواشی یاپ دیمسی اطلاقدر

مثلا برکیمسه درزییه بالذات یاخود کندوک دیو تقیید ایتکسزین
شوقدر غروشه بوجهی دیک دیوبده مقاوله ایتدکده درزیانی
قلقه سنه یاخود دیکر بر درزییه دیکدیرسه اجر مسمایه مستحق
اولور ♦ وبلا تعد جبه تلف اولسه ضامن اولماز

۵۷۴ ماده

عماک توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلمیان هر نه
اولور ایسه اولسون بونده عرف و مادت بلدهیه اعتبار
اولنور

ایپاک درزینک اولق اوزره عادت اولدیغی کی

۵۷۵ ماده

یوکی خانهیه ادخال ایتک حاله لازم اولوب اما محلهیه
قویق انک اوزرینه لازم دکدر

مثلا یوکی اوست قاته چیقارمق و ذخیرهیی انباره دوکک حمالک
بورجی دکدر

۵۷۶ ماده

اجیره ییک و یرمک مستأجره لازم اولماز • مکرکه عرف
بلده اوله

۵۷۷ ماده

بردلال برمالی ————— کزدروبده صاته مسه بعده صاحبی

صائدقده اول دلال اجرت الهماز و ديكر بر دلال صائدیغی
تقدیرده اجرت دلاییه یی كاملا ایکنجی دلال الوب
اولکیسی برشی الهماز

۵۷۸ ماده

برکیمسه مالنی دلاله و یروب شوقدر غروشه صات
دیدکده دلال اندن زیاده یه صاتسه اول زیاده دخی مال
صاحبنک اولوب دلال اجرت دلاییه سندن بشقه برشی
الهماز

۵۷۹ ماده

بیعده دلال دلاییه سنی الدقدنصکره بر مستحق چیتقوبده
مبیعی السه یاخود عیب ایله مبیع رداو لنسه دلاییه استرداد
اولنهماز

۵۸۰ ماده

برکیمه نك ترلاسنده کی اکینی بیچمک اوزره شوقدر
غروشه استیجار ایلش اولدیغی اورا قیلرا کینک بر مقدارینی
بیچدکاری حالده طولو یاغمغله یاخود بشقه بر قضا ظهور یله
اکینک ماعداسی تلف اولسه اجر مسمادن بیچدکاری
اکینک حصه سنه اصابت ایدن مقداری اله بیلوب باقیسنی
الهمازلر

۵۸۱ ماده

سوت اناخسته اولدقده فسخ اجاره ایده بیلدیکی کی

بویله خسته یا کبه اولور یا خود چو جق انک مده سنی
الماز و یاسوتینی استفراغ ایلر ایسه مسترضع دخی فسخ
اجاره ایده بیلور

(باب سابع)

(بعد العقد آجر و مستأجرک وظیفه و صلاحیتلرینه)

(دائر اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(تسلیم مأجور حقنده در)

۵۸۲ ماده

مأجورک تسلیمی مستأجره بلا مانع انکله انتفاع ایده بیلر جک
حالده آجرک اذن ورخصت و یرمسیدر

۵۸۳ ماده

مدت یا مسافه اوزرینه اجاره صحیحه عقد اولندوقده مدتک
انقضاسنه و مسافه نك ختامنه قدر مأجورک متصلا و مستمرا
یدنده طور مق اوزره مستأجره تسلیمی لازمدر

مثلا برکیمسه شوقدر مدت ایله یا خود فلان یره کیمک اوزره برعربه
استیجار ایتدکده اول مدت ظرفنده یا خود اورایه وارنجیه دک
اول عربدی قوللانه بیلور و اوراده صاحبی انی الوبده کند و امورنده
استعمال ایده مز

۵۸۴ ماده

آجر ك بر ملك عقارينى ايچنده كندو مالى اولديغى حالده
ايچار ايتسه فارغاتسليم ايتدجكه كرا ايشلر . مكركه
اول مالى دخی مستأجره صاتمىش اوله

۵۸۵ ماده

آجر خانه يي تسليم ايدوبده ايچنده كى اشياسنى قويدىغى
بر او طه يي تسليم ايتسه اول او طه نك بدل اجاره دن
حصه سى مقدارى ساقط اولور . و خانه نك باقىسند
دخی مستأجر مخيردر . و اكر آجر قبل الفسخ خانه يي
تخليه و تسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجر ك
حق فسحى ساقط اولور

(فصل ثانى)

(بعد العقد عاقدينك مأجورده تصرفلرينه)

(دائردر)

۵۸۶ ماده

مأجور عقار ايسه مستأجر انى قبل القبض آخره ايچار
ايد بيلور . و اكر منقول ايسه ايد مز

۵۸۷ ماده

ناسك استعمال و انتفاعده متفاوت اولديغى مأجورى

مستأجر بشقه سنه ايجار ايد بيلور

۵۸۸ ماده

اجاره فاسده ايله مستأجر اولان كيمسه مأجورى
بعد القبض بشقه سنه اجاره صحيحه ايله ايجار ايتسه
جائز اولور

۵۸۹ ماده

بر كيمسه مالنى مدت معلومه اوزرينه برينه اجاره لازمه ايله
ايجار ايتدكن صكره تيكرار بشقه سنه اول مدتى ايجار
ايلسه اجاره ثانيه نافذ و معتبر اولماز

۵۹۰ ماده

مستأجر ك اذنى اولمق سزىن آجر مأجورى صائسه
مستأجر حقنده بيع نافذ اولماز ايسه ده بايع ايله مشترى
بينده نافذ اولور

حتى مدت اجاره نك انقضا سنده مشترى حقنده بيع لازم
اوله رق المقدن امتناع ايد مز

مكره مدت اجاره نك انقضا سندن مقدم مشترى بايعدن
مبيعك تسليمى مطالبه ايد و بده تسليمى ممكن اولمديغى
جهتله قاضى عقد بيعى فسخ ايله و اكـر مستأجر
بيعى مجيز اولور ايسه هر برى حقنده بيع نافذ
اولور

لكن مستأجر كبر وجهه پشین و یرمش اولدیغی بدل اجاره دن
استیفا ایتدیکی مقداری انه واصل اولدجه مأجور
انك النذن انه من

واكر مستأجر بونی استیفا ایتدن مأجوری تسلیم ایدر ایسه
حق حبسنی اسقاط ایتش اولور

(فصل ثالث)

(رد و اعاده مأجوره متعلق مواد بیانده در)

۵۹۱ ماده

اجاره نك انقضاسندن صكره مستأجر مأجور اوزرندن
رفع ید ایتسی لازمدر

۵۹۲ ماده

اجاره نك انقضاسندن صكره مستأجر ارتق مأجوری
استعمال ایده من

۵۹۳ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجر مالنی المق استدكده مستأجر ك
دخی تسلیم ایتسی لازمدر

۵۹۴ ماده

مأجور ك رد و اعاده سی مستأجر ك اوزرینه لازم اولیوب
اجاره نك انقضاسنده مأجور ك اخذی آجر اوزرینه در

مثلاً بر خانه‌ك اجاره‌ی منقضى اولدقده صاحی واروب خانه‌سی
تسلیم ایتك لازمدر ♦

كذلك فلان محله قدر بر حیوان استیجار اولندقده صاحی اول
محمده بولنوب حیوانی المی لازم كلور ♦ وكلوب المدیغی حالد
مستأجر ك تعدی وتقصیری اولقسزین یدنده اول حیوان تلف اولسه
ضامن اولماز

اما بر محل معیندن كیدوب كلك اوزره استیجار ایتش اولسه اول
محله كوتورمسی لازم كلور واورایه كوتورمیه رك كندو خانه‌سنه
كوتوروب طوتسه و حیوان تلف اولسه ضامن اولور
۵۹۵ ماده

مأجورك رد واعاده‌سی حل ومؤنته محتاج ايسه اجرت
نقلیه‌سی آجر اوزرینه در

(باب ثامن)

(ضمانات بیاننده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ضمان منفعت حقننده در)

۵۹۶ ماده

بر كیمسه بر مالی صاحبك اذنی اولقسزین استعمال
ایتش اولسه غصب قبیلهندن اوله رق منافعی اوده مك
لازم كلز

فقط مال وقف یا مال صغیر ايسه هر حالده ومعد للاستغلال

ایسه تأویل ملک و عقد اولدیغی حالده ضمان منفعت
یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرک خانه سنده عقد اجاره ایتمکسزین خود بخود
بر مدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم کلز. فقط اول خانه
وقفک یا بر صغیرک مالی ایسه کرک تأویل ملک و عقد بولنسون و کرک
بولنسون هر حالده ساکن اولدیغی مدتک اجر مثلی ویرمسی لازم
کلور

کذلک کرا خانه اولوبده تأویل ملک و عقد اولدیغی حالده ینه
اجر مثل لازم اولور
وکذا برکیمسه صاحبک اذن اولقسزین بر کرا بار کرینی الوبده
بر مدت قوللانسه اجر مثلی ویرمسی لازم کلور

۵۹۷ ماده

تأویل ملک ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر مال مشترکی شریکلرندن بریسی دیگر شریکنک اذن
اولقسزین بر مدت مستقلا تصرف واستعمال ایله ملکمدر دیو
استعمال ایلس اوله جغی جهتله معدلاستغلال اولسه دخی دیگر
شریکی حصه سنک اجر تنی الهماز

۵۹۸ ماده

تأویل عقد ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا برکیمسه مشترکا مالک اولدیغی دکانی شریکنک اذن اولقسزین
برینه صائمغله مشتری دخی بر مدت تصرف ایدوب انجق دیگر
شریکی بیعه اجازت ویرمیه رک حصه سنی ضبط ایلدکده دکان هر

نقد و معدل استغلال ايسه ده حصه سنك اجرتنى مطالبه ايده مز
 زیرا مشتری انى تاویل عقد ايله استعمال ایتش یعنی عقد بیع ايله
 متصرف دیو قوللانش اولدیغی جهتله ضمان منفعت لازم کلز
 كذلك برکیمسه بردکرمی ملکی اولق اوزره برینه بیع وتسليم ايله
 مشتری بر مدت ضبط وتصرف ایتدکدن صکره بشقه برکسنه اول
 دکر منه مستحق چیتقوب بعدالاثبات والحقم مشتریدن السه مشترینك
 مدت مزبورده تصرفی ایچون اجرت نامنه برشی الهمز زیرا بونده
 دخی تاویل عقد وارد

۵۹۹ ماده

برکیمسه برصغیری ولیسنك اذنی اولمقسنزین استخدام
 ایلسه بالغ اولدقده خدمتنك اجر مثلنی الور . و صغیر
 فوت اولسه ورثه سی دخی اول مدتک اجر مثلنی اول
 کیمسه دن اله بیلور لر

(فصل ثانی)

(مستأجر ك ضمانتی حقنده در)

۶۰۰ ماده

عقد اجاره كرك صحیح اولسون و كرك صحیح اولسون
 مستأجر یدنده مأجور امانتدر

۶۰۱ ماده

مأجور اكر مستأجر یدنده تلف اولور ايسه مستأجر ك
 تعديسی یا تقصیری و یا خود مأذونیتنه مخالفتی اولدقده
 ضمان لازم کلز

۶۰۲ ماده

مستأجر ك تعديسی ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کسه مستأجره ضمان لازم کلور

مثلا مستأجر کرا حیوانی اوروب اولدرسه یاخود عنف و شدت اوزره سورمکه حیوان تلف اولسه قیمتی ضامن اولور

۶۰۳ ماده

مستأجر ك خلاف معتاد حرکتی تعدی اولوب بوندن تولد ایدن ضرر و خساری ضامن اولور

مثلا استیجار ایتدیکی البسه یی عادت ناسه مخالف اوله رق استعمال ایدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور

کذلک خانه مأجورده ناسک یا قدیغی مرتبه زیاده آتش یا قسنندن ناشی حریق ظهور یله خانه محترق اولسه ضامن اولور

۶۴۰ ماده

مستأجر ك امر محافظه ده تقصیری ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلور

مثلا مستأجر کرا حیوانی باشی بوش بر محله صالیویرمکه ضایع اولسه ضامن اولور

۶۰۵ ماده

مشروطك مافوقنه تجاوز ایله مستأجر ك کندو مأذونیتنه مخالفی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه یاخود مادونه عدول ایله مخالفی ضمانی ایجاب ایتز

مثلا مستأجر شوقدر قیه یاغ یو کتمک اوزره استکرا ایلدیکی حیوانه اولقدر قیه تیور یو کلدوبده حیوان تلف اولسه ضامن اولور

اما مضرتده ياغه مساوی ياخود دهاخفيف برجنس حوله يو کلدوبده
حيوان تلف اولسه ضمان لازم گلز
۶۰۶ ماده

اجاره نك انقضاسنده مأجور کماکان مستأجر يدنده
وديعه کي امانت قالور بناءً عليه اجاره منقضي
اولدقدنصكره مستأجر مأجوري استعمال ايدوبده تلف
اولسه ضامن اولور

كذلك اجاره نك انقضاسنده آجر مالني طلب ايدوبده
مستأجر ویرمیوب امساك ايتدكدنصكره اول مال تلف
اولسه ضمان لازم كلور

(فصل ثالث)

(اجيرك ضمانی حقنده در)

۶۰۷ ماده

اجيرك تعديسی ياخود تقصیری ايله مستأجر فيه تلف اولسه
ضامن اولور

۶۰۸ ماده

اجيرك تعديسی مستأجر ك صراحةً يادلالةً امرينه مخالف
عمل وحرکت ايتسيدر

مثلا بر کيمسه اجير خاص اولان چوبانه شوحیوانلری فلان محله
رعی ایت آخریره کوتورمه دیشیکن چوبان اول محله رعی
ایتمیه رك بشقه محله کوتوروب رعی ایتسه تعدی ایتش اولور

واوراده رعی ایدر ایکن حیوانلر تلف اولسه چو بانه ضمان لازم
کلور

کذلک بر کیمسه درزی یه بر قاش ویروب وبکا بر اوزون اتاری
چیقارسه کس دیوب درزی دخی چیقار دهرک کسدکده اوزون
اتاری چیقسه اول کیمسه قاشی درزی یه تنمین ایتدیره بیلور

۶۰۹ ماده

اجیرک تقصیری مستأجر فیهک محافظه سنده بلا عذر قصور
ایتمسیدر

مثلا سوریدن بر حیوان فرار ایتدکده چوبان مجرد تکاسل وامهالندن
ناشی واروب طوتمدیغی جهته حیوان ضایع اولسه چوبان تقصیر
ایتمش اوله جغندن ضامن اولور اما انک ارقه سی صره کیتدیگی تقدیرده
دیگر حیوانلرک ضایع اولق احتمالی غالب اولدیغی جهته واروب
طوتمامش ایسه معذور اولمغله ضمان لازم کلز

۶۱۰ ماده

اجیر خاص امیندر

حتی یدنده بغیر صنعه تلف اولان مالی ضامن اولماز
وکذا بلا تعد کندو عملیه تلف اولان مالی دخی ضامن
اولماز

۶۱۱ ماده

اجیر مشترک کک تعدیسی یاتقصیری اولسون وکک

اولسون كندو سنك فعل و صنعندن تولد ایدن ضرر
و خساری ضامن اولور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۶ ذی القعدة سنه ۲۸۶

مفتش اوقاف همایون ناظر دیوان احکام عدلیه
السید خلیل احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت
السید احمد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء شورای دولت عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
محمد امین السید احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده
علاء الدین

كِتَابُ الْكَفَالَةِ

عقود شرطیه

بر عین عمل و نه

— کتاب ثالث —

(کفالت حقنده اولوب بر مقدمه ایله اوچ بابی حاویدر)

﴿ مقدمه ﴾

(کفالت دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاندهدر)

۶۱۲ ماده

کفالت . بر شیئک مطالبه سی حقنده ذمتی ذمته ضم
ایتمکدر

یعنی بر کیمسه ذاتی دیکرک ذاته ضم ایدوب وانک حقنده لازم کلان
مطالبه بی کندو دخی التزام ایلمکدر

۶۱۳ ماده

کفالت بالنفس . بر آدمک شخصنه کفیل اولمقدر

۶۱۴ ماده

کفالت بالمال . برمالک اداسنه کفیل اولمقدر

۶۱۵ ماده

کفالت بالتسلیم . برمالک تسلیمه کفیل اولمقدر

۶۱۶ ماده

کفالت بالدرك . مبيع بالاستحقاق ضبط اولنديغی
تقدیرده آچه سنی ادا و تسلیمه یا خود بایعک نفسنه کفیل
اولمقدر

۶۱۷ ماده

کفالت منجزه . شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف
اولمیان کفالتدر

۶۱۸ ماده

کفیل . کندو ذمتنی آخرک ذمتنه ضم ایدن یعنی
آخرک متعهد اولدیغی شیئه کندو دخی متعهد اولان
کیمسه درکه اول آخره اصیل و مکفول عنه دینلور

۶۱۹ ماده

مکفول له . کفالت خصو صنده طالب وداین اولان
کیمسه در

۶۲۰ ماده

مکفول به . کفیلک تسلیمه یا اداسنه متعهد اولدیغی

شیدر که کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به
برشیدر

(باب اول)

(عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن کفالت حقنده در)

۶۲۱ ماده

یالکز کفیلک ایجابیله کفالت منعقد و نافذ اولور • فقط
مکفول له دیلر سه رد ایده بیلور • و مکفول له رد ایتدجکه
کفالت باقی قالور

بو صورتده مکفول لهرک غیابنده برندن اله جغنه بر کیمسه کفیل
اولوبده خبر کفالت کندویه واصل اولمدین وفات ایتسه کفیل
بو کفالتیه مطالبه و مؤاخذه اولنور

۶۲۲ ماده

کفیلک ایجابی یعنی الفاظ کفالت عرف و عادتده تعهد
و التزامه دلالت ایدن سوزلردر

مثلا کفیل اولدم یا خود کفیل و یا ضامن دیسه کفالت منعقد اولور

۶۲۳ ماده

و عدم معلق ایله دخی کفالت اولور (۸۴) ماده یه باق

مثلا فلان آدم سنك الهجنى ويرمز ايسه بن ويرم ديسه كفالت
اولور وداين الهجنى استيويده مديون ويرمسد كفيلدن مطالبه ايدر
۶۲۴ ماده

بوكوندن فلان وقته قدر كفيلم ديد كده كفالت موقته اوله رق
منجزا منعقد اولور
۶۲۵ ماده

كفالت . مطلق اوله رق منعقد اولديغى كى تعجيل
ويا تاجيل قيديله يعنى همان يا خود فلان وقته ايفا اولمق
اوزره ديو مقيد اوله رق دخى منعقد اولور
۶۲۶ ماده

كفيله كفيل اولمق صحىحدر
۶۲۷ ماده

كفيلك تعددى جائزدر

(فصل)

(شرائط كفالت بيانده در)

۶۲۸ ماده

كفالتك انعقادنده كفيلك عاقل وبالغ اولمى شرطدر
بناء عليه مجنون ومعتوه وصبيك كفالتى صحىح اولماز . وصى
ايكن كفيل اولوبده بعد البلوغ بو كفالتى مقر اولسه دخى انكله
مؤاخذه اولنه ماز

۶۲۹ ماده

مكفول عنك عاقل وبالغ اولسى شرط دكدر
بناء عليه مجنونك وصبيك بورجنه كفالت صحيح اولور

۶۳۰ ماده

مكفول به نفس ايسه معلوم اولسى شرطدر . و مال ايسه
معلوم اولسى شرط دكدر

بناء عليه فلان آدمك فلان آدمه اولان بورجنه كفيلم ديد كده بورجك
مقداری معلوم اولسه دخی كفالت صحيح اولور

۶۳۱ ماده

كفالت بالمالده مكفول به اصیل اوزرينه مضمون اولوق

يعنی اصیل اوزرينه ايفاسی لازم اولوق شرطدر
بناء عليه ثمن مبيعك وبدل اجارهيه وسائر ديون صحیحیه كفالت
صحيح اولور

كذلك مال مقصوده كفالت صحيح اولوب لدی المطالبه كفيل بونی
عيناً يابداً ايفايه مجبور اولور

وكذا سوم شرا طريقه مقبوض اولان ماله ثمن تسميه اولتمش ايسه
كفالت صحیحدر . اما قبل القبض مبيعك عینده كفالت صحيح اولماز
زیرا عين مبيع بايع يذنده تلف اولسه بيع منفسخ اوله جفتدن بايع
اوزرينه مضمون اولميوب يالکز ثمنی قبض ايتمش ايسه ردی
لازم اولور

كذلك مرهون ومستعار وماجور وامانات سائر اصیل اوزرينه
مضمون اولمديغندن بونلرك عینلرينه كفالت صحيح اولماز . فقط
مكفول عنه بونلری اضاعه واستهلاك ايدر ايسه كفيلم ديسه

صحیح اولور . و برده کرک مبیعک و کرک بونلرک تسلیمنه کفالت
صحیح اولور . ولدی المطالبه بر جهته حق حبس لری یوغیسه
کفیل بونلری تسلیمه مجبور اولور . انجق کفالت بالنفسده
مکفول بهک وفاتیه کفیل بری اولدیغی کی بونلر تلف اولدیغی
تقدیرده دخی کفیله برشی لازم کلز

۶۳۲ ماده

عقوباتده نیابت جاری اولماز

بناء علیه قصاصه و سائر عقوبات و مجازات شخصیده کفالت صحیح
دکلدر . اما جراح و قاتل اوزرینه لازم کلان ارش و دیته کفالت
صحیحدر

۶۳۳ ماده

مکفول عنہک یساری شرط اولمیوب مفلسه دخی کفالت
صحیح اولور

(باب ثانی)

(کفالتک احکامی بیاننده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(کفالت منجزه و معلقه و مضافه نک حکمی بیاننده در)

۶۳۴ ماده

کفالتک حکمی مطالبه در

یعنی مکفول لهک کفیلدن مکفول بهی مطالبه حق اولمقدر

۶۳۵ ماده

كفالت منجزه ده دين اكر اصيل حقنده معجل ايسه در حال
و مؤجل ايسه مدت معينه سنك تمامنده كفيل مطالب
اولور

مثلا بر كيمسه برينك بورجنه كفيل اولدم ديدكده بورج اكر
معجل ايسه در حال مؤجل ايسه مدت ختامنده دائن الهجفي
كفيلدن مطالبه ايده پيلور

۶۳۶ ماده

اما بر شرطه معلق وزمان مستقبليه مضاف اوله رق منعقد
اولان كفالتده شرط تحقق وزمان حلول ايتد كجه كفيل
مطالب اولماز

مثلا فلان آدم سنك الهجفي ويرمز ايسه اداسنه كفيلم ديدكده
كفالت مشروطا منعقد اولوب لدى المطالبه اول آدم بورجني
ويرمز ايسه كفيلدن مطالبه اولنور يوخسه اصيلدن قبل المطالبه
كفيل مطالب اولماز

كذا فلان آدم سنك مالي سرقه ايدر ايسه بن ضامن ديسه
كفالت صحيح واول آدمك سرقتي ثابت اولدقده كفيل مطالب
اولور

وكذا مكفول له نه وقت مطالبه ايدر ايسه شوقدر كون مهلت
ويرملك اوزره كفيل اولسه مكفول لهك مطالبه ايتديكي وقتدن
اعتباراً اول قدر كون مهلت ويريلوب ايام مذكوره نك مرورندن
صكره مكفول له هر نه وقت استرايسه مطالبه ايدر وكفيلك
تكرار او قدر كون استدعاسنه صلاحيتي اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله جق اله جغه ويا فلانده اقراض ايدده جكك
مبلغه ياخود فلانك سندن غصب ايدده جكي شينه وياخود فلانده
صاته جغك مالك ثمنه كفيل ديد كده كفيل انجق بواحوالك
تحققنده يعنى بورجك ثبوتى وآچه نك اقراضى وغصبك تحققي ومالك
بيع وتسليمى وقوعنده مطالب اولور

وكذا فلان كون احضار ايتك اوزره فلانك نفسنه كفيل ديد كده
كفيل اول كوندن مقدم مكفول بهك احضاريه مطالب اولماز
۶۳۷ ماده

شرطك تحققنده وصف وقيدنيك تحققي دخی لازمدر
مثلا فلان كيمسه نك اوزرينه نه حكم اولنور ايتسه اداسنه كفيل ديد يكي
صورتده اول كيمسه شوقدر غروش بورج اقرار ايتسه حكم حاكم لاحق
اولدچه كفيلك آنى ادا ايتسى لازم كلز
۶۳۸ ماده

كفالت بالدر كده مبيعه مستحق چيققدده بالمحاكمه بايعك
ثمنى رد ايتسنه حكم اولنمدچه كفيل مؤاخذه
اولنماز

۶۳۹ ماده

كفالت موقته ده كفيل انجق مدت كفالت ظرفنده
مطالب اولور

مثلا بوكوندن برآيه قدر كفيل ديد كده كفيل انجق بو برآي ظرفنده
مطالب اولوب اول آيك مرورنده كفالتدن برى اولور
۶۴۰ ماده

كفالتك انعقادندن صكره كفيل كندوسنى كفالتدن

اخراج ایدہ من فقط کفالت معلقہ و مضافہ دہ دینک
ذمت مدیونہ ترتبندن مقدم کفیل کندوسنی کفالتدن
اخراج ایدہ بیلور

مثلا برکیمسہ بر آدمک نفسنہ یادیتنہ منجزا کفیل اولدقدن صکرہ
کندوسنی کفالتدن اخراج ایدہ مدیکی کی فلانده نہ قدر الہ جفک
ثابت اولور ایسہ ضامن دیدکده دخی کفالتدن دونه من زیرا دینک
ثبوتی هر نہ قدر عقد کفالتدن مؤخر ایسہ دہ ذمت مدیونہ ترتبی
عقد کفالتدن مقدمدر . اما فلان آدمہ نہ صاتار ایسہ ک یاخود
صاته جفک مالک ثمنہ کفیل دیدیکی صورتده مکفول لہک اول
آدمہ صاته جفی مالک ثمنہ ضامن اولور فقط قبل البیع کندوسنی
کفالتدن اخراج ایدہ بیلور . شویاہ کہ بن کفالتدن واز کچدم
سن اول آدمہ مال صاتمہ دیدکدن صکرہ مکفول لہ اول آدمہ برشی
صاتار ایسہ کفیل انک ثمنہ ضامن اولماز

۶۴۱ ماده

مغضوب یا مستعار اولان مالک رد و تسلیمنہ کفیل اولان
کیمسہ مالی صاحبنہ تسلیم ایتدکده اجرت نقلیہ سیلہ
غاصب و مستعیرہ رجوع ایدر یعنی اجرت نقلیہ سنی
انلردن الور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسک حکمی بیانده در)

۶۴۲ ماده

کفالت بالنفسک حکمی مکفول بهی احضاردن عبارتدر

شویله که قنغی وقت مکفول بهک تسلیمی شرط ایتش ایسه
اولوقت مکفول له طلب ایتدیکی کی کفیلک انی احضار ایتسی
لازم کلور احضار ایدر ایسه فیهما واکر ایتزایسدانی احضار ایتک اوزره
جبر اولنور

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالك احکامی بیانده در)

۶۴۳ ماده

کفیل ضامندر

۶۴۴ ماده

طالب مطالبه ده مخیردر اله جغنی دیلر سه کفیلدن
ودیلر سه اصیلدن مطالبه ایدر و برندن مطالبه سی
دیگرندن مطالبه حقنی اسقاط ایتوب برندن مطالبه
ایتدکن صکره دیگرندن و یا خود معا ایکیسندن دخی
مطالبه ایده یلور

۶۴۵ ماده

کفیل بالمال اولان کیمسه نک کفالتی حسیله ذمتنه لازم
کلان مبلغه دیگر بری کفیل اولسه داین اله جغنی
کفیللرک قنغیسندن استرایسه مطالبه ایدر

۶۴۶ ماده

برجهتدن طولانی مشترکا مدیون اولان کیمسلر یکدیگره
کفیل اولسلر هربری دینک مجموعیله مطالب اولور

۶۴۷ ماده

بردينك متعدد كفيللرى اولديغى صورتده اكر بشقه بشقه
كفيل اولمشلر ايسه هر برى مجموع دين ايله مطالب
اولور

واكر معا كفيل اولمشلر ايسه هر برى ديندن حصه سي
مقداريله مطالب اولور فقط بونلر يكدىكر ك ذمتنه لازم
كلان مبلغه دخى كفيل اولمشلر ايسه اول حالده هر برى
مجموع دين ايله مطالب اولور

مثلا بر كيمسه نك بيك غروش بورجنه برى كفيل اولدقدن صكره
ديكر برى دخى كذلك بيك غروشه كفيل اولسه دايين بو مبلغى
كفيللر ك هر قنغيسندن استر ايسه مطالبه ايدر . اما اول ايكي كيمسه
بو بيك غروشه معا كفيل اولسه لر هر برى بيك غروشك نصفيله
مطالب اولور مكر كه يكدىكر ك ذمتنه لازم كلان مبلغه دخى كفيل
اولمشلر ايسه اول حالده هر برى بيك غروش ايله مطالب اولور
۶۴۸ ماده

كفالتده اصيلاك برى اولسى شرط قلنور ايسه حواله يه
منقلب اولور

۶۴۹ ماده

محيلاك عدم برائتى شرطيله حواله كفالتدر

بناء عليه بر كيمسه مديونه سنده كي اله جغنى سن دخى ضامن اولوق
اوزره فلانك اوزرينده حواله ايت ديسه اودخى اولوجهله حواله
ايتسه طالب اله جغنى هر قنغيسندن استر ايسه الور

۶۵۰ ماده

بری نزدنده بر کیمسه نك امانت مالی اولدیغی حالدده
اول مالدن ادا ایتك اوزره اول کیمسه نك بورجنه
کفیل اولسه جائز اولور . واول مالدن ایضا ایتك
اوزره کفیل اجبار اولنور . واکر مال تلف
اولسه کفیله بر شیء لازم کلز . فقط کفیل اولدقدن
صکره اول مالی صاحبنه رد ایتسه اول حالدده کندو
ضامن اولور

۶۵۱ ماده

بر کیمسه برینی فلان وقتده احضار ایتك اوزره نفسنه
واول وقت احضار ایتدیکی تقدیرده بورجنك اداسنه
کفیل اولدقدده وقت معینده احضار ایتز ایسه کفیلك
اول دینی ویرمسی لازم کاور

و کفیل فوت اولدقدده ورثه سی وقت معینه قدر مکفول
بهی تسلیم ایدرلر یاخود مکفول به جهت کفالتدن
طولایی نفسنی تسلیم ایلر ایسه کفیل طرفنه مالجه بر شی
ترتب ایتز واکر انلر مکفول بهی یاخود مکفول به نفسنی
تسلیم ایتز ایسه کفیلك ترکه سندن مالک اداسی لازم کاور
و مکفول له فوت اولسه وارثی مطالبه ایدر

و کفیل وقت معینده مکفول بهی احضار ایدوبده
مکفول له تغیب واختفا ایلسه انك طرفندن بر وکیل

نصب ايله اكا تسليم اولنمق اوزره كفيل حاكمه
مراجعت ايلر

۶۵۲ ماده

كفالت مطلقده دين اكر اصيل اوزرينه معجل ايسه
كفيل حقنده دخی معجل و اصيل اوزرينه مؤجل ايسه
كفيل حقنده دخی مؤجل اوله رق ثابت اولور

۶۵۳ ماده

كفالت مقيدده تعجيل و تأجيل و صفرينك هر قنغيسيله
قيد اولنمش ايسه كفيل اكا كوره مطالب اولور

۶۵۴ ماده

برمدت معلومه ايله مؤجل اولان دينه اول مدت ايله
مؤجل اوله رق كفالت صحيح اولديغي كې اندن زياده
مدت ايله مؤجل اوله رق كفالت دخی صحيح اولور

۶۵۵ ماده

داين اله جغني اصيل حقنده تأجيل ايدر ايسه كرك
كفيل و كرك كفيل الكفيل حقنده دخی تأجيل ايتمش
اولور

و كفيل اول حقنده تأجيلي كفيل ثاني حقنده دخی تأجيل
اولور

اما كفيل حقنده تأجيلي اصيل حقنده تأجيل دكلدر

۶۵۶ ماده

مؤجلا مديون اولان كيمسه قبل حلول الاجل آخر دياره كیده جك اولوبده دایني حاكمه مراجعتله اندن كفيل استد كده كفيل ويرمكه مجبور اولور

۶۵۷ ماده

بر كيمسه برينه بنم فلان كيمسه يه اولان بورجه كفيل اول ديوب واو دخي كفيل اولوبده كفالت حسبيله بورجی ادا ايتد كدنصكره اصيله رجوع ایده جك اولدوقده كفيل اولديغي شئيله رجوع ايدر مؤدايه اعتبار اولنماز

اما بورجك بر مقداری اوزرينه داین ايله مصالحه ايتديكي تقدیرده ويرديكي بدل صلح ايله رجوع ايدر یوخسه مجموع دين ايله رجوع ایده مز

مثلا مسكوكات خالصه كفيل اولوبده مغشوش آچه ايله تأديه ايتسه اصلیدن مسكوكات خالصه الور وبالعكس مغشوش مسكويه كفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله تأديه ايلسه اصلیدن مغشوش مسكه الور كذلك شو قدر غروشه كفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه ايلسه اصلیدن كفيل اولديغي مقدار اچدي الور • امايك غروشه كفيل اولوبده صلحا بشيوز غروش ايله تأديه ايلسه اصلیدن بشيوز غروش الور

۶۵۷ ماده

عقد معاوضه ضمننده بر كيمسه بريني الداتمش اولسه ضررينه ضامن اولور

مثلاً بر کیمسه بر عرصه اش ترا اید و بده او زرینه بنا یا پلد قد نصکره
 مستحق چیقوبده ضبط اولنسه مشتری بایعدن عرصه نك قیمتی الدقدن
 بشقه بنانك حین تسلیمنده کی قیمتی دخی الور
 كذلك بر کیمسه اهل سوقه اشبو صغیر او غله مال صاتکر اکا تجارت
 ایچون اذین ویردم دیسه وبعده اول چوجق بشقه سنك اولدیغی
 میدانه چیقسه اهل سوق اول چوجغه صاتمش اولدیغی مالک آچه سنی
 اول کیمسه دن مطالبه ایدر

(باب ثالث)

(کفالتدن برائت حقنده او لوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(بعض ضوابط عمومیہ بیاننده در)

ماده ۶۵۹

مکفول به کرك اصیل و کرك کفیل طرفندن مکفول
 لهه تسلیم و ایفا اولندقدده کفیل کفالتدن بری
 اولور

ماده ۶۶۰

مکفول له کفیلی ابرا ایتدم یا خود کفیل طرفنده حقیم یوقدر
 دیسه کفیل بری اولور

ماده ۶۶۱

کفیلک برائتندن اصیلک برائتی لازم کلز

۶۶۲ ماده

اصیلاک برائتی کفیلک برائتی موجب اولور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسدن برائت حقننده در)

۶۶۳ ماده

کفیل مکفول بهی شهر و قصبه کی مخصوصه ممکن اولان
یرده مکفول لهه تسلیم ایتد کده مکفول له کرک قبول
ایتسون و کرک قبول ایتسون کفیل کفالتدن بری اولور
فقط بر بلده معینه ده تسلیمی شرط ایدلمش ایسه بشقه بلده ده
تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز

و مجلس حاکمه تسلیم ایتک اوزره کفیل اولدقده
زقاقده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز . فقط ضابط
حضورنده تسلیم ایتسه بری اولور

۶۶۴ ماده

طالبک طلبی اوزرینه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل
کفالتدن بری اولور . اما طالبک طلبی اولقسزین
تسلیم ایتد کده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدجکه بری
اولماز

۶۶۵ ماده

فلان کون تسلیم ایتک اوزره کفیل اولوبده اول کوندن

اول تسلیم ایتدکده مکفول له قبول ایتسه بیه کفیل
کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۶

مکفول به فوت اولدقده کفیل کفالتدن بری اولدیغی
کبی کفیلک کفیلی وار ایسه اودخی بری اولور
کذلک کفیل فوت اولسه کندو کفالتدن بری اولدیغی
کبی کفیلی وار ایسه اودخی بری اولور
اما مکفول لهک وفاتیهله کفیل کفالتدن بری اولمیوب
وارثی مطالبه ایدر

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالندن براءت حقنده در)

ماده ۶۶۷

داین فوت اولوبده مدیون اکا منحصرا وارث اولسه
کفیل کفالتدن بری اولور
واکر داینک بشقه وارثی دخی وار ایسه کفیل یالکز
مدیونک حصه سندن بری اولوبدیگر وارثک حصه سندن
بری اولماز

ماده ۶۶۸

کفیل یاخود اصیل بورجک بر مقدار اوزرینه داش
ایله مصالحه ایتدکلرنده اکر ایکیسنک یا اصیلک براءتی

شرط ایدلمش یا خود هیچ بر شرط در میان ایدلمش ایسه
ایکیسی دخی بری اولور

واکر یالکز کیفیلک برائی شرط ایدلمش ایسه یالکز کیفیل
بری اولوب طالب دخی مخیر اولور . دیلر ایسه مجموع
دینی اصیلدن و دیلر سه بدل صلحی کیفیلدن و باقیسنی
اصیلدن الور

ماده ۶۶۹

کیفیل مکفول لهی برینک اوزرینه احاله ایدوب مکفول له
و محال علیه دخی قبول ایتسه هم کیفیل و همدی مکفول
عنه بری اولور

ماده ۶۷۰

کیفیل بالمالک و فائده مال مکفول به ترکه سندن مطالبه
اولور

ماده ۶۷۱

ثمن مبیعه کیفیل اولوبده بیع فسخ اولنسه یا خود مبیع
بالاستحقاق ضبط و یا عیبه رد قلنسه کیفیل کفالتدن بری
اولور

ماده ۶۷۲

مدت معلومه تمامنه دک برمال ایجار اولنوبده تسمیه
قلنان بدل اجاره سنه بر کیسه کیفیل اولدقده مدت

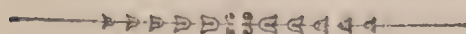
اجاره نك انقضاسنده اول كفالت دخي منتهی اولوب بعده
اول مال اوزرينه مجدداً عقد اجاره اولندوقده اول كفالتك
بوكا شمولی اولماز

اراده سنيه تاريخی فی ۱۸ محرم سنه ۲۸۷

عن اعضاء شورای دولت	ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین	احمد جودت

عن اعضاء دیوان	عن اعضاء دیوان
احکام عدلیه السید	احکام عدلیه السید
احمد حلمی	احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت	عن اعضای
ابن عابدین زاده	شورای دولت
علاء الدین	محمد امین



كتاب الخواص

فهرست خطی کتب

موضوعی و نه

— کتاب رابع —

(حواله حقننده اولوب بر مقدمه ایله)

(ایکی بابی حاویدر)

﴿ مقدمه ﴾

(حواله یه دأر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۶۷۳ ماده

حواله • دینی بر ذمتدن دیگر ذمه نقل ایتکدر

۶۷۴ ماده

محیل • حواله ایدن کیمسه که مدیوندر

۶۷۵ ماده

محال له • دأش اولان کیمسه در

۶۷۶ ماده

محال علیه . کندو اوزرینه حواله یی قبول ایدن
کیمسه در

۶۷۷ ماده

محال به . حواله اولنان مالدر

۶۷۸ ماده

حواله مقیده . محیلاک محال علیه ذمتنده یاخود یدنده
اولان مالندن ویرمک اوزره دیو مقید اولان حواله در

۶۷۹ ماده

حواله مطلقه . محیلاک محال علیه اولان مالندن
ویرمک اوزره دیو مقید اولمیان حواله در

(باب اول)

(عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن حواله بیاننده در)

۶۸۰ ماده

محیل کندو دائننه سنی فلانک اوزرینه حواله ایتدم
دیوب انلر دخی قبول ایتدکارنده حواله منعقد اولور

۶۸۱ ماده

یالکز محال له ایله محال علیه بیننده عقد حواله اولنه بیلور
مثلا بر کیمسه برینه بنم فلانده اولان شوقدر غروش اله جغمی
حواله سن اوزرینه ال دیوب اودخی قبول ایتدم دیسه یاخود
فلانده اولان شوقدر غروش اله جغمی بنم اوزریمه حواله قبول
ایت دیوب اودخی ایتسه حواله صحیح اولور حتی محال علیه
صکره نادم اولسه ندامتی فائده ویرمز

۶۸۲ ماده

یالکز محیل ایله محال له بیننده اجرا اولنان حواله محال
علیه لدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح و تمام اولور
مثلا بر کیمسه دائنی آخر دیارده اولان برینک اوزرینه حواله
ایدوب دائن دخی قبول ایتدکده نصکره محال علیه لدی الاعلام
اودخی قبول ایتدیکی کبی حواله تمام اولور

۶۸۳ ماده

یالکز محیل ایله محال علیه بیننده اجرا اولنان حواله
محال لهک قبولنه موقوفا منعقد اولور
مثلا بر کیمسه برینه بنم فلانده اولان دینمی حواله سن اوزریمه
آن دیوب اودخی قبول ایتسه موقوفا منعقد اولوب محال له قبول
ایتدکده حواله نافذ اولور

(فصل ثانی)

(شرائط حواله بیاننده در)

۶۸۴ ماده

انعقاد حواله ده محیل ایله محال لهک عاقل و محال علیهک

عاقل بالغ اولمسی شرطدر

بناء علیه صبی غیر میرک برینه بورج حواله ایتسی و برندن حواله
المسی باطل اوندیغی کی صبی کرک میر اولسون و کرک غیر میر
اولسون و کرک ماذون و کرک محجور اولسون برندن کندو اوزرینه
حواله قبول ایتسی باطلدر

۶۸۵ ماده

حواله نفاذنده محیل ایله محال لهک بالغ اولمسی شرطدر
بناء علیه صبی میرک حواله و حواله المسی ولیسنک اجازته
موقوفاً منعقد اولور و ولیسی اجازت ویردکه نفاذ اولور
شو قدرکه حواله الدیغی صورتده ولیسی اذن ویرسه دخی محال
علیهک محیلدن دهاملی یعنی غنی اولمسی شرطدر

۶۸۶ ماده

محال علیهک محیله مدیون اولمسی شرط اولیوب محیلاک انده
اله جغی اولسه ده حواله سی صحیح اولور

۶۸۷ ماده

هر دین که اکا کفالت صحیح اولیه حواله سی دخی صحیح اولماز

۶۸۸ ماده

هر دین که اکا کفالتی صحیح اوله حواله سی دخی صحیح
اولور . فقط محال بهک معلوم اولمسی لازمدر . بناء
علیه دین مجهولک حواله سی صحیح اولماز

مثلاً فلانده نابت اوله جق اله جغی حواله قبول ایتدم دیسه حواله صحیح اولماز

۶۸۹ ماده

اصالة ذمتیه مترتب اولان دیون صحیح دنک حواله سی

صحیح اولدیغی کبی جهت کفالت و حواله دن طولایی
ذمتہ مترتب اولان دینک حواله سی دخی صحیح اولور

(باب ثانی)

(احکام حواله بیانده در)

۶۹۰ ماده

حواله نك حکمی بودر که محیل بور جندن و کفیلی وار ایسه
کفالتدن بری اولور . و محال علیه دن اول بور حی مطالبه
ایتمک حق محال لیه ثابت اولور . و مرتهن برینی راهن
اوزرینه حواله ایتدکده ارتق رهنی حبس و توقیفه
صلاحیتی قالمز

۶۹۱ ماده

محیل مطلق اوله رق حواله ایتدکده اکر محال علیه
اله جغی یوغیسه بعدالادا محال علیه محیل رجوع ایدر .
واکر اله جغی وار ایسه بعدالادا دینیله تقاص اولور

۶۹۲ ماده

حواله مقیده ده محیلک محال بهدن طولایی حق مطالبه سی
منقطع اولور . و محال علیه ارتق انی محیله ویره مز .
وویرسه ضامن اولور . و بعد الضمان محیل رجوع
ایدر . و قبل الادا محیل دیونی ترکه سندن ازید اولدیغی

حالده فوت اولسه سائر دائئری محال بهه مداخله
ایده منزل

۶۹۳ ماده

بایعك مشتری ذمتده ثمن مبيع اولان اله جفندن و یرلمك
اوزره دیو مقید اولان حوالهده مبيع قبل التسليم هلاك
اولوبده ثمن ساقط اولسه یاخود مبيع خیار شرط یاخیار
رؤیت و یاخیار عیب ایله رد اولنسه و یاخود اقاله بیع
ایدسه حواله باطل اولماز و محال علیه بعد الادا محیله
رجوع ایدر یعنی و یردیکنی میلمدن الور اما مستحق
چیقوبده مبيع ضبط اولنمغله محال علیه اول دیندن بری
ایدوکی تین ایتسه حواله باطل اولور

۶۹۴ ماده

محیلك محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن و یرلمك اوزره
دیو مقید اولان حوالهده مستحق چیقوبده اول مال ضبط
اولنسه حواله باطل اولور و بورج محیله عودت ایدر

۶۹۵ ماده

محیلك محال علیه یدنده کی مبلغندن و یرلمك اوزره دیو مقید
اولان حوالهده اول مبلغ تلف اولدیغی صورتده اگر
مضمون دكل ایسه حواله باطل اولور و بورج محیله
عودت ایدر . و اگر مضمون ایسه حواله باطل اولماز

مثلاً بر کیمسه نك ينده کی امانت اچیه سندن ویرمك اوزره
دائنی اول کیمسه نك اوزرینه حواله ایتدکده قبل الاخذ اول آچه
بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور و دانك الهجی محیله
عودت ایدر . اما اول آچه مال مغضوب اولسه یاخود امانت
اولوبده اول کیمسه نك اتلافیله اوده می لازم کسه حواله باطل اولماز
۶۹۶ ماده

بر کیمسه کندوسنك بر معین مالی صاتوبده ثمنندن ادا
ایتمك اوزره دائنی برینك اوزرینه حواله و او دخی
اول شرطله حواله یی قبول ایتسه صحیح اولور و محال
علیه اول مالی صاتوبده ثمنندن دینی ادا ایتمك اوزره
اجبار اولنور
۶۹۷ ماده

حواله مبهمده یعنی محال بهك تعجیل و تأجیلی بیان
اولنمیان حواله ده دین اکر محیل اوزرینه معجل ایسه
حواله معجله اولوب محال علیهك انی همان تأدییه سی
لازم کاور و اکر دین مؤجل ایسه حواله مؤجله اولوب
وعده سی حلولنده اداسی لازم اولور
۶۹۸ ماده

محال علیه دینی ادا ایتمدن محیله رجوع ایده من .
و رجوع ایده جك اولدقده محال به ایله رجوع ایدر
یعنی نه جنس آچه حواله اولنمش ایسه محیلدن انی الور
یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده من

کتاب البرق

فقه حنفی در حقوق

برخی عمل و لغت

❦ کتاب خامس ❦

(رهن حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی شاملدر)

❦ مقدمه ❦

(رهنه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۷۰۱ ماده

رهن . بر مالی اندن استیفاسی ممکن اولان برحق مقابلنده
محبوس و موقوف قیلمقدر و اول ماله مرهون دینلدیکی
کبی رهن دخی دینلدور

۷۰۲ ماده

ارتهان . رهن المقدر

۷۰۳ ماده

راهن . رهن ویرن کیمسه در

۷۰۴ ماده

مرتهن . رهن الان کیمسه در

۷۰۵ ماده

عدل . راهن و مرتهنك امنيت ايد و بده رهنی توديع
و تسليم ايتدکری کیمسه در

(باب اول)

(عقد رهنه دائر مسائل بياننده اولوب اوچ فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن رهنه دائر اولان مسائل بياننده در)

۷۰۶ ماده

راهن و مرتهنك ايجاب و قبولی ايله رهن منعقد اولور .

فقط قبض بولمخچه تمام و لازم اولمز

بناء عليه راهن قبل التسليم رهندين رجوع ایده بيلور

۷۰۷ ماده

رهنك ايجاب و قبولی راهن بوشيئي سکا دينم مقابلنده

رهن ايتدم ديوب يا خود بو ما آلدی ديكر برسوز سويليوب

مرتهن دخی قبول ايتدم و يا خود راضی اولدم ديمك

کبی رضایه دلالت ایدر برسوز سویلکدر . ورهن لفظنک
سویلنسی شرط دکدر

مثلا بری شو قدر غروشه برشی اشترا ایله بایعه برمال ویروده
پاره یی ویرنجیه قدر بونی الیقوی دیسه اول مالی رهن ایتش
اولور

(فصل ثانی)

(انعقاد رهنک شرطلری بیاننده در)

۷۰۸ ماده

راهن و مرتهنک عاقل اولسی شرطدر . اما بالغ اولسی
شرط دکدر . حتی صبی ممیزک رهن وارتهانی جائزدر

۷۰۹ ماده

مرهونک صاتلغه صالح برشی اولسی شرطدر
بناء علیه وقت عقدده موجود و مال متقوم و مقدور التسليم اولسی
لازمدر

۷۱۰ ماده

مرهونک بمقابلی مال مضمون اولمق شرطدر
بناء علیه مال مغضوب ایچون رهن المق جائزدر . اما امانت اولان
مال ایچون رهن المق صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(مرهونك زوائد متصله سی و عقد رهنیدن صکره)
(واقع اولان تبدیل و زیاده حقنده در)

۷۱۱ ماده

بیعده بلا ذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل
اولدیغی کبی بر عرصه رهن ایدلدکده اوزرنده کی بالجمله
اشجار یله میوه سی و مغروسات و مزروعات سائرده سی
صراحة ذکر اولنمسه بيله داخل اولور

۷۱۲ ماده

رهنك رهن آخره تبدیلی جائزدر

مثلا برکیمسه شوقدر غروش دینی مقابلنده بر ساعت رهن ایتدکدن
صکره بر قلیج کتور و بده ساعتک یرینه بونی ال دیسه و مرتن
دخی ساعتی رد ايله قلیجی السه اول مبلغ مقابلنده قلیج مرهون
اولور

۷۱۳ ماده

بعد العقد راهنك مرهونی تزیدی جائزدر

یعنی بر شیشی رهن ایتدکدن صکره هنوز عقد باقی ایکن ا کا دیگر بر مالی
دخی رهن اولدق علاوه ایتسی صحیح اولور و بوزیاده اصل عقده
ملتحق اولور یعنی اصل عقد کویا بویکی مال اوزرینه وارد اولمش
اولور . و بویکی مالک مجموعی حین زیاده ده قائم اولان دینسه
مرهون اولور

۷۱۴ ماده

بردين مقابلنده برمال رهن ايدلده ينه اول رهنه
مقابل اولمق اوزره دينك تز ييدى صحيح اولور

مثلا يركيمسه بيك غروش ديني مقابلنده ايكي بيك غروشاق بر ساعت
راهن ايتدكدنصكره ينه اول رهنه مقابل اولمق اوزره دايندن بشيوز
غروش دها السه اول ساعت بيك يشيوز غروشه رهن اولمش
اولور

۷۱۵ ماده

مرهوندن متولد زياده اصل مرهون ايله برابر مرهون
اولور

(باب ثانى)

(راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل بيانده در)

۷۱۶ ماده

مرتهن خود بخود عقد رهنى فسخ ايده بيلور

۷۱۷ ماده

مرتهنك رضاسى اولدجه راهن عقد رهنى فسخ ايده من

۷۱۸ ماده

راهن و مرتهن بالاتفاق عقد رهنى فسخ ايده بيلور لر .
فقط بعد الفسخ مرتهنك اول رهن مقابلنده كي الاجفى
راهندن استفاده ايدنجيه دكين رهنى حبس وامساكه
صلاحيتى واردر

۷۱۹ ماده

مکفول عنہک کفیلہ رهن ویرمسی جائزدر

۷۲۰ ماده

برمدیونک ایکی داینی کرک بریلہ شریک اولسون کرک
اولسون کندوسندن بر رهن السہلر جائز اولور . و بورهن
ایکی دینک مجموعی مقابلندہ مرهون اولور

۷۲۱ ماده

بری ایکی کسہدہ اولان الاجفی ایچون بر رهن السہ
جائز اولور . بودخی ایکی الاجفک مجموعہ مرهون
اولور

(باب ثالث)

(مرهونہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب ایکی فصلہ)
(منقسمدر)

(فصل اول)

(مرهونک مؤنت و مصارفی بیانندہ در)

۷۲۲ ماده

رهنی مرتھن بالذات حفظ ایدر یاخود عیالی یا شریکی
ویاخود خدمتجیسی کی امینی اولان کیمسہدہ حفظ
ایتدیر

۷۲۳ ماده

پر کراسی و بکجی اجرتی کبی رهنک محافظه سی ایچون اولان
مصرف مرتهنه عائددر

۷۲۴ ماده

رهنک حیوان ایسه علفی و چوبان اجرتی و عقار ایسه
تعمیری و سقی و تلقیحی و او تیرینک آیقلا نسی و خرقناک
تطهیری کبی بقاسی و اصلاح منافی ایچون اولان مصرف
راهنه عائددر

۷۲۵ ماده

راهن و مرتهندن بریسی دیکرینه عائد اولان مصرفی خود
بخود ایفا ایسه تبرعدر صکره مطالبه ایده من

(فصل ثانی)

(رهن مستعار حقننده در)

۷۲۶ ماده

بر کیمسه دیکرک مالنی استعاره ایدوبده انک اذنیله رهن ایتک
جائز اولور . و یوکا رهن مستعار دینلور

۷۲۷ ماده

مال صاحبناک اذنی مطلق ایسه مستعیرانی هر و جهله رهن
ایده بیلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبی شو قدر غروش و یا شو جنس مال مقابلنده
یا خود فلان آدمه و یا خود فلان بلده ده رهن اید ملک او زره
دیومقیدا اذن و پرد کده مستعیر دخی انجق انک قید و شرطنه
موافق اوله رق رهن ایده بیلور

(باب رابع)

(رهنک احکامی بیاننده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رهنک احکام عمومی بیاننده در)

۷۲۹ ماده

رهنک حکمی فکنه قدر مرتهنک حق حبسی اولق و راهن
فوت اولد قده سائر غرمان احق اوله رق رهندن استیفای
دین ایده بیلکدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجک مطالبه سینه مانع اولیوب رهنی قبض
ایتد کد نصکره دخی مرتهنک راهندن الاجغنی مطالبه یه
صلاحیتی باقیدر

۷۳۱ ماده

دينك بر مقدارى ايفا اولندقدە كا مقابل رهنك بر مقدارينى رد ايتك لازم كليوب بقيه دينى تماماً استيفا ايدنجيه دك مرتهنك مجموع رهنى حبس و امساكه صلاحيتى وارد در .
فقط ايكي شى رهن اولندقدە هر برى ايچون ديندن بر مقدار تعيين اولمش ايسه بريسى ايچون تعيين اولنان مقدار ادا اولندقدە رهن يالكلز انى تخليص ايدە بيلور

۷۳۲ ماده

رهن مستعارى تخليص ايله كندويه تسليم ايتك اوزره صاحبك رهن مستعيرى مؤاخذهيه صلاحيتى وارد در .
و مستعير فقرى سبيله اداء ديندن عاجز اولديغى صورتده معير اول دينى كندو طرفندن ادا ايله مالنى رهندن تخليص ايدە بيلور

۷۳۳ ماده

رهن و مرتهنك وفايله رهن باطل اولماز

۷۳۴ ماده

رهن فوت اولدقدە ورثهسى كبار ايسه انك مقامنه قائم اولوب تركەدن تأديه دين ايله رهنى تخليص ايتلرى لازم اولور

واكـر ورثه صغار ايسه ياخود كبار اولوبده غائب

یعنی مدت سفر بعید اولان پرده ایسه و صیسی مرتهنک
اذنیله رهنی صاتوب ثمنندن تأدیة دین ایلر
۷۳۵ ماده

راهن مستعیر کرک بر حیات بولنسون \llcorner کرک فک رهندن
مقدم فوت اولسون رهن مستعارک مقابلی اولان
بورج ادا اولمقدجه معیر اولان کیمسه مالنی مرتهندن
اله من

۷۳۶ ماده

راهن مستعیر اولان کیمسه مفلس مدیون اولدیغی حالده فوت
اولسه رهن مستعار مرتهن یدنده علی حاله مرهون قالور
فقط معیرک رضاسی اولمقدجه صاتماز . و معیر رهنی بیع
ایله تأدیة دین ایدجک اولدقده ثمنی دینه وفا ایدرسه
مرتهنک رضاسنه باقمقسرین صاتیلور . و اگر رهنک
ثمنی دینه وفا ایتمز ایسه مرتهنک رضاسی اولمقدجه صاتیله من
۷۳۷ ماده

معیر اگر دینی ترکه سندن ازید اولدیغی حالده فوت اولسه
راهنه بالنفس دیننی تأدیة ایله رهن مستعاری تخلیص
ورد ایتک اوزره امر اولنور . و اگر فقری سببیله
تأدیة دیندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار علی حاله
مرتهن غندنده مرهون قالور

فقط ورثه معیر بورجی ادا ایله انی تخلیص ایدیلورلر .

ومعيرك داینلری رهنك بیعی مطالبه ایتدکلرنده ثمنی دینه
وفا ایدر ایسه مرتهنك رضاسنه باقلمق سزین صاتیلور •
واکړ وفا ایتز ایسه مرتهنك رضاسی اولدجقه
صاتیله مز

۷۳۸ ماده

مرتهن فوت اولدقده رهن انك ورثه سی عندنده مرهون
اوله رق قالور

۷۳۹ ماده

ایکی کیمسه یه اولان دینی ایچون بر رهن ویرمش اولان
راهن برینه اولان دینی ادا ایتسه رهنك نصفنی استرداد
ایده میوب ایکیسنگ دخی الاجغنی تماماً ایفا ایتدجکه رهنی
تخلیصه صلاحیتی یوقدر

۷۴۰ ماده

ایکی مدیونندن بر رهن المش اولان کیمسه ایکیسندده
اولان الاجغنی تماماً استیفا ایدنجیه دك رهنی امساک
ایده بیلور

۷۴۱ ماده

رهنی راهن اتلاف یاخود تعییب ایتدکده ضامن اولمسی
لازم کلدیکی کبی مرتهن اتلاف یاخود تعییب ایتدکده
دخی قیمتی مقداری دیندن ساقط اولور

۷۴۲ ماده

آخر برکیمسه رهنی اتلاف ایتسه یوم اتلافنده کی قیمتنی
ویرر ۰ واول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور

(فصل ثانی)

(راهن و مرتهنك رهنده تصرفلی حقنده در)

۷۴۳ ماده

راهن و مرتهندن برینك اذنی اولقسزین دیکرینك رهنی
بشقه برکیمسه یه رهن ایتسی باطلدر

۷۴۴ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیکره رهن ایتسه رهن
اول باطل ورهن ثانی صحیح اولور

۷۴۵ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتسه رهن اول باطل
ورهن ثانی رهن مستعار قیلندن اوله رق صحیح اولور

۷۴۶ ماده

راهنك رضاسی اولقسزین مرتهن رهنی صائدقده
راهن مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایلر دیلرسه اجازت
ایله تنفیذ ایلر

۷۴۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولقسزین راهن رهنی صائدقده بیعی

نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خلل كلز . فقط بورج
ايفا اولنورسه اول بيع نافذ اولور

وكذا مرتهن اول بيعه اجازت ويرسه نافذ اولوب رهن
دخی رهنیتدن چیقہ رق بورج حالی اوزره قالور و مبيعك
ثمنی مبيع مقامنده رهن اولور . واکر مرتهن اجازت
ویرمز ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه رهنك فیکنه
قدر بکار و دیلرسه حاکمه مراجعت ايله بیعی فسخ
ایتدیرر

۷۴۸ ماده

راهن و مرتهندن بری دیگرینك اذنیله رهنی آخر برکیمسه یه
اعاره ایده بیلور و بعده هر بری انی رهنیتله اعاده ایده بیلور

۷۴۹ ماده

مرتهن رهنی راهنه اعاره ایده بیلور

بوصورته راهن فوت اولسه مرتهن ینه رهنه راهنك سائر
داینلرندن احق اولور

۷۵۰ ماده

راهنك اذنی اولمدجه مرتهن رهندن انتفاع ایده مز

اماراهنك اذن و اباحه سیله مرتهن رهنی قوللانور و میوه
و سوت کبی حاصلاتی الور و بونلرك مقابلنده دیندن برشی
ساقط اولماز

۷۵۱ ماده

مرتهن بر محله کیدر اولدوقده يول امين ايسه رهنی برابر
کتوره بيلور

(فصل ثالث)

(يد عدله اولان رهنك احكامی بياندهدر)

۷۵۲ ماده

يد عدل . يد مرتهن کيدر

يعنی راهن و مرتهن رهنی امنيت ايتدکلری بر کيمسديه توديع ايتك
اوزره مقاوله ايدوب اودخی راضی اولهرق قبض ايتسه رهن تمام
ولازم اولور . واول کيمسه مرتهن مقامنه قائم اولور

۷۵۳ ماده

حين عقدده رهنی مرتهن قبض ايتك اوزره شرط
ايدلدکن صکره راهن و مرتهن بالاتفاق يد عدله وضع
ايتسه لر جائز اولور .

۷۵۴ ماده

دين باقی ايکن عدل اولان کيمسه راهن و مرتهندن برينک
رضاسی اولدقجه رهنی ديکرينه ويره مز و و پيرسه
استرداد صلاحيتی واردر . و قبل الاسترداد رهن
تلف اولسه عدل انک قيمتی ضامن اولور

۷۵۵ ماده

عدل فوت اولسه تراضی طرفین ایله رهن بر بشقه عدله
تودیع اولنور . واکریینلرنده اتفاق حاصل اوله من ایسه
حاکم رهنی برید عدله وضع ایدر

(فصل رابع)

(بیع رهن حقنده در)

۷۵۶ ماده

راهن ومرتهدن بریسی دیکرینک رضاسی اولمدجه رهنی
صاته من

۷۵۷ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع
ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتک اوزره حاکم طرفندن
راهنه امر اولنور . اکر اباوعناد ایدر ایسه حاکم رهنی
بیع ایله دینی ادا ایدر

۷۵۸ ماده

راهن غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم اولسه مرتهن
رهنی بیع ایله اله جغنی استیفا ایتک اوزره حاکمه
مراجعت ایدر

۷۵۹ ماده

رهنگ فسادندن خوف اولنور ايسه مرتهن آنى اذن
حاکمه صاته بيلور و ثمن کندو ينده رهن اولور . واکر
حاکم اذنى اولمق سزین صاتارسه ضامن اولور
کذلک رهن اولان باغ و بستانک میوه و سبزه سی
یتشوبده تلف اولمى سندن خوف اولنسه بيله رأى حاکم
ایله صاتيله بيلور اما خود بخود مرتهن صاتسه ضامن
اولور

۷۶۰ ماده

دينک وقت اداسی حلول ايتدکده رهنى صاتمق اوزره
راهن مرتهنی یا عدلی یا خود بشقه برینی توکیل ایتسه
صحیح اولور . و ارتق راهن اول و کیلی و کالتدن عزل
ایده مز . و راهن و مرتهندن برینک وفاتيله دخی منعزل
اولماز

۷۶۱ ماده

رهنى بيعه وکیل اولان کیمسه دينک وقت اداسی حلول
ايتدکده رهنى بيع ایله ثمنی مرتهنه تسلیم ايدر . واکر
ابا ايدر ايسه رهنى صاتمق اوزره راهنه جبر اولنور .
اودخی ابا و عناد ايدرسه حاکم صاتار
واکر راهن یا خود ورثه سی غائب بولنور ايسه رهنى

صائمق اوزره وکیله جبر اولنور . و عنناد ایدرسه
حاکم کندو صاتار

اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس و عن اعضاء مجلس رئیس جمعیت مجله و عن اعضاء
تدقیقات شرعیه مجلس تدقیقات شرعیه
السید خلیل عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت
احمد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
عابدین زاده علاء الدین احمد حلمی

مدیر مکتب نواب السید عن اعضاء مجلس تدقیقات
یونس وهبی شرعیه عیسی روحی

كتاب الام فنان

فهرست خطی کتب

برخی عمل و نه

— کتاب سادس —

(امانات حقننده اولوب بر مقدمه ایله)

(اوچ بابی مشتملدر)

﴿ مقدمه ﴾

(اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه بیاندهدر)

۷۶۲ ماده

امانت . امین اتخاذا اولنان کیمسه نزدنده بولنان
شیدر

و کرک و دیعه کی عقد استخفاظ ایله امانت ایدلسون
و کرک مأجور و مستعار کی بر عقد ضمننده امانت اولسون
و کرک بر کونه عقد و قصد اولمقسزین بر کیمسه نک یدینه امانت

چکسون . نته کیم روز کار ایله بر کیمس دنک خانه سنه قومشوسنک
بر مالی دوشسه عقد او لمدیغی جهته اول مال خانه صاحبی
نزدنده و دیعه اولیوب فقط امانتدر

۷۶۳ ماده

ودیعه . حفظ ایچون بر کیمسه یه ایداع اولنان مالدر

۷۶۴ ماده

ایداع . ککندو مالنک محافظه سنی دیکره احاله
ایتمکدرکه احاله ایدن کیمسه یه دالک کسریله مودع
وقبول ایدن کیمسه یه و دیع و دالک قتحیله مستودع
دینلور

۷۶۵ ماده

عاریت . مجانا یعنی بلا بدل منفعتی تملیک اولنان مالدرکه
معار و مستعار دخی دینلور

۷۶۶ ماده

اعاره . عاریت ویرمکدرکه ویرن کیمسه یه معیر دینلور

۷۶۷ ماده

استعاره . عاریت المقدرکه الان کیمسه یه مستعیر
دینلور

(باب اول)

(اماناتہ دائر بعض احکام عمومیہ بیانندہ در)

۷۶۸ ماده

امانت مضمون دکلدر

یعنی امینک صنع و تقصیری اولقسزین تلف یا ضایع اولدیغی تقدیرده ضمان لازم کلز

۷۶۹ ماده

بر کیمسه یولده یا خود دیگر محملده برشی بولوبده کندوسنه مال اولمق اوزره اخذ ایتسه غاصب حکمنده اولور

بونک اوزرینه اول مال تلف یا ضایع اولدیغی حالده کندوسنک صنع و تقصیری اولسه بیلہ ضامن اولور . واما صاحبنه ویرمک اوزره الدیغی صورتده اگر صاحبی معلوم ایسه یدنده صرف امانتدر صاحبنه تسلیم ایتسی لازم کلور . و اگر صاحبی معلوم دکلسه لقطه در که ملتقط اولان یعنی بولوب الان کیمسه یدنده امانتدر

۷۷۰ ماده

ملتقط بر لقطه بولدیغی اعلان ایتدیرر . و صاحبی ظهور ایدنجیه دک نزدنده امانت اولمق اوزره حفظ ایدر و بر کیمسه ظهور ایله کندو مالی اولدیغی اثبات ایدر ایسه اکا تسلیم ایتسی لازم کلور

۷۷۱ ماده

بر کیمسه نزدنده دیگرک مالی قضارا تلف اولدیغی صورتده

اگر صاحبك اذنی اولقسزین المش ایسه بهر حال
ضامن اولور . و اگر صاحبك اذنیله المش ایسه یدنده
امانت اولغله ضامن اولماز . فقط سوم شرا صورتنده
ثمن تسمیه اولندیغی حالده ضمان لازم کلور

مثلا برکیمسه صرچدی دکاندن خود بخود برکاسه الوبده الندن
دوشهرک قیرلسه ضامن اولور . و اگر صاحبك اذنیله الوبده
نظر ایدرکن قضارا یره دوشوب قیرلسه ضمان لازم کلز . و اول
کاسه دیگر برطاقم کاسه لوزرینه دوشهرک قیریلوب انلری دخی
قیرسه بو کاسه لک ضمانی لازم کلور انجق اول کاسه امانت اولغله
ینه انک ضمانی لازم کلز . اما بو کاسه قایع غروشه در دیوب
دکانجی دخی شوقدر غروشه در ال دیدکدنصکره الله الوبده یره
دوشهرک قیرلسه ضامن اولور

کذلک برکیمسه شربت ایچرکن شربتجینک بارداغی الندن دوشوبده
قیرلسه عاریت قیلندن امانت اولغله ضمان لازم کلز . فقط
کندوسنک سوء استعمالدن ناشی دوشمش ایسه ضامن اولور

۷۷۲ ماده

دلالة اذن صراحة اذن کبدر . فقط صراحة نهی
وار ایسه دلالت اعتبار اولماز

مثلا برکیمسه برینک اذنیله خانه سنه داخل اولدقه میدانده طوران
قدح ایله صو ایچکه دلالة مأذوندر . و صو ایچرکن قضارا یدندن
قدح دوشوبده قیرلسه ضمان لازم کلز

فقط صاحب خانه اول قدح طوقمه دیو نهی ایتمشکن الله الوبده
دوشهرک قیرلسه ضامن اولور

(باب ثانی)

(و دیعه حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل بیاندهدر)

۷۷۳ ماده

صراحة یا خود دلالة ایجاب و قبول ایله ایداع منعقد اولور

مثلاً صاحب و دیعه شو مالی سکا ایداع ایتدم یا خود امانت ایلدم دیوب مستودع دخی قبول ایتدم دیسه صراحة ایداع منعقد اولور

و کذا بر کیمسه خانه داخل اوله رق خانجی یه حیوانمی نره یه باغلیه یم دیدکده خانجی بر یر کوسه تروب اودخی اورایه باغلیه دلالة ایداع منعقد اولور

کذلک بر کیمسه مالی بر دکانجینک یانند براغوب کیتسه اودخی کوروب سکوت ایتسه اول مال اول دکان صاحبی نزدنده و دیعه اولور • واکر دکان صاحبی قبول ایتتم دیهرک رد ایتسه ایداع منعقد اولماز

و کذلک بر کیمسه مالی و دیعه اولمق اوزره بر قاق کشینک یانند براغوب کیتسه و انلر دخی کوروب سکوت ایتسه لر اول مان جمله سنک نزدنده و دیعه اولور فقط برر برر اول محلدن قالقوب کیتسه لر اک صکره قالان کیمسه حفظه تعین ایتکلد انک نزدنده و دیعه اولماش اولور

۷۷۴ ماده

مودع ايله مستودعدن هر برينك هر نه وقت ديلر سه
عقد ايداعی فسخه صلاحیتی وارد

۷۷۵ ماده

وديعه نك وضع يده قابل وقبضه صالح اولسی شرطدر
بناء عليه هواده کی قوشك ايداعی صحیح دکلدر

۷۷۶ ماده

مودع ايله مستودعك عاقل ومیز اولملری شرطدر
بالغ اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنونك وصی غیر میرك ایداع وودיעه یی قبول ایتلری
صحیح دکلدر اما مأذون اولان صی میرك ایداعی وودיעه یی
قبول ایلمسی صحیحدر

(فصل ثانی)

(وديعه نك احكامی و ضماناتی بیانده در)

۷۷۷ ماده

وديعه يد مستودعه امانتدر

بناء علیه مستودعك صنع وتعدیسی وحفظده تقصیری
اولمقسزین تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلز . فقط
اجرتله حفظ ایچون ایداع اولمش ایسه ممکن التحرز
اولان برسبيله تلف یا ضایع اولدیغی صورتده مضمون
اولور

مثلا بر کیمسه نك يندن قضارا وديعه اولان ساعت دوشوبده
 قيرلسه ضمان لازم گلز اما ساعتی چکندهسه ياخود الندن برشی
 دوشوبده ساعت قيرلسه ضمان لازم کلور . كذلك بر کیمسه
 مالنی دیگره ایداع وحفظ ایچون اکا اجرت اعطا ایتدکن صکره
 اول مال سرقت اولنق کي ممکن التحرز اولان پرسپیدن ناشی
 ضایع اولسه مستودعه ضمان لازم کلور

۷۷۸ ماده

مستودعك خدمتکاری يندن وديعه اوزرينه برشی
 دوشوبده وديعه تلف اولسه خدمتکار ضامن اولور
 ۷۷۹ ماده

وديعه حقنده صاحبك راضی اولمديغی شیئی یا بمق تعديدر
 ۷۸۰ ماده

مستودع وديعه يي کندو مالی کي بالذات حفظ ايدر
 ياخود امینی اولان کیمسه يه حفظ ایتدیرر
 وامینی عندنده تعدی وتقصیر اولمق سزین تلف یا ضایع
 اولسه کرك مستودعه وکرك امینه ضمان لازم گلز
 ۷۸۱ ماده

مستودع کندو مالنی نره ده حفظ ايدر ایسه وديعه يي
 دخی اوراده حفظ ایده بیلور
 ۷۸۲ ماده

وديعه نك امثالی وجهله محافظه سی لازمدر

بناء عليه نقود و مجوهرات مثلاً و اموالی اخور و صمانلق
کبی یرلرده طوتمق حفظده تقصیر اولغله بو حالده تلف
یا ضایع اولسه ضمان لازم کلوز
۷۸۳ ماده

مستودع متعدد اولدقده اکر و دیعه قابل قسمت دکاسه
برینک اذنیله دیکری حفظ ایدر یا خود بالمنابیه حفظ ایدر لر
و بو حالده و دیعه بلاتعد و لاتقصیر تلف اولسه برینه
ضمان لازم کلز

واکر و دیعه قابل قسمت ایسه مستودع لر آنی بیلرلنده
سویا تقسیم ایله هر بری حصه سنی حفظ ایدر .
و بریسی حصه سنی مودعک اذنی اولدقجه مستودع
آخره و یردمز و یروبده آخرك یدنده ایکن بلاتعد و لا
تقصیر تلف یا ضایع اولسه الانه ضمان لازم کلز ، اما
و یرن کندو حصه سنی ضامن اولور
۷۸۴ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اکر ممکن الاجرا و مفید
اولور ایسه معتبردر دکل ایسه لغودر

مثلاً مستودعک خاند سنده حفظ اولنمق شرطیله برمال ایداع
اولنسیکن حریق و قوعیله دیکر محله نقلنه مجبوریت کلدکده اول
شرطه اعتبار اولنماز و بو صورتده و دیعه دیکر محله نقل اولنوبده
بلا تعد و لاتقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلز

و کذا مودع مستودعه و دیعه نك حفظنی امر ایدویده زوجہ سنه
یا اوغلنه یا خود خدمتکارینه و یا خود کندو مالی حفظ ایده کلان
بر کیمسه یه ویرمکدن نهی ایتدکده اگر اول کیمسه یه ویرمکده
مجبوریت واریسه نهی معتبر اولماز . بوضورته مستودع
ودیعه بی اول کیمسه یه ویرویده بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع
اولسه ضمان لازم گلز . و اگر مجبوریت یوق ایکن ویرسه
ضامن اولور

کذلك خاندنك فلان او طه سنده حفظ اولمق شرط اولنشیکن
مستودع انی اول خاندنك دیگر او طه سنده حفظ ایتدیکی صورتده
اگر اول او طه لر امر محافظه ده مساوی ایه لر اول شرطه اعتبار
اولمز

و نو حالده و دیعه تلف اولسه كذلك ضمان لازم گلز . اما او طه لرک
بری کارگیر و دیگری اخشاب اولمق کبی بینلرنده تفاوت بولنسه
شرط معتبر اولوب مستودع انی مشروط اولان او طه ده حفظ
ایتمکه مجبور اولور . و حفظده اول او طه نك مادونی اولان او طه یه
قویویده تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

ودیعه نك صاحبی غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم
اولسه مستودع انی صاحبنك وفاتی تبین ایدنجیه دك حفظ
ایدر

فقط و دیعه طور مغله بوزیله حق شیردن اولدیغی حالده
حاکمک اذنیله صاتوب ثمننی نزدنده امانت اوله رق
حفظ ایده بیلور . اما صاتمیبوده طور مغله بوزلسه ضمان
لازم گلز

۷۸۶ ماده

آت و اینک کبی نفقه یه محتاج اولان و دیعه نك نفقه سی
صاحبنه عائددر صاحبی غائب اولدقده مستودع اولان
کیمسه خاکه مراجعت ایدوب اودخی صاحب و دیعه
حقننده اصلح و انفع اولان صورتک اجراسنی امر ایلم
شویله که و دیعه نك ایجاری ممکن ایسه مستودع انی رأی
حاکمه ایجار ایدوب اجرتندن انفاق ایدر یاخود ثمن
مثلیله صاتار و ایجاری ممکن دکسه کذلک رأی حاکمه
همان یاخود اوچ کونه قدر کندو مالندن انفاق
ایتدکن صکره ثمن مثلیله صاتوب نهایت اوچ کونلک
مصرفنی دخی صاحبندن استر . اما حاکم اذنی
اولقسزین مصرف ایدر ایسه مودعدن الهماز

۷۸۷ ماده

مستودعک تعدی و یا تقصیری حالنده و دیعه تلف و یاخود
قیمتنه نقصان طاری اولسه ضمان لازم کلور

مثلا مستودع کندوسنده و دیعه اولان نقودی امورینه صرف
ایله استهلاك ایتسه ضامن اولور . بوضورته نزدنده امانت اولان
برکیسه نقودی اولوجهله صرف ایدوبده بعده کندو مالندن
یرینه قویدقن صکره تعدی و تقصیر اولقسزین ضایع اولسه
ضمانن قورتیله مر

وکذا مستودع یدنده و دیعه اولان حیوانه بلا اذن بنوبده
کیدرکن کرك فوق العاده سورمکله و کرك دیگر سبيله و کرك بلا

سبب تلف اولسه و یا خود اثنای راهده برقت اولسه مستودع
اول حیوانی ضامن اولور

کذلک حریق وقوعنده مستودع و دیعه یی دیگر محله نقله مقتدر
ایکن نقل ایتیموده محترق اولسه ضمان لازم کلور

۷۸۸ ماده

ودیعه یی صاحبک اذنی اولقسزین دیگر مال ایله
یکدیگرندن تفریق اولنهمیه جق صورتده قارشیدر مق
تعدیدر

بناء علیه مستودع کندوسنده و دیعه اولان بر مقدار یوزلک
التونلری کندوسنک یوزلک التونلریله یا خود بر بشقه سنک
ودیعه اولان یوزلک التونلریله بلا اذن قارشیدر دقدن صکره
ضایع اولسه یا خود سرقت اولسه ضامن اولور . و کذا
مستودعدن بشقه بر کیمسه مذکور التونلری اولوجهله قارشیدر سه
اول کیمسه ضامن اولور

۷۸۹ ماده

مستودع اگر و دیعه یی صاحبک اذنیله ماده آنفده
بیان اولندیغی اوزره دیگر مال ایله قارشیدر سه یا خود
کندوسنک صنعی اولقسزین ایکی مال بر بریله کذلک
یکدیگرندن تفریق اولنهمیه جق صورتده قارشیه مثلا
بر صندوق دروننده و دیعه اولان التون کیمسه سی یرتیلوب
ایچنده کی التونلر دیگر التونلرله قارشیه مجموعنده
مستودع ایله صاحب و دیعه حصه لری مقدار نجه شریک

اولور لر . بو حالده بلا تعد ولا تقصیر تلف و ضایع اولسه
ضمان لازم کلر
۷۹۰ ماده

مستودع و دیعه یی بلا اذن آخره ایداع ایده مز . ایدوبده
بعده تلف اولسه ضامن اولور

واکرمستودع ثانینک تعدی یا تقصیری ایله تلف اولمش
ایسه مودع دیلر سه مستودع ثانییه تضمین ایتدیرر و دیلر سه
مستودع اوله تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانییه
رجوع ایدر
۷۹۱ ماده

مستودع و دیعه یی آخر کسنه یه ایداع ایدوبده مودع
مجیر اولسه مستودع اول اره دن چیقوب اول کسنه
مستودع اولور
۷۹۲ ماده

مستودع و دیعه یی صاحبنک اذنیله استعمال ایده بیلدیکی
کی آخره ایجار و اعاره ورهن دخی ایده بیلور
اما صاحبنک اذنی اولقسزین آخره ایجار یا اعاره و یارهن
ایدوبده و دیعه مستأجر یا مستعیر یا خود مرتهن یدنده تلف
یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه مستودعه ضمان
لازم کاور

۷۹۳ ماده

مستودع امانت اچھي بلا اذن آخره اقراض وتسليم
ایدوبده صاحبي مجيز اولسه مستودع اول اچھي ضامن
اولور

کذلک کندوسنده ودیعه اولان اچھه ایله صاحبک آخره
اولان دینی ادا ایتدکده صاحبي راضی اولسه ضامن
اولور

۷۹۴ ماده

ودیعه یی صاحبي طلب ایتدکده کندوسنده ردو تسلیمی لازم
کاور وردو تسلیمک مؤنتی یعنی کلفتی ومصرفی مودعه عائد
اولور

ومودع طلب ایتدکده مستودع ویرمیوبده ودیعه تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

فقط حین طلبده ودیعه اوزاق محمله بولمق کبی برعذر دن
ناشی ویرمیوبده تلف یا ضایع اولمش ایسه اول حالده
ضمان لازم کلز

۷۹۵ ماده

مستودع ودیعه یی بالذات یا خود امینی ایله ردو تسلیم
ایدر . وامینی ایله رد وارسال ایتدیکی صورتده قبل
الوصول ودیعه بلاتعد ولاتقصیر تلف یا ضایع اولسه
ضمان لازم کلز

۷۹۶ ماده

ایکی کیمسه مشترک مالارینی بر کیمسه یه ایداع ایتد کدن
صکره اول شریکاردن بریسی کلوبده آخرک غیابنده
حصه سنی مستودعدن طلب ایتد کده ودیعه اکر مثلیاتدن
ایسه مستودع انک حصه سنی کندوسنه ویرر . واکر
قییاتدن ایسه ویرمز

۷۹۷ ماده

ودیعه یی تسلیمده مکان ایداع معتبردر
مثلا استانبولده ایداع اولنان متاع ینه استانبولده تسلیم اولنور
ادرنده تسلیم ایتمک اوزره مستودعه جبر اولنه ماز

۷۹۸ ماده

ودیعه نك منافع ی صاحبنکدر
مثلا امانت اولان حیوانک یاورسی وسودی ویوکی صاحبنه عاند
اولور

۷۹۹ ماده

صاحب و دیعه غائب اولوبده اوزرینه نفقه سی واجب
اولان کیمسه نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبک و دیعه
اولان اچده سندن اول کیمسه یه نفقه تقدیر ایتد کده
مستودع کندو یندنه و دیعه اولان اچده دن اول کیمسه نك
نفقه سنه صرف ایتمه ضمان لازم کلز
فقط حاکمک امری اولقسزین صرف ایدر ایسه ضامن
اولور

۸۰۰ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو و افاقندن یأس
کادکده قبل الجنه اخذ ایتش اولدیغی و دیعه عیناً موجود
اولسه صاحبی بر معتبر کفیل کوستره رک مجنونک مالندن
تضمینه صلاحیتی وارد

فقط صکره کندویه افاقت کلوبده و دیعه یی صاحبنه
رد ایتش یا خود بلا تعد و لا تقصیر و دیعه تلف یا ضایع
اولش ایدوکنی بیان ایدر ایسه یمینله تصدیق اولنهرق
اخذ اولنش اولان اچقه سنی استرداد ایلر

۸۰۱ ماده

مستودع فوت اولدقده و دیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی
صورته وارثی یدنده دخی امانت اولغله صاحبنه رد
اولنور

اما عیناً ترکه سنده بولندیغی صورته اکر مستودعک
حال حیاتنده اول و دیعه یی صاحبنه رد ایتدم یا خود
بلا تعد ضایع اولدی دیمک کبی بر صورتله و دیعه نک حالنی
بیان و تقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان
لازم کلز

کذلک وارث و دیعه یی بیلورز شویله ایدی بویله ایدی
دیو توصیف و تفسیر ایدرک مستودعک و فاقندن صکره

بلا تعد ولا تقصير ضایع اولدیغنی بیان ایتسه یمینله تصدیق
اولنهرق ضمان لازم کلز

واکر مستودع و دیعه نك حالى بیان ایتماش ایسه مجهلا
فوت اولمش دیمك اولمسیله دیون سائره کبی ترکه سندن
استیفا اولنور

وکذا وارثك و دیعه یی توصیف و تفسیر ایتیهرك مجرد بز
و دیعه یی بیلورز ضایع اولدی دیمسی معتبر اولیوب
اولوجهله ضایع اولدیغنی اثبات ایده مدیکی صورتده
ترکه دن ضمان لازم کلور

۸۰۲ ماده

مودع فوت اولدقده و دیعه وارثه و یریلور . فقط ترکه
مستغرق بالدين ایسه حاکمه مراجعت ایدیلور

واکر حاکمه مراجعت ایتکسزین مستودع آنی
وارثه و یروب اودخی استهلاک ایتسه مستودع ضامن
اولور

۸۰۳ ماده

و دیعه نك تضمینی لازم کلدکده مثلیاتدن ایسه مثلی قیامتدن
ایسه ضمانی موجب اولان شیئک یوم وقوعنده کی قیمتی
و یرمك لازم کلور

(باب ثالث)

(عاریت حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط اعارهیه متعلق مسائل بیانندهدر)

۸۰۴ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد اولور
مثلا بر کیمسه برینه شومالی سکا اعاره ایتدم یاخود عاریت ویردم
دیوب اودخی قبول ایلدم دیسه یاخود برشی سویلیدرک قبض
ایتسه ویاخود بری دیگرینه شومالی بکا عاریت ویردیوب اودخی
ویرسه اعاره منعقد اولور

۸۰۵ ماده

معیرک سکوتی قبول صایلماز

بناء علیه بر کیمسه برندن برشی عاریت ایستیوبده صاحبی سکوت
ایلیش اولدیغی حالده السه غاصب اولور

۸۰۶ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعاره دن رجوع ایده بیلور

۸۰۷ ماده

معیر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد اعاره منفسخ
اولور

۸۰۸ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولمسی شرطدر
بناء علیه فراری حیوانك اعاره واستعارهسی صحیح دکلدر

۸۰۹ ماده

معیر و مستعیرك عاقل و ممیز اولملری شرطدر • بالغ اولملری
شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبی غیر میړك اعاره واستعاره لری جائز اومانز
اما صبی مأذونك اعاره واستعارهسی جائز اولور

۸۱۰ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر
۸۱۱ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلا تعیین و تخییر اولمقسزین ایکی بار کیر دن بری اعاره اولنسه صحیح
اولیوب معیر هر قنغیسنی اعاره ایده جك ایسه تعیین ایتسی لازمدر
فقط هر قنغیسنی الور ایسه ك ال دیو مستعیری تخییر ایتسه اعاره صحیح
اولور

(فصل ثانی)

(عاریتک احکام و ضماناتی بیانده در)

۸۱۲ ماده

مستعیر بلبدل عاریتک منفعتنه مالک اولور •
بناء علیه معیر بعد الاستعمال مستعیردن اجرت طلب ایده من

۸۱۳ ماده

عاریت مستعیر بدنده امانتدر . بلا تعد ولا تقصیر تلف
یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه ضمان لازم کز
مثلا عاریت آینه قضارا مستعیرك الندن دوشمکه یا خود ایاعی
قایوبده کندوسی آینه یه چارمغله قیرلسه ضمان لازم کز . كذلك
عاریت کچه اوزرینه قضارا برشی دوکولمکه لکه لنوبده قیمته
نقصان کسه ضمان لازم کز

۸۱۴ ماده

مستعیرك برکونه تعدیسی یا تقصیری واقع اولدوقده ارتق
هرنه سببله اولور ایسه اولسون عاریت تلف اولسه
یا خود قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلور
مثلا مستعیر ایکی کونده وارله حق محله عاریت حیوان ایله برکونده
کیدوبده اول حیوان تلف اولسه یا خود زبون اولدوق قیمته نقصان
کسه ضمان لازم کلور
وکذا بر محله قدر استعاره ایتدیکی حیوان ایله اول محله واروبده
دها ایلرویه تجاوز ایتدکدنصکره حتف انفه حیوان تلف اولسه
ضمان لازم کلور
کذلك برکیمسه برکردانلق استعاره ایله بر صبینك بویتنه طوقوب
ویاننده کوزده یجیسی اولمدیغی حالدله براغوبده سرقت اولدوقده
اگر صبی اوزرنده کی اشیا یی حفظه قادر ایسه ضمان لازم کز اما
قادر دکل ایسه ضمان لازم کلور

۸۱۵ ماده

مستعارك نفقه سی مستعیر اوزرینه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف و یرمیو بده تلف اولسه ضامن اولور
۸۱۶ ماده

اعارهٔ مطلقه ده یعنی معیرك اعاردی زمان و مکان و برنوع
انتفاع ایله تقیید اتمدیکی صورته عاریتی مستعیر دیلدیکی
زمان و مکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایده بیلور . فقط
عرف و عادت ایله تقیید ایدر

مثلا برکیمسه بارکیرینی اولوجهله مطلق اوله رق اعاره ایتدکده مستعیر
ا کا دیلدیکی وقت بنر و دیلدیکی محله کیدر . فقد عادت اوزره
ایکی ساعتده کیدیله جك محله بر ساعتده کیده مز
کذاک مطلق اوله رق اعاره اولنان برخان او طه سنده مستعیر دیلر سه
ساکن اولور و دیلر سه امتعه وضع ایدر . فقط عرف و عادتک
خلافی اوله رق ایچنده تیمور جیلاک ایده مز
۸۱۷ ماده

اعاره زمان و مکان ایله تقیید اولندقدده قید معتبر اولوب
مستعیر ا کا مخالفت ایده مز

مثلا اوچ ساعت بنمک اوزره استعاره اولنان حیوانه درت ساعت
بنیله مز و بر محله کیتمک اوزره استعاره اولنان حیوان ایله بشقه
محله کیدیله مز
۸۱۸ ماده

اعاره برنوع انتفاع ایله تقیید اولندقدده مستعیر مأذون
اولدیغی انتفاعک مافوقنه تجاوز ایده مز . اما ا کا
مساوی یا هون صورته استعمال ایله مخالفت ایده بیلور

مثلا بغدادی یو کلتک ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور یاخود طاش یو کلدیله مز . اما بغدایه مساوی یاخود اندن اخف بریوک تحمیل اولنه یلور . وکذا بنک ایچون استعاره اولنان حیوانه یوک یو کلدیله مز . اما یوک ایچون استعاره اولنان حیوانه بنیله یلور

۸۱۹ ماده

معیر اکر منفعتی تعیین ایتکسزین مطلق اوله رق اماره ایتش ایسه مستعیرک انی اطلاق اوزره استعماله صلاحیتی وارد

یعنی دیلر سه انی کیندو استعمال ایدر و دیلر سه بشقه سنه اماره ایله استعمال ایتدیر

عاریت کرک اوطه کبی مستعملینک اختلافیه مختلف اولمیان شیلردن اولسون و کرک بنک آتی کبی مستعملینک اختلافیه مختلف اولان شیلردن اولسون

مثلا برکیمه اوطه می سکا اماره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر انده دیلر سه کیندو اقامت ایدر و دیلر سه بشقه سنی اسکان ایدر وکذا شو آتی سکا اماره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر دیلر سه اول آته کیندو بنر و دیلر سه بشقه سنی بندیر

۸۲۰ ماده

منفعتک تعیینی مستعملینک اختلافیه مختلف اولان شیلرده معتبردر . و مختلف اولمیان شیلرده معتبر دکدر . فقط معیر انی بشقه سنه و یرمه دیو نهی ایتش ایسه مستعیر بهر حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره مز

مثلا سنك زكو بك ايچون بو آتى سكا اعاره ايتدم ديدىكى صورتده
مستعير اول آته اوشاغنى بنديره مز . اما سنك اقامتك ايچون بو
اوطه يى اعاره ايتدم ديدىكى صورتده مستعير كىمىدو اقامت
ايدە بىلدىكى كى بىشقەسىنى دخى اسكان ايدە بىلور . فقط بىشقەسىنى
اسكان ايتە ديمش ايسە ايدە مز

۸۲۱ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استعاره اولندقدە يوللر متعدد
اولسه مستعير عادت اوزره ناسك سلوك ايتدىكى يوللردن
هر قنغيسيله ديلرسە كيدە بىلور . اما معتاد اولميان
يولدن كيدوبده حيوان تلف اولسه ضامن اولور

كذلك معيرك تعيين ايتدىكى يولك غيرى بر يولدن
كيدوبده حيوان تلف اولدقدە اكر مستعيرك سلوك
ايتدىكى يول دها اوزاق ياغير مأمون وياخود خلاف
معتاد ايسە مستعيره ضمان لازم كلور

۸۲۲ ماده

بر كس نه بر قاديندن زوجنك ملكى اولان بر شئى عاريت
استيوب واو دخى بلا اذن ويروبده اول شى ضايع
اولديغى صورتده اكر درون خانه ده وعلى جري
العاده زوجهنك ينده بولنان اشيا دن ايسە كرك اول
قادينە و كرك مستعيره ضمان لازم كلز . دكل ايسە مثلاً
آت كى قادينلر ينده بولنميان بر شى ايسە زوج ديلرسە
زوجهنه و ديلرسە مستعيره تضمين ايتديرر

۸۲۳ ماده

معيرك اذنى اولقسزین مستعير عاریتی آخره ایجار
یاخود رهن ایده من و بر بلده ده کی بورجنه رهن ایتماک
اوزره استعاره ایتدیکی مالی آخر بلده ده کی بورجنه رهن
ایده من . ایدوبده عاریت تلف یا ضایع اولسه ضمان
لازم کلور

۸۲۴ ماده

مستعیر عاریتی آخره ایداع ایده بیلور . وید مستودعه
بلا تعد و لا تقصیر تلف اولسه ضمان لازم کلز
مثلا بر محله کیدوب کلک اوزره استعاره ایتدیکی بارگیر ایله اوراید
واردقه بارگیر یوریلوب قالمغه اوراده برینه ایداع ایتدکن صکره
بارگیر ختف انقه تلف اولسه ضمان لازم کلز

۸۲۵ ماده

معیر عاریتی طلب ایتدکده مستعیرك همان رد و تسلیمی
لازم کلور . و بلا عذر توقیف و تأخیر ایدوبده عاریت
تلف یا ضایع اولسه یاخود قیمتنه نقصان کلسه ضامن
اولور

۸۲۶ ماده

نصایا دلالة موقت اولان عاریتک ختام مدته معیره ردی
لازمدر . فقط مکث معتاد معفودر

مثلا فلان کون وقت عصره قدر استعمال اولمق اوزره استعاره
اولسان حلیاتی اول وقتک حلولنده رد و اعاده لازمدر . کذلک

فلانك دوكوننده قوللانق اوزره استعاره اولنان حلیاتی اول
دوكونك ختامنده رد واعاده لازمدر . فقط یونی رد واعاده ایچون
معتاد اولان مرتبه وقتك مروری معفودر

۸۲۷ ماده

برایش ایچون برشی استعاره اولندقدده اول ایشك ختامنده
عاریت مستعیریدنده ودیعه کبی اولور . ارتقانی
استعمال ایدمز و مکت معتاددن زیاده توقیف ایدمز
ایدوبده تلف اولسه ضامن اولور

۸۲۸ ماده

عاریتی مستعیر بنفسه یاخود امینی ایله معیره رد ایدز .
امینی اولیان کمسنه ایله رد ایدوبده قبل الوصول تلف
یاضایع اولسه ضامن اولور

۸۲۹ ماده

مجوهرات کبی اشیای نفیسه دن اولان عاریتی معیرك
کندوسنه تسلیم ایتك لازمدر
اماسائر عاریتی عرف وعادته تسلیم عد اولنان
محله کوتورمك ویامعیرك خدمتکارینه ویرمك رد
وتسلیمدر

مثلا عاریت حیوانی معیرك آخورینه کوتورمك یاخود سائسینه
ویرمك تسلیمدر

۸۳۰ ماده

مستعیریدنده اولان عاریتی رد ایدجك اولدقدده

مؤنتی یعنی کلفتی و مصارف نقلیه سی کنند و اوزرینه در

۸۳۱ ماده

ابنیه یا بمق و اغاج دیکمک ایچون یراستعاره ایتک صحیحدر .
لکن معیر دیله دیکی وقت اعاره دن رجوع ایله بونلری
قلع ایتدیره بیلور . شوقدرکه اعاره موقت ایسه ابنیه
واشجارک قلع اولندیغی زمانده کی مقلوعا قیمتی ایله انقضای
مدته قدر طور مق اوزره قیمتی بیننده تفاوت نه ایسه معیر
انی ضامن اولور

مثلا ابنیه واشجار در حال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوعا قیمتی اون
ایکی التون وانقضای مدته قدر طور مق اوزره قیمتی یکر می التون
اولدیغی حالده معیر در حال قلع ایتدیره جک اولور ایسه سکز التون
ویزمسی لازم کلور

۸۳۲ ماده

کرك موقت و كرك غیر موقت اوله رق زرع ایچون اعاره
اولسان اراضی بی معیر وقت حصا دن مقدم اعاره دن
رجوع ایدوبده مستعیر دن استرداد ایده مز

ارادهٔ سانیه تاریخى فی ۲۴ ذی الحجه سنه ۱۲۸۸

احد جوت

عن اعضاء مجلس تدقیقات

شروعیه عمر خلوصی

درس و کیلی

امین الفتوی

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضاء جمعیت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

سیف الدین

احمد حلمی

قسام عسکری

مدیر معلمخانهٔ نواب

احمد خالد

یونس و هبی

عن اعضاء جمعیت

عبد اللطیف شکری

كتاب الهبة

فیqh سبک الدرایه

برجی عمل و لایه

کتاب سابع

(هبه حقننده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

مقدمه

(هبه دایره اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۸۳۳ ماده

هبه . بلا عوض بر مالی آخره تملیک ایتمکدر که ایدن
کیمسه و اهب و اول مال موهوب و آنی قبول ایده نه
موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه نی قبول دیمکدر

۸۳۴ ماده

ہدیہ • بر کیمسہ یہ اکراما کتوریلان یا کوندریلان
مالدر

۸۳۵ ماده

صدقہ • ثواب ایچون ہبہ اولنان مالدر

۸۳۶ ماده

اباحہ • برشیئی بلا عوض اکل و تناول ایتک اوزرہ آخرہ
اذن ورخصت و یرمکدر

(باب اول)

(عقد ہبہ یہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب ایکی)

(فصلی شاملدر)

(فصل اول)


(رکن و قبض ہبہ یہ دائر اولان مسائل بیانندہ در)

۸۳۷ ماده

ہبہ ایجاب و قبول ایلہ منعقد و قبض ایلہ تمام اولور

۸۳۸ ماده

ہبہ دہ ایجاب باغشلادم و ہبہ ایتدم و اهدا ایلدم کی

مجانا بر مالی تمليك معناسنده مستعمل اولان سوزلردر
وزوجك زوجه سنه برچفت كوپه ياخود حليياتدن ديكر
بر نسنه و يرو بده آل طاقن ديمسى  مجانا تمليكه
دلالت ايدن تعبيرلر دخی هبه يي ايجابدر

۸۳۹ ماده

تعاطی ايله دخی هبه منعقد اولور

۸۴۰ ماده

هبه ده و صدقه ده ارسال و قبض لفظا ايجاب و قبول
مقامنه قائم اولور

۸۴۱ ماده

هبه ده قبض بعهده قبول كنيدر
بناء عليه و اهيك ايجابی مثلا شو مالی سكا هبه ايتدم
ديمسی اوزرينه موهوب له قبول ايتدم و ياخود اتهاب
ايلدم ديمكسزين مجلس هبه ده اول مالی قبض ايتسه هبه
تمام اولور

۸۴۲ ماده

قبضده و اهيك صراحة ياخود دلالة اذنی لازمدر

۸۴۳ ماده

واهيك ايجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی
موهوب اكر مجلس هبه ده حاضر ايسه بو مالی سكا هبه
ايتدم آل ديمك و اكر غائب عن المجلس ايسه فلان مالی

سکا هبه ایتدم وار آل دیمک کبی امر صریحیدر
۸۴۴ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویرد کده موهوب لهک انی
کړک مجلس هبه ده وکړک بعدالافتراق قبضی صحیحدر .
اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقيیدایدوب بعدالافتراق
قبضی معتبر اولماز

مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیوبده موهوب له دخی انی اول مجلسده
قبض ایدیورسه صحیح اولور اما مجلس هبه دن آیرلدقدنصره قبض
ایتسه صحیح اولماز . کذلک فلان محله کی مالی سکا هبه ایتدم
دیوبده وار ال دیماش اولسه موهوب لهک کیدوبده انی قبض
ایتمی صحیح اولماز
۸۴۵ ماده

مشتري مبيعی بایعدن قبل القبض آخره هبه ایددیور
۸۴۶ ماده

برکسینه نک یدنده بولنان مالی صاحبی اکا هبه ایتدکده
موهوب لهک قبول ایتدم یااتهاب ایلدم دیمسیله هبه تمام
اولوب مجددا تسلیم و قبضه محتاج دکدر
۸۴۷ ماده

برکیمسه اله جفنی مدیونه هبه یاخود مدیونی اندن ابرا
ایلیوب اودخی رد ایتسه صحیح و دین همان ساقط
اولور

۸۴۸ ماده

بر کیمسه برینک دمتنده اولان آله جغنی آخره هبه ایدوبده
وار ال دیو صراحة قبضه اذن ویرسه و مو هو بله دخی
واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

۸۴۹ ماده

قبل القبض و اهب یا خود مو هو بله فوت اولسه هبه باطل
اولور

۸۵۰ ماده

بر کیمسه کبیر یعنی عاقل و بالغ اولان او غلنه بر شی هبه
ایتدکده تسلیم و قبضی لازمدر

۸۵۱ ماده

صغیرک و صیسی یا خود مربیسی یعنی حجر و تربیه سنده
بولندیغی کیمسه کرک یدنده بولنان و کرک دیکرک نزدنده
ودیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد
ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیمسیله اول صغیرا کا
مالک اولوب قبضه محتاج دکدر

۸۵۲ ماده

بر طفله آخر کسه بر شی هبه ایدکده ولیسنک یا خود
مربیسنک قبضی ایله هبه تمام اولور

۸۵۳ ماده

صبی ممیزه بر شی هبه اولندقد و لیبی اولسه بیله

کندوسنک قبضيله هبه تمام اولور

۸۵۴ ماده

هبه مضافه صحیح دکلدر

مثلا کله جک ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز

۸۵۵ ماده

عوض شرطيله اولان هبه صحیح و شرط معبردر

مثلا برکسه شوقدر مقوله عوض ویرمک یا خود کندوسنک معلوم المقدار دینی ادا ایتک شرطيله برینه برشی هبه ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه لازم اولور ایتز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع ایده یلور کذلک برکیمسه اونجه کندوسنی بسلمک شرطيله ملک عقارینی برینه هبه و تسلیم ایتدکده موهوب له شرط مذکور اوزره واهی بسلمک راضی ایکن واهب نادم اولوبده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی استرداد ایده مز

(فصل ثانی)

(شرائط هبه بیانده در)

۸۵۶ ماده

موهوبک وقت هبه ده موجود اولسی شرطدر

بنه علیه بر باغک حاصل اولدجق اوزومنی یا خود بر قصر اغلک طوغور احق یاوریسنی هبه صحیح دکلدر

۸۵۷ ماده

موهوب واهبک مالی اولق شرطدر

بناء علیه بر کیمسه بلا اذن بشقه سنک مالنی برینه هبه ایتسه صحیح اولماز
فقط هبه ایتد کدنصره صاحی مجیز اولسه صحیح اولور
۸۵۸ ماده

موهوبک معلوم و معین اولسی لازمدر

بناء علیه و اهب لاعلی التعین مالمدن برشی یا خود شوایکی اتدن برینی
هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز . و بو ایکی آدن قنغیسنی دیلر سه کسنک
اولسون دیدیکی صورتده اگر موهوب له مجلس هبه ده انلردن برینی
تعیین ایلر سه صحیح اولور اما مجلس هبه دن بعد المفارقه تعیینی مفید اولماز
۸۵۹ ماده

واهبک عاقل و بالغ اولسی شرطدر

بناء علیه صغیر و مجنون و معتوهک هبه سی صحیح دکدر .
اما بو نلره هبه صحیحدر
۸۶۰ ماده

هبه ده و اهبک رضاسی لازمدر

بناء علیه جبر و اکراه ایله واقع اولان هبه صحیح دکدر

(باب ثانی)

(احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(هبه دن رجوع حقنده در)

۸۶۱ ماده

موهوب له قبض ایله موهوبه مالک اولور

۸۶۲ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه دن رجوع ایده بیلور

۸۶۳ ماده

واهبك بعد الايجاب موهوب لهی قبضدن نهی ایتمی

رجوعدر

۸۶۴ ماده

واهب بعد القبض موهوب لهك رضاسیله هبه و هدیه دن

رجوع ایده بیلور . و موهوب له راضی اولمزایسه حاکمه

مراجعت ایلر . حاکم دخی مواد آتیه دن بیان اولنه جق

موانع رجوع یوغیسه هبه بی فسخ ایده بیلور اما موانع

رجوعدن بری بولنسه فسخ ایده من

۸۶۵ ماده

بعد القبض واهب اکر موهوب لهك رضاسی یاخود

حاکمك حکم و قضاسی اولمدن خود بخود موهوبی استرداد

ایدرسه غاصب اولور و بوصولده یدنده موهوب تلف

یاضایع اولسه ضامن اولور

۸۶۶ ماده

برکیمسه اصول و فروغنه یا برادر و همشیره سینه یا بونلرک

اولادینه یاخود پدر و مادرینک برادر و همشیره سینه

برشی هبه ایتدکدن صکره رجوع ایده من

۸۶۷ ماده

زوج ايله زوجهدن برى بيلرنده زوجيت قائم ايكن
يك ديكرينه برشى هبه وتسليم ايتدكدنصكره ارتق اندن
رجوع ايدهمز

۸۶۸ ماده

هبه عوض و يريلوبده و اهبك دخى قبض ايتسى مانع
رجوعدر

بناء عليه كرك موهوب له طرفندن و كرك ديكر بر كسند جانبدن و اهبه
هبه سند عوض اولق اوزره برشى و يريلوبده اودخى قبض ايلسد
اندن صكره هبه سندن رجوع ايدهمز

۸۶۹ ماده

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرينه بناء
احداث ياخود آغاج غرس ايتك و ياخود موهوب زبون
حيوان اولوبده موهوب له ياننده سمنلنك كې زياده
متصله حاصل اولدقده و ياخود بغداى اولوبده اون ايدملك
كې موهوبك اسمى دكشه جك صورتده تغير اولندقده
هبه دن رجوع صحيح اولماز . اما زياده منفصله مانع
رجوع اولماز

بناء عليه بر كيمسندك آخره هبه ايلديكى قصراق حامل اولدقده
هبه دن رجوع ايدهمز . اما طوغوردقندن صكره رجوع ايدهميلور
و بوضورتده ياوريلى موهوب لهه قالور

۸۷۰ ماده

موهوب له موهوبی بیع ایله یاخود هبه و تسلیم ایله ملکندن
اخراج ایلسه واهبک رجوعه صلاحیتی قالمز

۸۷۱ ماده

موهوب له یدنده موهوب مستهلك اولسه رجوعه محل
قالمز

۸۷۲ ماده

واهب و موهوب لهدن برینک وفاتی مانع رجوعدر
بناء علیه موهوب له فوت اولسه واهب هبیدن رجوع ایده مدیکی
کی واهب فوت اولدقده دخی ورثه سی موهوبی استرداد ایده مز
۸۷۳ ماده

داین اله جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع
ایده مز (۵۱) و (۸۴۸) مادهلره باق
۸۷۴ ماده

بعد القبض صدقه دن بروجهنله رجوع اولنه مز
۸۷۵ ماده

بری برکیمسه یه مطعوماتدن برشیئی اباحه ایتدکده اول
کسنه اگرچه اول شیئی آلوبده آخره صاتمق یاخود هبه
ایتمک کی لوازم تملکدن اولان بروجهنله تصرف
ایده مز . فقط اول شیدن اکل و تناول ایده یلور .
وبعده صاحبی انک قیمتی مطالبه ایده مز

مثلاً بر باغ صاحبك اذن و اباحه سيله برى باغندن بر مقدار اوزم
ييسه باغ صاحبي اول اوزمك آچه سنى اله مز

۸۷۶ ماده

ختان يا خود زفاف دكونلرنده كلان هديه لرى اصحابى
چو جق ياكين و بابا و انالرندن هر قنغيسنه ديو كتور مشلر
ايسه اول هديه لر انكدر . و اكركيمك اچون
كتور دكارينى بيان ايتيوب كندولرندن سؤال ايله تحقيق
دخى قابل اولمز ايسه اولخالده عرف و عادت بلديه رعايت
اولنور

(فصل ثانى)

(هبة مريض حقنده در)

۸۷۷ ماده

وارثى اولميان كيمسه مرض موتنده جميع اموالى برينه
هبة و تسليم ايتسه صحيح اولور و بعد الوفاة تركه سنه امين
نيت المالك مداخله ايدمز

۸۷۸ ماده

زوجه سندن ماعدا وارثى اولميان كيمسه مرض موتنده
جميع اموالى زوجه سنه و يا خود زوجندن ماعدا وارثى
اولميان قادين جميع اموالى مرض موتنده زوجه هبة
و تسليم ايتسه صحيح اولور

وبعد الوفاة بونلردن برينك تركسـنه امين بيت المال
مداخله ايده من

۸۷۹ ماده

بر کيمسه مرض موتنده ورثه سندن برينه برشي هبه
ايدوبده فوت اولدوقده ديگر ورثه مجيز اولماز ايسه
اول هبه صحيح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه وتسليم ايتدکده ثلث مالي
موهوبك تمامنه مساعد ايسه صحيح اولور . مساعد
اوليوبده ورثه دخي هبه يي مجيز اولماز ايسه مساعد
اولديغي مقدارده هبه صحيح اولوب باقيسني موهوب له
رده مجبوردر

۸۸۰ ماده

ترکـسي مستغرق ديون اولان کيمسه مرض موتنده
اموالني وارثه يا خود بشقه سنه هبه وتسليم ايتدکدن
صکره فوت اولسه دايئر هبه يي طوتميوب اول اموالی
قسمت غرمایه ادخال ايده بيلور

ارادہ سنیہ تاریخی فی ۲۹ محرم سنہ ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیہ احمد جودت
عمر خلوصی

امین الفتوی
السید خلیل

وکیل درس
السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیہ
السید احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت
شیف الدین

مدیر معلمخانہ نواب
یونس وہبی

قسام عسکری
احمد خالد

عن اعضاء جمعیت
عبد اللطیف شکری

کتاب الغصیب والاف

فصل فی شرح طحاوی

برخی عمل و نه

— کتاب ثامن —

(غصب و اتلاف حقنده اولوب بر مقدمه ایله)

(ایکی باب به منقسمدر)

﴿ مقدمه ﴾

۸۸۱ ماده

غصب . برکسینه نك اذنی اولقمسزین مالنی اخذ و ضبط
ایتمکدرکه اخذ ایدن کسه یه غاصب و اول ماله مغصوب
و صاحبنه مغصوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائمًا قیمت . ابنیه یا اشجارک بولندقنری یرده طور مق

اوزره قیمتلریدرکه ارض بر کره ابنیه یا اشجار ایله برابر
و بر کره ابنیه یا اشجار دن خالی اوله رق تقویم اولنوب ایکی
قیمت بینده کی تفاضل و تفاوت نه ایسه ابنیه یا اشجارك قائما
قیمتی دیمك اولور

۸۸۳ ماده

مبنیا قیمت . ابنیه نك قائما قیمتی دیمكدر

۸۸۴ ماده

مقلوعا قیمت . بعد القلع ابنیه انقاضنك و اشجار مقلوعه نك
قیمتلیدر

۸۸۵ ماده

مستحق القلع اوله رق قیمت . مقلوعا قیمتدن اجرت قلع
لدی التنزیل باقی اولان قیمتدر

۸۸۶ ماده

نقصان ارض . بریرك قبل الزراعه دگری اولان اجرتله
بعد الزراعه دگری اولان اجرت بینده کی فرق و تفاوتدر

۸۸۷ ماده

مباشرة اتلاف . برشیئی بالذات تلف ایتمکدرکه ایدن
کیمسه یه فاعل مباشر دینلور

۸۸۸ ماده

تسببا اتلاف . برشیئك تلفنه سبب اولمقدر یعنی برشیده

دیگر شیئہ علی جری العادہ تلفہ مفضی اولان برایش
احداث ایتکدر کہ ایدن کیمسہ یہ متسبب دینلور
نتہ کیم بر معلق قندیلک ایینی کسمک قندیلک برہ دوشوبده قیرلسنه
سبب مفضی اولغله ایینی کسن کیمسہ مباشرہ ایینی تلف ایتش وتسببا
قندیلی قیرمش اولور

کذلک بر کیمسہ بر طولوی شق ایدوبده ایچنده کی یاغ اقوب تلف
اولسه اول کیمسہ مباشرہ طولوی وتسببا یاغی ائلاف ایتش اولور

۸۸۹ ماده

تقدم . مضرت ملحوظہ نك دفع وازالہ سیچون اولجہ
تنبیہ و توصیہ ایتکدر

(باب اول)

(غصب حقنده اولوب اوچ فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(غصبك احکامی بیانندهدر)

۸۹۰ ماده

مال مغصوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبنه
رد و تسلیمی لازمدر . و صاحبی بشقه بلدهده غاصبه
تصادف ایدوبده مال مغصوب دخی یا ننده اولدیغی
حالده صاحبی دیلر سه مالنی اوراده استرداد ایلر . اکر

مکان غصبده تسليمی استرایسه مؤنت ردی و مصارف
نقلیه سی غاصب اوزرینه در
۸۹۱ ماده

مال مغصوبی غاصب استهلاک ایتد کده ضامن اولسی لازم
کادیکی کی کرک انک تعدیسیله و کرک بلاتعد تلف یا ضایع
اولدیغی تقدیرده دخی ضامن اولور
شویله که قیمیاتدن ایسه زمان و مکان غصبده کی قیمتی و مثلیاتدن
ایسه مثلی و یرمسی لازم کلور
۸۹۲ ماده

غاصب مکان غصبده عین مغصوبی صاحبنه رد و تسلیم
ایتد کده ضماندن بری اولور
۸۹۳ ماده

غاصب عین مغصوبی صاحبی اخذ ایده بیله جک صورتده
اوکنه وضع ایتد کده حقیقه قبض بولنمسه بیله مغصوبی رد
ایتمش اولور
اما تلف اولان مغصوبک قیمتی صاحبنک اوکنه وضع
ایلسه حقیقه قبض بولنمسه ضماندن بری اولماز
۸۹۴ ماده

عین مغصوبی غاصب بر محل مخوفده صاحبنه تسلیم ایتسه
قبول ایتمامکه حق واردر و غاصب بو صورتده ضماندن
بری اولماز

۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغصوبك قيمتى صاحبنه كيتور بده
قبول ايتسه حاكمه مراجعت ايله قبولنى امر ايتديرر

۸۹۶ ماده

مغصوب منه صبي اولديغى حالده غاصب اكا مغصوبى
رد ايتدكده صبي مميز اولوبده مالى حفظه اهل ايسه
ردى صحيح اولور دكل ايسه صحيح اولماز

۸۹۷ ماده

مغصوبك ميوه اولوبده غاصب عندنده قورومق كى حالى
تغير ايلر ايسه صاحبي مخير در ديلر سه مغصوبى عينا استرداد
ايلر و ديلر سه تضمين ايتديرر

۸۹۸ ماده

غاصب اكر كندو مالندن برشى زياده سيله مغصوبك بعض
او صافنى تغيير ايدر ايسه مغصوب منه مخير در ديلر سه اول
مغصوبى تضمين ايتديرر و ديلر سه اول زياده نك قيمتى ويروب
عينا استرداد ايلر

مثلا مغصوب اولان بزي غاصب بويامش اولسه صاحبي مخير در
ديلر سه بزينى تضمين ايتديرر و ديلر سه بويانك بهاسنى ويروب عينا
بزي استرداد ايلر

۸۹۹ ماده

غاصب اكر مال مغضوبى اسمى د كيشه جاك صورتده
تغير ايدر ايسه ضامن اولور و اول مال كندويه قالور
مثلا مغضوب بغدادى اولويده غاصب انى اون ايدر ايسه ضامن
ولوب اون انك مالى اولور . نئه كيم بر كيمسه ديكرك بغدادينى
غصب ايله كندو تر لاسنه زرع ايتسه بغدادى ضامن اولوب
محصول كندوسنك اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغضوبك سعر و قيمتى تناقص ايتسه صاحبي
انى الميويده زمان غصبده كى قيمتى مطالبه ايده من
اما غاصبك استعماليله مغضوبك قيمته نقصان كلسه
ضمان لازم كلور

مثلا بر كيمسه نك غصب ايلديكى حيوان زبون اولسه انى صاحبه
رد ايتد كده نقصان قيمتى دخى ضامن اولور .
كذلك بر كيمسه غصب ايلديكى البسه دى بر تغله قيمته نقصان كلد كده
اكر نقصان يسير ايسه يعنى مغضوبك ربع قيمته بالغ دكل ايسه
غاصب انك نقصان قيمتى ضامن اولور . و اكر نقصان فاحش ايسه
يعنى مغضوبك ربع قيمته مساوى و يا خود ازيد ايسه مغضوب منه
مخير در . ديلرسه نقصان قيمتى تضمين ايتديرر و ديلرسه اول مالى
غاصبه ترك ايله تمام قيمتى الور

۹۰۱ ماده

ازالهء تصرفده غصبه مساوى اولان حال و كيفيت حكمها
غصب قبيلندن عدا اولور نئه كيم مستودع و ديعة يى انكار

ایتسه غاصب حکمنده اولور واندن صکره یدنده ودیعه
بلا تعد تلف اولسه ضامن اولور
۹۰۳ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفنده کی دیگر برباغچه
اوزرینه یقلوب دوشمک کی بروجهله من غیر قصد
برکیمسه نکملکی یدندن چیقسه قیمته اقل اکثره تابع اولور
یعنی قیمتی اکثر اولانک صاحبی قیمتی اقل اولانی ضامن
اوله رق اول یری تملک ایدر

مثلاً طاع ییقلاردن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نک قیمتی بشوز
والت طرفنده کی باغچه قیمتی بیک غروش اولسه ایکنجیسنک صاحبی
بشیوز غروش اولکینک صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبط ایلر
نته کیم برکیمسه نک النده کی الی غروشلق اینجوسی دوشوبده دیکرکیش
غروش قیمتلو طاووغی انی یوتسه اینجو صاحبی بش غروش ووروب
طاووغی الور (۲۷) و (۲۸) و (۲۹) ماده لره باق
۹۰۳ ماده

مغصوبک زواندی صاحبنکدر • و غاصب انی استهلاک
ایدرسه ضامن اولور

مثلاً مغصوب اولان حیوانک غاصب یدنده حاصل اولان سوتی
ویاورسی وبرباغچه نک ید غاصبه ایکن حصوله کلان میوه سی
مغصوب منهک مالی اولمغله غاصب بونلری استهلاک ایلرسه ضامن
اولور

کذلک برکیمسه برینک قواننی ایچنده کی آریسیله برابر غصب ایتسه

صاحبی آریسیله برابر قواننی استرداد ایتد کده غاصب یاننده ایکن
حاصل اولان بالی دخی الور

۹۰۴ ماده

بر باغچه ده مکان اتخاذایدن آریلرک بالی باغچه صاحبک
اولوب دیگر کسینه اول بالی اخذ واستهلاک ایلسه
ضامن اولور

(فصل ثانی)

(غصب عقاره متعلق بعض مسائل بیانده در)

۹۰۵ ماده

مغضوب اگر عقار قبیلندن ایسه غاصب انی تغیر و تنقیص
ایتمه رک صاحبنه رد ایتسی لازمدر
وغاصبک صنع و فعلی ایله اول عقارک قیمته نقصان کسه
نقصان قیمتی ضامن اولور

مثلا بر کسینه غصب ایلدیکی بر خانه نک بریرینی هدم ایدوب یاخود
سکناسی سببیه خراب اولوبده قیمته نقصان کسه مقدار نقصانی
ضامن اولور . کذلک غاصبک خانه مغضوبده یاقدیخی آتشدن خانه
محررق اولسه مبنیا قیمتی ضامن اولور

۹۰۶ ماده

مغضوب ارض اولوبده غاصب انک اوزرینه ابنیه انشا
یاخود اشجار غرس ایتسه بونلری قلع ایله ارضی رد ایتک
اوزره غاصبه امر اولنور

واكر ابنیه یا اشجارك قلعي ارضه مضر ایسه مغصوب
منه انلك مستحق القلع اوله رق قیمتلری اعطا ایله انلری
دخی ضبط ایده بیلور

فقط ابنیه یا اشجارك قیمتلری ارضك قیمتدن زیاده اولوبده
سبب شرعی زعمیه انشا یا خود غرس اولمش ایسه
اول حالده ابنیه یا خود اشجارك صاحبی ارضك قیمتنی
اعطا ایله ارضی تملك ایدر

مثلاً برکیمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرینه اول عرصهك
قیمتدن زیاده آچه صرفیه ابنیه انشا ایتدکن صکره بری عرصهیه
مستحق چیقسه اول کیمسه عرصهك قیمتنی و یروب عرصهیه
ضبط ایلر

۹۰۷ ماده

برکیمسه آخرك عرصه سنی غصب و زراعت ایلمسه صاحبی
عرصه سنی استرداد ایتدکده اول کسنهك زراعتیه ترتب
ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر

کذلک برکسنه دیکریله مشترکاً متصرف اولدیغی عرصهیه
بلا اذن مستقلاً زراعت ایلمسه شریکی عرصه دن حصه سنی
الدقده اول کسنهك زراعتیه ترتب ایدن نقصان ارضدن
حصه سنی تضمین ایتدیرر

۹۰۸ ماده

برکیمسه دیکرك ترلا سنی غصباً نطس ایتدکن صکره صاحبی

ترلايى الدقه اول كسـنه نطس عملى مقابلنده اجرت
مطالبه ايدنه مز

۹۰۹ ماده

بركسـنه سوپرندى ياخود ديكر نسـنه وضع ايله برينك
عرصه سـنى اشغال ايتسه قويدىغى شـيئى رفع ايله
غرصه يى تخليه ايتك اوزره كندويه جبر اولنور

(فصل ثالث)

(غاصب الغاصبك حكيمى بياننده در)

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عين غاصب حكمنده در
بناء عليه مال مغصوبى غاصبدن شخص آخر غصب ايله
اتلاف ايلديكى ياخود يندنه تلف اولديغى تقديرده
مغصوب منه ديلرسه غاصب اوله وديلرسه غاصب ثانى يه
تضمن ايتديرر وديلرسه قيمت مغصوبك بر مقدارينى اوله
وديكـر مقدارينى ثانى يى يه تضمن ايتديره بيلور
وغاصب اوله تضمن ايتيرديكى تقديرده اودخى غاصب
ثانى يه رجوع ايدر اما ثانى يه تضمن ايتيرديكى تقديرده
ثانى اوله رجوع ايده مز

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مغصوبى غاصب اوله رد ايتدكه

یالکز کندوسی و مغصوب منه رد ایتدکده ایکیسی دخی
بری اولور

(باب ثانی)

(اتلاف بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباشرة اتلاف حقننده در)

۹۱۲ ماده

برکسنه دیکرک کرک کندوسنده و کرک امینی یدنده اولان
مالی کرک قصداً و کرک من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن
اولور

اما غاصب یدنده کی مال مغصوبی آخر کسنه اتلاف
ایتسه مغصوب منه مخیردر دیلرسه غاصبه تضمین
ایتدیروب اودخی متلفه رجوع ایدر و دیلرسه متلفه
تضمین ایتدیروب متلف بو صورتده غاصبه رجوع
ایده من

۹۱۳ ماده

برینک ایاغی قایوبده دوشهرک آخرک مالی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۴ ماده

برکسسه کندو مالی ظنیه دیکرک مالی اتلاف ایتسه ضامن
اولور

۹۱۵ ماده

برکسسه دیکرک البسه سنی چکوبده یرتسه تمام قیمتی ضامن
اولور اما البسه به تثبث ایدوبده صاحبی چکمه
یرتسه نصف قیمتی ضامن اولور
کذلک برکیمسه دیکرک اتکی اوزرینه اوتوروبده صاحبی
بیلیه رک قالقه غله البسه سنی یرتسه اوکسسه البسه نک نصف
قیمتی ضامن اولور

۹۱۶ ماده

برصبی دیکرک مالی اتلاف ایتسه کندو مالندن ضمان
لازم کلور مالی یوق ایتسه حال یسرینه انتظار اولور
ولیسسه تضمین ایتدیرلر

۹۱۷ ماده

برکیمسه دیکرک مالنه قیمته برکونه نقصان کتورسه
نقصان قیمتی ضامن اولور

۹۱۸ ماده

برکیمسه دیکرک خانه ودکان مثللو عقارینی بغیر حق هدم
ایتسه صاحبی مخیردر • دیلرسه انقاضنی هدم ایدن
کیمسه یرک ایدرک مبنیا قیمتی تضمین ایتدیرر و دیلرسه

اول عقارك مبنيا قيمتندن انقاصك قيمتى تنزيل و قيمت
باقيه يي تضمين ايله برابر انقاضي دخی اليقور .
فقط غاصب انى كالاول بنا ايدويير سه ضماندن برى
اولور

۹۱۹ ماده

بر محله حريق و قوعبولغله بر كيمسه بر خانه يي صاحبك
اذنى اولقسز ين ييقوبده اوراده حريق منقطع اولدوده
اكر امر ولى الامر ايله ييتمش ايسه ضمان لازم كلز
واكر خود بنخود ييتمش ايسه ضامن اولور

۹۲۰ ماده

بر كيمسه آخرك باغچه سنده كى اشجارى بغير حق قطع
اتد كده صاحبي مخير در . ديلر سه اول اشجارك قائما
قيمتلرينى اخذ ايله اشجار مقطوعه يي قاطعه ترك ايدر
و ديلر سه قائما قيمتلرندن مقطوعاً قيمتلرينى بالتنزيل باقى مبلغ
ايله برابر اشجار مقطوعه يي دخی اليقور

مثلا اشجار قائم اورلدق باغچدك قيمتى اونيك وبلا اشجار قيمتى
بشبيك واشجار مقطوعدك قيمتى ايكيك غروشه اولسه صاحبي
مخير در . ديلر سه اشجار مقطوعه يي قاطعه ترك ايله بشبيك
غروش الور و ديلر سه اوچ يك غروشه برابر اشجار مقطوعه يي
دخی اليقور

۹۲۱ ماده

بر كيمسه مظلوم اولغله آخره ظلم ايتكه صلاحيتى اوله ماز

مثلاً بری دیگرک مالنی اتلاف ایتمکله اودخی بالمقابله انک مالنی اتلاف
ایتسه ایکسی دخی ضامن اولدیغی کی بر قبیله دن بری دیگر قبیله دن
بر شخصک مالنی اتلاف ایتمکله اودخی اولکی قبیله دن دیگر برینک
مالنی اتلاف ایلسه هر بری تلف ایتدیکی مالی ضامن اولور . تنکیم
برکیمسه الدانوبده آخردن برقلب آچه السه آنی بشقه سینه سورمکه
صلاحیتی اولدماز

(فصل ثانی)

(تسبیباً اتلاف بیانده در)

۹۲۲ ماده

برکیمسه تسبیباً برینک مالنی اتلاف یاخود قیمتی تنقیص
ایتسه یعنی کندوسنک فعلی بر مالک تلفنه یاخود نقصان
قیمته سبب مفضی اولسه ضامن اولور

مثلاً بری دیگرکیمسه نك اثوابنه صاریلوبده مجادله ایدرکن اول
کسندنک اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه یاخود سقطلاسه
صاریلان کیمسه ضامن اولور

وکذا برکیمسه دیگرک ترلا وباغچه سنک صوینی بغیرحق سد ایدوبده
مزروعات ومغروساتی قوریوب تلف اولسه یاخود صوینی
طاشیرویده دیگرک ترلاسنی صوباضه رق مزروعاتی تلف اولسه
اول کیمسه ضامن اولور

کذلک برکیمسه دیگرک اخورینک قپوسنی آچوبده ایچنده کی حیوان
فرار ایله ضایع اولسه یاخود قفسنک قپوسنی آچوبده ایچنده کی قوش
اوچسه ضامن اولور

۹۲۳ ماده

برينك حيوانى بر كيمسه دن اور كوبده فرار ايله ضايع اولسه ضمان لازم كلز . اما اول كيمسه حيوانى قصداً اور كتمش ايسه ضامن اولور

و كذا بر صياد آوه تفنك آتوبده سسندن ديكر ك حيوانى اور كهرك فرار ايدر كن دوشوب تلف يا خود اياغى سقط اولسه ضامن اولماز اما حيوانى اور كتمك قصديله تفنك اتمش ايسه ضامن اولور (۹۳) ماده يه باق

۹۲۴ ماده

تسبب بروجه بالا موجب ضمان اولمسينده تعدى شرطدر

يعنى متسبب بر ضررى ضامن اولسى اول ضرره مفضى اولان فعلى حقتىز اوله رق ايشلش اولسى ايله مشروطدر
منلا بر كيمسه بلا اذن ولى الامر طريق عامده بر قويى قازوبده اورا يه ديكر ك حيوانى دوشهرك تلف اولسه ضامن اولور . اما كندو ملكنده قازمش اولديغى قويده ديكر ك حيوانى دوشهرك تلف اولسه ضامن اولماز

۹۲۵ ماده

برى بر شيئك تلفنه سبب اولان بر ايش ايشلش اولديغى حالده آرميه بر فعل اختيارى حيلولت ايلسه يعنى بشقه بر كيمسه اول شيئى مباشرة اتلاف ايتسه اول فعل اختيارى

صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور (۹) ماده یه باق
(فصل ثالث)

(طریق عامده احداث اولنان شیلره دائر در)

۹۲۶ ماده

هر کسک طریق عامده حق مروری وارد در . فقط
بشرط السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویر مامک شرعیله
مقید در . بناء علیه طریق عامده بر حالک ارقه سنده کی بوکی
دوشوبده بر ینک مالی تلف ایتسه حال ضامن اولور . نتکم
تیمورچی دکانده تیمور دو کر کن قیغلم صیجرا یوبده طریق عامده
مروز ایدن بر کیمسه نک البسه سنی احراق ایلسه تیمورچی ضامن اولور
۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولدقجه کسه سنه طریق عامده بیع و شرا
ایچون اوتورده ماز . و بلا اذن بر شی وضع و احداث
ایده مز . و ایدرسه اندن تولد ایدن ضرر و زیانی ضامن
اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش پیغوبده
اوزرینه دیکرک حیوانی باصوب سورچه رک تلف اولسه اول کیمسه
ضامن اولور . کذلک بر کیمسه طریق عامه یاغ کی بر قایغین
سنه دو کو بده دیکرک حیوانی قایوب تلف اولسه اول کسنه ضامن
اولور

۹۲۸ ماده

برينك ديوارى يېقلوبده ديكره بر ضرر ايرات ايتسه
ضمان لازم كلز . فقط اولجه اول ديوار مائل انهدام
اولوبده اكا ديكر بر كيمسه ديوار يكي هدم ايت ديو
تقدم وتنبیه ايدوبده ديوارى هدم ايدجك قدر وقت
چشمش ايسه اول حالده ضمان لازم كلور

شوقدركه اول كيمسه حق تقدم وتنبیه اصحابندن اولق
شرطدر

شويلاهكه اول ديوار اكر قومشونك خانهسى اوزرينه
يېقلش ايسه تقدم ايدن كيمسه اول خانهك سكانندن
اولمليدر خارجدن برينك تقدم وتنبیه مفيد اولماز .
واكر طريق خاص اوزره يېقلش ايسه تقدم ايدن كيمسه
اول طريقده حق مرورى اولان كساندن اولق لازمدر .
واكر طريق عام اوزرينه يېقلش ايسه هر كيم اولور ايسه
اولسون تقدمه حق وارددر

(فصل رابع)

(جنایت حيوان حقندهدر)

۹۲۹ ماده

بر حيوانك كندولكندن اولهرق ايتديكي ضررى صاحبي
ضامن اولماز . (۹۴) ماده يه باق

فقط بر حیوان بر کیمسه نك مالنی استهلاک ایدر کن
اول حیوانك صاحبی کور و بده منع ایتز ایسه ضامن
اولور

و برده تور نطوح یعنی سوسکن او کوز و کلب عقور یعنی
طالایچی کلب کبی ضرری متعین بر حیوان اولو بده
صاحبنه محله سی یا قریه سی اهالسنندن بری حیواننی
ضبط ایت دیو تقدم ایتشیکن صاحبی صالیو پرو بده
بر کیمسه نك حیواننی یادیکر مالنی تلف ایتسه صاحبی
ضامن اولور

۹۳۰ ماده

بر کیمسه کرک را کب اولسون و کرک اولسون کندو
ملککنده ایکن حیوانی اوک ایاغی یا خود باشی و یا قویروغی
ایله چارپه رق و یا خود ارقه ایاغیله دپه رک آخر کیمسه یه
ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز

۹۳۱ ماده

بر کیمسه دیکرک ملککنه حیواننی ادخال ایتدکده صاحبنك
اذنیله ادخال ایتش ایسه کندو ملککنده بولنش کبی
عد اولنده رق ماده آنفدده بیان اولنان صورتلرده حیواننك
جنایتنی ضامن اولماز

واکر صاحبنك اذنی اولقسزین ادخال ایتش ایسه
کرک را کب اولسون و کرک قالد یعنی یدیحی یاسائق

يعنى سوريجى اولسون و كرك حيوانك يانده بولمسون
هر حالده اول حيوانك ايتديكى ضرر و زيانى ضامن
اولور

اما حيوان بوشانوبده كندولكنندن اوله رق برينك
ملكينه دخول ايله بر ضرر ايتسه صاحبي ضامن
اولماز

۹۳۲ ماده

هر كسك طريق عامده حيوانيله دخى مرو ره حق
واردر

بناء عليه بر كيمسه طريق عامده حيواننه راكب اولوب
كيدر كن ممكن التحرر اوليان ضرر و زياننى ضامن
اولماز

مثلا حيوانك اياغندن توز و چامور صچرايو بده ديكر ك البسه سنى
لكه دار ايلسه ياخود ارقه اياغيله ديوب و ياقو يروغيله چارپوبده
بر ضرر ايتسه ضمان لازم گلر . اما مصادمه سندن يا اولك اياغيله
ياخود باشيله چارپمسندن وقوعه كلان ضرر و زيانى راكب اولان
كيمسه ضامن اولور

۹۳۳ ماده

طريق عامده قائد و سائق دخى راكب كيدر
يعنى انلر دخى آنجق راكبك ضامن اولديغى ضررى ضامن
اولورلر

۹۳۴ ماده

بر کسبه نك طريق عامده حيواننى طور دیر مغه یا خود باغلامغه
حقى یوقدر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیواننى طور دیر سه یا خود باغلامسه
کرك اوک و یا ارقه یاغیله دپسون و کرك سائر صورتله ضرر
ایتسون اول کیمسه هر حالده اول حیوانك جنايتنى ضامن
اولور . اما آت بازاری و کرا بار کیرلرینك طور دینغی محال
کی حیوان طور مغه اعداد و تعیین اولمش اولان یرلر مستشادر

۹۳۵ ماده

بر کیمسه حیواننى باشی بوش طریق عامه صالیویر سه اول
حیوانك ایتدیکی ضرری ضامن اولور

۹۳۶ ماده

بر کیمسه نك را کب اولدینغی حیوان اوک یا خود ارقه
یاغیله کندو ملککنده و کرك سائر محالده بر شیئك
اوزرینه باصوبده تلف ایتسه را کب اولان کیمسه اول
شیئی مباشرة اتلاف ایتمش عد اولنه رق هر حالده ضامن
اولور

۹۳۷ ماده

آت کم آلیو بده را کبی باشنی ضبط ایده میهرک بر ضرر ایتسه
ضمان لازم کلز

۹۳۸ ماده

برکیمسه کندو ملککنده حیواننی باغلامش اولدیغی حالده
دیگر بری کلوبده بلا اذن اورایه حیواننی باغلا دیغی
صورته صاحب ملک حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه
ضمان لازم کلز . واکر اول حیوان صاحب ملک
حیواننی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

۹۳۹ ماده

برمحلده حیوان باغلامغه حق اولان ایکی کسنه حیوانلرینی
باغلا دقلرنده حیوانلرک بری دیگرینی تلف ایتسه ضمان
لازم کلز

مثلا برخانه ده مشترک اولان ایکی کشی حیوانلرینی بر محله
باغلا یوبده برینک حیوانی دیگرینک حیواننی تلف ایتسه ضمان
لازم کلز

۹۴۰ ماده

ایکی کشی کندولرینک حیوان باغلامغه حق اولمیان یرده
حیوانلرینی باغلا یوبده اول باغلایانک حیوانی دیگرک
حیواننی تلف ایتسه ضمان لازم کلز . و صکره باغلایانک
حیوانی اولکینک حیواننی تلف ایتسه ضمان لازم کاور

ارادته سنه تاريخي في ٢٣ ربيع الاخر سنه ١٢٨٩

احد جودت

عمر خلوصي

وكيل درس

امين الفتوى

السيد خليل

السيد خليل

قاضي دار الخلافة عليه

عن اعضاء ديوان

سيف الدين

احكام عدليه

احد حلمي

قسام عسكري

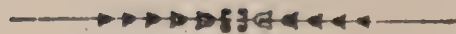
مدير معملخانه نواب

احد خالد

السيد يونس وهي

عن اعضاء جمعيت

عبد اللطيف شكري



كتاب الحج والعمرة والأضحية

مِنْ حَقِّ حَقِّكَ لَوْ

مِنْ عَمَلٍ وَلَهُ

— کتاب تاسع —

(حجر واکراه وشفعه بیانده اولوب بر مقدمه ایله)
(اوچ بابی حاویدر)

﴿ مقدمه ﴾

(حجر واکراه وشفعه به متعلق اصطلاحات فقهیه)
(بیانده در)

۹۴۱ ماده

حجر . بر شخص مخصوصی تصرف قولیستندن منعدرکه
بعدالحجر اول شخصه محجور دنیلور

۹۴۲ ماده

اذن . حجری فك ایتك وحق منعی اسقاط ایتكدرکه
اذن ویریلان شخصه مأذون دنیلور

۹۴۳ ماده

صغیر غیر ممیز • بیع و شرایی فهم ایتیان یعنی ملکیتی
بیعک سالب و شرانک جالب اولدیغنی بیلیان واونده
بش الدانق کبی غبن فاحش اولدیغی ظاهر اولان
بر غبنی غبن یسیردن تمیز و تفریق ایلیان چوجق اولوب
بونلری تمیز ایدن چوجغه صغیر ممیز دینلور

۹۴۴ ماده

مجنون ایکی قسمدر • بری مجنون مطبقدر که جنونی
جیع اوقاتی مستوعب اولان کیمسه در • دیکری مجنون
غیر مطبقدر که گاه مجنون اولوب گاه افاقت بولان
کیمسه در

۹۴۵ ماده

معتوه • اول مختل الشعور اولان کیمسه در که فهمی قلیل
وسوزی مشوش و تدبیری فاسد اولور

۹۴۶ ماده

سفیه • مالنی بیهوده یره صرف ایله و مصارفنده تبذیر
واسراف ایله اضاعه و اتلاف ایدن کیمسه در
ایله وساده دل اولق حسبیله کار و تمتع یولنی بیله میوبده
اخذ و اعطاسنده الدانه کلان کیمسه لر دخی سفیه
عد اولنور

۹۴۷ ماده

رشید . مالنی محافظه خصوصنده تقید ایدرک سغه
وتبذیردن توقی ایدن کیمسه در

۹۴۸ ماده

اکراه . برکسنه یی اخافه ایله رضاسی اولمق سزین
برایش ایشلمک اوزره بغیر حق اجبار ایتمکدرکه اول
کسنه یه رانک قحیله مکره واجبار ایدن کیمسه یه مجبر
و اول ایشه مکره علیه و خوفی موجب اولان شیئه مکره به
دینلور

۹۴۹ ماده

اکراه ایکی قسمدر . قسم اول اکراه ملجیدرکه اتلاف
نفس یا قطع عضو یا خود بونلردن برینه مؤدی اولور
ضرب شدید ایله اولان اکراهدر . قسم ثانی اکراه
غیر ملجیدرکه یالکز غم و المی موجب اولور ضرب
و حبس کی شیلرله اولان اکراهدر
۹۵۰ ماده

شفعه . برملک مشترایی مشتری یه هر قاچه مال اولدیه
اول مقدار ایله تملک ایتمکدر

۹۵۱ ماده

شفیع . حق شفعه سی اولان کیمسه در

۹۵۲ ماده

مشفوع . حق شفعهك تعلق ایلدیکی عقاردر

۹۵۳ ماده

مشفوع به . شفيعك مابه الشفعه اولان ملکیدر

۹۵۴ ماده

خلیط . صوحصه سی ویول حصه سی کی حقوق ملکده

مشارك دیمکدر

۹۵۵ ماده

شرب خاص . اشخاص معدوده یه مخصوص اولان ماء

جاریده کی حق شربدر اما عمومك منتفع اولدیغی نهرلردن

صوالمق شرب خاص قبیلهندن دکلدر

۹۵۶ ماده

طریق خاص . چیقماز زقاق دیمکدر

(باب اول)

(حجره متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(صنوف واحکام محجورین بیانده در)

۹۵۷ ماده

صغیر و مجنون و معتوه ذاتاً محجورلردر

۹۵۸ ماده

سفیه اولان کیمسه حاکم طرفندن حجر اولنه بیلور

۹۵۹ ماده

مدیون دخی غرمانک طلبیه حاکم طرفندن حجر اولنه بیلور

۹۶۰ ماده

مواد آنفده ذکر اولنان محجورینک بیع و شرا کبی تصرفات قولیه لری معتبر اولمز ایسه ده کندو فعلارندن نشئت ایدن ضرر و زیانی ضامن اولورلر

مثلا برچوچق غیر میز اولسه بیله برینک ماننی اتلاف ایتدکه ضمان لازم کلور

۹۶۱ ماده

سفیه و مدیون حاکم طرفندن حجر اولندقدن سببی ناسه بیان ایله اشهاد و اعلان اولنور

۹۶۲ ماده

حاکم طرفندن حجر مراد اولنان کیمسه نک حضوری شرط اولمیوب غیاباً دخی حجر صحیح اولور

فقط خبر حرك اول کیمسه یه وصولی شرطدر • حجر اولندیغی خبری کندوسنه و اصل اولدقجه منجر اولمیوب اولوقته قدر واقع اولان عقود و اقراری معتبر اولور

۹۶۳ ماده

فاسق اولان کسینه مالنی تبذیر و اسراف ایتدیکجه مجرد
فسقی سببيله حجر اولنده من

۹۶۴ ماده

طبيب جاهل کبی عمومه مضرتی اولان بعض کسان دخی
حجر اولنور

فقط بونده حجر دن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر یوخسه
تصرفات قولیه دن منع معناسنه دکدر

۹۶۵ ماده

بر کیمسه بر چار شوده صنعت یا تجارت اجرا ایدوبده
اول صنعت یا تجارت اربابی بزم کارو کسبمزه خلل کلیور
دیو اول کیمسه یی صنعت و یا تجارتنی اجرادن حجر و منع
ایتدیره مز لر

(فصل ثانی)

(صغیر و مجنون و معتوهه متعلق مسائل بیانده در)

۹۶۶ ماده

صغیر غیر ممیزك ولیسی اذن ویرسه بيله انك تصرفات
قولیه سی اصلا صحیح اولمز

۹۶۷ ماده

صغیر ممیزك قبول هبه و هدیه کبی حقننده نفع محض

اولان تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بيله معتبردر .
 و آخره برشی هبه ایتک کبی حقنده ضرر محض اولان
 تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بيله معتبر اولماز
 اما ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده دائر اولان عقود و لیسنک
 اجازتنه موقوفاً منعقد اولور . ولیسی دخی اجازت
 و یروب ویرم ماکده مخیردر . شویله که صغیر حقنده فائده لو
 کور رسه مجیز اولور کور من ایسه مجیز اولماز

مثلا بر صغیر میز بلا اذن بر مال صاتسه ولو که دکرندن زیاده ثمن
 ایله صاتمیش اولسه بيله بیعک نفازی و لیسنک اجازتنه موقوفدر .
 زیرا عقد بیع ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده متردد اولان عقود دندر
 ۹۶۸ ماده

صغیر ممیزی تجربه ایچون مالنک بر مقدارینی ولیسی
 کندوسنه تسلیم ایله اخذ و اعطایه اذن ویره بیلور .
 ورشدی تحقق ایدر ایسه باقی اموالی دخی کندوسنه دفع
 و تسلیم ایلر

۹۶۹ ماده

رج قصد اولندیغنه دلالت ایدن عقد مکرر لر اخذ
 و اعطایه اذندر

مثلا بر صغیره و لیسنک الیش ویرش ایت یاخود فلان جنس مالی
 آل صات دیسی اخذ و اعطایه اذن دیمکدر . اما وار چارشودن

فلان شیء آل یاخود فلان شیئی صاتیویر دیسی کی یا لکز بر عقدت
اجراسنی امر ایتمی اخذ واعطایه اذن دیمک اولیوب بلکه عرف
وعادت اوزره اول صغیری توکیلا استخدام قیلندن عد اولنور
۹۷۰ ماده

ولینک اذنی زمان و مکان و بر نوع اخذ واعطایه تقید و تخصص ایتمز
مثلا بر کون یاخود بر آی ایچون اذن ویرسه صغیر میز علی الاطلاق
مأذون اولوب ولیسی انی حجر ایتمدکجه مؤبدا مأذون قالور
و کذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هریرده اخذ واعطایه
مأذون اولور کذلک فلان جنس مالی آل صات دیسه هر جنس اموالی
الوب صاته بیلور

۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدیغی کی دلالة دخی اولور
مثلا بر صغیر میز ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکده سکوت ایدوبده
منع ایتمسه دلالة اذندر

۹۷۲ ماده

بر صغیره ولیسی طرفندن اذن ویرلدکده تحت اذنده داخل
اولان خصوصاته بالغ منزله سنده اولور • و بیع و اجاره
کی عقود معتبر اولور

۹۷۳ ماده

بر صغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله اول
اذنی ابطال ایده بیلور • فقط نوجهله اذن ویرمش ایسه
ینه اول وجهله حجر ایتمی شرطدر

مثلاً بر صغیره ولیسی اخذ واعطا ایچون اذن عام ویر ویده چارشوسی
 خلقنک معلومی اولدقدن صکره آنی حجر ایده جک اوندقده حجری
 دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو خلقنک اکثریسنک معلومی
 اولق شرطدر یوخسه کندو خانه سنده ایکی اوچ کشینک محضرنده
 حجر ایتسی صحیح اولماز

۹۷۴ ماده

صغیرک بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش
 ایسه وصی مختاری یعنی باباسنک حال حیاتنده اختیار
 ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی
 وفات ایدرسه انک حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی
 رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرک باباسنک باباسی یاخود
 باباسنک باباسنک باباسی خامساً اشبو جدک حال حیاتنده
 اختیار ونصب ایلش اولدیغی وصی سادساً اول وصینک
 نصب ایلدیکی وصی سابعاً حاکم یاخود وصی منصوبی یعنی
 حاکمک نصب ایلدیکی وصی در

اماقرنداش وعموجه وسائر اقربانک وصی اولدقلری حالده
 اذن ویرملری جائز اولماز

۹۷۵ ماده

حاکم بر صغیرمیرک تصرفنده منفعت کوردیکی حالده اندن مقدم
 اولان ولی اذندن امتناع ایتسه حاکم بوخصو صده اول صغیره
 اذن ویره بیلور و دیگر ولیسی ارتقانی حجر ایده من

۹۷۶ ماده

بر صغیری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده ویرمش اولدیغی
اذن باطل اولور . فقط حاکم اذنی وفاتیه یاخود عزلیله
باطل اولماز

۹۷۷ ماده

بر حاکم مأذون ایتدیکی صغیری ینه اول حاکم یاخود
خلفی حجر ایده بیلور . یوخسه باباسی یاخود دیگر
ولسی حاکم وفاتی یاخود عزلی اوزرینه آنی حجر
ایده مز

۹۷۸ ماده

معتوه اولان کیمسه صغیر ممیز حکمنده در

۹۷۹ ماده

مجنون مطبق صغیر غیر ممیز حکمنده در

۹۸۰ ماده

مجنون غیر مطبق حال افاقتنده اولان تصرفاتی عاقلک
تصرفی کبدر

۹۸۱ ماده

بر چوجق بالغ اولدقده مالک کندوسنه اعطاسی
خصوصنده استعجال اولنمیوب تانی ایله تجربه
اولنماید

رشد اولدیغی تحقق ایدرایسه اول وقت اموالی کندوسنه
ویریلور

۹۸۲ ماده

برچو جق غیر رشد اوله رق بالغ اولور ایه رشدی تحقق
ایتمدکجه مالی کندوسنه ویرلیوب کافی السابق تصرفدن
منع اولنور

۶۸۳ ماده

برصغیرك رشدی ثابت اولمدین اموالی وصیسی طرفندن
کندوسنه ویریلوبده اول صغیرك یدنده ضایع اولسه
یاخود صغیر اتلاف ایتسه وصی ضامن اولور

۹۸۴ ماده

برصغیرك بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه ویریلوبده
بعده سفیه اولدیغی تحقق ایتسه حاکم طرفندن حجر
اولنور

۹۸۵ ماده

حد بلوغ احتلام واحبال (یعنی کبه ایلک) و حیض
وحبل (یعنی کبه اولمق) ایله ثابت اولور

۹۸۶ ماده

سن بلوغك مبدئی ارککده تام اون ایکی وقیرده تام طقوز
و منتهاسی ایکیسنده دخی تام اون بش یاشدر
و بر ارکک اون ایکی و برقیز طقوز یاشنی تکمیل

ایدوبده بالغ اولسه بالغ اولجیه دك مراهق و مراهقه
دینلور

۹۸۷ ماده

منتهای سن بلوغه وارمشیکن کندوسنده آثار بلوغ ظاهر
اولمیان کیمسه حکما بالغ عد اولنور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارمیان برچو جق بالغ دیو دعوی ایسه
قبول اولنماز

۹۸۹ ماده

بر مراهق یا خود مراهقه حضور حاکمه بالغ اولدیغنی
اقرار ایتدکده جثه سنک بلوغه تحمیلی اولماق حسبیله
ظاهر حال کندوسنی مکذب اولور ایسه بواقاراری
تصدیق اولنماز و اگر جثه سنک بلوغه تحمیلی اولوبده
ظاهر حال کندوسنی تکذیب ایتز ایسه تصدیق اولنور .
و عقود و اقراراری نافذ و معتبر اولور . و برمدت صکره
بن اولوقت یعنی حین اقرارده بالغ دکل ایدم دیو بعد الاقرار
واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتک ایستسه اکا
التفات و اعتبار اولنماز

(فصل ثالث)

(سفیه محجور حقننده در)

۹۹۰ ماده

سفیه محجور معاملاتده صغیر ممیز کبیدر • فقط سفیهک
ولیسى انجق حاکدر • انک اوزرنده اب وجدینک
ووصیلرینک حق ولایتی یوقدر

۹۹۱ ماده

سفیهک بعدالحجر معاملاتجه تصرفات قولیهسی صحیح
اولماز ایسهده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسک تصرفاتی
کبیدر

۹۹۲ ماده

سفیه محجورک کرک کندو وکرک نفقهسی اوزرینه لازم
اولنلر کندوسنک مالندن انفاق اولنورلر

۹۹۳ ماده

سفیه محجور برمالنی صاتسه نافذ اولماز ایسهده حاکم
منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

۹۹۴ ماده

سفیه محجورک آخره دین اقراری مطلقا صحیح اولماز •
یعنی کرک وقت حجرده موجود وکرک بعدالحجر حادث

اولان اموالی حقنده اقرارینک تأثیری اولماز
۹۹۵ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسینک
مالندن تأدیه اولنور
۹۹۶ ماده

سفیه محجور آچه استقراض ایدوبده کندو نفقه سنده
صرف ایتدکده اکر قدر معروف اوله رق صرف ایتمش
ایسه حاکم اول آچه یی انک مالندن تأدیه ایلر .
واکر فضله صرف ایتمش ایسه حاکم نفقه سی مقدارینی
محسوب ایدوب فضله سنی ابطال ایلر
۹۹۷ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ایتدکده حاکم طرفندن فک حجر
اولنور

(فصل رابع)

(مدیون محجور حقنده در)

۹۹۸ ماده

مدیونک قدرتی وارا یکن دیننک اداسنده مماطله ایلدیکی
نزد حاکمه ظاهر اولوبده دائئری دخی مالی صاتیله رق
دیننک تأدیه سنی حاکمدن طلب ایتدکلرنده حاکم آنی حجر
ایدر

و کندیوسی مالنی صاتوبده دینی ایفادن امتناع ایتدیکی
تقدیرده حاکم انک مالنی صاتوب دینی تأدیه ایلر
شویله که مدیون حقننده بیعی اھون اولاندن بدأ ایله
صکردهده بو ترتیب اوزره اھونی تقدیم ایدرک ایتدانیقودندن
باشلا یوب وفا ایتمز ایسه عروضنی وعروضی دخی وفا
ایتمز ایسه عقارینی صاتار
۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالنه مساوی یاخود ازید
اولوبده غرماسی تجارتله مالنک ضایع اولمسندن و یاخود
مالنی قاچر مسندن و یا آخرک اوزرینه کچور مسندن
خوف ایله حاکمه مراجعت ایدرک مالنده تصرفدن
یاخود آخره بوج اقرارندن حجر اولمسنی طلب ایتدکلرنده
حاکم اول کیمسه یی حجر ایدر • و اموالنی صاتوب اثماننی
بین الغرما تقسیم ایلر • فقط کندوسنه بریا ایکی قات
البسه ترک اولنور

شو قدر که اول مدیونک قیمتلو البسه سی اولوبده مادونی
ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب
تمنندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النهرق باقیسی
غرمایه ویریلور کذلک برقوناغی اولوبده مادونی اکا
کفایت ایدر ایسه اول قوناق صاتیلوب تمنندن
حالنه مناسب بر مسکن النور و باقیسی غرمایه اعطا اولنور

۱۰۰۰ ماده

مديون مفلسك مدت محجوريتنده كرك كندو و كرك
اوزرينه نفقه سي لازم اولان كسندلر كندوسنك مالندن
انفاق اولنور

۱۰۰۱ ماده

دين ايچون حجر انجق مديونك وقت حجرده موجود اولان
مالنه تأثير ايدر اما بعد الحجر اننه چكن مالنه تأثيري
اولماز

۱۰۰۲ ماده

هبه و صدقه و ثمن مثلندن نقصاننه مال صاتمق كبي
هرنه كه غرمانك حقي ابطاله مؤدى اوله حجرانده مؤثر
اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمائه مضر اولان عقودى
وسائر تصرفات و تبرعاتى وقت حجرده موجود اولان اموالى
حقنده معتبر اولماز . اما بعد الحجر اكتساب ايلديكى
اموالى حقنده معتبر اولور . و بشقه سنه بورج اقرار
ايتدكده وقت حجرده موجود اولان اموالى حقنده معتبر
اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور و اولوقت ادا ايلك
اوزره مديون قالور و برده بعد الحجر مال قازانور ايسدندن
ويرلك اوزره اقرارى نافذ اولور

(باب ثانی)

(اکراهه متعلق مسائل بیانده در)

۱۰۰۳ ماده

مجبورك تهديدینی ایقاعه مقتدر اولمی شرطدر
بناء علیه تهديدینی ایقاع واجرایه مقتدر اولمیان کیمسه نك
اکراهی معتبر اولماز

۱۰۰۴ ماده

مکره بهك وقوعنده مکرهك قورقسی یعنی مکره علیهی
ایشلمدیکی تقدیرده مجبورك مکره بهی اجرا ایده جکسه
کندوسنجه ظن غالب حاصل اولمی شرطدر

۱۰۰۵ ماده

مکره اکر مکره علیهی مجبورك یاخود آدمك حضورنده
ایشلر ایسه اکراه معتبر اولور . اما مجبورك یاخود آدمك
غیابنده ایشلر ایسه اکراهك زوالندن صکره طوعا ایشلمش
اوله جغی جهتله بوا اکراه معتبر اولماز

مثلا برکیمسه دیگره مالی صاتمق اوزره اکراه ایدوبده مکره انك
غیابنده طرفندن برآدمی دخی اولمدیغی حالده واروب مالی صاتسه
اکراه معتبر اولمیوب یعی صحیح ومعتبر اولور

۱۰۰۶ ماده

اکراه معتبر ایله وقوعبولان بیع وشرا وایجار وهبه

و فراغ و عن مال صلح و اقرار و ابراء و تأجيل دين و اسقاط
شفعه معتبر اولماز . كرك اكر اه ملجى اولسون و كرك
اكر اه غير ملجى اولسون . فقط مكره بعد زوال الا كراه
مخير اولور سه اول حالده معتبر اولور

۱۰۰۷ ماده

اكر اه ملجى بوجه بالاتصرف قوليه ده معتبر اولديغي كبي
تصرفات فعليه ده دخي معتبر اولور . اما اكر اه غير ملجى يالكز
تصرفات قوليه ده معتبر اولوب تصرفات فعليه ده معتبر اولماز
بناء عليه بر كيمسه ديكره فلانك مالني اتلاف ايت يوخسه
سني قتل ايدرم يا خود بر عضو كي كسرم ديوبده مكره
دخي اتلاف ايتسه اكر اه معتبر اولوب ضمان انجق مجبره
لازم كلور . اما فلانك مالني اتلاف ايت يوخسه سني
ضرب يا حبس ايدرم ديوبده اودخي اتلاف ايتسه اكر اه
معتبر اوليوب ضمان انجق متلفه لازم كلور

(باب ثالث)

(شفعه بيانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مراتب شفعه بيانده)

۱۰۰۸ ماده

اسباب شفعه اوچدر . اولكي سي نفس مبيعه مشارك

اولمقدر . نته کیم ایکی کیمه نك بر عمارده شایعاً اشتراکاری کبی
ایکنجیسی حق مبیعه خلیط اولمقدر . نته کیم حق شرب
خاص و طریق خاصده اشتراك کبی

مثلاً حق شرب خاصده اشتراکاری اولان باغچهدلر دن بریسی صاتلدقده
دیگر باغچهدلر اصحابی هب شفیع اولورلر كرك جار ملاصق اولسونلر
و كرك اولسونلر

كذلك قیوسی طریق خاصده آچیلان بر خانده صاتلدقده اول طریق
خاصده قیوسی اولان دیگر خانهدلر اصحابك كافهسی شفیع اولور
كرك ملاصق اولسونلر و كرك اولسونلر . اما عمومك منتفع
اولدیغی بر نهر دن صو آلان یاخود قیوسی طریق عامه آچیلان خانهدلر دن
بری صاتلدقده اول نهر دن صو آلان یاخود اول طریق عامه قیوسی اولان
دیگر خانهدلر اصحابك حق شفعهسی یوقدر

او چنجیسی مبیعه جار ملاصق اولمقدر

۱۰۰۹ ماده

حق شفعه اولاً نفس مبیعه مشارك اولان کیمه نك
ثانیاً حق مبیعه خلیط اولانك ثالثاً جار ملاصق کدر .
و برنجی طالب ایکن دیگرلر ينك و ایکنجی طالب ایکن
او چنجینك حق شفعهسی یوقدر

۱۰۱۰ ماده

نفس مبیعه مشارك اولمدیغی یاخود اولوبده حق شفعه سندن
واز کچدیکی حالده حق مبیعه خلیطی و ارایسه حق
شفعه آنکدر

حق مبیعه خلیطی دخی یوغیسه یاخود اولوبده
حقندن واز پکر ایسه اول حالده جار ملاصق شفیع
اولور

مثلا برکیمسه مستقلا ملکی اولان عقارینی صادقه یاخود بر مشترک
عقارده کی حصه شایعه سنی صابوبده مشارکی حق شفعدسندن واز
پکدکده اگر اول عقارک حق شرب خاصنده یاخود طریق خاصنده
خلیطی وار ایسه حق شفعه آنکدر یوق ایسه یاخود اولوبده
حقندن پکرسه اول حالده حق شفعه جار ملا صقکدر

۱۰۱۱ ماده

بربنانک فوقانیسی یعنی اوست قاتی برینک و تحتانیسی یعنی
الت قاتی دیگرینک ملکی اولدیغی صورتده یکدیگره
جار ملاصق عد اولنور

۱۰۱۲ ماده

برخانهک دیوارنده مشارک اولان کیمسه اول خانهده
مشارک حکمنده در ، اما دیوارده مشارک اولیوبده
فقط کندو خانه سنک کیرشلی قومشوسنک دیواری
اوزرینه ممتد اولدیغی صورتده جار ملاصق عد اولنور
مجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلیرینک اوجلرینی قویمق
حق اولمغله شریک و خلیط عد اولنه مار

۱۰۱۳ ماده

متعدد شفیعملر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولنور *

مقدار سهامه یعنی حصه لرینک مقدارینه اعتبار اولماز
مثلا بر خانه نك نصف حصه سی بر کیمسه نك وثلث ایله سیدس
حصه لری دیگر ایکی کشینک اولدینی حالدده نصف حصه صاحبی
حصه سنی آخره صاتلقدده دیگر لری شفعه ایله طالب اولسه لر بالماصفه
بینلرنده تقسیم اولنور . یوخسه ثلث حصه صاحبی حصه سینه
کوره زیاده حصه الهماز

۱۰۱۴ ماده

ایکی صنف خلیطر اجتماع ایتدکده اخصی اعمک اوزرینه
تقدیم اولنور

مثلا بر نهر صغیردن آچیلان خرقدده حق شربی اولان یری ملک
بر باغچه حق شربیله بیله صاتلقدده اول خرقدده حق شربی اولنور
حق شفعه ده مقدم و مرجحدر . اما اول نهرده حق شربی اولان
یری ملک بر باغچه حق شربیله بیله صاتلقدده کرك اول نهرده وکرك
خرقدده حق شربی اولنور هب شفیع اولورلر . نته کیم بر چیقماز
زقاقدن منشعب دیگر بر چیقماز زقاغه قیوسی آچیلان بر ملک خانه
صاتلقدده انجق بوشعبه یه قیوسی اولان خانه لر اصحابی شفیع
اولور . اما اول چیقماز زقاقده قیوسی اولان بر خانه صاتلقدده
کرك اول زقاقده وکرك شعبه سنده حق مروری اولنور هب شفیع
اولورلر

۱۰۱۵ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربی
صاتیوبده یالکز اول باغچه یی صاتسه حق شربنده خلیط
اولنور شفیع اوله مااز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه
ماده ۱۰۱۶

حق شرب حق طریقہ مقدمدر
بناء علیه بریانچہ صاتیلو بده برکیمسه انک حق شرب
خاصنده و دیگر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق
شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزرینه ترجیح و تقدیم
اولنور

(فصل ثانی)

(شرائط شفعه بیاندهدر)

ماده ۱۰۱۷

مشفوعک ملک عقار اولسی شرطدر
بناء علیه سفینهده و سائر منقولاتده و وقف عقارده و اراضی
امیریده شفعه جاری اولماز

ماده ۱۰۱۸

مشفوع بهک دخی ملک اولسی شرطدر
بناء علیه بر ملک عقار صاتلدقده اتصالنده بولنان وقف
عقارک متولسی یا خود متصرفی شفیع اوله ماز
ماده ۱۰۱۹

وقف یر یا خود اراضی امیری اوزرنده کی ملک اشجار

وابنيه منقول حکمنده اوله رق بونلر ده شفعه جاری
اولماز

ماده ۱۰۲۰

بر ملك عرصه اوزرنده کی اشجار وابنيه ايله برابر صاتلقدده
یره تبعاً اشجار وابنيه ده دخی شفعه جاری اولور . اما
یالکز اشجار وابنيه صاتلدیغی صورتده شفعه جاری
اولماز

ماده ۱۰۲۱

شفعه انجق عقد بیع ايله ثابت اولور

ماده ۱۰۲۲

هبه بشرط العوض بیع حکمنده در

بناء علیه بر کیمسه ملك خانه سنی بشرط العوض آخره هبه
وتسليم ایتسه جار ملاصقی شفیع اولور

ماده ۱۰۲۳

بلاعوض هبه ومیراث و وصیت کی بلا بدل آخره تمليك
اولنان عقارده شفعه جاری اولماز

ماده ۱۰۲۴

شفیعك واقع اولان عقد بیعه صراحة یا خود دلالة
رضایی اولماق شرطدر

مثلا عقد بیعی ایشدکده يك اعلا دیسه حق شفعه بی ساقط اولوب
اندن صکره طلب شفعه ایده من . وکذا بیعك عقد اولدیغنی

ایشته کدنصکره عقار مشفوعی مشتریدن اشترا یاخود استیجار
ایتمک ایستسه حق شفعه سی ساقط اولور . کذلک برکسندک
بایعه وکیل اولوبده صادیخی عقارده حق شفعه سی اوله ماز
(۱ . ۰ .) ماده یه باق

۱۰۲۵ ماده

بدلک معلوم المقدار مال اولسی شرطدر
بناء علیه مال اولیان بدل ایله تملیک اولان عقارده شفعه
جاری اولماز

مثلا برجام استیجار ایله اجرت دیو ویریلان ملک خانهده شفعه
جریان ایتمز زیرا بونده خانهک بدلی مال اولیوب منافع قبیلندن
اولان اجرتدر . کذلک بدل مهر اوله رق ویریلان ملک عقارده
شفعه جاری اولماز

۱۰۲۶ ماده

بایعک مبیعدن ملکی زائل اولق شرطدر
بناء علیه بیع فاسدده بایعک حق استردادی ساقط اولدجقه
شفعه جاری اولماز و بیع بشرط الخیارده اگر مخیر
یالکز مشتری ایسه شفعه جاری اولور . و اگر بایع مخیر
ایسه حق خیاری ساقط اولدجقه شفعه جاری اولماز .
اما خیار عیب ایله خیار رؤیت شفعه نک ثبوتنه مانع
دکدر

۱۰۲۷ ماده

تقسیم عقارده شفعه جاری اولماز

مثلا بر مشترک خانه مشارکری بینده تقسیم اولندقدہ جار ملاصقی
شفیع اولہماز

(فصل ثالث)

(طلب شفیعہ بیانندہ در)

۱۰۲۸ ماده

شفیعہ دہ اوچ طلب لازمدرکہ طلب مواثبہ و طلب تقریر
واشهاد و طلب خصومت و تملکدر

۱۰۲۹ ماده

شفیعک عقد بیعی طویدیغی مجلسدہ درحال بن مبیعک
شفیعی یم یاخود بالشفیعہ طلب ایدہرم دیمک کبی طلب شفیعہ یہ
دلالت ایدر برسوز سویلسی لازمدر . بوکا طلب مواثبہ
دینلور

۱۰۳۰ ماده

طلب مواثبہ دن صکرہ شفیعک طلب تقریر و اشهاد ایتسی
لازمدر

شویلہ کہ ایکی کشی حضورندہ اولہرق مبیعک یانندہ بو عقاری
فلان کیمسہ اشترا ایتش یاخود مشترینک یانندہ سن فلان
عقاری اشترا ایتش سین و یاخود مبیع ہنوز بایع یدندہ
ایسہ انک یانندہ سن فلان عقارکی فلانہ صاتمیش سین

بن ایسه شو جهتله انک شفیعیم و طلب شفعه ایتشیدم
شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولکز دیملیدر

واکر شفیع اوزاق محله بولنوبده بالذات بوجهمله
طلب تقریر و اشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر • وکیل
بوله ماز ایسه مکتوب کونددر

۱۰۳۱ ماده

طلب تقریر و اشهاد دمنصکره شفیعک حضور حاکمه
طلب و دعوی ایتسی لازمدر • ایشته بوکا طلب خصومت
و تملک دینلور

۱۰۳۲ ماده

شفیع اکر طلب مواثبه یی تأخیر ایدر ایسه مثلاً عقد بیعی
طویدیغی کبی اول مجلسده طلب شفعه ایتنوبده بشقه ایش
ایله یاخود آخر صده دائر بر بحث ایله مشغول اولمق
کبی اعراضه دلالت ایدر بر حالده بولنور ایسه یاخود
طلب شفعه ایتدین اول مجلسدن قالقار ایسه حق شفعه سی
ساقط اولور

۱۰۳۳ ماده

شفیع اکر طلب تقریر و اشهادی ولوکه مکتوب ایله
اولسون اجرا ایده جک قدر وقت کچوبده تأخیر ایدر سه
حق شفعه ساقط اولور

۱۰۳۴ ماده

طلب تقرير واشهاددن صكره شفيع اكر اخر ديارده
بولمق كې بر عذر شرعىسى يوق ايكن طلب خصومتى
بر آي تاخير ايدرسه حق شفيعسى ساقط اولور

۱۰۳۵ ماده

محجورينك حق شفيعسى وليسى طلب ايدر . وبر صغيرك
حق شفيعسى وليسى طلب ايتز ايسه بعد البلوغ كندونك
طلب شفيعه صلاحيتى قالماز

(فصل رابع)

(حكم شفيعه بيانده در)

۱۰۳۶ ماده

مشتريتك بالتراضى تسليميله يا خود حاكمك حكميله شفيع
اولان كيسه مشفوعه مالك اولور

۱۰۳۷ ماده

بر ملكى شفيعه ايله المق ابتدا اشترا منزله سنده در
بناء عليه خيار رؤيت وخيار عيب ايله رد كې ابتداء
اشترا ايله ثابت اولان حكملىر شفيعه ايله دخى ثابت
اولور

۱۰۳۸ ماده

طلب مواثه و طلب تقرير دن صكره مشتريتك بالتراضى

تسلیمی یا خود حاکم حکمی ایله شفیع هنوز مشفوعه مالک اولدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ایتمز

۱۰۳۹ ماده

شفیع ایکی طلبدن صکره هنوز بوجه مشروح مشفوعه مالک اولدن مشفوع به صاتلسه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۴۰ ماده

شفیع بوجه مشروح هنوز مشفوعه مالک اولدن مالک مشفوعه اتصالیده دیگر بر مالک عقار صاتلسه بوایکنجی عقاره شفیع اوله مز

۱۰۴۱ ماده

شفعه تجزی قبول ایتمز

بناء علی ذلک عقار مشفوعه بر مقدارینی ترک ایله دیگر بر مقدارینی المغه شفیع حق یوقدر

۱۰۴۲ ماده

شفعدان بعضیسی حصه سنی بعضیسنه هبه ایده مز

ایدرسه حق شفعه سنی اسقاط ایتمز اولور

۱۰۴۳ ماده

شفیعلردن بریسی حاکم حکمندن مقدم حقنی اسقاط ایلسه دیگر شفیع عقار مشفوعی تماما له بیلور . واکر

حاکم حکمند صکره شفیعلردن بریسی حقنی اسقاط
ایلسه شفیع دیکر انک حقنی الهماز
۱۰۴۴ ماده

مشتري بناء مشفوعى بوياتمق كى مالندن برشى زياده
ايلسه شفيعى مخيردر ديلرسه ترك ايدر ديلرسه بنانك
ثمنيله برابر اول زياده نك دخى قيمتى ويروب مشفوعى الور
ومشتري عقار مشفوع اوزرينه ابنيه يامش ياخود آجاج
غرس ايتش ايسه شفيع مخير اولوب ديلرسه ترك ايدر
وديلرسه عقار مشفوعك ثمنيله برابر ابنيه نك ياخود
اشجارك قيمتى ويروب مشفوعى الور يوخسه ابنيه ياخود
اشجارى قلع ايتك اوزره مشتريه جبر ايده من

ارادہ سنیہ تاریخی فی ۱۶ ربیع الآخر سنہ ۱۲۹۰

احمد جودت

امین الفتوی

السيد خليل

قاضی دار الخلافۃ العلیہ

عن اعضاء ديوان احكام

سيف الدين

عبدیہ احمد خلوصی

عن اعضاء ديوان احكام

عن اعضاء مجلس تدقيقات

عبدلہ اجد حلی

شہر عیدہ احمد خالد

كتاب الشكر

فهرست خط کتابی

برنجی عمل و نه

— کتاب عاشر —

(انواع شرکاته دائر اولوب بر مقدمه ایله سکنز بابی)
(حاویدر)

﴿ مقدمه ﴾

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۰۶۵ ماده

شرکت . فی الاصل بردن زیاده کیمسه لره بر شیئک
اختصاصی وانلرک اول شی ایله امتیازی در
فقط او یله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده
دخی عرف و اصطلاح اوله رق مستعملدر

بناء عليه مطلقا شرکت ایکی قسمه تقسیم اولنور . بری
 شرکت ملکدر که اشترا و اتهاب کی اسباب تملکدن بریله
 حاصل اولور . دیکری شرکت عقددر که شریکری
 بیننده ایجاب و قبول ایله حاصل اولور ایکسینک دخی
 تفصیلاتی باب مخصوصلرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه وارددر که مباح اولان
 یعنی صو کی فی الاصل کسیندنک ملکی اولیان شیرلی
 اخذ و احراز ایله تملکه صلاحیتده عامه نک متشارک
 اولسیدر

۱۰۴۶ ماده

قسمت . تقسیم دیمکدر . تعریف و تفصیلی باب مخصوصلرنده
 کلور

۱۰۴۷ ماده

حائط . دیوار و تخته پرده و چیت دیمکدر . جمعی حیطان
 کلور

۱۰۴۸ ماده

ماره . عامه وزننده طریق عامدن مرور و عبور ایدنلردر
 ۱۰۴۹ ماده

قنات . قافک قتحیله یرده صو اجرا ایده جک کولک
 و کاریزدر . جمعی قنوات کلور

۱۰۵۰ ماده

مسنات . میم مضمومه و سین مفتوحه و نون مشدده ايله
سنور و صو بندی و صو خرقلرینک کنارلری دیمکدر .
جعی مسنیات کلور

۱۰۵۱ ماده

احیا . اعمار دیمکدر که اراضی یی زراعتیه صالح
قیلقدیر

۱۰۵۲ ماده

تکجیر . اراضی یه بشقه کسنه وضع ید ایتامک ایچون
اطرافنه طاش و سائر نسنه وضع ایتیمکدر

۱۰۵۳ ماده

انفاق . مالی خرج و صرف ایتیمکدر

۱۰۵۴ ماده

نفقه . حوایجه و تعیشیه صرف اولنه جق آچه وزاد
و ذخیره مقوله سیدر

۱۰۵۵ ماده

تقبل . برایشی تعهد و التزام ایتیمکدر

۱۰۵۶ ماده

مفاوضین . عقد شرکت مفاوضه ایدنلر در

۱۰۵۷ ماده

رأس المال . سرماییه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

رج ۰ فائده و کار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع ۰ بر کیمسه نك کاری تماما کند و سنه عائد اولوق
اوزره دیگر کمسنه یه سرمایه ویر مسیدر که سرمایه یه بضاعه
وویرن کیمسه یه مبضع والان کمسنه یه مستبضع
دینلور

(باب اول)

(شرکت ملك بیاننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شرکت ملك تعریف و تقسیمی بیاننده در)

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك ۰ اسباب تملیکدن اولان اشترا و اتساب
و قبول وصیت و توارث کبی بر سببله یا خود خلط و اختلاط
اموال ایله یعنی ماللری یکدیگره قابل تمیز و تفریق اولیه حق
صورته قارشیدیر مق و یا خود ماللر اول صورته یکدیگره
قارشیق ایله بر شیئك بردن زیاده کیمسلر بیننده مشترک یعنی
اول شیئك انلره مخصوص اولمسیدر

مثلا ايكي كيمسه بر مال اشترا ياخود برى انلره هبه ياوصيت
ايدوبده انلر دخى قبول ايتسه وياخود بر مال ايكي كشيده موروث
اولسه اول مال انلرك بينده مشترك اولور وانلر اول ماله
حصه دار و مشترك وهربرى انده ديكرينه مشترك اولورلر
كذلك ايكي كسند ذخيره لرينى بر برينه قارشدرسه ياخود چواللرى
دلنگ كى بر وجهله ايكيينك ذخيره لرى بر برينه قارشده اشو
مخلوط يا مختلط ذخيره ايكيى بينده مال مشترك اولور
۱۰۶۱ ماده

بر كيمسه بر التونى ديكر ك اول جنسدن اولان ايكي
التونيله قاريشوبده تميرنى قابل اولمديغى حالده ايكيى
ضايع اولسه قالان بر التون ايكيى بينده ثلث وثلشان
نسبتيله مشترك اولوب ثلثانى ايكي التون صاحبك وثلثى
بر التون صاحبك اولور
۱۰۶۲ ماده

شركت ملك . اختيارى و جبرى قسملرينه تقسيم اولنور
۱۰۶۳ ماده

شركت اختياريه . متشارك كلر فعاللى ايله حاصل اولان
اشترا كدر

ته كيم بروجه بالا اشترا و اتياب و قبول وصيت ايله خلط
اموال صور تدرنده حاصل اولان اشتراك كى
۱۰۶۴ ماده

شركت جبريه . متشارك كلر فعاللى ايله اولميو ب بشقه سبب

ایله حاصل اولان اشترا کدر
نته کیم توارث و احتلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان
اشتراک کبی
ماده ۱۰۶۵

متعدد و دیعلرک و دیعه یی حفظده اشتراکاری شرکت
اختیاریه قیلندندر . اما روز کار اسوبده برکسینه نک
جامه سنی بر مشترک خانه یه اتسه اول خانه صاحب لرینک
اول جامه یی حفظده اشتراکاری شرکت جبرییه قیلندندر
اولور

ماده ۱۰۶۶
شرکت ملک . شرکت عین و شرکت دین قسملرینه دخی
تقسیم اولنور
ماده ۱۰۶۷

شرکت عین . معین و موجود اولان مالده اشترا کدر
ایکی کشینک بر قیونده یا خود بر سوری قیونده شایعا
اشتراکاری کبی
ماده ۱۰۶۸

شرکت دین . اله بخقده اشترا کدر
ایکی کشینک برکسینه ذمتنده اله جقلری اولان شوقدر
غرو شده اشتراکاری کبی

(فصل ثانی)

(اعیان مشترکہ نک کیفیت تصرفی بیانندہ در)

۱۰۶۹ ماده

برملکدہ مستقلا صاحبی اولان کیمسہ نصل کہ کیف مایشاء
تصرف ایدرسہ ملک مشترکہ دخی صاحببری بالاتفاق
اولو جہلہ تصرف ایدرلر

۱۰۷۰ ماده

برمشترک خانہ دہ صاحببری برلکدہ اولہ رق ساکن
اولہ بیلور . فقط بریسی اول خانہ یہ اجنبی آدم ادخال
ایدہ جاک اولورسہ دیکری مانع اولہ بیلور

۱۰۷۱ ماده

برملک مشترکہ حصہ دارلردن بری دیکرینک اذنیلہ
مستقلا تصرف ایدہ بیلور . فقط اول حصہ دارہ مضر
اولہ جق وجہلہ تصرفی جائز اولماز

۱۰۷۲ ماده

حصہ دارلردن بری آخرہ حصہ کی بکا صات ویاخود
بنہم حصہ می اشترا ایت دیو جبرایدہ من . فقط بینلرنده
مشترک اولان ملک اکر قابل قسمت اولوبدہ مشارکی دخی
غائب دکل ایسہ تقسیم وقابل قسمت دکل ایسہ مہایاتہ

ایتدیره بیلور . ننه کیم تفصیلاتی باب تائیده کاور

۱۰۷۳ ماده

شرکت ملک ایله مشترک اولان اموالک حاصلاتی

صاحبلری بینه حصه لرینه کوره تقسیم اولنور

بناء علیه بر مشترک حیوانک سوتندن یاخود یاور یلرندن

مشارکک برینه حصه سندن فضله برشی شرط ایدلسه

صحیح اولماز

۱۰۷۴ ماده

یاوریلر ملکیتده انالرینه تابعدر

مثلا برینک آتی دیکرک قصراغنی آتشیه حاصل اولان یاور یسی

قصراق صاحبینکدر . کذلک برینک ارکک و دیکرک دیشی

کوکرچیلری اولسه بونلردن حاصل اولان یاوریلر دیشی کوکرچین

صاحبلرینکدر

۱۰۷۵ ماده

شرکت ملکده مشارکاردن هر بری دیکری حصه سنده

اجنبیدر . بریسی دیکرک و کیلی دکدر

بناء علیه برینک اذنی اولدجه دیکرک انک حصه سنده

تصرف ایده مز . فقط مشترک خانه سکناده و دخول

و خروج کبی توابع سکنادن اولان احوالده صاحبلردن

هر برینک علی وجه الکمال ملک مخصوصی اولمق اوزره

اعتبار اولنور

مثلاً بر مشترک بارگیری صاحب‌لرندن بری دیگرینک اذنی اولمقسزین اجاره ویا اجاره ایدو بده بارگیر مستعیر و یا مستأجر یدنده تلف اولسه دیگرکی اکا حصه‌سنی تضمین ایتدیره بیلور . کذلک بریسی بلا اذن مشترک بارگیره بنوب یا خود یوک یو کلدو بده کیدرکن بارگیر تلف اولسه دیگرینک حصه‌سنی ضامن اولور . و کذا بر مدت استعمال ایله بارگیر زبون اولو بده قیمتیه نقصان کلسه دیگرک نقصان قیمتدن حصه‌سنی ضامن اولور . اما مشترک خانه ده صاحب‌لرندن بری دیگرندن اذن المقسزین بر مدت ساکن اولسه کندی ملکنده ساکن اولمش دیمک اولور . بو جهته مشارکینک حصه‌سی ایچون اجرت و برمیسی لازم اولماز . وقضارا خانه محترق اولسه ضمان دخی لازم کلز

ماده ۱۰۷۶

مشترک اراضی‌یی صاحب‌لرندن بری زراعت ایتکله دیگرینک عادت بلده اوزره حاصلاتدن ثلث یاربع کی بر حصه المغه صلاحیتی یوقدر

فقط زراعتیله ارضه نقصان کلمش ایسه نقصان قیمتدن حصه‌سنی زراعت ایدن مشارکنه تضمین ایتدیره بیلور

ماده ۱۰۷۷

مال مشترکی صاحب‌لرندن بری آخره ایجار ایله اجرتنی اخذ ایتدکده دیگرینک حصه‌سنی اکا رد و اعطا ایدر

ماده ۱۰۷۸

حصه دارلردن بری غائب اولدیغی صورتده اکر مواد

آیه ده بیان اولنه جغی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه
حاضر اولان کندی حصه سی قدر ملک مشترکدن انتفاع
ایده بیلور

۱۰۷۹ ماده

حاضرک غائبه مضر اولیه جق وجهله ملک مشترکدن
انتفاعنه غائبک رضاسی وارعد اولنور

۱۰۸۰ ماده

مستعملینک استعمالیه مختلف اولان ملک مشترکدن انتفاعه
غائبک دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترک البسه یی صاحب لرندن بری دیکرک غیابنده
تلبس ایده من

وکذا بریسی دیکرینک غیابنده بینلرنده مشترک اولان
بارکیره بنه من

اما بولک طاشیق و چفت سورمک کبی مستعملینک اختلافیه
مختلف اولیان ایشلرده حصه سی قدر استعمال ایده بیلور
نته کیم متشارکاردن بری غائب اولدوقده دیکری بینلرنده
بالاشتراک اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام
ایده بیلور

۱۰۸۱ ماده

خانه ده سکنی مستعملینک اختلافیه مختلف دکادر

بناء عليه مناصفة مشترك اولان خانه صاحبلىرى بىرى
غائب اولسه دىكرى التى آى ترك ايتك كى بروجله انتفاع
ايدىلور

شوقدر كه دائر دى خلق غلبه لك ايسه مستعملينك
استعماليله مختلف قىلندى اولور وبونده غائبك دلالة
رضاسى بولماز

۱۰۸۲ ماده

حاضر و غائبك خانه مشتركده حصه لى يكديكردن مفرز
ايسه حاضر اولان كيمسه غائبك حصه سنده ساكن اوله ماز
لكن بوش طور مغله خراب اولسندن خوف اولنور ايسه
حاكم اول حصه مفرزه بى ايجار ايله اجرتنى غائب اچون
حفظ و توقيف ايلر

۱۰۸۳ ماده

مهاياة انجق بعدالخصومه جارى و معتبر اولور
بناء عليه بر مشترك خانه ده صاحبلىرى بىرى دىكرينك
حصه سى اچون اجرت و یرمكسزین بر مدت مستقلا
ساكن اولدقده دىكرى يا اول مدت اچون بنم حصه مك
اجرتنى و یر • و يا خود بن اولقدر مدت ساكن اولورم
ديه ميوب انجق ديلرسه خانه قابل قسمت اولديغى تقديرده
تقسيم و ديلرسه اندن صكره معتبر اولق اوزره مهاياة
ايتديرر

فقط مشترك خانه صاحببردن بری غائب اولوبده دیکری
مادهٔ آنفدهده بیان اولندیغی اوزره برمدت انده ساکن اولسه
غائب دخی کلدکده او قدر مدت انده ساکن اوله بیلور
ماده ۱۰۸۴

خانهٔ مشترکی صاحببردن حاضر اولان کیمسه ایجار و اجرتدن
کندی حصه سنی الوب غائبك حصه سنی حفظ و توقیف
ایتسه جائز اولور . و غائب کلدکده حصه سنی اندن الور
ماده ۱۰۸۵

مشترك اراضی صاحببردن بری غائب اولدقده زراعتك
نقصان ارضی موجب اولیوب ارضه نافع اوله جغی
معلوم اولور ایتسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینك
تمامنی زراعت ایده بیلور . و نقدر مدت زراعت ایدرسه
غائب دخی کلدکده اول قدر اراضی بی زراعت ایلر
واکر زراعتك نقصان ارضی موجب وترکی نافع و ارضك
قوتلشمسنی مؤدی اوله جغی معلوم اولورسه اول اراضینك
زراعتنه غائبك دلالة اذنی بولماز . بناء علیه حاضر اولان
مشارکی اول اراضیدن یالکز کندی حصه سی
مقدارینی مثلا مناصفة مشترك ایتسه نصفنی زراعت ایلر .
وسنهٔ آتیدهده تکرار زراعت ایده جك اولورسه ینه
اول نصفنی زراعت ایدوب یوخسه برسنه بر طرفنی
ودیکر سنه دیکر طرفنی زراعت ایده من واکر اول

اراضینک تمامی زراعت ایدر سه غائب کلد کده اکانقصان
ارضدن حصه سنی تضمین ایتدیره بیلور

تفصیلات سابقه حاضرک حاکمه مراجعت ایتدیکی
تقدیرده در . اما حاکمه مراجعت ایتدکده هر حالده
عشر یا خراج اراضی ضایع اولماق ایچون اول اراضینک
تمامی زراعت ایتک اوزره حاکم اکان اذن ویرر .
وبو تقدیرجه غائب کلد کده نقصان ارضی دعواسی ایدمن
ماده ۱۰۸۶

مشتک باغ صاحبیلرندن بری غائب اولدقده دیکری باغک
اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلد کده کندی حصه سنی
اخذ واستهلاک ایدر

غائبک حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توقیف ایده بیلور .
فقط غائب کلد کده مخیردر . دیلر سه اول بیعی مجیز اولور
وموقوف اولان ثمنی الور . ودیلر سه مجیز اولمیوب
حصه سنی اکان تضمین ایتدیرر

ماده ۱۰۸۷

مشارکاردن برینک حصه سنی دیکرینک یدنده ودیعه
حکمنده در

بناء علیه بریسی خود بنخود مال مشترکی آخره ایداع ایدوبده

اول مال تلف اولسه مشاركنك حصه سنی ضامن اولور
(۷۹۰) ماده یه باق
۱۰۸۸ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی دیلر سه مشارکنه صاتار .
ودیلر سه مشارکندن اذن المقسزین آخر کمسنه یه دخی
صاته بیلور (۲۱۵) ماده یه باق
فقط فصل اولده بیان اولنان خلط واختلاط اموال
صورتلرنده بری مشارکنك اذنی اولدقجه مخلوط
یا مختلط اولان مال مشترکده کی حصه سنی بشقه کمسنه یه
صاته من

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیده ورته دن بعضیسی مشترک اولان
تخمی دیکرلرینک یا خود صغیر ایه لر و صیلرینک اذنیله
اکسه حاصلاتی جله سنك بیننده مشترک اولور
واکر ایچلرندن بریسی کندی تخمی اکسه حاصلاتی
انکدر . فقط زراعتیه ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر
ورته نك حصه سنی ضامن اولور

(۹۰۷) ماده یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورته دن بری دیکرلرینك اذنی اولمقسزین قبل القسمه
ترکدن بر مقدار پاره اخذ و اعمال ایتسه ضرری کیندوسنه

عائد اولديغى كې كار ايتديكى صورتده دخى ورته اندن
حصه الهماز

(فصل ثالث)

(ديون مشتركه بيانده در)

۱۰۹۱ ماده

ايكى يازياده كيمسه لرك بر كسند دمتنده اولان اله جقلى
سبب واحددن ناشى ايسه ايكيسى بېننده شركت ملك
ايله مشترك بر دين اولور . و اكر سبب متحد اولماز ايسه
دين دخى مشترك اولماز . نته كيم مواد آتیه دن متضح
و مستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعيان متروكه سى وارثلى بېننده حصه لرينه
كورده مشترك اولديغى كې آخرك دمتنده اولان اله جغى
دخى كذلك وارثلى بېننده حصه لرينه كورده مشترك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشتركى اتلاف ايدن كسندك ضمانا دينى اولان مبلغ
اول مالك صاحبلى بېننده مشترك اولور

۱۰۹۴ ماده

ايكى كشى بېننده مشترك اولان شوقدر غروشى بر كسنديه

اقراض ایتسه لر مستقرضك اشبو دینی اول ایکی کشی
بینده مشترك اولور

اما ایکی کشی بر کسنه یه بشقه بشقه اچه اراض ایتسه لر
هر بری بشقه بشقه اله جقلو اولوب مستقرضك بودینلری
ایکیسی بینده مشترك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفقه واحده ایله بر مال مشترك صاتیلو بده صاحبیلرندن
هیچ برینك حصه سی حین بیعده ذکر و تسمیه اولنسه بوندن
طولایی مشتری ذمتده اولان اله جقلری دین مشترك اولور
وا کر حین بیعده هر برینك ثمن بیعده اولان حصه سنك
مقداری یا خود نوعی تسمیه و تعیین قلنسه مثلا برینك
حصه سی شو قدر و دیگرینك حصه سی بو قدر غروش
یا خود برینك حصه سی مسكوكات خالصه و دیگرینك
حصه سی مسكوكات مغشوشه دیو حصه لری تفریق و تمیز
اولنسه بایعلر ثمن بیعده متشارك اولیوب هر بری بشقه
بشقه اله جقلو اولور

كذلك بریسی حصه شایعه سنی بر کسنه یه صاتد قدن صکره
دیگری دخی حصه شایعه سنی ابروجه اوله رقینه اول
کسنه یه صاتسه ثمن بیعده متشارك اولیوب هر بری بشقه
بشقه اله جقلو اولور

ماده ۱۰۹۶

ایکی کشی برر مالنی صفتقه واحده ایله برکسندیه صائسلر
مثلا برینک بر آتی و دیگرینک بر قصر اغی اولوبده ایکیسی
برلکده اوله رق شو قدر غروشه بیع ایتسلر مبلغ مزبور
بایعلر بینده مشترک بر اله حق اولور

واکر هر بری کندو حیواننه شو قدر غروش دیو تسمیه
ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه اله جقلو اولوب حیوانلرک
مجموع اثمانی دین ایله مشترک اولماز . کذلک ایکی کشی
برکسندیه بشقه بشقه برر مال صائسلر مبیعلرک اثمانی دین
مشترک اولیوب هر بری بشقه بشقه اله جقلو اولور

ماده ۱۰۹۷

ایکی کشی کفالتلری حسیله برکسندنک بورجنی تأدیه
ایتدکارنده اکر بینلرنده مشترک اولان مالدن و یرمشر
ایسه مکفول عنهدده اولان اله جقلری دین مشترک
اولور

ماده ۱۰۹۸

برکیمسه شو قدر غروش دیننی ادا ایتک اوزره ایکی
کشی یه امر ایدوبده انلر دخی تأدیه ایتدکارنده اکر
بینلرنده کی مال مشترکدن و یرمشر ایسه اول کیمسه ده
اولان اله جقلری بر دین مشترک اولور

واکر ویردکاری اچقه بینلرنده مشترک اولمیوبده هر برینک
حصه سی حقیقه متمیز ایسه مجرد برلکده ادا ایتیش اولمیریاه
اول کیمسه ده اولان اله جقلری دین مشترک اولماز

۱۰۹۹ ماده

دین مشترک دکل ایسه دانلرندن هر بری اله جغنی مدیوندن
بشقه بشقه طلب واستیفا ایلر . وهر بریسی هر نه قبض
ایدرسه کندی اله جغنه محسوب ایدر . دائن دیکر اندن
حصه اله ماز

۱۱۰۰ ماده

دین مشترک ایسه دانلردن هر بری کندی حصه سنی مدیوندن
طلب ایده بیلور و برینک غیابنده دائن دیکر حاکمه مراجعت
ایله حصه سنی مدیوندن طلب ایتد کده ویرمیسی ایچون
حاکم طرفندن امر اولنور

۱۱۰۱ ماده

دین مشترکدن دانلرک بری هر نه قبض ایدر سه دیکریله
بینلرنده مشترک اولور . و مشارکی اندن حصه سنی الور .
قابض انی یالکز کندی حصه سنه محسوب ایده من

۱۱۰۲ ماده

دانلردن بری دین مشترکدن حصه سنی الوبده صرف

واستهلاك ايتسه مشاركى اكا حصه سنى تضمين ايتديره بيلور
مثلا ايكي كشي بينده مناصفة مشترك اولان يك غروش الحقندن برسى
حصه سى اولان بشيوز غروشى مديوندن اخذ و قبض ايله صرف
واستهلاك ايلسه مشاركى اولان دائن ديكر اكا ايكيوز اللى غروشى
تضمن ايتديره بيلور و بوجالده مديونك ذمتده قلان بشيوز غروش
ينه ايكي سى بينده مشترك اولور

۱۱۰۳ ماده

دائن مشاركلردن برى دين مشترك كن برشى قبض ايتيوب
فقط حصه سنه بدل مديوندن بر متاع اشترا ايلسه دائن ديكر
اول متاعده مشارك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى
حصه سنى اكا تضمين ايتديره بيلور . و اكر اشتراك اوزره
اتفاق ايدر لسه او متاع بيلر نده مشترك اولور

۱۱۰۴ ماده

دائن مشاركلردن برى دين مشترك كده كى حقندن مثلا
شو قدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق او قدر
طوپ بزى قبض ايتسه مخير اولور . ديلر سه الديغى
بزلردن مشار كنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى
اكا تسليم ايدر . و ديلر سه واز كچمش اولديغى
حقندن مشار كنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى
اكا وير

۱۱۰۵ ماده

دائیلردن بری بروجہ بالا کرک دین مشترکدن بر مقدارینی
یا تمامنی قبض ایتسون و کرک کندی حصہ سنے بدل مال
اشترا ایلسون و کرک الہ جغی مقابلندہ بر مال اوزرینہ
مدیون ایلہ صلح اولسون دائن دیگر هر صورتده مخیر
اولور • دیلر سه مشارکنک بومعامله سنی مجیز اولور •
ومواد آنفدهده بیان اولندیغی اوزره حصہ سنی اندن
الور • و دیلر سه مجیز اولیوب حصہ سنی مدیوندن استر
وا کر مدیونده الہ جغی باتار سه دائن قابضه رجوع ایدر •
مقدما مجیز اولمامسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائیلردن بری دین مشترکده اولان حصہ سنی مدیوندن
الوبده یدنده قضارا تلف اولسه مشارکنک بومقبوضده
اولان حصہ سنی ضامن اولماز • فقط کندوسی حصہ سنی
استیفایتمش اولور • مدیونده قلان الہ جق دخی مشارکنه
عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائیلردن بری دین مشترکده کی حصہ سنے بدل مدیونی
اجرت ایلہ استخدام ایلسه دیگری اجرتدن کندی
حصہ سنے اصابت ایدن مقداری اکا تضمین ایتدیره بیلور

۱۱۰۸ ماده

دائن متشار کردن بری کندی حصه سی ایچون مدیوندن
رهن الوبدہ یدندہ رهن تلف اولسہ مشارکی اندن
حصہ سنہ دوشن مقداری تضمین ایتدیرہ بیلور

مثلا مناصفة مشترك اولان دینک مقداری بیک غروش اولوبدہ
دائنلردن بری کندی حصہ سی ایچون بشیوز غروشلق بررهن
السہ ویدندہ بورهن تلف اولسہ دین مشترکک نصفی ساقط
اولہ جغندن دائن دیگر کندی حصہ سنہ غائد اولان ایکوز اللی
غروشی اکا تضمین ایتدیرہ بیلور

۱۱۰۹ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده کی حصہ سی ایچون مدیوندن
کفیل الدیغی ویاخود حصہ سنی برکستنه اوزرینه
حواله ایتدیردیکی صورتده کفیلدن یاخود محال علیهدن
اخذ و قبض ایلدیکی مبلغده دائن دیگر اکا مشارک
اولور

۱۱۱۰ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده کی حصہ سنی مدیونہ هبه
یاخود مدیونک ذمتنی اندن ابرا ایلسه هبه سی یا براسی
صحیح اولور . وبوندن طولای مشارکنک حصہ سنی
ضامن اولماز

۱۱۱۱ ماده

بر دین مشترکده متشارک اولان دانلردن بری مدیونک
مالی اتلاف ایدوبده ضمانا انک اله جغنه تقاص اولسه
مشارکی اندن حصه سنی اله یلور

فقط دین مشترکک ثبوتندن مقدم اولان بر سببله دانلردن
برینک مدیونه دینی اولوبده دین مشترکده کی حصه سببله
تقاص اولسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیردمن

۱۱۱۲ ماده

دانلردن بری دیکرینک اذنی اولقسزین دین مشترکی
تأجیل و تأخیر ایدهمن

(لاحقه)

۱۱۱۳ ماده

بر کیمسه ایکی کشی یه بر مال صاتسه هر برندن حصه سنی
بشقه بشقه مطالبه ایدر مشتریلر یکدیگره کفیل اولدجه
برینک بورجی دیکرندن مطالبه اولنه ماز

(باب ثانى)

(قسمت بيانده اولوب طقوز فصلى مشتملدر)

(فصل اول)

(قسمة تعریف و تقسیمى حقنده در)

۱۱۱۴ ماده

قسمت . حصه شایعه ی تعیین ایتکدر

یعنی کیل و وزن و ذراع کبی بر مقیاس ایله حصه لری بکدی کردن
تمیز و افراز ایتکدر

۱۱۱۵ ماده

قسمت ایکی وجهله اولور . شویله که یا اعیان مشترکه

یعنی متعدد و مشترک شیلر قسملره بولندرک هر فردنده شایع

اولان حصه لر برر قسمنده جمع ایدلش اولور . اوچ کشی

باینده مشترک اولان او توزقیونی اوزر اوزر اوچه تقسیم کبی

بوکا قسمت جمع دینلور . یا خود برعین مشترک تقسیم

اولنوب هر جزنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده تعیین

ایدر . بر عرصه نك ایکی یه تقسیمى کبی . بوکا قسمت

تفریق و قسمت فرد دینلور

۱۱۱۶ ماده

قسمت بر جهته افراز و بر جهته مبادله در

مثلاً ایکی کیمسه بیننده مناصفه مشترک اولان برکیله بغداد ایک هر حبد سنده هر برینک نصف حصه سی اولدیغی حالده مجموعی قسمت جمع قیلندن اولدوق ایکی قسمة تقسیم ایله بر قسمی برینه و دیگر قسمی دیگرینه ویرلدکده هربری کندوسنک نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادلہ ایلش اولور

کذلک ایکی کشی بیننده مناصفه مشترک اولان بر عرصه نك هر جزنده هر برینک نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت تفریق ایله ایکی یه تقسیم اولدوق هر برینه برر قسمی ویرلدکده هربری کندو نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادلہ ایلش اولور

۱۱۱۷ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکده متشارک اولنلردن هربری دیگرینک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سی اخذ ایده یلور . فقط غائبک حصه سی کندوسنه تسلیم اولندیقجه قسمت تمام اولماز . و قبل التسلیم غائبک حصه سی تلف اولسه مشارکنک قبض ایلش اولدیغی حصه یلنلرنده مشترک اولور

۱۱۱۸ ماده

قیمیاتده مبادلہ جهتی راجحدر . مبادلہ ایسه تراضی یاخود حکم قاضی ایله اوله یلور
بناء علیه مثلیاتدن اولیان اعیان مشترکده متشارک اولنلردن

بررسی آخرک غیابنده و انک اذنی اولسزین کندی حصه سنی
اخذ ایده من

ماده ۱۱۱۹

مکیلات و موزونات ایله جوز و یمورطه کبی عددیات
متقارب به هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان اوانی کبی
اختلاف صنعت حسبیه مختلف و متفاوت اولان موزونات
قیمیدر

و برده ارپه ایله قاریشق بغدای کبی خلاف جنسیله یکدیگردن
تمیز و تفریق اولنه میه حق صورتده مخلوط اولان مثلی
قیمیاتدندر

ذرعیات دخی قیمیدر . فقط برجنس چوقه و فابریقه
معمولاتی اولان بزله کبی افرادی بیننده تفاوت اولمیوبده
ذراعی شوقدر غروشه دیوصاتیلان ذرعیات مثلیدر
حیوانات ایله قانون و قارپوز کبی افرادی بیننده قیمته تفاوت
بولنان عددیات متفاوته قیمیاتدندر

یازمه کتابلر قیمی و باصمه کتابلر مثلیدر

ماده ۱۱۲۰

قسمت جمع ایله قسمت تفریقدن هربری ایکی نوعه تقسیم
اولنور . نوع اول قسمت رضا . و نوع ثانی قسمت
قضادر

۱۱۲۱ ماده

قسمت رضا . متقاسمینك یعنی ملك مشترك صاحبلىرىنىڭ
رضالىرىلە اجرا اولنان قىمتدركە بالتراضى بىلىنلرندە تقسیم
ایدىرلىر یاخود جەلە سىنىڭ رضالىرىلە حاکم تقسیم ایلر

۱۱۲۲ ماده

قسمت قضا . مقسوم لہ اولنلردىن یعنی ملك مشترك
صاحبلىرىندن بعضىسىنىڭ طلبى اوزرىنە قاضىنىڭ جبراً و حکماً
تقسیمیدر

(فصل ثانى)

(شرائط قسمت بیاندهدر)

۱۱۲۳ ماده

مقسومك عين اولمى شرطدر . بناء عليه دين مشترك
قبل القبض تقسیمى صحیح اولماز

مثلاً متوفانك متعدد كىسەنلەر ذمتدە الەجغى اولوبدە فلانده اولان
الەجغى فلان وارثك وفلانده اولان الەجغى فلان وارثك اولمى
اوزرە تقسیم اولنە صحیح اولماز . وبۇ صورتدە وارثلردىن بىرى
نە تحصيل ایدرسە وارث دىكر اكا مشارك اولور (باب اولك
فصل ثالثه باق)

۱۱۲۴ ماده

حصەلر تمیز و افراز اولمىدقچە قسمت صحیح اولماز

مثلاً مشترك بر یغین بغدادی صاحب‌نزدن بری دیکرینه سن ییغنك
شوطرفنی ال بو طرفی بنم اولسون دیسه تقسیم اولنش اولماز

۱۱۲۵ ماده

مقسوم حین قسمتده مشارک‌لرک ملکی اولق شرطدر
بناء علیه بعد القسمه مقسومک مجموعنه بری مستحق چیقسه
قسمت باطل اولور

و کذا مقسومک نصف و ثلث کبی بر جزء شایعنه مستحق
چیقسه قسمت باطل اولوب مقسومک تکرار تقسیمی
لازم کلور

کذاک بر حصه‌نک مجموعنه مستحق چیقسه قسمت باطل
اولوب حصه باقیه حصه دارلر بیننده مشترك اولور
واکر یالکز بر حصه‌نک بر مقدار معیننه یا خود بر جزء شایعنه
مستحق چیقسه اول حصه صاحبی مخیردر .
دیلسه قسمتی فسخ ایدر . و دیلسه فسخ ایتیوب مقدار
نقصانیله دیکر حصه‌داره رجوع ایدر

مثلاً یوز آلتش ارشون بر عرصه مناصفه ایکی یه تقسیم اولندقدن
صکره بر حصه‌نک نصفنه بری مستحق چیقسه اول حصه صاحبی
دیلسه قسمتی فسخ ایدر و دیلسه حصه سنک ربعیله مشارکنه
رجوع ایدر یعنی انک حصه سنک یکرمی ارشون محلی اولور
و هر حصه‌نک برر مقدار معیننه مستحق چیقدیغی تقدیرده اکر
مساوات اوزره ایسه قسمت فسخ اولماز . و اکر برینککی از
وبرینککی چوق ایسه انجق مقدار زیاده یه اعتبار اولنور . و یالکز

برينك حصه سندن بر مقدار معينه مستحق چي قمش كي اولور وزياده
كيمك حصه سنده اصابت ايتش ايسه بر وجه بالا مخير اولوب
ديلر سه قسمتي فسخ ايدر . وديلر سه مقدار نقصانيه مشار كننده رجوع
ايلر

۱۱۲۶ ماده

قسمت فضولي . قول يا خود فعلا اجازته موقوف اولور
مثلا بري مال مشتركى خود بخود تقسيم ايتسه جائز و نافذ اولماز .
فقط صاحبلى پك اعلا ديو قول اجازت و بر سه يا خود حصه مفرز دلرنده
تصرف املاك ايله يعنى بيع و ايجار كي تملكك لوازمندن اولان بر وجهه
تصرف ايتسه لر قسمت صحيح و نافذ اولور

۱۱۲۷ ماده

قسمتك عادلانه اولمسي يعنى حصه لر استحقاق لرينه كوره
تعديل اولنهرق بري سنده نقصان فاحش اولماسي لازمدر
بناء عليه قسمتمده غبن فاحش دعواسي استماع اولنور .
فقط مقسوم له اولنلر استيفاي حق ايلدكاريني اقرار
ايتدكن صكره غبن فاحش دعواسي ايدر لر سه استماع
اولنماز

۱۱۲۸ ماده

قسمت رضاده متقاسميندن هر برينك رضاسي شرطدر
بناء عليه بريسي غائب اولسه قسمت رضا صحيح اولماز .
وايچلرنده صغير وار ايسه و ليسى يا خود وصيسى انك

مقامنه قائم اولور . واکر و لیس یاکود و صیسی یوق
ایسه حاکم امرینه موقوف اولور و حاکم طرفندن بروسی
نصب اولندرق انک معرفتیه تقسیم اولور

۱۱۲۹ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر . حصه دارلرک بریسی طرفندن
اولسون طلب واقع اولدجه حاکم طرفندن جبراً قسمت
صحیح اولماز

۱۱۳۰ ماده

حصه دارلردن بعضیسی قسمت ایستیوبده بعضیسی امتناع
ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنه جغی
وجهله مال مشترک اگر قابل قسمت ایسه حاکم آنی جبراً
تقسیم ایلر . دکل ایسه تقسیم ایلز

۱۱۳۱ ماده

قابل قسمت . تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر .
شویله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله
فوت اولیه

(فصل ثالث)

(قسمت جمع بیاندهدر)

۱۱۳۲ ماده

متحد الجنس اولان اعیان مشترکده قسمت قضا جاری اولور

یعنی مشارک کردن یا لکز بعضیسنک طلبی اوزرینه حاکم انلری حکما
تقسیم ایلر . کرک مثلیاتدن اولسون و کرک قیمیاتدن اولسون
۱۱۳۳ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک افرادی بیننده فرق و تفاوت
اولدیغندن قسمتی مشارک کردن هیچ برینه مضر اولمقدن
بشقه هربری حقنی المش و هر برینک تمامیت ملکی حصوله
ککش اولوز

تهکیم ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر مقدار بغدای حصه لرینه
کوره تقسیم اولندقدن هربری حقنی استیفا ایدرک حصه سنه اصابت
ایدن بغدایه مستقلاً مالک اولوز . شو قدر درهم التون کلچیه
وبوقدر قیه کموش یا باقر و یا تیمور کلچیه و برجنسدن اولان شو قدر
پاستال چوقه و بوقدر طوپ بز و شو قدر عدد یمورطه دخی
بوقبیلندر

۱۱۳۴ ماده

متحد الجنس اولان قیمیاتک افرادی بیننده فرق و تفاوت
و ارایسه ده پک جزئی اولمق حسبیه یوق حکمنده اولدیغندن
بونلر دخی بروجه بالا قابل قسمت عد اولنمشدر

مثلا ایکی کشی بیننده مشترک اولان بشیوز قیون حصه لرینه کوره
ایکیه تقسیم اولندقدن هربری حقنی عینیه المش کی اولوز .
شو قدر یوز دوه و بوقدر یوز اینک دخی بوقبیلندر

۱۱۳۵ ماده

اجناس مختلفه ده یعنی مختلف الجنس اولان اعیان مشترکه ده

قسمت قضا جاری اولماز . كرك مثلياتدن اولسون و كرك
قيميادتدن اولسون يعنى مشاركلردن يالكز برينك طلبى اوزرينه
حاکم انلری جبراً قسمت جمع ايله تقسيم ايدەمن

مثلا حصه دارلردن برينه شوقدر كيله بغدادى واکا مقابل ديكرينه
بوقدر كيله ارپه ياخود برينه شوقدر قيون واکا مقابل ديكرينه
بوقدر دوه يا اينك ويرينه بر قليج وديكرينه بر اكر طاقى و برينه
برقوناق وديكرينه بردگان يا بر چفتلك اعطاسيله قسمت قضا جائز
اولماز . اما كنديلرى راضى اولدقلرى حالده وجه مشروح اوزره
قسمت رضا جائز اولور

۱۱۳۶ ماده

اختلاف صنعت حسبيله مختلف اولان اوانى ولوکه برجنس
معدندن مصنوع اولسه بيله مختلف الجنس عد اولنور

۱۱۳۷ ماده

حليات و بيوك اينجو و جواهر دخی مختلف الجنس اولان
اعياننددر

اما افرادى بيننده قيمتجه تفاوت اولميان اوفق اينجولر
وصايى طاشى دينلان خرده الماسلر كى جواهر صغيره
متحد الجنس عد اولنور

۱۱۳۸ ماده

متعدد قوناقلر و دكانلر و چفتلكلر دخی مختلف الجنس اولوب
قسمت جمع ايله تقسيم اولمازلر

مثلاً متعدد قوناقلردن بری مشارک‌کردن برینه و دیگری دیگرینه اعطا
ایله قسمت قضا جائز اولمیبونلرک هر بری بروجه آتی قسمت
تفریق ایله تقسیم اولنه بیلور

(فصل رابع)

(قسمت تفریق بیاننده در)

ماده ۱۱۳۹

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحب‌لرندن هیچ برینه
مضر دکل ایسه قابل قسمتدر

مثلاً بر عرصه تقسیم اولندقدده هر قسمده ابنیه یا پیلور • و اغاج
دیکیلور • و قیو قازیلور • بو جهته عرصه دن مقصود اولان
منفعت باقی اولور

کذلک بر قوناغک سلاملق و حرم دائره لری بشقه بشقه برر منزل
اولق اوزره تفریق و تقسیم اولندقدده قوناقدن مقصود اولان
سکنی منفعتی فوت اولماز • و مشارک‌کردن هر بری مستقلاً برر منزل
صاحبی اولور

بناء علیه کرک عرصه ده و کرک قوناقدده قسمت قضا جاری اولور
یعنی صاحب‌لرندن بری قسمت ایستیوبده دیگری امتناع ایسه حاکم
انلری جبراً تقسیم ایلر

ماده ۱۱۴۰

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحب‌لرندن برینه نافع
و دیگرینه مضر یعنی منفعت مقصوده سنی مفوت اولوبده

نفعی اولان کیمسه قسمت ایسترایسه کذلک حاکم آنی
حکماً تقسیم ایلر

مثلاً مشترک بر خاندده مشارک اولنلردن برینک حصه سی از اولوبده
بعد التقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه جق اولدیغی حالده
حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت ایسترایسه حاکم آنی قضاء
تقسیم ایلر

۱۱۴۱ ماده

تفریق و تبعیضی صاحب لردن هر برینه مضر اولان برعین
مشتراکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلاً بردکرم تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال اولنهمز
بو جهته منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه مشارکلردن
یالکز برینک طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم ایده مز . اما بالتراضی
تقسیم اولنور . حمام وقوی و قنات و چوک اوطه و ایکی خانه
اره سنده کی حائط دخی بویله در . بر حیوان ایله بر عربه و بر اکر
و بر جبه و بر یوزک طاشی کی یارمغه و قیرمغه محتاج اولان
عروض دخی بوقیلندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

۱۱۴۲ ماده

بر مشترک کتابک تقسیم اوراقی جائز اولدیغی کی متعدد
جلدله منقسم اولان بر کتابک جلد بجلد تقسیمی دخی
جائز اولماز

۱۱۴۳ ماده

ایکی یا خود زیاده کیمه لر بیننده مشترک اولوبده بشقه سنک

اصلاً دخوله حق اولیان طریقک بری قسمتنی ایستیوبده
دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور . اکر
بعدالقسمة هر برینه برر طریق قالد جق اولور ایسه تقسیم
اولنور

والا قسمته جبر اولنماز . مکرکه هر برینک بشقه بشقه
طریق و منفذی اوله . اول حالده ینه تقسیم اولنور
۱۱۴۴ ماده

مسئیل مشترک دخی طریق مشترک کبیدرکه بری قسمت
ایستیوبده دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده اکر بعدالقسمة
هر برینه صوینی آقیده جق قدر یر قالورسه یاخود مسیل
اتخاذ ایدجک بشقه یری وار ایسه تقسیم اولنور . والا
تقسیم اولنماز

۱۱۴۵ ماده

برکیمسه حق مروری باقی اولق اوزره ملکی اولان
طریق صاته بیلدیکی کبی ایکی کشی ببنده مشترک اولان
برعقارک تقسیمده طریق مشترکک رقبه سی یعنی ملکیتی
برنده قالمق و دیگرینک یالکز حق مروری اولق اوزره
قسمت دخی جائز اولور

۱۱۴۶ ماده

برخاندهنک تقسیمده ایکی حصه ارده سنده کی حائط

حصه دارلر بېنده مشترک اوله رق براغلق جائز
اولديغی کبی یالکیز برینک ملکی اولق اوزره قسمت دخی
جائز اولور

(فصل خامس)

(کیفیت قسمت بیانده در)

۱۱۴۷ ماده

مال مشترک اکر مکیلاتدن ایسه کیل ایله و موزوناتدن ایسه
وزن ایله و عددیاتدن ایسه عدد ایله و ذرعیاتدن ایسه
ذراع ایله تقسیم اولنور

۱۱۴۸ ماده

عرصه و اراضی ذرعیاتدن اولدقلرینه مبنی ذراع ایله
تقسیم اولنور

اما اوزرلرنده کی اشجار و ابنیه تقدیر قیمت ایله تقسیم
قلنورلر

۱۱۴۹ ماده

برقوناغک تقسیمده بر حصه نك ابنیه سی دیگر حصه نك
ابنیه سینه نسبتله دهه قیمتلو اولدیغی تقدیرده ممکن
ایسه دیگر حصه یه عرصه دن قیمتجه اکا معادل

اوله جق قدر فضله یرویریلور دکل ایسه اکامقابل نقود
علاوه ایدیلور
۱۱۵۰ ماده

ایکی کشی بیننده مشترک برخانهک فوقانیسی برینه
وتحتانیسی دیگرینه اعطا اولنق اوزره قسمتی مراد
اولندقدده کرک فوقانی و کرک تحتانی تقویم اولنهرق قیمت
اعتباریله تقسیم اولنور
۱۱۵۱ ماده

برقوناق تقسیم اولنهرق اولدقدده قسام اولان کیمسه
ابتدائی کاغد اوزرنده تصویر وعرصه سنی ذراع ایله
مساحه واینه سنی تقویم وصاحبیلرینک حصه لرینه کوره
تسویه وتعديل وممكن ایسه هر حصه نی یکدیگره تعلقی
قالماق اوزره حق طریق وشرب ومسیلی ایله افراز
وبرنجی وایکنجی و اوچنجی دیو تلقیب ایتلی وبعده
قرعه چکملیدر . برنجی ابتدا اسمی چیقانک وایکنجی
ثانیا اسمی چیقانک و اوچنجی ثلثا اسمی چیقانک اولور .
زیاده حصه وار ایسه ینه بوترتیب اوزره یورر

۱۱۵۲ ماده

تکالیف امیریله اگر محافظه نفوس ایچون ایسه عدد
رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان و صبیان دفتر توزیعده

ادخال اولتماز . وا کر محافظه املاک ایچون ایسه مقدار
ملک اوزرینه تقسیم اولنور

زیرا (۸۷) ماده ده مذکور اولدیغی اوزره غرامت غنیمته کوره در
(فصل سادس)

(خیارات بیانده در)

ماده ۱۱۵۳

بیعه اولدیغی کبی اجناس مختلفه نك تقسیمده دخی خیاری
شرط وخیار رؤیت وخیار عیب واردر

مثلا حصه دارلردن بری شوقدر کیله بغدادی واکا مقابل دیکری
بو قدر کیله ارپه یاخود بری شوقدر قیون واکا مقابل دیکری بو قدر
اینک آلق اوزره مال مشترکی بالتراضی بینلرنده تقسیم ایتدکلرنده
اگر بریسی شوقدر کون مخیر اولق اوزره شرط ایلش اولسه
اول مدت ظرفنده دیلر سه قسمتی قبول و دیلر سه فسخ ایدر واکر
بریسی هنوز مال مقسومی کورمالمش ایسه کوردکده کذلک مخیر
اولور واکر بریسنک حصه سی عیبلو چیقسه دیلر سه قبول و دیلر سه
رد ایلر

ماده ۱۱۵۴

متحد الجنس اولان قیمیاتک تقسیمده دخی خیاری شرط
ورؤیت وعیب واردر

مثلا مشترک اولان یوز قیون صاحب لری بینده حصه لرینده کوره
تقسیم اولندقدده اگر بریسی شوقدر کون مخیر اولق اوزره شرط

ایش اولسه اول مدت ظرفنده قسمتی قبول ایدوب ایتامکده مخیر
اولور . واکر هنوز قیونلری کورمامش ایسه کوردکده کذلک
مخیر اولور . واکر بریسنک حصه سینه اصابت ایدن قیونلرک
عیب قدیمی ظهور ایتسه کذلک مخیر اولوب دیلرسه قبول
ودیلرسه رد ایلر

۱۱۵۵ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک تقسیمنده خیار شرط ورؤیت
اولمیوب فقط خیار عیب واردر

مثلا ایکی کشی بینه مشترک اولان بر ییغین بغدای تقسیم اولندقدده
شو قدر کون مخیر اولق شرطی معتبر اولماز . وبری بغدایی
کورمامش ایسه کوردکده مخیر اولماز . اما یرینه ییغینک
اوست طرفندن و دیگرینه الت طرفندن ویریلوبده الت طرفی
چوروک چیقسه صاحی مخیر اولوب دیلرسه قبول و دیلرسه
رد ایدر

(فصل سابع)

(قسمتک فسخ و اقاله سی بیاننده در)

۱۱۵۶ ماده

قرعه لر کاملاً چکدکده قسمت تمام اولور

۱۱۵۷ ماده

قسمت تمام اولدقدده ارتق اندن رجوع اولنه ماز

۱۱۵۸ ماده

اثنای قسمته مثلا قرعه لك چوغی چیقوبده یالکز بری
قالمش اولدیغی حالدده حصه دارلردن بری رجوع ایدده جك
اولسه باقیلور . اکر قسمت رضا ایسه رجوع ایدده یلور .
واکر قسمت قضا ایسه رجوع ایدده مز

۱۱۵۹ ماده

بعد القسمه حصه دارلر کندی رضالریله قسمتی فسخ و اقاله
ایدرک مقسومی کافی السابق بیلرلنده مشترک ایدده یلورلر

۱۱۶۰ ماده

قسمته غبن فاحش اولدیغی تبین ایدر ایسه فسخ اولنهرق
تکرار قسمت عادلله ایله تقسیم اولنور

۱۱۶۱ ماده

ترکه نك تقسیمندن صکره میتک دینی ظهور ایتسه قسمت
فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائرله جقلرندن انلری
ابرا ایدرلر و یاخود میتک مقسومدن بشقه مالی اولوبده
بورج انکله ایفا اولنور ایسه اول حالدده قسمت فسخ
اولنماز

(فصل ثامن)

(احکام قسمت بیانده در)

۱۱۶۲ ماده

حصه دارلردن هر بری بعد القسمه کندی حصه سنده
مستقلا مالک اولور . برینک حصه سنده ارتق دیکرینک
علاقه سی قالماز . و باب ثالثه بیان اولنه جغی و جهله
هر بریسی کندی حصه سنده کیف مایشاء تصرف ایدر
حتی ایکی کشی بینده مشترک برخانه تقسیم اولنوبده برینک
حصه سنده ابنیه و دیکرینک حصه سنده عرصه خالیه اصابت
ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول عرصه ده قوی قازار
و کاریز یا پار و ابنیه انشا ایدوب دیلدیکی قدر یوکسک چیقار
ابنیه صاحبینک هواسنی یا خود کونشنی سدایتسه بیله مانع اوله ماز

۱۱۶۳ ماده

اراضی تقسیمنده اشجار و چفتلک تقسیمنده اشجار ایله
ابنیه من غیر ذکر داخل اولور . یعنی اشجار و ابنیه
کیمک حصه سنده بولنور ایسه انک اولور . حین تقسیمده
ذکر و تصریح یا خود جمیع حقوقیله و یا جمیع مرافقیله
دینلک کی بر تعبیر عمومی ایله ادخاله حاجت یوقدر

۱۱۶۴ ماده

کرمک اراضی و کرمک چفتلک تقسیمنده اکین و میوه ذکر

وتصریح اولندیقه داخل اولیوب انلر کماکان مشترک
اوله رق قالدور . حین تقسیمده کرک جمیع حقوقیله کبی
بر تعبیر عمومی ایراد اولنسون و کرک اولنسون
۱۱۶۵ ماده

مقسومک اراضی مجاورده اولان حق طریق ومسیلی
هر حالده داخل قسمت اولور . یعنی کیمک حصه سنده
واقع اولور سه انک حقوقندن اولور . حین قسمتمده
کرک جمیع حقوقیله دینلسون و کرک دینلسون
۱۱۶۶ ماده

حین قسمتمده بر حصه نك دیگر حصه ده طریق یا خود
مسیلی اولسی شرط ایدیلور سه اول شرطه رعایت
ایدیلور
۱۱۶۷ ماده

بر حصه نك دیگر حصه ده طریق اولوبده حین قسمتمده
ابقاسی شرط ایدلماش ایسه بشقه طرفه صرف
وتحویلی قابل اولدیغی تقدیرده صرف و تحویل اولنور .
حین قسمتمده کرک جمیع حقوقیله دینلسون و کرک دینلسون
اما طریقك بشقه طرفه صرف و تحویل قابل اولدیغی
تقدیرده باقیلور . اکر حین قسمتمده جمیع حقوقیله دینلماش
ایسه طریق داخل قسمت اوله رق حالی اوزره ابقا
اولنور . و اکر جمیع حقوقیله کبی بر تعبیر عمومی علاوه

اولنامش ايسه قسمت فسح اولنور
بوخصوصده مسيل دخی عينيله طريق کبيدر
۱۱۶۸ ماده

ايکی کشی بيننده مشترك برخانده ديگر کسنه نك طريق
اولوبده خانه صاحبلى اول خانه يي تقسيم ايدده جك
اولدقلرنده طريق صاحبى مانع اوله ماز . فقط انلر دخی
خانه يي تقسيم ايتدكلرنده طريق حالى اوزره ترك ايدرلر
واوچى بالاتفاق خانه ايله برابر طريق دخی صائدقلى
تقديرده اكر طريق اوچنك بيننده مشترك ايسه ثمن
اوچنك بيننده تقسيم اولنور

واكر طريقك رقبه سى قوناق صاحبلى نك اولوبده
اول کسنه نك يالكز حق مرورى وار ايسه هربرى
حقنى الور

شويلاه كه عرصه بر كره حق مرور ايله وبر كره حق مرور سز تقويم
اولنوب ايکی قسمت بينده كى فضله حق مرور صاحبك اولور .
وباقيسى خانه صاحبلى نه عائد اولور

مسيل دخی طريق کبيدر . يعنى بر مشترك خانه ده ديگر
کسنه نك حق مسيلى اولسه اول خانه صاحبلى خانه يي
تقسيم ايدوب مسيلى حالى اوزره ترك ايدرلر
۱۱۶۹ ماده

برقوناغك حوليسنده ديگر کسنه نك منزلى اولوبده منزل

صاحبی اول حولیدن مرور ایدر اولدیغی حالده قوناق
صاحبلی قوناغی تقسیم ایدر جک اولدقلرنده منزل صاحبی
مانع اوله ماز

فقط انلر قوناغی تقسیم ایتدکارنده منزلت قیوسی عرضنده
اکا بریول ترک ایدرلر
۱۱۷۰ ماده

ایکی یه تقسیم اولنان بر قوناغک ایکی قسمی اره سنده
بر حائط اولوبده بر قسمک دیگر حائطنک اوزرنده کی
کیر شلرک اوچلری اول حائط مشترک اوزرنده بولندیغی
صورته اکر حین قسمته اول کیر شلرک رفعی
شرط ایدلمش ایسه رفع اولنور . والارفع اولنماز
ایکی قسم اره سنده کی حائط بر حصه دارک و اوچلری
اول حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیر شلرک دیگر حصه دارک
ملکی اولمق اوزره تقسیم اولندیغی صورته دخی حکم
ینه بو وجهله در

۱۱۷۱ ماده

بر قسمده واقع اولان اغاجلرک دالری دیگر قسمک
اوزرینه صارقش اولدیغی صورته دخی اکر حین
قسمته قطعی شرط ایدلماش ایسه اول دالری
کسیدیر یله من

۱۱۷۲ ماده

بر طریق خاصده حق مروری اولان بر مشترک خانه تقسیم اولندقدده حصه دارلردن هر بری اول طریق قیو و پنچره آچه بیلور . سائر اصحاب طریق اکا مانع اوله ماز

۱۱۷۳ ماده

قابل قسمت اولان بر ملک مشترکده حصه دارلردن بری کندوسیچون دیگر حصه دارک اذنی اولمقسزین بر بنا یابدقندن صکره دیگر حصه دار قسمت طلب ایتدکده تقسیم اولنور

اول بنا بانیسنگ حصه سنه اصابت ایدرسه فبها . واکر دیگر حصه دارک حصه سنه اصابت ایدرسه بو حصه دار اول بنایی هدم و رفع ایتدیره بیلور

(فصل تاسع)

(مهاییه بیاننده در)

۱۱۷۴ ماده

مهاییه . قسمت منافعدن عبارتدر

۱۱۷۵ ماده

مثلیاتده مهاییه جاری اولماز
مهاییه اول قییماتده جاری اولورکه عینلری باقی اوله رق
انلرله انتفاع ممکن اوله

۱۱۷۶ ماده

مهایئه ایکی نوعدر . نوع اول زمانا مهایئه در
ته کیم ایکی کشی بینده مشترک اراضی یی برسنه بری و دیگر سنه
دیگری زراعت ایتمک و بر مشترک قوناق صاحبیلندن هربری
بالمنابو به اول قوناقده برسنه اوتورمق اوزره مهایئه لری کی
نوع ثانی مکانا مهایئه در

ته کیم ایکی کشی بینده مشترک اولان اراضینک یاریسنی بری و دیگر
یاریسنی دیگری زراعت ایتمک و مشترک قوناقک بر طرفنده بری
و دیگر طرفنده دیگری یاخود اوست قاتنده بری والت قاتنده
دیگری و مشترک ایکی خانه نک بریسنده بری و دیگرنده دیگری اوتورمق
اوزره مهایئه لری کی

۱۱۷۷ ماده

بر مشترک حیوانی صاحبیلری بالمنابو به قوللانمق اوزره
مهایئه جائز اولدیغی کی ایکی مشترک حیواندن برینی
بری و دیگرینی قوللانمق اوزره مهایئه دخی
جائز اولور

۱۱۷۸ ماده

زمانا مهایئه بر نوع مبادله در
شویله که بر حصه دارک کندو نوبتنده کی حصه منفعتی دیگر حصه دارک
نوبتنده کی حصه منفعتیه مبادله ایدلمش اولور . بوجهته زمانا
مهایئه اجاره حکمنده در

بناء علی ذلک زمانا مهایئه ده شوقدر کون یاخود شوقدر
آی کی بر مدت ذکر و تعیین اولنمق لازمدر

۱۱۷۹ ماده

مکانا مهائیه برنوع افرازد در

شویله که ایکی حصه دارک مثلا بر مشترک قوناقدہ اولان منفعتلری شایع یعنی اول قوناغک هر جرئنه شامل ایکن مهائیه ایله برینک منفعتی اول قوناغک بر قطعده سنده و دیگرینک منفعتی دیگر قطعده سنده جمع ایدلمش اولور

بناء علی ذلک مکانا مهائیه ده ذکر و تعیین مدت لازم دکادر

۱۱۸۰ ماده

زمانا مهائیه ده بدایت ایچون یعنی حصه دارلردن قنغیسی اول انتفاع ایتک ایچون قرعه چکدیککی کی مکانا مهائیه ده دخی قرعه ایله تعیین محل اولنماید

۱۱۸۱ ماده

مشترک و متعدد شیلرک صاحب لرندن بری مهائیه استیوبده دیگرری امتناع ایتدکده اگر اول عین مشترکار متفق المنفعه ایسه لر مهائیه یه جبر اولنور و اگر مختلف المنفعه ایسه لر جبر اولنماز

مثلا ایکی مشترک خانه دن برنده بری و دیگرنده دیگرری ساکن اولمق و ایکی مشترک حیواندن برینی بری و دیگرینی دیگرری قوللاقمق اوزره بری مهائیه استیوبده دیگرری امتناع ایسه مهائیه یه جبر اولتور . اما بری خانه ده ساکن اولوبده دیگرری حامی ایجار ایلک یاخود بری خانه ده ساکن اولوبده دیگرری اراضی یی زراعت ایتک اوزره بالتراضی مهائیه جائز ایسه ده بری امتناع ایسه مهائیه یه جبر اولنماز

۱۱۸۲ ماده

قابل قسمت اولان مال مشترک صاحبانندن بری قسمت
ودیکری مهائیه ایستسه قسمت ادعای قبول اولنور
و هیچ بریسی قسمت طلبنده اولدیغی حالده بری مهائیه
ایستیوبده دیکری امتناع ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۳ ماده

قابل قسمت اولیان برعین مشترک صاحبانندن بری مهائیه
استیوبده دیکری امتناع ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۴ ماده

سفینه و دکرمن و قهوه خانه و خان و حمام کی عمومک
اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مشترک اهلنه ایجار ایله
اجرتی حصه دارلر بینده حصه لینه کوره تقسیم اولنور
وا کر حصه دارلردن بری حصه سنی ایجاردن امتناع ایدرسه
مهائیه به جبر اولنور . فقط برینک نوبتنده غله سی یعنی
کراسی زیاده اولور سه اول زیاده حصه دارلر بینده
تقسیم اولنور

۱۱۸۵ ماده

حصه دارلردن هر بری زمانا مهائیه دن صکره کند و نوبتنده
عقار مشترکی و مکانا مهائیه دن صکره کند و حصه سینه
اصابت ایدن قطعه یی بالذات استعمال ایده بیلدیکی
کی آخره ایجار ایله کند و سیچون اجرتنی اخذ ایده بیلور

۱۱۸۶ ماده

ابتدا منافع اوزرینه مهاییه اولندقدن صکره حصه دارلر کندو نوبتلینی ایجار ایدوبده برینک نوبتمده غله زیاده اولسه دیگر حصه دار اول زیاده ده مشارک اولماز اما ابتدا استغلال ایتک اوزره مثلا بر مشترک خانه نک کراسنی برآی بری و برآی دیگرى المق اوزره مهاییه ایتسه لر فضله سی مشترک اولور

فقط ایکی خانه دن برینک غله سنی بری و دیگرینک غله سنی دیگرى المق اوزره مهاییه ایتدکارنده بر خانه نک غله سی زیاده اولسه دیگر حصه دار اکا مشارک اولماز

۱۱۸۷ ماده

اعیان اوزرینه مهاییه جائز اولماز

مثلا مشترک اشجارک میوه لری و مشترک حیوانلرک سوتی ویوکی اعیان دن اولغلداشجار مشترک دن بر مقدارینک میوه سنی مشارک لردن بری و دیگر مقدارینک میوه سنی دیگرى و دیو شرمک و مشترک قیونلرک بر سورینک سوتینی ویوکنی بری و دیگر بر سورینک سوتینی ویوکنی دیگرى المق اوزره مهاییه صحیح اولماز

۱۱۸۸ ماده

حصه دارلر بالتراضی بیلنلرنده مهاییه ایتدکارنده بعده یالکیز بریسی آنی فسخ ایده بیلور ایسه ده بری کندنی نوبتنی آخره ایجار ایتش ایسه مدت اجاره منقضی اولدجه دیگرى مهاییه نی فسخ ایده مز

۱۱۸۹ ماده

حکم حاکم ایله اجرا اولنان مهاییه یی حصه دارلردن یالکز
بری فسخ ایدمز ایسه ده هپسی بالتراضی فسخ ایده بیلور

۱۱۹۰ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی صاتمق یاخود تقسیم ایلک
مراد ایتد کده مهاییه یی فسخ ایده بیلور

اما مجرد مال مشترکی اسکی حالنه اعاده ایتک اوزره
بلا سبب مهاییه یی فسخ ایده جک اولسه حاکم اکا
مساعده ایتمز

۱۱۹۱ ماده

حصه دارلردن برینک یاخود هپسنک وفاتیه مهاییه
باطل اولماز

(باب ثالث)

(حیطان و جیرانه متعلق مسائل بیانده اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(احکام املاکه دائر بعض قواعد بیانده در)

۱۱۹۲ ماده

هرکس ملککنده ککیف مایشاء تصرف ایدر . فقط

بشقه سەنك حقي تعلق ايدرسە مالكي ملكنده استقلال
اوزره تصرفدن منع ايدر

مثلا فوقانيى برينك و تختانيى ديكرك مالكي اولان اينهده فوقاني
صاحبك تختانيده حق قرارى و تختاني صاحبك فوقانيده حق
سقي يعنى كونشدن و ياغوردن تستر و تحفظ حق اولمغله بريى
ديكرك اذنى اولمغله اكا مضر اوله بيله جك برشى ياپدماز و كندو
بناسنى ييقدماز

۱۱۹۳ ماده

فوقاني ايله تختانيك زقاق قپوسى براولديغى حالده ايكي سەنك
صاحبلىرى اول قپويى مشترك استعمال ايدرلر . احدىما
اخري دخول و خروجدن منع ايدەمز

۱۱۹۴ ماده

كيم كه بريره مالك اولور سه مافوقنه و ماتحتنه دخى مالك
اولور

يعنى ملكى اولان عرصهده ايستديكى اينه بي يايىق و ديلديكى قدر
چيىقمق و زميني حفر ايله مخزن يايىق و ديلديكى قدر درين قويى
قازمق كي تصرفاته مقتدر اولور

۱۱۹۵ ماده

كسسه خانه سەنده احداث ايلديكى اوطه سەنك سچاغنى
قومشوسەنك خانه سى اوزرينه اوزاده ماز . اوزادر سه
اول خانه اوزرينه كلان مقدارى قطع اولنور

۱۱۹۶ ماده

بركيسەنك باغچه سەنده كي اغاجك داللى قومشوسەنك

خانه سی یاخود باغچه سی اوزرینه اوزامش اولسه اول
دالاری باغلا یوبده کیرو چکدیرمک یاخود کسدرمک ایله
کندو هواسنی تفریغ ایتدیرمکه قومشوسنک صلاحیتی
واردر

اما اغاجک کولکه سی قومشوسنک باغچه سنده کی
مزروماته مضردر دیو اغاج کسیله مز

۱۱۹۷ ماده

هیچ کیسه ملکینده تصرفدن منع اولنهماز • مکرکه
آخره ضرر فاحشی اوله • اول حالده منع اولنه بیلور •
ته کیم فصل ثانیده تفصیل اولنور

(فصل ثانی)

(معاملات جواریه حقینده در)

۱۱۹۸ ماده

هرکس کندی ملکی اولان حائط اوزرینه دیلدیکی
قدر چیقار واستدیکی شیئی یاپار ضرر فاحشی اولدجه
قومشوسی مانع اوله ماز

۱۱۹۹ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن کتورن وانهدامنه
سبب اولان یاخود حوایج اصلیه یی یعنی سکنی کبی

بنادان مقصود اولان منفعت اصلیه یی منع ایدن شیلر
ضرر فاحشدر

۱۲۰۰ ماده

ضرر فاحش بآی وجه کان دفع ایتدیریلور

مثلا بر خانه نك اتصالنده تیمور جی دکانی یاخود دکرمن یاییلویده
تیمه ر ضربندن یادکرمنك دورانندن اول خانه نك ناسنه وهن كلك
یاخود فرون احداث ایله توتونك کثرتندن ویا بزرخانه احداث
ایله رایحه کریهه سندن اول خانه ده اوتوریا به میه جق مرتبه صاحی
متأذی اولمق ضرر فاحش اولمغله بو ضرر لر بآی وجه کان دفع وازاله
ایتدیریلور

و کذا بر کیمسه دیگرك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق احداث
ایدرك دکرمنه مسو اجرا ایتکله خانه نك دیوارینه وهن کلسه یاخود
بر کیمسه قومشوسنك دیوارینك دینی مزبیه اتخا ذ و سپورندی
القا ایتکله دیوار چوریه دیوارك صاحی ضررینی دفع ایتدیر

کذلک برینك خانه سی قربنده دیگرك احداث ایله دیکی خرمنك توزی
کلكله اول خانه ده طوریا به میه جق مرتبه صاحی متأذی اولسه
ضرری دفع ایتدیریلور

نته کیم برینك خرمن یری قربنده دیگرى بر مرتفع بنا احداث ایله
خرمنك روزکاری سی سد ایلسه ضرر فاحش اولمغله رفع ایتدیریلور
کذلک بر کیمسه بزازلر چارشوسنده آشجی دکانی احداث ایدوبده توتونی
قومشوسنك امتعه سنه اصابت ایله ضرر فاحشی اولسه دفع ایتدیریلور
و کذلک بر کیمسه نك خانه سنده کی کاریز یاریلویده قومشوسنك
خانه سنه جریان ایتکله ضرر فاحش اولسه قومشوسنك دعواسی
اوزرینه اول کاریزك تعمیر واصلاحی لازم کلور

۱۲۰۱ ماده

بر خانه نك هوا سنی یا خود نظارتی کسمک و یا خود
کونشک دخولنی منع ایتک کبی حوایج اصلیه دن اولیان
منافعه مانع اولق ضرر فاحش دکادر

فقط ضیایی بالکلیه سد ایتک ضرر فاحشدر

بناء علیه بر کیمسه بر بنا احداث ایله قومشوسنک بر پنجره لی
اولان او طه سنک پنجره سنی سدا یدوبده یازی او قونه میه جق
مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ایتدیریلور .
قیوسندن ضیا السون دینیه مز . زیرا او طه سنک
قیوسی صوغوقدن واسباب سائر دن ناشی قیانمغه محتاج
اولور

واکر او طه نك ایکی پنجره سی اولوبده بریسی بروجه
بالا بنا احداثیه سدا یدلمش اولسه ضرر فاحش عد
اولتماز

۱۲۰۲ ماده

مطبخ وقوی باشی و خانه نك حولیسی کبی مقرنسوان
اولان محلك کورنمی ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلک بر کسنه نك خانه سنده احداث ایلدیکی
پنجره سندن یا خود مجدداً انشا ایلدیکی بنانک پنجره سندن
جار ملاصقنک یا خود زقاق آشوری خانه سی اولان

بر کیمسه نك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه
 بوضررک رفعیله امر اولنور . اول مکسنه دخی نسوان
 کورنیه جک صورتده دیوار یاخود تخته پرده یاپوب اول
 ضرری دفع ایتکه مجبور اولور . اما بهر حال پنجره سنی
 سد ایتک اوزره جبر اولنه ماز

نته کیم چیتدن معمول بر حائطک ارالغندن قومشونک
 مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقری
 سد ایتک اوزره حائطک صاحبنه امر اولور . اما
 یقوبده دیوار یا یاق اوزره جبر اولنه ماز

(۲۲) ماده یه باق

۱۲۰۳ ماده

برینک انسان بویندن یوکسک یرده پنجره سی اولوبده
 احتمالکه نردبان وضعیله قومشوسنک مقرنسوان اولان
 محله نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره یی سد ایتدیره من
 (۷۴) ماده یه باق

۱۲۰۴ ماده

باغچه مقرنسوان عد اولماز

بناء علیه بر کیمسه نك خانه سندن قومشوسنک مقرنسوان اولان محلی
 کورنیموب فقط باغچدسی کورنمکله قومشوسی مجرد ارالقده نسوان
 باغچه یه چیتدده خانه کدن کورنمکله باغچده اولان نظارتکی کس
 دبه من

۱۲۰۵ ماده

برکیمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیققدقه قومشوسنک
مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه اول کسنه
اغاجک اوزرینه چیقجه جق اولدقه نسوان تسستر ایتک
ایچون اخبار ایتک لازمدر . اخبار ایتدیکی تقدیرده حاکم
انی بلا اخبار اول اغاجه چیقهمقدن منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی کشی بیلرلنده مشترک اولان قوناغی تقسیم ایتدکارلنده
برینک حصه سنده اصابت ایدن محلدن دیکرینک مقرنسوان
اولان محلی کورینور اولسه مشترکا بیلرلنده برستره اتخاذا
ایتملی ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

برکیمسه مشروع اولهق ملککنده تصرف ایتدکده ایکن
بشقه سی انک یاننده بنا احداثیه کندوسی متضرر اولسه
ضررینی انجق کندو دفع ایتک لازم کلور

مثلا برخاندهک قدیمی پنجره لرندن دیکر کسندهک محدث خانه سندن
مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث خانه صاحبی مضرتنی
کندو دفع ایتک لازم کلور . عتیق خانه صاحبندن ادعایه صلاحیتی
یوقدر . ته کیم برکسه تیمورجی دکانده متصل عرصه سنده برخانه احداث
ایلسه تیمور ضربندن خانه ده ضرر فاحش ترتب ایدیور دیو دکانی
تعطیل ایتدیره مز . وکذا اسکیدن خرمن یری اولان برمحاک قربنده
بری خانه احداث ایتدکده خرمنک توزی خاندن اوزرینه کلیور دیو
خرمن صاحبنه بوراده خرمن دوکه دیه مز

۱۲۰۸ ماده

بر منزلت قدیمی یعنی عتیق پنجره لرندن قومشوسنک عرصه
خالیه سی کورینور کن منزل محترق اولدقده اولاقومشوسی
اول عرصده خانه احداث ایتدکن صکره اول منزل
دخی صاحبی وضع قدیمی اوزره بنا ایدرک آچدیغی
پنجره لر دن اول محدث خانه نک مقرنسوان اولان محلی
کورینور اولسه بومضررتی خانه صاحبی کندو دفع ایتک
لازم کاور . صاحب منزله نظارتکی کس دیو جبر
ایده من

۱۲۰۹ ماده

بر کیمسه نک خانه سنده احداث ایلدیکی پنجره لر ایله
قومشوسنک مقرنسوان اولان مواضعی بیلنده قومشوسنک
بریوکسک اوطه سی اولغله مقرنسوان اولان محلی اول
پنجره لر دن کورنمز ایکن قومشوسی اول اوطه یی هدم
ایتمکله اول پنجره لر دن قومشوسنک مقرنسوان اولان محلی
کورینور اولسه قومشوسی مجرد پنجره لر محدث ایدی انکچون
نظارتکی کس یاخود پنجره لری سد ایتدیه میوب مضررتی
کندو دفع ایتک لازم کاور

۱۲۱۰ ماده

حائط مشترکی صاحب لر دن بری دیگرینک اذنی اولدقده

ترفع ایدمهز و اوزرینه کوشک و سائرہ یاپدہمز . کرک آخرہ
مضر اولسون و کرک اولسون

فقط بریسی عرصہ سی اوزرینه او طہ بنا ایتک اوزرہ
کیرش وضع ایدہ جک یعنی کیرش لک اوجلرینی اول حائط
اوزرینه بندیرہ جک اولسہ مشارکی اکا مانع اولہ ماز .
لیکن اون قدر کیرش وضع ایدہ جک ایسہ مشارکنک
دخی اولقدر کیرش وضعنه حق اولہ جغندن حائط نقدر
کیرش وضعنه متحمل ایسہ انجق نصفی قدر کیرش وضع
ایدہ بیلوب زیادہ یہ تجاوز ایدہمز

واکر اول حائط اوزرنده فی الاصل ایکسینک دخی
مساوات اوزرہ کیرش لری اولدیغی حالده بری کنندی
کیرش لرینی تزید ایدہ جک اولسہ آخری منع ایدہ بیلور

۱۲۱۱ ماده

حائط مشترک صاحب لرندن بری اول حائط اوزرنده کی
کیرش لک محالرینی صاغہ صوله و اشاغیدن یوقارویہ
دکش دیرہمز . اما کیرش لک اوجلری یوکسکده ایکن
ایندیروبدہ حائطک دها اشاغیسنه وضع ایدہ بیلور

۱۲۱۲ ماده

برکیمسہ نک صوقویسی قربنده قومشوسی برککینف
یا کاریز یاپوبده اول قوینک صوینی افساد ایلسہ

ضرری دفع ایتدیریلور . و بروجله دفع ضرری قابل
اولماز ایسه او کنیف یا کاریز قیاتدیریلور
کذلک برصویولنک یاننده برینک یایدیغی کاریزک چرکابی
صویه واصل اوله رق ضرر فاحشی اولوبده قیاتمقدن
غیری صورتله دفع ضرری قابل اولسه اول کاریز
قیاتدیریلور

(فصل ثالث)

(طریق حقه در)

۱۲۱۳ ماده

بر طریق ایکی طرفنده خانه سی اولان کیمسه برندن
دیگرینه کوپری انشا ایده جک اولسه منع اولنور . اما
انشا ایتدکن صکره اگر مارویه ضرری یوق ایسه هدم
اولماز

فقط بویه طریق عام اوزره یاپیش اولان کوپریلرده
وشهنشینلرده حق قرار اولماز . ببناء علی ذلک
بروجه بالا طریق عام اوزره انشا اولنان کوپری منهدم
اولدقدن صکره صاحبی بنا ایده جک اولسه ینه منع
اولنه بیلور

۱۲۱۴ ماده

طریق عام اوزرنده الحق چیقندیلر و شهنشینلر کی مارویه

ضرر فاحشی اولان شیلر قدیم اولسه بيله رفع ایتدیریلور
(۷) ماده یه باق

ماده ۱۲۱۵

برکیمسه خانه سنی تعمیر ایده جک اولدقده ماره یه ضرر
ویرمامک شرطیله طریقک برطرفنده سریعا چامور یاپوب
بناسنه صرف ایده بیلور

ماده ۱۲۱۶

لدی الحاجه امر سلطانی ایله برکسنه نک ملکی قیتمیله
النوب طریقہ الحاق اولنه بیلور . فقط تأدیة ثمن اولندججه
ملکی یدندن اننه ماز (۲۵۱) و (۲۶۲) ماده لره باق

ماده ۱۲۱۷

ماره یه مضرتی اولدیغی حالده برکسنه طریقک فصله
اولان یرینی ثمن مثلیله جانب میریدن الوب خانه سنه الحاق
ایده بیلور

ماده ۱۲۱۸

طریق عامه کیم اولور ایسه اولسون مجدد قپو
آچه بیلور

ماده ۱۲۱۹

طریق خاصده حق مروری اولیان کسنه مجددا قپو
آچه ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق و مروری اولنلرك ملك مشتركارى
كبیدر

بناء علیه طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینك اذنی
اولمدجه كرك مضر اولسون و كرك اولسون اول طریقده
برشی احداث ایدمز

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقك اذنی
اولمدجه مجددا بنا ایلدیكى خانه سنك طامله سنی اول
طریقده اقیده ماز

۱۲۲۲ ماده

برکیمسه طریق خاصده اولان قپوسنی سد ایتمكه حق
مروری ساقط اولماز

بناء علیه صكره كندوسنی و خانه سنی صماتسه مشتریسى
تكرار قپوسنی آچه بیلور

۱۲۲۳ ماده

طریق عامدن مرور ایدنلرك كثر از دحامدن ناشی طریق
خاصه دخول ایتمكه حقلرى وارد

بناء علیه بر طریق خاص اصحابی بینلرنده بالاتفاق اول
طریق خاصی صماته مازلر • و بینلرنده تقسیم ایدمز
واغزینی سد ایلیمه مازلر

(فصل رابع)

(حق مرور و مجری و مسیل بیانده در)

۱۲۲۴ ماده

حق مرورده و حق مجراده و حق مسیلده قدومه اعتبار
اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترك وابقا
اولنورلر

زیرا (۶) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره
ابقا اولنور ، و خلافتنه دلیل اولدجه تغیر اولنماز
اما شرعه مخالف اولان قدیمه اعتبار یوقدر . یعنی
فی الاصل نامشروع اوله رق یا پلش اولان شی قدیم
اولسه ده اکا اعتبار اولنمیوب ضرر فاحشی وار ایسه
ازاله اولنور (۲۷) ماده یه باق

مثلا بر خاندنک چرکابی از قدیم طریق عامه جاری اوله کله
وماره یه ضرری اولسه قدمنه اعتبار اولنمیوب ضرری دفع
ایتدیریلور

۱۲۲۵ ماده

برینک عرصه سندن دیگر کسنه نك حق مروری اولدیغی
حالده عرصه صاحبی آنی مرور و عبور دن منع ایدمز

۱۲۲۶ ماده

مېيىك اباچه سندن رجوعه صلاحيتى واردر . و بر ضرر
اذن و رضا ايله لازم اولماز

بناء على ذلك بر كسنة ديكر ك عرصه سندن حق مرورى اولديغى حالده
مجرد صاحبك اذنيه بر مدت مرور ايتد كدن صكره صاحبي ديلرسه
اتي مرور دن منع ايده بيلور

۱۲۲۷ ماده

برينك عرصه سندن بر ممر معينده حق مرورى اولان
كسنة نك اذنيه صاحب عرصه اول ممر اوزرينه بنا
احداث ايلسه اول كسنة نك حق مرورى ساقط اولوب
صاحب عرصه ايله ارتق مخاصمه يه حقي قالماز
(۵۱) ماده يه باق

۱۲۲۸ ماده

برينك عرصه سندن ديكر كسنة نك خرقى يا خود صويولى
بحق جارى اوله كلور كن عرصه صاحبي فيما بعد اجرا
ايتدير مم ديو منع ايده من
وبونلر اصلاح و تعميره محتاج اولدوقده ممكن ايسه
صاحبي مجرايه دخول ايله بونلرى اصلاح و تعمير
ايدر

اما اول عرصه يه كيرمدجكه تعميرلرى ممكن اولديغى
حالده صاحبي عرصه سندن كيرمكه اذن و يرمن ايسه

حاکم طرفندن کندوسنه یا عرصه که کیرمک اوزرد اذن
ویر یا خود سن تعمیر ایت دیو جبر اولنور

ماده ۱۲۲۹

برخانهک یا غمور صولری از قدیم قومشونک خانه سته
آققدده اولدیغی حالده قومشوسی بوندن صکرده اقمم دیو
منع ایده من

ماده ۱۲۳۰

برطریقده اولان خانه لک طامله لری از قدیم اول طریقده
منصب و اورادن الت طرفنده واقع بر عرصه ایچندن
جاری اوله کلورکن عرصه صاحبی عرصه سنده کی مسیل
قدیمی سد ایده من . سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی
رفع ایله وضع قدیمه ارجاع اولنور

ماده ۱۲۳۱

برکسنه محدث او طه سنک طامله سنی آخرک خانه سته
اقیده ماز

ماده ۱۲۳۲

برخانهده حق مسیلی اولان کاریزی خانه صاحبی یا خود
صاتار ایسه مشتری کی کافی السابق اقمندن منع ایده من

ماده ۱۲۳۳

برخانهدن بحق جاری اولان کاریز طولوب یا خود

یار یلو بده خانه صاحبنه ضرر فاحش اولسه کار یزک
صاحبی بو ضرری دفعه مجبور اولور

(باب رابع)

(شرکت اباچه بیاننده اولوب یدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباح اولوب اولمیان شیر بیاننده در)

۱۲۳۴ ماده

صو واوت و آتش مباحدر . ناس بو اوچ شیده
شرکادر

۱۲۳۵ ماده

یر التنده جریان ایدن صولر کیمسه نك ملكی دکادر

۱۲۳۶ ماده

بر شخص مخصوصك سعی و عملی ایله استنباط اولنش
اولیو بده ناسك انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس
مشترک و مباح اولان شیر دندر

۱۲۳۷ ماده

دکزلر و بیوک کوللر مباحدر

۱۲۳۸ ماده

مملوک اولمیان انهار عامه که مقاسمه یعنی بر جاعتك ملكی

اولان مجرالرہ داخل اولیان نہرلدر • بونلر دخی
مباحدر

نیل و فرات و طونہ و طونجہ کی

۱۲۳۹ مادہ

انہار مملو کہ یعنی بروجہ مشروح مقاسمہ داخل اولان
نہرلر ایکی نوعدر

نوع اول • اول نہرلدر کہ صوی بی الشرکا متفرق
و منقسم اولور فقط انلرک اراضیسندہ تماماً محو اولیوب
بقیہ سی عامہ یہ مباح اولان مفازلرہ یعنی قیرلرہ جریان ایلر
بو قبیلدن اولان نہرلر من وجہ عام اولدیغندن بونلرہ
دخی نہر عام دینلور بونلردہ دخی شفعہ جاری اولماز

نوع ثانی • نہر خاصدر کہ صوی اشخاص معدودہ نلک
اراضیسندہ متفرق و منقسم اولور • و اراضیلر نلک
نہایتنہ وارنجہ محو اولوب برمفازہ یہ منفذی اولماز •
ایشته شفعہ انجق بونوعدہ جاری اولور

۱۲۴۰ مادہ

برکیمسہ نلک اراضیسندہ نہرک کتوردیکی چامور انلک
ملکیدر • دیگر کمسنہ اکا تعرض ایدہ من

۱۲۴۱ مادہ

صاحبسز یرلردہ خدای نابت اولان اوتلر مباح اولدیغی

کبی بر کیمسه نك ملكنده سببیتی اولمقسزین خدایی نابت
اولان اوتلر دخی مباحدر

اما بو خصوصده اول کیمسه نك تسبی اولسه شویله که
اراضیسنی سقی ایتسه یاخود اطرافنه خندق چو یرمک
کبی بر وجهله انبات ایچون اعداد وتهیه ایلسه اول
اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنك مالی اولور .
آخر کمسنه انلردن برشی الهمز . الوبده استهلاك ایدرسه
ضامن اولور

۱۲۴۲ ماده

اوت . ساقی اولمیان نباتات اولوب اشجاره شامل
اولماز

منتار دخی اوت حکمندهدر

۱۲۴۳ ماده

جبال مباحده یعنی کمسنه نك ید تملکنه یکمامش اولان
طاغلرده کی خدایی نابت اغاجلر مباحدر

۱۲۴۴ ماده

بر کیمسه نك ملكنده خدایی نابت اولان اغاجلر کندوسنك
ملکیدر . انك اذنی اولمدجه بشقه سی انلری احتطاب
ایدهمز . ایدرسه ضامن اولور

۱۲۴۵ ماده

بر کیمسه بر آغاجی آشیله سه آشی قلندن سورن فلیرلر

کندوسنک ملکی اولدیغی کبی میوهلری دخی انک
اولور

۱۲۴۶ ماده

بر کیمسه نک نفسیچون ا کدیکی تخمک هر درلو حاصلاتی
کندی مالیدر کسنه طرفندن تعرض اولنه ماز

۱۲۴۷ ماده

آو مباحدر

(فصل ثانی)

(مباح اولان شیلرک کیفیت استملا کی بیاندهدر)

۱۲۴۸ ماده

اسباب تملک اوچدر . برنجیسی بیع و هبه کبی ملکی
بر مالکدن دیگر مالکله ناقلدر . ایکنجیسی ارث کبی
بر کسنه نک دیگره خلف اولسیدر . اوچنجیسی مالکی
اولیان بر مباح شیئی اله کچور مکدر . بودخی یا حقیقیدر که
اول شیئه حقیقه وضع ید ایلکدر یا خود حکمیدر که
یا غمور صوی بر کدیرمک ایچون بر قاب قویق و آو ایچون
طوزاق قورمق کبی سببنی تهیئه ایله اولور

۱۲۴۹ ماده

هر کیم که مباح اولان شیئی احراز ایلسه اکا مستقلا مالک
اولور

مثلا بر کیمسه نك دستى يا خود فوچى كى بر قاب ايله بر نهر دن الديغى
صو اول قاب ايچنده محرز و محفوظ اولغله اول کیمسه نك مالى
اولور . بشقه سنك اندن انتفاعه صلاحيتى يوقدر . و صاحبك
اذنى اولقسزین بشقه سى اخذ و استهلاك ايدرسه ضامن اولور
ماده ۱۲۵۰

احرازك قصده مقرون اولمسی لازمدر

بناء عليه بر کیمسه يا غور صويى الملق قصديه بر محله بر قاب قويدقه
اول قاب ايچنده طو پلانان يا غور صويى اول کیمسه نك مالى اولور .
كذلك صو بر كدرمك ايچون انشا اولنان حوض و صهر يچده كى
صو صاحبك ماليدر . اما بر کیمسه نك بغير قصد بر محله وضع
ايتديكى قاب دروننده بر يكن يا غور صويى كندوسنك مالى اولماز .
بشقه بر كسنه آنى اخذ ايله استهلاك ايدريلور (۲) ماده يه باق
ماده ۱۲۵۱

صويى احرازده ارقه سى منقطع اولمق شرطدر
بناء عليه ايچندن صو صيران قويدقه كى صو محرز اولماز .
صاحبى اباحه ايتكسزین ديكر كسنه اويله بر قويدقه
صير و بده مجتمع اولان صويى اخذ و استهلاك ايلسه ضمان
لازم كلز

وكذا صويى متتابع الورود اولان يعنى بر طرفندن نقدر
صو چيقارسه ديكر طرفندن او قدر صو كيرن حوضلرده كى
صو محرز دكلدر

۱۲۵۲ ماده

خدایی نابت اوتلر طویلامغله و بیچوب دمت ایتمکه احرار
اولنش اولور

۱۲۵۳ ماده

جبال مباحده خدایی نابت اولان اناجلری کیم اولور سه
اولسون احتطاب ایده بیلور . و مجرد احتطاب ایله
یعنی طویلامغله انلره مالک اولور . باغلامق شرط
دکدر

(فصل ثالث)

(مباح اولان شیلرک احکام عمومی سی بیانده در)

۱۲۵۴ ماده

مباح ایله هرکس انتفاع ایده بیلور . فقط سائر ضرر
ویر مامک ایله مشروطدر

۱۲۵۵ ماده

مباح اولان شیئی اخذ و احرار ایتمکدن بر کیمسه آخر
کیمسه یی منع ایده من

۱۲۵۶ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هرکس
حیواننه یدیره بیلور و انلردن ایستدیکی قدر اخذ و احرار
ایده بیلور

۱۲۵۷ ماده

برکیمسەنک ملکینده کندوسنک تسبی اولقسزین خدایی
نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه ده صاحبی کندی
ملکینه آخری دخولدن منع ایده بیلور

۱۲۵۸ ماده

برکیمسەنک جبال مباحه دن طویلایوبده اوراده براقدیغی
اودونلری بشقه سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد
ایده بیلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه ده وصاحبسز وادیلرده و مرعالرده کی
صاحبسز اغاجلرک میوه لرینی کیم اولورسه اولسون
دیوشیره بیلور

۱۲۶۰ ماده

برکیمسه برینی قیردن اودون طویلامق یاخود آوطوتمق
ایچون استیجار ایتسه اول اجیرک طویلادیغی اودون
ویا طوادیغی آومستأجرک اولور

۱۲۶۱ ماده

برکیمسه کندی ملکینده آتش یاقسه سائرینی ملکینه
دخول ایله انتفاعدن منع ایده بیلور

اما کیمسەنک ملکی اولمیان صحرا ده بری آتش یاقسه سار
ناس انکله انتفاع ایده بیلور • شویله که انکله ایصینه بیلور •

وضیاسنده برشی دیکه بیلور • واندن قندیلنی یاقه بیلور •
آتشک صاحبی مانع اوله ماز • فقط صاحبک اذنی
اولمدجه کسنه اول آتشدن برقور اله مز

(فصل رابع)

(حق شرب وشفه بیاننده در)

۱۲۶۲ ماده

شرب • اکین و حیوان صولامق ایچون صوایله انتفاع ایتک
نوبتیدر

۱۲۶۳ ماده

حق شفه • صوایچمک حق دیمکدر

۱۲۶۴ ماده

هرکس هوا وضیا ایله انتفاع ایلدیکی کبی دکزلر و بیوک
کوللر ایله دخی انتفاع ایده بیلور

۱۲۶۵ ماده

مملوک اولمیان نهرلردن هرکس اراضیسنی سقی ایده بیلور •
واراضیسنی سقی ایتک و دکرمن انشا ایلک اوزره
جدول و خرق آچه بیلور • فقط سائره مضرتی اولمامق
شرطدر

بناء علیه صوی طاشیروبدنه خلقه ضرر ویرسه یاخود

نهرک صوینی بتون بتون کسلسه ویاخود قایقلرک سیرینه
مانع اولسه منع اولنور

۱۲۶۶ ماده

محرز اولمیان صوده جله انسان و حیوانلرک حق شفہ سی
واردر

۱۲۶۷ ماده

انهار مملوکه نیک یعنی مجاریء مملوکه یه داخل اولان صولرک
حق شربی اصحابنکدر . سائرینک انلرده حق شفہ سی
واردر

بناء علی ذلک بر جماعته مخصوص اولان نهردن یاخود برینک
خرقندن یا قناتندن یاخود قویلسندن بلا اذن بشقه سی
اراضیسی سقی ایده مز . فقط حق شفہ سی اولق
حسبیلله صو ایچه بیلور . و حیوانلرینک کثرتی حسبیلله
نهرک یا خرقک و یاخود قناتک تخریبندن خوف اولنماز ایسه
حیوانلرینی دخی کتوروب صولایه بیلور . و برده
دستی و فوچی ایله صو الوب خانه سنه و باغچه سنه
کو توره بیلور

۱۲۶۸ ماده

برکیمسه نیک ملکی دروننده صوینی متابع الورود اولان
برحوض یاخود برقوینی و یاخود برنهر اولدیغی حالده

صو ایچمک ایستیان کسنه ملکنه دخولدن منع
ایده بیلور

لیکن قربنده بشقه ایچه جک مباح صو بولماز ایسه
ملک صاحبی یا اول کیمسه صو چیقارمغه ویاخود
کیروبدنه صو المسی ایچون رخصت ویرمه مجبور در .
و صو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه نك کیروبدنه صو
المغه حق واردر . فقط بشرط السلامه در . یعنی
حوضك یا قویینك ویاخود نهرك کنارینی بوزمق کی
برضرر ایتماسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

برنهر مشترکده حصه دار اولان کیمسه دیگرلرک اذنی
اولمدجه اندن دیگر برنهر یعنی جدول ویاخرق آچاماز .
وقدیم نوبتنی تبدیل ایلیمز . و کندی نوبتنی اول
نهردن حق شربی اولمیان دیگر اراضیسنه سوق ایده مز .
و بوشیلره دیگر حصه داران رضا ویرسه لر بعده کندولری
یاخود وارثلری رجوع ایده بیلورلر

(فصل خامس)

(احياء موات حقننده در)

۱۲۷۰ ماده

اراضی موات . اول یرلر در که کسنه نك ملکی و برقصه

وقریه نك مرعاسی یا محتطی یعنی بالطه لغی اولدیغی حالده
اقتصادی عمراندن بعید اوله

یعنی قصبه یا قریه نك الك کنارنده کی خانه لرندن جهیرالصوت
اولان کیمسه نك صداسی استماع اولمیه

۱۲۷۱ ماده

عمرانه قریب اولان یرلر اهالی یه مرعی و خرمن یری
و محتطب اولمق اوزره ترك اولنور . و بو یرلره اراضی
متروکه دینلور

۱۲۷۲ ماده

بر کیمسه اذن سلطانی ایله اراضی مواتدن بریری احیا
و اعمار ایلسه اکا مالک اولور

واکر سلطان یا خود و کیلی بر کیمسه یه بریردن مجرد انتفاع
ایدوبده تملک ایتماک اوزره احیاسنه اذن و یرسه اول
کیمسه مأذون اولدیغی وجهله اول یرده تصرف ایدر .
اما اول یره مالک اولماز

۱۴۷۳ ماده

بر کیمسه بر قطعه اراضینک بر مقدارینی احیا ایدوبده باقیسنی
ترك ایتسه احیا ایتدیکی محللره مالک اولوب باقیسی انک
اولماز

فقط احیا ایلدیکی اراضینک اورته سننده بر مقدار محلی خالی
قالسه اول محل دخی انک اولور

۱۲۷۴ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یری احیا ایتدکن صکره
دیگر کسینه لر دخی کلوب درت طرفنده کی یرلری احیا
ایتسه لر اول کیمسه نك یولی اك صکره احیا ایده نك
اراضیسنده تعین ایدر . یعنی انك یولی اورادن اولور

۱۲۷۵ ماده

تخم اتمك وفدان دیکمك ارضی احیا اولدیغی كبی
نطاس ایلک یاسقی ایتك یاخود سقی ایچون خرق وجدول
ایچق دخی اخیادر

۱۲۷۶ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یرك اطرافنه دیوار چکسه
یاخود سیل صویندن محافظه ایده جك قدر اطرافنی
یوکسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتش اولور

۱۲۷۷ ماده

طاش یاخود دیکن ویاقوری اغاج دالاری وضع ایدرك
اراضینك جوانب اربعه سنی احاطه ایتك یاخود
اراضینك اوتلرینی ایقلامق ویاخود ایچنده کی دیکنلری
یاقق ویاخود قوی قازمق اول اراضی بی احیا دیمك
اولیوب انجق تحجیردر

۱۲۷۸ ماده

بر کیمسه اراضی مواتده اولان او تلی یادیکنلری بیچوب
واراضینک اطرافنه وضع ایله اوزرلرینه طوپراق دخی
وضع ایدوب انجق سیل صوینه مانع اوله جق وجهله
مسناتی اتمام ایلمسه اول اراضی یی احیا ایتش اولیوب
فقط تحجیر ایتش اولور

۱۲۷۹ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر محلی تحجیر ایتسه اوچ سنه
مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوچ سنه یه قدر
احیا ایتز ایتسه حق قالماز . واحیا ایتک اوزره بشقه سنه
ویریه بیلور

۱۲۸۰ ماده

بر کیمسه نك اذن سلطانی ایله اراضی مواتده قازدیغی
قوی کندوسنک ملکیدر

(فصل سادس)

(اراضی مواتده اذن سلطانی ایله حفر اولنان قویلرک)

(واجرا اولنان صولرک و غرس اولنان اغاجلرک)

(حریمی بیانده در)

۱۲۸۱ ماده

قوینک حریمی یعنی حولیسنک حقوقی هر طرفدن قرقر آر شوندر

۱۲۸۲ ماده

كوزلرك يعنى بىردن چىقاريلوبدە صويى يىوزندە
جارى اولان منبعـلرك حريمى ھىر طرفدن بشىر يوز
آرشوندر

۱۲۸۳ ماده

ھىر وقت ايقلانمغە محتاج اولميان نھىر كبرىك ايكى طرفدن
حريمى نھىرك نصفى قىددىر كە ايكى طرفدەكى حريملىرىنىڭ
مقدارى نھىرك عرضىنە مساوى اولور

۱۲۸۴ ماده

ھىر وقت ايقلانمغە محتاج اولان نھىر صغىرىك يعنى خىرقلىك
وجدوللارك وىبردە يىرالتىدەكى قىئاتىك حريملىرى ايقلانە جىقلىرى
وقت طاشلىرىنى وچامورلىرىنى طرح والقا اىچون لىزومى
قىددىر يىدر

۱۲۸۵ ماده

صويى يىوزندە جارى اولان قىئاتىك حريمى كوزلركى
ھىر طرفدن بشىر يوز آرشوندر

۱۲۸۶ ماده

قويىلرك حريمى صاحىبلىرىنىڭ ملكىدىر • بشىقەسى اندە
بىر وجهلە تصىرف ايدەمىز • وىر كىمىسە دىكىرىنىڭ حريمىندە
قويى قازىسە قىياتدىرىلور

منبع لرك ونهر لرك وقنواتك حریملى دخی بو وجهه
اوزره در

۱۲۸۷ ماده

برقویینک حریمی قربنده دیکری اذن سلطانی ایله بر قوی
حفر ایتسه سائر جهتلردن بو قویینک دخی قرق آرشون
حریمی اولور . اما اولکی قویینک جهتنده انک حریمه
تجاوز ایده من

۱۲۸۸ ماده

برقویینک حریمی خارجنده بر کسینه قوی قازوبده
اولکی قویینک صوی بو قوییه کیتسه برشی لازم
کلز

ته کیم بر کسینه دیکرک دکانی یاننده دکان آچوبده اولکی
دکانک اخذ واعطاسی کاسد اولسه ایکنجی دکان سد
اولنه من

۱۲۸۹ ماده

اراضی مواتده اذن سلطانی ایله غرس اولنان اغاجک
حریمی هر طرفدن بشر آرشوند . بومسافه دروننده
بشقه سی اغاج غرس ایده من

۱۲۹۰ ماده

دیکرک عرصه سی ایچنده جریان ایدن خرقک ایکی

طرفدن صويي طوته جق قدر کنارلری خرق صاحبنکدر
وايکی طرفدن کنارلری مرتفع ايسه بومرتفع يرلر دخی
کذاک خرق صاحبنکدر

واکر کنارلری مرتفع اولیوبده اوزرلرنده کړک عرصه
صاحبنک وکړک خرق صاحبنک مغروس اغاجلری اولق
کبی برینک ذی الید اولدیغنه دائر بر دلیل دخی بولنمز ايسه
اول حالده بویرلر عرصه صاحبنکدر . فقط خرق صاحبی
دخی خرقنی ایقلايه جغی وقت چامورینی ایکی طرفه طرح
والقا ایتکه حتی واردر

۱۲۹۱ ماده

بر کیمسه نک کندی ملککنده حفر ایلدیکی قویینک حریمی
یوقدر . قومشوسی دخی انک یاننده وکندی ملککنده
دیگر برقویی حفر ایده بیلور . واول کیمسه بنم قویینک
صوینی جذب ایدر دیو قومشوسنک قویی حفر ایتسنه
مانع اوله مز

(فصل سابع)

(احکام صیده دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۲۹۲ ماده

کړک مزراق وتفنک کبی آلات جارحه ايله وکړک آغ

وطوزاق کبی شیرله و کرک معلم کلب کبی آزیلی حیوانلر
ومعلم طوغان کبی یرتجی قوشلر ایله آوطوتمق جائزدر
۱۲۹۳ ماده

صید یعنی آو انساندن متوحش اولان یبانی حیواندر
۱۲۹۴ ماده

حیوانات اهلیه صید اولمادیغی کبی انسان ایله مأنوس
اولان یبانی حیوانلر دخی صید اولتماز

بناء علی ذلک امثالی دلائیله یبانی اولمادیغی معلوم اولان کوکر جین
یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان و بویننده طاسمه بولساں کیك
طوتلسه لقطه قیلندن اولوب صاحی ظهورنده و یرمک اوزره
طوتان کیمسه نك انی اعلان ایتمسی لازم کلور

۱۲۹۵ ماده

صیدک انساندن ممتنع اولمسی یعنی ایاقلریله یاخود قنادلریله
صاوشوب قورتیله بیله جک حالدده بولنمسی لازمدر
قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلاً برکیك
برقوییه دوشسه حال صیدیتدن چیقماش اولور

۱۲۹۶ ماده

کیمکه بر آوی حال صیدیتدن چیقاررسه انی طوتمش
اولور

۱۲۹۷ ماده

آو طوتانکدر

مثلاً بر کیمسه بر آوه آتوبده انی قاچوب قورتيله ميه جق صورتده
جرح ايلسه اكا مالك اولور . اما خفيفجه يعنى قاچوب
قورتيله بيله جك صورتده جرح ايتمكه اكا مالك اوليوب ديكر كمسه
انى اورمغله ياخود ديكر صورتله طوتسه اكا مالك اولور
وكذا بر کيمسه بر آوى اوروب دوشوردكد نصره اول آو قالقوبده
قجاركن ديكر كمسه انى اخذ ايله استملاك ايدم ييلور
ماده ۱۲۹۸

ايكى صيادك قورشونلرى بردن بر آوه اصابت ايلسه اول
آو ايکيسى بيلنده مناصفة مشترك اولور
ماده ۱۲۹۹

ايكى کيمسه کلب معلمرين صاليو يرونده ايکيسى بر آوه
اصابت ايتسه اول آو صاحبلى بيلنده كذلك مشترك
اولور . واکر هربرى برر آو طوتسه هربرينك طوتديغى
آو صاحبينك اولور

كذلك ايكى کيمسه کلب معلمرين صاليو يرونده برى آوى
دوشورمش وديكرى اولدرمش اولديغى صورتده اكر
اولکيسينك کلبى انى قاچوب قورتيله ميه جق حاله كتورمش
ايسه اول آو آنکدر

ماده ۱۳۰۰

بر کيمسه نك خر قنده ياجدولنده اولامقسين طوتيله ماز
اولان بالقلرى ديكر كمسه صيد ايله استملاك ايدم ييلور

۱۳۰۱ ماده

بر کیمسه صو کنارنده صید ماهی ایچون بر یر تهیئه ایدرک
اورایه بر چوق بالق کلوبده صو ازاله رق اول بالقلر
آولامغه محتاج اولمقسزین طوتیله بیلور اولسه اول بالقلر
اول کیمسه نك اولور

اما اول محله صویك کثرتدن ناشی بالقلرک طوتلمسی
آولامغه محتاج اولسه بوبالقلر اول کیمسه نك اولمیوب دیگر
کسنه انلری صید ایله استملاک ایدهبیلور

۱۳۰۲ ماده

بر کیمسه نك خانه سینه بر آو کیروبده انی طوتیق ایچون
قیوسنی سد ایلسه اکامالک اولور
اما قیوسنی سد ایله احراز ایتدن اکامالک اولمیوب دیگر
برکسنه اول آوی طوتیویرسه اکامالک اولور

۱۳۰۳ ماده

بر کیمسه صید ایچون بر محله آغ و طوزاق کبی برشی وضع
ایدوبده بر آو طوتلمسه اول کیمسه نك مالی اولور
فقط بر کیمسه آغنی قور یق ایچون بر محله سروبده اکا
بر آو طوتیلیویرسه انک مالی اولماز

نته کیم بر کیمسه نك اراضیسنده کی چقوره دوشن آوی
دیگر کسنه اخذ ایله استملاک ایدهبیلور . اما اول اراضی

صاحبی اول چقوری صید ایچون حفر ایتش ایسه اول
آوه سائرندن احق اولور (۱۲۵۰) مادهیه باق
۱۳۰۴ ماده

بریبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده یووه یامغله
ویمور طله مغله انك مالی اولماز . دیکر بر کیمسه انك
یمور طله لرینی یاخود یاور یلرینی اخذ ایدیورسه باغچه
صاحبی استرداد ایده من

فقط اول کیمسه باغچه سنی یبانی حیوان کلوبده یمور طلامق
ویاور یلامق ایچون تهیه ایتش ایسه کلوب یمور طلایان
ویاور یلیان حیوانلرک یمور طله لری ویاور یلری کندوسنك
اولور

۱۳۰۵ ماده

بر کیمسه نك باغچه سنده مکان اتخاذایدن آر یلرک یاپدیغی
بال اول باغچه نك منافعنندن معدود اوله رق اول کیمسه نك
مالیدر . بر کیمسه اکا تعرض ایده من . یالکز بیت الماله
عشرینی ویرمی لازم کلور

۱۳۰۶ ماده

بر کیمسه نك قواننده مجتمع بولسان آر یلر مال محرز عد
اولنور . بونلرک بالی دخی اول کیمسه نك مالیدر
۱۳۰۷ ماده

برینك قوانندن چیقان اوغل آریسی دیکرک خانه سنده

قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی
استرداد ایده بیلور
(باب خامس)

(نفقات مشترکه بیاننده اولوب ایکی فصلی. حاویدر)
(فصل اول)

(اموال مشترکه نك تعمیراتی و دیگر بعض مصارفاتی)
(بیاننده در)

۱۳۰۸ ماده

بر ملک مشترک تعمیر و ترمیمه محتاج اولدوقده صاحببری
حصه لرینه کوره بالاشتراک تعمیر ایدرلر
۱۳۰۹ ماده

حصه دارلردن بری دیگرینک اذنیله کندی مالندن قدر
معروف پاره صرف ایدرک ملک مشترکی تعمیر ایلسه
مشارکنه حصه سیله رجوع ایدر

یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه هر نه اصابت ایدر سه انی
اندن الور

۱۳۱۰ ماده

محتاج تعمیر اولان ملک مشترک صاحبلرندن بری غائب اولوبده
دیگری انی تعمیر ایتک ایستدکده حاکمدن اذن آلور

و حاکمک اذنی غائب اولان حصه دارک اذنی مقامند قائم
اولور

یعنی حاضر اولان حصه دار اذن حاکمه اول ملک مشترکی تعمیر
ایتدکه غائب اولان مشارکندن اذن المش حکمنده اوله رق مصرفدن
حصه سیله اکا رجوع ایدر

۱۳۱۱ ماده

برکیمسه مشارکندن و حاکمدن استیدان ایتکسزین ملک
مشترکی خود بخود تعمیر ایلسه متبرع اولور

یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری اذن
آلدمز اول ملک مشترک کرک قابل قسمت اولسون و کرک اولسون

۱۳۱۲ ماده

برکیمسه قابل قسمت اولان ملک مشترکنی تعمیر ایتک
ایستیوبده مشارکی امتناع ایتشیکن خود بخود تعمیر ایلسه
متبرع اولور

یعنی مشارکنه حصه سیله رجوع ایدمز

واکر اول کیمسه مشارکنک بو وجهله امتناعی اوزرینه حاکمه
مراجعت ایتسه (۲۵) ماده یه مبنی تعمیر جبر
اولنه ماز . فقط جبر ا تقسیم اولنه یلور . و بعد ا تقسیم
اول کیمسه کندی حصه سنده ایستدینکنی یاپار

۱۳۱۳ ماده

دکرمن و حمام کبی قابل قسمت اولمیان بر ملک مشترک

تعميره محتاج اولمغله صاحبلىرى برى تعمير ايتك
ايتيويوبده مشاركى امتناع ايتسه حاكمك اذنيه كندى
طرفندن قدر معروف پاره صرف ايدرك تعمير ايلر .
ومصارف تعميريه دن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن
مقدار پاره كندوسنك اندن اله جغى اولور . واول ملك
مشركى ايجار ايله اجرتندن اشبو اله جغى استيفا
ايدة بيلور

واكر حاكمدن استيدان ايتكسزىن تعمير ايتش ايتسه
نقدر صرف ايتديكنه باقليوب انجق بنانك وقت
تعميرده كى قيمتندن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن
مقدارى بروجه مشروح استيفا ايدة بيلور
ماده ۱۳۱۴

بويله دكرمن و حمام كى قابل قسمت اولميان ملك مشترك
بالكليه منهدم اولوبده عرصه صرفه قالدیغى حالده
صاحبلىرى برى بنا ايتك ايتيويوبده ديكرى امتناع
ايتسه بنايه جبر اولمغيوب عرصه سى تقسيم اولنور
ماده ۱۳۱۵

فوقانىسى برينك و تحتانىسى ديكرك ملكى اولان ابنیه
منهدم يا محترق اولسه هر برى كمافى السابق ابنیه سنى ياپار .
احدهما آخره مانع اوله ماز

وفوقانی صاحبی تحتانی صاحبنه سن ابنیه کی یاپ که
اوزرینه بنده ابنیه می یاپه یم دیوبده تحتانی صاحبی امتناع
ایتمکه فوقانی صاحبی حاکدن اذن الهرق تحتانی
وفوقانی ابنیه پی انشا ایتدکده تحتانی صاحبی حصه
مصرفنی ویرنجیه دک انی تحتانیده تصرفدن منع ایدر
ماده ۱۳۱۶

ایکی قومشو بیننده کی حائط مشترک اوزرنده طرفینک
کوشک و کیرش اوجلری کی حوله لری اولدیغی حالده
حائط منهدم اولوبده برینک امتناعی اوزرینه دیکری
بنا ایلسه مشارکی مصرفنک نصفنی تأدیه ایدنجه دک
انی اول حائط اوزرینه حوله وضعندن منع ایدر
ماده ۱۳۱۷

ایکی خانه بیننده کی دیوار منهدم اولوبده برندن دیکرینک
مقرنسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جهتله برینک
صاحبی مشترکا دیواری بنا ایتک ایستدیکی حالده دیکرینک
صاحبی امتناع ایلسه بنایه جبر اولنماز . فقط تخته دن
یاخود سائر نسنه دن بالاشتراک بینلرنده برستره اتخاذایتلری
ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور
ماده ۱۳۱۸

ایکی قومشو بیننده مشترک اولان دیواره وهن کلوبده
سقوطندن خوف اولنمغله بری نقضنی ایستدیکی حالده

دیگری امتناع ایسه بالاشترک نقض وهدم ایتک اوزره
جبر اولنور

۱۳۱۹ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر عمار
تعمیره محتاج اولوبده حالی اوزره ابقاسی مضر اولدیغی
حالده ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتک
ایستیوبده دیگری امتناع ایسه تعمیره جبر اولنور

مثلا ایکی صغیرک خانه لری بیننده بر مشترک دیوار اولوبده سقوطندن
خوف اولنه رق برینک وصیسی تعمیر ایتک ایستدیکی حالده
دیگرینک وصیسی ابا ایله جانب حاکدن بر امین آدم ارسال ایله
نظر اولنور . فی الواقع دیوارک حالی اوزره ترکی تقدیرنده
صغیرلر حقنده ضرر اوله جنی معلوم اولورسه ابا ایدن وصی
دیگر وصی ایله مشترکا مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتک
اوزره جبر اولنور

کذلک ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر خانه تعمیره محتاج
اولوبده متولیلردن بری تعمیر ایتک ایستدیکی حالده دیگری
امتناع ایله مال وقفدن تعمیر ایتک اوزره حاکم طرفندن جبر
اولنور

۱۳۲۰ ماده

ایکی کشی بیننده مشترک بر حیوان اولوبده بریسی آنی
بسیلکدن ابا ایتکله دیگری حاکمه مراجعت ایسه حاکم

ابا ایدن حصه داره یا حصه کی صات و یا خود مشترکا
حیوانی بسله دیو امر ایدر

(فصل ثانی)

(نهر و مجر الرک کری و اصلاحی حقننده در)

۱۳۲۱ ماده

مملوک اولیان نهرک کری و اصلاحی یعنی آیقلا نسی
بیت المال اوزرینه در واکر بیت المالك وسعتی یوق ایسه
انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

۱۳۲۲ ماده

مملوک اولان نهر مشترک آیقلا نسی اصحابی یعنی حق
شربی اولنر اوزرینه در • حق شفه اصحابی مؤنت کری
و اصلاحده تشریک اولنه ماز

۱۳۲۳ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتک
ایستیوبده بعضیلری ابا ایتدیکی صورتده نظر اولنور
اگر نهر عام ایسه ابا ایدن کیمسه سائر لرله بالاشتراک
آیقلامق اوزره جبر اولنور (۲۶) ماده یه باق
واکر نهر خاص ایسه آیقلامق ایستیانلر حاکمک اذنیله
اول نهری آیقلا یوب امتناع ایدن کیمسه مصرفدن

حصه سینه اصابت ایدن مقداری ایفا ایدنجیه دك انی اول
نهر ایله انتفاعدن منع ایدرلر

ماده ۱۳۲۴

حق شرب اصحابنك كافه سی نهر مشترکی آیقلامقدن امتناع
ایتدکاری صورتده کذلک نهر عام ایسه آیقلامق اوزره
کندولرینه جبر اولنور و اگر نهر خاص ایسه جبر
اولنماز

ماده ۱۳۲۵

کرك مملوك اولمیان و كرك مملوك اولان نهر عامك کنارنده
بر کیمسه نك یری اولوبده صو ایچمک و نهری اصلاح
ایتمک کبی احتیاجات ایچون بشقه یول اولدیغی حالده
عامه اول یردن مرور ایده بیلور . صاحبی مانع اوله ماز

ماده ۱۳۲۶

نهر مشترکک مؤنت کری و اصلاحی یوقارودن باشلار .
وابتدا بجه حصه دارلر بونده متشارک اولورلر . واک
اوست طرفنده کی حصه دارک اراضیسنندن کچلدکده
او خلاص اولور و هکذا اشاغیسننه قدر اینر . زیرا
غرامت غنیمته کوره در (۸۷) ماده یه باق

مثلا اون کشی بینده مشترک اولان بر نهر آیقلا نه جق اولدقده
اک اوست طرفنده کی حصه دارک نهایت اراضیسننه قدر اولان

قطعه سنك مصارفي جله سنك اوزرينه واندن صكره طقوزى
اوزرينه وایکنجیسینك اراضیسی دخی کچلدکده سكرى اوزرينه
تقسیم ایدیلور . صكره ده بوسیاق اوزره کیدیلور واک اشاغیده کی
حصه دار جله سنك مصرفنده مشارك اوله رق اک صكره کندو
حصه سنی یالکز یاپار بوجهتله اک یوقاروده کی حصه دارك مصرفی
جمله سندن آز واک اشاغیده کی حصه دارك مصرفی جمله سندن زیاده اولور

ماده ۱۳۲۷

کارینز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار

شویله که اک اشاغیده کی حصه دارك عرصه سنده کی حصه کارینز
مصرفنده جمله سی حصه دار اولور لر واندن یوقارو چیقلدقده
اول حصه دار خلاص اولور وهکذا برر برر خلاص اوله رق
اک یوقاروده کی حصه دار کندى حصه سی یالکزجه یاپار بوجهتله
اک اشاغیده کی حصه دارك مصرفی جمله سندن آز واک یوقاروده کی
حصه دار مصرفی جمله سندن زیاده اولور

ماده ۱۳۲۸

طریق خاصک تعمیرى دخی کارینز کبی اشاغیدن باشلار .
واغزی یعنی مدخلی اشاغی منتهاسی یوقارو عد و اعتبار
اولنور . واغزنده بولسان حصه دار یالکز کندى
حصه سنه عاٹ اولان مصارف تعمیریه ده مشارك اولور
و منتهاسنده اولان حصه دار هر برینك حصه مصرفنده
مشارك اولدقدن بشقه کندى حصه سنی یالکز کندى
یاپار

(باب سادس)

(شرکت عقد بیاننده اولوب التی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(شرکت عقدك تعریف و تقسیمی بیاننده در)

۱۳۲۹ ماده

شرکت عقد . ایکی یا زیاده کیمسه لر بیننده سرمایه وفائده سی مشترک اولق اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

۱۳۳۰ ماده

شرکت عقدك رکنی لفظا یا خود معنی ایجاب و قبولدر مثلا بر کیمسه دیگر کیمسه یه شوقدر غروش سرمایه ایله اخذ و اعطا ایتک اوزره سنکله شریک اولدم دیوبده دیگرى دخى قبول ایتدم دیسه لفظا ایجاب و قبول ایله شرکت منعقد اولور . واکر بریسی دیگرینه بیک غروش و یروب و بونک اوزرینه سنده بیک غروش قوی و مال اشترا ایت دیوبده دیگرى دخى انک دیدیکی کبی یاپسه معنی قبول ایتش اولمغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد . ایکی قسمه تقسیم اولنور . شویله که شریکلا اکرینلرنده مساوات تامه اولق شرطیله عقد شرکت ایدرک سرمایه شرکت اوله بیله جک مالارینی

شرکتہ ادخال ایتدکاری حالده مقدار سرمایہ لری
وربحدن حصہ لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه
اولور

نتہ کیم برکیمسه وفات ایدوبده اوغلاری پدرلندن قالان مجموع
اموالی سرمایہ اتخاذ ایدرک هر درلو مال الوب صاتمق وربحی بینلرنده
مساوات اوزره تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت مفاوضه ایدہ پیلورلر
فقط بویله مساوت تامہ اوزره شرکتک وقوعی نادر اولور
واکر مساوات تامہ شرط ایدلر کمترین عقد شرکت ایدرلر
ایسه شرکت عنان اولور

۱۳۳۲ ماده

شرکت کرک مفاوضه و کرک عنان اولسون یا شرکت
اموال و یا شرکت اعمال و یا خود شرکت وجوہدر
شویله کہ شریکار اکر اورته یه سرمایہ اولمق اوزره برر
مقدار مال قویوبده برلکده یا خود آبرو آبرو و یا خود
مطلقا اخذ واعطا ایتک و حاصل اوله جق ربیحی بینلرنده
تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه شرکت
اموال اولور

واکر عملارینی سرمایہ ایدوبده آخردن ایش تقبل یعنی
تعهد والتزام ایدرک حاصل اوله جق کسبی یعنی اجرتی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه شرکت

اعمال اولور . بوكا شركت ابدان و شركت صنايع و شركت
تقبل دخي دينيلور . نته كيم ايكي درزينك يا خود
بردرزي ايله بر بوياجينك شريك اولملري كي
واكر سرمايه لري اولمديغي حالده كندى اعتبارلريله
ويره سى يه مال الوب صاته رق حاصل اوله جق ربجى
بينلرنده تقسيم ايتك اوزره عقد شركت ايدرلر ايسه
شركت وجوه اولور

(فصل ثانى)

(شركت عقدك شرائط عموميه سى بياننده در)

۱۳۳۳ ماده

شركت عقدك هر قسمى وكالتى متضمندر
شويلاه كه شريكاردن هر برى تصرفده يعنى الوب
صاتمقده و آخردن اجرته ايش تقبل ايتكده ديكرينك
وكيليدر

بناء على ذلك وكالتده عقل و تميز شرط اولديغي كي
على العموم شركتده دخي شريكرك عاقل و مميز اولملري
شرطدر

۱۳۳۴ ماده

شركت مفاوضه كفالتى دخي متضمندر

بناء عليه مفاوضة كفالته اهلیتاری دخی شرطدر

ماده ۱۳۳۵

شرکت عنان یالکز و کالتی متضمن اولوب کفالتی متضمن
دکدر

بناء عليه حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي صورتده
شريكار يكد يكر ك كفيلي دکدر . بو جهتله صبيء مأذون
دخی عقد شرکت عنان ایده بیلور

اما شرکت عنانك حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي
تقديرده شريكار يكد يكر ك كفيلي اولور

ماده ۱۳۳۶

شريكار بيننده ربحك نه وجهله تقسيم اولنه جغي بيان
اولمق شرطدر . مبهم و مجهول قالورسه شرکت فاسد
اولور

ماده ۱۳۳۷

شريكار بيننده تقسيم اولنه جق ربحك حصه لری نصف
وثلث وربع کبی جزء شایع اولمق شرطدر . شریکاردن
برینه ربحدن مقطوعا شو قدر غروش ویرلک اوزره
مقاوله اولنسه شرکت باطل اولور

(فصل ثالث)

(شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی بیانده در)

۱۳۳۸ ماده

سرمایه نك نقود قبیلندن اولسی شرطدر

۱۳۳۹ ماده

رائج اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدوددر

۱۳۴۰ ماده

مسكوك اولميان آلتون و كموش ايله معامله بين الناس

عرف و عادت ايسه بونلر دخی نقود حکمنده اولورلر .

دكل ايسه عروض حکمنده درلر

۱۳۴۱ ماده

سرمایه نك عين اولسی شرطدر . دين يعنی ذمم ناسده

اولان اله جق سرمایه شرکت اوله ماز

مثلا ايکی کيمسه آخر کسسه ذمتنده اولان اله جقلر يني سرمایه اتخاذه

ایدوبده انك اوزرينه عقد شرکت ایده مزلر . و برينك سرمایه سی

هين و ديكرينك سرمایه سی دين اولسه ينه شرکت صحیح اولماز

۱۳۴۲ ماده

عروض و عقار كبی نقوددن معدود اولميان اموال

اوزرينه عقد شرکت صحیح اولماز يعنی بونلر سرمایه

شرکت اوله ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلهندن اولیان مالارینی
 سرمایه شرکت ایتک استدکارنده هربری مالنک نصفنی
 دیگرینه صاتوبده اشتراکاری حاصل اولدقدن صکره
 بو مال مشترکاری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر
 نته کیم ایکی کیمسه مثلیاتدن اولان بر نوع مالارینی مثلا
 برر مقدار بغدادیلرینی یکدیگرینه قارشیدروروده بیلرنده
 شرکت مالک حاصل اولدقدن صکره اشبو مال
 مخلوطی سرمایه اتخاذایدرک انک اوزرینه عقد شرکت
 ایده بیلورلر

۱۳۴۳ ماده

برینک بارگیری و دیگرینک اگرطاقی اولوبده بونلری ایجار
 ایله حاصل اولان اجرتی بیلرنده تقسیم ایتک اوزره شریک
 اولسه لر شرکت فاسد اولوب اجرت حاصله بارگیر صاحبنه
 حائداولور. و اگرطاقی بارگیره دخیل و تابع اولمغله صاحبی
 اجرتدن حصه دار اوله میوب انجق اکرینک اجر مثلی الور
 ۱۳۴۴ ماده

برینک دابه سی اوزرینه دیگریمی امتعه سنی تحمیل ایله
 کزدیروب صاتمق وربحی بیلرنده مشترک اولمق اوزره
 شریک اولسه لر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار

امتعه صاحبك اولور . دابه صاحبي دخي دابه سنك
اجر مثلني الور

دكان دخي دابه كبيدر كه بري ديكر دكانده امتعه سني
صا تو بده ربجي بيلرنده مشترك اولمق اوزره شريك
اولسه لر شركت فاسد اولوب امتعه نك ربجي صاحبه
عائد اولور . دكان صاحبي دخي دكانك اجر مثلني الور

(فصل رابع)

(شركت عقده متعلق بعض ضوابط حقننده در)

۱۳۴۵ ماده

عمل تقويم ايله متقوم اولور . يعنى ايش تعين قيمت ايله
قيمتلنور . و بر شخصك عملي ديكر شخصك عملنه نسبتله
دها قيمتله اوله بيلور

مثلا شركت عنان ايله شريك اولان ايكي كيمسه نك سرمايله لري متساوي
وايكيسنك دخي عمل ايتسي مشروط اولديغي جالده برينه ربجدن
فضله حصه اعطاسي شرط قيلنسه جاز اولور . زيرا بريسي
اخذ واعطاده دها ماهر و عملي ازيد و انفع اوله بيلور

۱۳۴۶ ماده

ضمان عمل بر نوع عمل در

بناء عليه بر كيمسه دكانه ارباب صنايعدن بريني قويوب
و تقبل و تعهد ايلديكي ايشلري اكا كور ديرو بده حاصل

اوله جق کسبی یعنی اجرتی بینلرنده مناصفة تقسیم
ایتمک اوزره عقد شرکت صنایع ایتسه لر جائز اولور .
ودکان صاحبک نصف حصه یه استحقاقی انجق عملی
ضامن و متعهد اولمسیله در شوقدر که بونک ضمننده
دکانک منفعته دخی نائل اولور

۱۳۴۷ ماده

ربحه استحقاق بعضا مال یا عمل ایله اولدیغی کبی بعضاً
دخی (۸۵) ماده حکمنجه ضمان ایله اولور
نته کیم مضاربده ربحه رب المال مالیه و مضارب عملیه
مستحق اولور وارباب صنایعدن بری یانه برشا کرد
آلوبده تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری نصف اجرتله
اکا کوردیرسه جائز اولور و کسبک یعنی ایش صاحبلرندن
النان اجرتک نصفنه اول شا کرد عملیه مستحق اولدیغی
کبی استاد دخی عملی ضامن و متعهد اولمسیله نصف
دیگرینه مستحق اولور

۱۳۴۸ ماده

سالف الذکر امور ثلثه دن یعنی مال و عمل و ضماندن
بریزی بولنماز ایسه ربحه استحقاق یوقدر
مثلا برکیمسه دیگرینه سن مالکله تجارت ایتده ربخی بیغمزده مشترک
اولسون دیسه شرکتی ایجاب ایلز . وبوصورته حاصل اولان
ربحدن حصه اله ماز

۱۳۴۹ ماده

رېجھه استحقاق انجق عقد شرکته ايراد اولنان شرطه
کوره در . اجرا اولنان ايشه کوره دکادر
بناء عليه عمل ايتمی مشروط اولان شريك عمل ايتسه بيله
عمل ايتش کي عد اولنور

مثلا شرکت صحیحه ايله شريك اولان ايکي کيمسەنک ايکيسي دخي
عمل ايتک اوزره شرط ايدلمش اولديغي حالدە يالکز بريسي عمل
ايدوبده ديکري بعذر ياخود بغير عذر عمل ايتسه بيله يکديکرك
وکیلي اولديغدن شريکەنک عمل ايتسيله کندوسي دخي عمل ايتش
کي عد اولنهرق کار بينلرنده شرط ايتدکري وجهله تقسيم اولنور

۱۳۵۰ ماده

شريکار يکديکرك امينيدر

هر برينک ينده مال شرکت وديعه حکمنده در . بلا تعد
ولا تقصير بريسنک ينده مال شرکت تلف اولسه شريکەنک
حصه سني ضامن اولماز

۱۳۵۱ ماده

شرکت اموالده سرمايه شريکار بيننده متساويا ياخود
متفاضلا مشترك اولور

اما برندن سرمايه وديکرندن عمل اولديغي صورتده اگر
رېجھي بينلرنده مشترك اولق اوزره مقاوله اولنسه مضاربه
اولور . نته کيم باب مخصوصينده کاور

واکر ربحی تماماً عاملنه عائد اوله جق ایسه قرض اولور
واکر ربحك تماماً سرمایه صاحبنه عائد اولسی شرط
ایدیلورسه اول سرمایه عاملك یدنده بضاعه و عامل
مستبضع اولور

مستبضع ایسه وکیل متبرع حکمنده اولدیغندن کار و زیان
تماما مال صاحبنه عائد اولور

۱۳۵۲ ماده

شریکاردن بری فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
اولسه شرکت منفسخ اولور

فقط شریکار اوچ یا زیاده اولدیغی صورتده شرکتك
انفساخنی یا لکز فوت یا مجنون اولان حقنده اولوب دیگرلری
بیننده شرکت باقی قالور

۱۳۵۳ ماده

شریکاردن برینك فسخیله شرکت منفسخ اولور
فقط انك فسخنی دیگرك بیلمسی شرطدر . برینك فسخ
ایلدیکی دیگرینك معلومی اولدجه شرکت منفسخ اولماز

۱۳۵۴ ماده

شریکار فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینك و ذممه
اولان اله جق دیگرینك اولق اوزره اقتسام ایتسه لر قسمت
صحیح اولماز

بوصور تده نقود موجوده دن بری نه قبض ایتسه دیکری
اکا مشارک اولور . ذممه کی اله جق دخی بدیلرنده مشترک
قالور (۱۱۲۳) ماده یه باق

۱۳۵۵ ماده

شریکاردن بری مال شرکتدن بر مقدارینی الوبدہ اعمال
ایدرکن مجهلا فوت اولسه ترکسندن شریکنک حصه سی
استیفا اولنور (۸۰۱) ماده یه باق

(فصل خامس)

(شرکت مفاوضه بیاننده در)

۱۳۵۶ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیگرک
کفیلیدر

بناء علیه برینک اقراری کندو حقنده نصل نافذ اولورسه
شریکی حقنده دخی اویله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هر قنغیسندن ایسترایسه
مطالبه ایدرو بیع و شرا و اجاره کی شرکت جاری اولان
معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هر نه درلو بورج
ترتب ایدرسه دیکرینه دخی لازم اولور

وبرینک صماتدیغی شی عیبله دیکرینه رد اولنه بیلدیکی

کې برينک اشترایلدیکی شیئی دیکری عیبه رد
ایده بیلور

ماده ۱۳۵۷

مفاوضلردن برينک ککندویه واهل وعبالنه الديوغی
ما کولات والبدنه وسائر حوايج ضروريه کندوسنکدر
شريکينک انده حق یوقدر

فقط بايع بونلرک ثمنی دخی بحسب الکفايه شريکيندن
مطالبه ايده بیلور

ماده ۱۳۵۸

شرکت اموالده مفاوضلرک مقدار سرمايه لری وربچدن
حصه لری متساوی اولمق شرط اولديوغی کې برينک
سرمايه شرکتدن فضله سرمايه شرکت اوله بيله جک مالی
يعنی نقودی ياخود نقود حکمنده اولان اموالی اولماق
شرطدر

اما برينک سرمايه شرکتدن فضله سرمايه شرکت
اوليه جق مالی يعنی عروض ياعقاری ياخود آخر
کسنه ذمتنده الهجغی اولسه مفاوضتیه ضرر
ويرمز

ماده ۱۳۵۹

شرکت اعمالده شريکلرک هربری نصل ايش اولورسه
اولسون تقبل والتزام ايده بيلک وعلی السويه علی ضامن

و متعهد و فائده و ضرر ده متساوی و برینه شرکت سببیه
نه ترتب ایدر سه دیگری اکا کفیل اولق اوزره عقد
شرکت ایدر لسه مفاوضه اولور

بو صورتده هر قنغیسندن اولور سه اولسون اجیر و دکان
اجرتی مطالبه اولنه بیلور

وانلردن آخر بر کسینه بر متاع دعوی ایدو بده بریسی
اقرار ایتدکده دیگری انکار ایتسه بیه انک اقراری نافذ
اولور

۱۳۶۰ ماده

ایکی کیمسه ویره سییه مال الوب صاتمق و مال مشترک و ثمن
ور بحی بنلرنده مناصفه مشترک و هر بری دیگری نه کفیل
اولق اوزره عقد شرکت ایتسه لر شرکت و جوهک
مفاوضه سی اولور

۱۳۶۱ ماده

عقد مفاوضه ده مفاوضه لفظی سویلتمک یا خود
مفاوضه نک جمیع شرائطی تعداد اولتمق شرطدر
علی الاطلاق عقد شرکت اولور سه عنان اولور

۱۳۶۲ ماده

بر وجه بالا بو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی
بولمسه مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلاً شرکت اموالده مفاوضلردن برينك يدينه ارب ايله يابه
طريقيله بر مال چكده اكر نقود كي سرمايه شرکت اوله بيله چك
مال ايسه مفاوضه عنانه منقلب اولور . اما عروض وعقار
كي سرمايه شرکت اوليان مال ايسه مفاوضه يه ضرر ويرمز

۱۳۶۳ ماده

شرکت عنانك صحتي ايچون هر نه كه شرط ايسه
مفاوضه نك صحتي ايچون دخي شرطدر

۱۳۶۴ ماده

شرکت عنان ايله شريك اولانلر تصرفه هر نه يابه بيلور
ايسه مفاوضلر دخي اني يابه بيلور

(فصل سادس)

(شرکت عنان حقنده اولوب اوچ مجبتي حاويدر)

(مجت اول)

(شرکت امواله دائر اولان مسائل بياندهدر)

۱۳۶۵ ماده

شرکت عنان ايله شريك اولانلر ك سرمايه لري متساوي
اولق شرط دكلدر . برينك سرمايه سي ديكرينك
سرمايه سندن دهها زياده اوله بيلور . و هر بريسي بالجمله
نقدلريني سرمايه اذخال ايتكه مجبور اوليوب ماللرينك

مجموعی یا خود بر مقدار اوزرینه عقد شرکت ایدیلور .
 بوجهتله سرمایه لرندن فضله سرمایه شرکت اوله بیله جک
 مالری مثلا نقدلری اوله بیلور

۱۳۶۶ ماده

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی
 خاصه برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتی اوزرینه
 دخی عقد شرکت اولنه بیلور

۱۳۶۷ ماده

شرکت صحیحده ربحک نوجهله تقسیمی شرط ایدیلور
 ایسه هر حالده اول شرطه رعایت اولنور

۱۳۶۸ ماده

شرکت فاسدهده ربح وفائده سرمایه لرك مقدارینه کوره
 تقسیم اولنور . شریکاردن برینه فضله شرط ایدلش
 ایسه اکا اعتبار اولنماز

۱۳۶۹ ماده

بلا تعد ولا تقصیر وقوعه کلان ضرر و زیان هر حالده
 سرمایه لرك مقدارینه کوره منقسم اولور . دیگر وجهله
 شرط ایدلسه اکا اعتبار اولنماز

۱۳۷۰ ماده

سرمایه لرك متساوی و کرك متفاضل اولسون

شريكار كاري بيلرنده سرمايه لرينك مقدارينه كوره
تقسيم ايتك اوزره شرط ايتسهلر صحيح اولور . و كار
بيلرنده شرط ايتد كاري وجهله سرمايه لرينك مقدارينه
كوره تقسيم اولنور . كرك ايكيسنك دخي عمل ايتسي
شرط اولنسون و كرك يالكز برينك عمل ايتسي شرط
قيلنسون . شو قدر واركه يالكز برينك عمل ايتسي مشروط
اولديغي تقديرده انك ينده ديكرك سرمايه سي بضاعه
حكمنده اولور

۱۳۷۱ ماده

شريكارك سرمايه لري متساوي اولديغي حالده برينه
ربح دن فضله حصه مثلاً ربحك ثلثاني شرط ايدلسه
ايكيسنك دخي عمل ايتسي مشروط اولديغي تقديرده
شرکت صحيح و شرط معتبر اولور

(۱۳۴۵) ماده يه باق

اما يالكز برينك عمل ايتسي مشروط اولديغي تقديرده
نظر اولنور . عمل اكر ربح دن حصه سي زياده اولان
شريك اوزرينه شرط ايدلش ايسه كذلك شرکت
صحيح و شرط معتبر اولور . و اول شريك ماليه
سرمايه سنك ربحنه و عمليه فضله سنه مستحق اولور فقط انك
ينده شريكنك سرمايه سي مال مضاربه حكمنده اوله رق
مضاربه يه شبيه بر شرکت اولور

و عمل اکر ربحدن حصه سی آز اولان شریک اوزرینه
شرط ایدلمش ایسه جائز اولمیوب ربح بینلرنده سرمایهلرینک
مقدارینه کوره تقسیم اولنور

زیرا ربح اکر شرط ایتدکلی وجهله تقسیم اولنسه عامل اولیان
شریکک الهجی فضله یه مال و عمل و ضماندن برشی مقابل اولماز
ربحه استحقاق ایسه انجق بوامور ثلثه دن بریله در (۱۳۴۷)
و (۱۳۴۸) ماده لره باق

۱۳۷۲ ماده

شریکلرک سرمایهلری متفاضل مثلاً برینک سرماییه سی
یوز بیـک و دیگرینک سرماییه سی یوز الی بیـک غروش
اولدیغی حالده ربحک بینلرنده مساوات اوزره تقسیمی
شرط اولنسه سرماییه سی آز اولان کیمسه نک سرماییه سنه
نسبتله ربحدن فضله حصه المی شرط ایدلمش دیمک
اوله جغندن شریکلرک سرمایهلری متساوی اولدیغی
حالده برینه ربحدن فضله شرط ایدلمش کی اولور

بناء علیه ایکسینک یاخود ربحدن حصه سی زیاده یعنی
سرماییه سی آز اولان شریکک عمل ایتمی شرط ایدلمش
ایسه شرکت صحیح و شرط معتبر اولور . و اکر
یالکز ربحدن حصه سی آز یعنی سرماییه سی چوق
اولان شریکک عمل ایتمی شرط ایدلمش ایسه جائز

اولیوب کار بینلرنده سرمایهلری مقدارینه کوره تقسیم
اولنور

ماده ۱۳۷۳

شریکلرک هربری مال شرکتی کرک پشین یاره ایله و کرک
ویره سی یه اوله رق از و چوق بها ایله صاته بیلور
ماده ۱۳۷۴

شریکلردن قنغیسی اولور ایسه اولسون یدنده شرکتک
سرمایه سی اولدیغی حالده پشین یاره ایله و ویره سی یه مال
اشترا ایده بیلور

فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدر ایسه الدیغی مال
کندوسنک اولوب شرکتک اولماز
ماده ۱۳۷۵

شریکلردن بری یدنده شرکتک سرمایه سی اولدیغی حالده
شرکت ایچون مال اشترا ایده مز • ایدر سه اول مال
کندوسنک اولور

ماده ۱۳۷۶

شریکلردن بری تجارتلری جنسندن اولیان بر شیئی کندو
پاره سیله اشترا ایتدکده اول مال کندوسنک اولوب
شریکی اندن حصه مند اولماز

اما بریسنک یدنده شرکتک سرمایه سی وار ایکن

تجار تلىرى جىسىندىن اولان برمالى كىندى پارەسىلە اشترا
ايتسە بىلە شىركەتك اولور

مثلا قاشچىلىق ايتك اوزره عقد شىركت ايدىن ايكي كىسەندىن برى
كىندى پارەسىلە بر آت ائسە كىندوسىنىك اولوب شىرىكى اول آتە
حصە دار اولماز . اما بر قاش ائسە شىركەتك اولور والور ايكن
بن قاشى كىندىم ايچون اليورم شىرىكىمك بوندى حصەسى يوقدر ديو
اشهاد ايتسە بىلە مفيد اوليوب اول قاش شىرىكىلە بىنلرندە مشىرك
اولور

۱۳۷۷ ماده

حقوق عقد انجق عاقدە عاقددر

بناء عليه شىرىكاردن برىنىك اشترا ايلدىكى مالى قبض ايله
ثمننى تأديه ايلك يالكز انك اوزرىنە لازم اولور . بوجهتله
برىنىك اشترا ايلدىكى مالك ثمننى انجق اندن مطالبه
اولنوب شىرىكىندىن مطالبه اولنەماز . وكذا شىرىكاردن
برىنىك صاتدىغى مالك ثمننى قبض ايتك انجق آنك
حقيدر بوجهتله مشىرى ثمننى دىكرىنە وىرسە يالكز
ثمننى قابض اولان شىرىكك حصەسىندىن برى اولوب
عاقد اولان شىرىكك حصەسىندىن برى اولماز .
وينە بوجهتله عاقد اولان شىرىك صاتدىغى مالك ثمننى
قبضه آخر بر كىمسەنى توكيل ايتسە شىرىكى انى عزل
ايدەمز . اما بيع وشرا و اجاره ايچون شىرىكاردن برىنىك
توكيل ايتدىككى دىكر شىرىكى عزل ايدەيلور

۱۳۷۸ ماده

عیب ایله رد دخی حقوق عقددن اولمغله شریکاردن
برینک اشترا ایلدیکی مالی دیکری عیب ایله رد ایدمز
و برینک صاتیغی مال عیب ایله دیکرینه رد اولنه ماز

۱۳۷۹ ماده

شریکاردن هر برنی مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده بیلور
و مضاربیه و یره بیلور • و عقد اجاره ایده بیلوب
مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان و اجیر استیجار
ایده بیلور

اما شریکنک اذنی اولدجه مال شرکتی کندو مالیله
خلط و آخر کمسنه ایله عقد شرکت ایدمز • ایدوبده
مال شرکت ضایع اولسه شریکنک حصه سنی ضامن
اولور

۱۳۸۰ ماده

شریکاردن بری دیکرینک اذنی اولدجه مال شرکتدن آخر
کمسنه یه اقراض ایده ماز اما شرکت ایچون استقراض
ایده بیلور • و بری هر نقدر آچه استقراض ایدر ایسه
بالا شترالک شریکنک دخی بورخی اولور

۱۳۸۱ ماده

شریکاردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکده
مصرفنی مال شرکتدن الور

۱۳۸۲ ماده

شریکاردن هربری دیگرینه رأیکله عمل ایت یاخود
دیلدیککی یاپ دیهرك شرکت ایشنی یکدیكرك رأینه
تفویض ایتسه هربری توابع تجارتدن اولان ایشلری
یاپه بیلور

شویله که مال شرکتی رهن و شرکت ایچون ارتهان
و مال شرکت ایله سفر و مال شرکتی کندی مالیه خلط
و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده بیلور

اما مالی اتلاف و بغیر عوض تمليك خصوصلرینی شریکنك
اذن صریحی اولدجه یاپه من

مثلا شریکنك اذن صریحی اولدجه مال شرکتدن کسنه یه اقراض
وهبه ایده من

۱۳۸۳ ماده

شریکاردن بری دیگرینی مال شرکتله آخر دیاره کیتمه
یاخود ویرهسی یه مال صاتمه دیونهای ایتشیکن دیگرری
دکلیو بده آخر دیاره کیتسه یاخود ویرهسی یه مال
صاتمسه واقع اولان ضرردن شریکنك حصه سنی
ضامن اولور

۱۳۸۴ ماده

شرکت عنانك معامله لرنده شریکاردن برینك بورج
اقرار ایتسی دیگرینه سرایت ایتز

شویله که اول دینک انجق کندو عقد و معامله سی ایله
اولدیغنی اقرار ایتش ایسه تمامی کندوسنک ایفا ایتسی
لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی
بربورج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه نصفنی ادا ایتسی
لازم اولور

واکر انجق شریکینک اجرا ایلدیکی برمعامله دن طولایی
بورج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه برشی لازم کلر

(مبحث ثانی)

(شرکت اعماله دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۳۸۵ ماده

شرکت اعمال ایش تقبل ایتک اوزره عقد شرکتدن
عبارتدر

شویله که اجیر مشترکار مستأجرین طرفندن طلب
وتکلیف اولنان عملک ایفاسنی تقبل یعنی تعهد والتزام
ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر . ضمان عملده
کرك متساوی و كرك متفاضل اولسونلر . یعنی
کرك عملی علی التساوی متعهد وضامن اولق

شرطيله عقد شركت ايلسونلر و كرك عملك مثلا ثلثنى
بريسى اوزرينه و ثلثشانى ديكرى اوزرينه شرط
ايلسونلر

۱۳۸۶ ماده

شريكردن هربرى ايش تقبل و تعهد ايده بيلور
برى تقبل ايدوبده ديكرى عمل ايتك دخى جائز اولور
و شركت صنايع ايله شريك اولان ايكي درزينك برى
متاعى قبول ايله كسوب بيجمك و ديكرى ديكمك دخى
جائزدر

۱۳۸۷ ماده

ايش تقبل ايتكمده شريكلر يكديرك و كيليدر
بوجهتله برينك تقبل ايلديكى ايشك ايفاسى هم كندوسنه
و همده شريكنه لازم كلور

بناء على ذلك ضمان عملده شركت اعمالك عنانى مفاوضه
حكمنده دركه شريكردن برينك تقبل ايلديكى ايشك
ايفاسنى مستأجر هر قنغيسندن ايستر ايسه مطالبه ايدر
و شريكردن هربرى اول ايشى ايفايه مجبور اولور
برى بوايشى شريكم تقبل ايتمش بن قارشيم ديه مز
۱۳۸۸ ماده

اقتضاي بدل خصوصنده دخى شركت اعمالك عنانى
مفاوضه حكمندهدر

یعنی شریک کردن هربری مستأجر دن تمام اجرتی فطالیه ایده بیلور
مستأجر دخی هر قنغیسنه ویرسه بری اولور

۱۳۸۹ ماده

شریک کردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور
دکادر • دیلر سه کندوسی یاپار و دیلر سه شریکینه یا خود
دیگر برینه یاپدیرر

فقط مستأجر اگر بالذات انک عمل ایتسنی شرط
ایدر سه اول حالده کندوسنک یایمسی لازم کلور

(۵۷۱) ماده باق

۱۳۹۰ ماده

شریکار کسی شرط ایتدکاری وجهله تقسیم ایدرلر
یعنی متساویا تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه مساوات
اوزره تقسیم ایدرلر • واکر متفاضلا مثلاً ثلث و ثلثان وجهله تقسیم
ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه ایکیلی برلی اوله رق تقسیم ایدرلر

۱۳۹۱ ماده

عملده تساوی و کسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز
اولور

مثلاً شریکار متساویا عمل ایتک و کسی ایکیلی برلی اوله رق تقسیم
ایتک اوزره شرط ایتسه نر جائز اولور • زیرا بریسی صنعتده
دها ماهر و عمل دها ابی اوله بیلور

۱۳۹۲ ماده

شریکار ضمان عمل ایله اجرتیه مستحق اولورلر

بناء عليه برى مريض اولق يابر طرفه كتمك وياخود
بوش طور مق كى بروجهله ايشليوبده يالكز شريكى
ايشلسه حاصل اولان كسب واجرت ينه شرط ايتدكلى
وجهله تقسيم اولنور

ماده ۱۳۹۳

شريكردن برينك صنعيله مستأجر فيه تلف ياسقط اولسه
ديكر شريكيله بالاشتراك ضامن اولورلر

ومستأجر مالى قنغيسنه ايستر ايسه تضمين ايتدير *

وبوزيان شريك بىنده مقدار ضمانه كوره تقسيم اولنور
مثلا ايشى مناصفة تقبل وتعهده ايتك شرطيله عقد شركت ايتشله ايسه
زيان دخى يارى يارى به تقسيم اولنور . واكر ثلث وثلثان وجهله
عملى تقبل وتعهده ايتك اوزره عقد شركت ايتشله ايسه زيان دخى ايكلى
برلى اوله رق تقسيم اولنور

ماده ۱۳۹۴

تقبيله وعملده متشارك اولق اوزره حالكه عقد شركت
ايتسى صحىدر

ماده ۱۳۹۵

دكان برينك وآلات وادوات ديكرينك اوله رق ايكى
كشى تقبل عمل ايتك اوزره عقد شركت ايتسه لر صحىح اولور

۱۳۹۶ ماده

برندن دكان وديكرندن عمل اولق اوزره ايكي كشي عقد
شركت صنايع ايتسه لر صحيح اولور (۱۳۹۶) ماده يه باق

۱۳۹۷ ماده

برينك براستري وديكرينك بردوه سي اولوبده انلرله حوله
نقلنى متساويا تقبل وتعهده ايتك اوزره عقد شركت
اعمال ايتسه لر صحيح اولور . وحاصل اولان كسب
واجرت بينلرنده مناصفة تقسيم اولنور . دوه يوكنك
زياده اولسنه باقماز . زيرا شركت اعمالده شريكلر ضمان
عمل ايله بدله مستحق اولورلر

اما تقبل عمل اوزرينه عقد شركت اولنميو بده استرودوه يي
عينا ايجار ايتك وحاصل اولان اجرتى بينلرنده تقسيم
ايتك اوزره شريك اولسه لر شركت فاسد اولوب
استرودوه دن قنغيسى ايجار اولنور ايسه اجرتى صاحبنه
عائد اولور . فقط ديكرى تحمیل ونقلده اكا اعانه ايتمش
ايسه عملنك اجر مثلى آلور

۱۳۹۸ ماده

بركيمسه كندوسنك عيالنده بولنان او غليله برلكده اوله رق
اجراي صنعت ايلسه كسبك كافه سي اول كيمسه نك اولور
واوغلى معين صاپيلور

ته كيم بركيمسه اغاج غرس ايدر كن عيالنده اولان اوغلى

اكا اعانه ايتسه اغاچ اول كيمسەنك اولوب اوغلى اكا
مشارك اولماز
(مبحث ثالث)

(شركت وجوهه دائر اولان مسائل بيانده در)

۱۳۹۹ ماده

شريكارك مال مشتراده على التساوى حصه دار اولملى
شرط دكلدر

مثلا اندقلى مال بيلرنده نصفيت اوزره اوله بيلديكى كى ايكيلى
برى اولمق دخی جائز اولور

۱۴۰۰ ماده

شركت وجوهده ربحه استحقاق انجق ضمان ايله در

۱۴۰۱ ماده

مال مشترانك ضمان ثمنى شريكرك مال مشتراده كى حصه لرينه
كوزه در

۱۴۰۲ ماده

شريكاردن هر برينك مال مشتراده حصه سى نقدر ايسه
ربحدن حصه سى دخی او قدر اولور

واكر برينه مال مشتراده كى حصه سندن فضله شرط
ايدلسه شرط لغو اولور

ورج بینلرنده مال مشتراده کی حصه لرینه کوره تقسیم
اولنور

مثلا الدقلری اشیانک بینلرنده یاری یاری یه اولسنی شرط ایدرلر ایسه
رج دخی یاری یاری یه اولور

واکر ایکیلی برلی اولق اوزره شرط ایدرلر سه رج دخی
ایکیلی برلی اولور

اما الدقلری اشیانک نصفیت اوزره اولسنی مشروط
اولدیغی حالده ربحك ثلث وثلثان وجهله تقسیمی شرط
ایتسه لر بوشرطه اعتبار اولنمیوب رج بینلرنده مناصفه
تقسیم اولنور

۱۴۰۳ ماده

ضرر و زیان هر حالده شریک لک مال مشتراده کی حصه لرینه
کوره تقسیم اولنور • عقد شرایه کړک برلکده مباشرت
ایتسونلر وکړک یالکز بریسی مباشرت ایلسون

مثلا شرکت وجوه ایله شریک اولان ایکی کیمسه اخذ واعطالرنده
متضرر اولدقلری صورته اکر مال مشترا بینلرنده نصفیت اوزره
اولق شرطیله عقد شرکت ایتشلر ایسه ضرر و زیان دخی مساوات
اوزره تقسیم اولنور • واکر مال مشتراده ثلث وثلثان وجهله
حصه دار اولق شرطیله عقد شرکت ایتشلر ایسه ضرر و زیان
دخی ایکیلی برلی اوله رق تقسیم اولنور • ضرر ایتدقلری مالی
کړک برلکده صاتون السونلر وکړک بریسی شرکت ایچون صاتون
المش اولسون

(باب سابع)

(مضاربہ حقنہ اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مضاربہ نك تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱۴۰۴ ماده

مضاربہ . بر طرفدن سرمایہ و دیگر طرفدن سعی و عمل
اولمق اوزره بر نوع شرکتدر . سرمایہ صاحبنه
رب المال و عامله مضارب دینلور

۱۴۰۵ ماده

مضاربہ نك رکنی ایجاب و قبولدر

مثلا رب المال مضاربہ شو سرمایہ بی آل ربھی بیغمزده یاری یاری یه
یا خود ایکیلی برلی تقسیم اولمق اوزره مضاربہ سعی و عمل ایت
دیسہ یا خود شو پاره لری آل و سرمایہ ایت ربھی بیغمزده شو نسبت
اوزره مشترک اولسون دیمک کی مضاربہ معناسنی افاده ایدر برسوز
سویلسه و مضارب دخی قبول ایلسه مضاربہ منعقد اولور

۱۴۰۶ ماده

مضاربہ ایکی قسمدر . بری مضاربہ مطلقه . و دیگری
مضاربہ مقیده در

۱۴۰۷ ماده

مضاربہ مطلقه . زمان و مکان و برنوع تجارت ایله و بایع

و مشتری بی تعیینله مقید اولمیان مضارب به در • و بونلردن
بر یله تقید اولنور سه مضارب به مقیده اولور
مثلا فلان وقت یا فلان یرده یا خود فلان جنس مال آل صات
ویا خود فلان کیمسه لر ایله یا فلان بلده اهایسیله آتش و یرش ایت
دیسسه مضارب به مقیده اولور

(فصل ثانی)

(مضارب به نك شروطی بیانده در)

۱۴۰۸ ماده

رب المالك توکیلله و مضاربك و کالته اهلیتلی شرطدر

۱۴۰۹ ماده

رأس المالك سرمایه شرکت اوله بیله جك مال اولسی
شرطدر • (باب شرکت عقدك فصل ثالثه باق)

بناء علی ذلك عروض و عقار ایله ذمم ناسده اولان
آله جق مضارب به ده رأس المال اوله ماز

فقط رب المال اگر عروضدن برشی و یر و بده بونی صات
و ثمنیه مضارب به عمل ایت دیسه و مضارب دخی قبول
و قبض ایدرك اول مالی صاتوب و بدلی اولان نقودی

سرمایه اید و بده آتش و یرش ایلسه مضارب به صحیح اولور
كذلك فلانك ذمتنده آله جغم اولان شوقدر غروشی
قبض ایتده مضارب به یولنده قوللان دیسه و او دخی قبول
ایتسه صحیح اولور

۱۴۱۰ ماده

سرمایه نك مضارب به تسليم اولنمسی شرطدر

۱۴۱۱ ماده

شرکت عقد کبی مضارب به ده دخی رأس المالك معلوم
اولمسی و عاقدینك ربحدن حصه لری نصف و ثلث کبی
بر جزء شایع اوله رق تعیین ایدلمسی شرطدر

فقط علی الاطلاق شرکت تعبیر اولنسه مثلا ربخی بیتمزده
مشترك اولسون دینلسه مساواته مصروف اولور •
و رب المال ایله مضارب بیننده ربح یاری یاری به تقسیم
اولنور

۱۴۱۲ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنمسه مثلا عاقدینك
حصه لری جزء شایع اوله رق معین اولمیوبده برینه ربحدن
شو قدر غروش ویرلك اوزره قطع و تعیین اولنسه مضارب به
فاسد اولور

(فصل ثالث)

(مضارب به نك احکامی بیاننده در)

۱۴۱۳ ماده

مضارب امیندر • انك یدنده سرمایه و دیعه حکمنده در •

وسرمایه ده تصرف ایتمی جهتله رب المالك وکیلیدر .
وکار ایدرسه انده شریک اولور
۱۴۱۴ ماده

مضاربۀ مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضاربۀ ایله
مضاربۀ نك لوازم و تفرعاتندن اولان ایشلری یا پیغمه مأذون
اولور

شویله که . اول . صاتوب کار ایتک ایچون مال اشترا
ایده بیلور . فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدرسه
کندوسی ایچون المش اولور . مضاربۀ حسابنه داخل
اولماز

ثانیاً . کرک پشین پاره ایله و کرک ویردسی یه اوله رق آز
وچوق بها ایله مال صاته بیلور . فقط بین التجار عرف
اولدیغی مرتبه مهلت ویره بیلور یو خسه بین التجار معروف
اولیان اوزون مدت ایله مال صاته ماز

ثالثاً . صاتیغی مالک ثمنی حواله قبول ایده بیلور

رابعاً . اخر کمسنه بی بیع و شرایه توکیل ایده بیلور

خامساً . مال مضاربۀ بی ایداع و ابضاع ورهن و ارتهان
و ایجار و استیجار ایده بیلور

سادساً . آتش و یرش ایتک اوزره آخر بلده یه
کیده بیلور

۱۴۱۵ ماده

مضاربۀ مطلقہ مال مضاربہ بی مضارب کندی مالیه
قارشدرمغه ومضاربہ یه ویرمکه مجرد عقد مضاربہ ایله
مأذون اولماز

فقط مضارب بلرک مال مضاربہ بی کندی مالری ایله
قارشدرملری عادت اولان بلدهده ایسه مضاربۀ مطلقہده
مضارب اکا دخی مأذون اولور

۱۴۱۶ ماده

اکر مضاربۀ مطلقہده رب المال مضاربہ رأیکله عمل ایت
دیهرک مضاربہ امورینی انک رأینه تفویض ایلش ایسه
مضارب هر حالده مال مضاربہ بی کندی مالیه قارشدرمغه
ومضاربہ یه ویرمکه مأذون اولور

اما مال مضاربہ دن هبه واقراض ایتکه وسرمایه دن
زیاده بورج التسه کیرمکه بوصورتده دخی مأذون
اولیوب بونلرک اجراسی رب المالك اذن صریحنه
موقوفدر

۱۴۱۷ ماده

مضارب کندی مالیه مال مضاربہ بی قارشدردیغی
صورتده حاصل اولان ربحی سرمایهلرک مقدارینه کوره
تقسیم ایدر

یعنی کندی سرمایہ سنک فائده سنی کندوسی آلور ومال مضاربہ نک

فائده سی رب المال ایله بینلرنده شرط ایتدکری وجهله تقسیم اولور
۱۴۱۸ ماده

رب المالك اذنیله مضاربك سرماییه دن زیاده اوله ورق ویره سی یه
الدیغی مال ایکسی بیننده شرکت وجوه ایله مشترک اولور
۱۴۱۹ ماده

مضارب اکر مضاربیه ایشیله بولندیغی بلده دن بشقه یه
کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضاربیه دن آلور
۱۴۲۰ ماده

مضاربیه مقیده ده رب المالك قید و شرطی نه ایسه مضاربك
اکا رعایت ایتسی لازمدر
۱۴۲۱ ماده

مضارب اکر مأذونیتك خارجنه چیقار و شرطه مخالفت
ایدر ایسه غاصب اولور و بو حالده ایتدیکی آالش ویرشك
کار و ضرری کندوسنه عائد اولور . و مال مضاربیه تلف
اولورسه ضامن اولور

۱۴۲۲ ماده

رب المال اکر مال مضاربیه ایله فلان محله کیتمه یاخود
ویره سی یه مال صاتمیه دیو نهی ایتشیکن مضارب اکا
مخالفت ایدرک مال مضاربیه ایله اول محله کیدوبده
مال مضاربیه تلف اولسه یاخود ویره سی یه مال صاتوبده
پاره سی باتسه مضارب ضامن اولور

۱۴۲۳ ماده

رب المال مضاربہ بی بروقت معین ایله توقیت ایتدکده اول وقتک یکمسیله مضاربہ منفسخ اولور

۱۴۲۴ ماده

رب المال مضاربی عزل ایتدکده عزلنی اکا بیلدیرمسی لازم کلور

مضارب کندوسنک عزلنه واقف اولنجیه دک واقع اولان تصرفاتی معتبر اولور

وعزلنه واقف اولدقدن صکره النده کی نقودده تصرف ایدمز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه انی صاتوب نقده تبدیل ایده بیلور

۱۴۲۵ ماده

مضارب انجق عملی مقابله سنده ربحه مستحق اولور
عمل ایسه انجق عقد ایله متقوم اولور • بناء علیه عقد مضاربده مضاربہ نه مقدار شرط ایدلمش ایسه اکا کوره ربحدن حصه الور

۱۴۲۶ ماده

رب المالك ربحه استحقاقی مالی ایله در
بناء علیه مضاربہ فاسدهده ربحك مجموعی اکا عائد اولور • ومضارب انك اجیری منزله سنده اولوب

اجر مثل آلور . فقط حین عقدده شرط ابتدکاری
مقداری تجاوز ایده من . ورج یوق ایسه اجر مثله دخی
مستحق اولماز
۱۴۲۷ ماده

مال مضاربده دن برمقداری تلف اولسه اول امرده ربحدن
محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایتدیرلمز
واکر ربحك مقدارینی تجاوز ایدوبده رأس الماله سرایت
ایدرسه مضارب انی ضامن اولماز . مضارب به کرك صحیح
اولسون وکرك فاسد اولسون
۱۴۲۸ ماده

ضرر و زیان هر حالده رب الماله عائد اولور . و مضارب
ایله بینلرنده مشترک اولسی شرط ایدیلورسه اول شرطه
اعتبار اولنماز
۱۴۲۹ ماده

رب المال یا مضارب فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
اولسه مضارب به منفسخ اولور
۱۴۳۰ ماده

مضارب بجهلا فوت اولسه ترکه سندن ضمان لازم کلور
(۸۰۱) و (۱۳۵۵) ماده لره باق

(باب ثامن)

(مزارعه و مساقات بیانده اولوب ایکی فصله)
(منقسمدر)

(فصل اول)

(مزارعه بیانده در)

۱۴۳۱ ماده

مزارعه . بر طرفدن اراضی و دیگر طرفدن عمل یعنی
زراعت اوله رق حاصلات بینلرنده تقسیم اولنمق اوزره
برنوع شرکتهدر

۱۴۳۲ ماده

مزارعه نکرکنی ایجاب و قبولدر
شویله که اراضی صاحبی عامله یعنی چفتجی یه بویری
حاصلاتدن شوقدر حصه المق اوزره سکا مزارعه
وجهله ویردم دیوبده چفتجی دخی قبول ایتدم یا راضی
اولدم دیسه یا خود رضاسنه دلالت ایدر برسوز سویلهسه
ویا خود چفتجی یر صاحبنه بن سنک یرکده مزارعه
وجهله عمل ایدیم دیوبده اودخی راضی اولسه مزارعه
منعقد اولور

۱۴۳۳ ماده

مزارعه ده عاقدینک عاقل اولسی شرطدر • بالغ اولسی
شرط دکلدر • بناء علیه صبی مأذون دخی عقد مزارعه
ایده بیلور

۱۴۳۴ ماده

زرعک یعنی نه اکیله جکنک تعیینی یاخود چفتجی هر نه
دیلر سه اکمک اوزره تعمیمی شرطدر

۱۴۳۵ ماده

حین عقدده چفتجینک حاصلاتدن اولمق اوزره حصه سی
نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین اولمق
شرطدر

واکر حصه سی تعیین اولنماز یاخود حاصلاتدن بشقه برشی
ویرمک اوزره تعیین قیلنور ویاخود حاصلاتدن شوقدر
کیله دیو قطع اولنور ایسه مزارعه صحیح اولماز

۱۴۳۶ ماده

یرک زرعه صالح اولسی وچفتجی یره تسلیم ایدلمسی
شرطدر

۱۴۳۷ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنماز ایسه مزارعه
فاسد اولور

۱۴۳۸ ماده

مزارعہ صحیحہ ده عاقدین نصل شرط ایتدیلر ایسه
حاصلاتی بینلرنده اولوجهله تقسیم ایدرلر

۱۴۳۹ ماده

مزارعہ فاسدهده حاصلات کاملا تخم صاحبك
اولور

دیگری یرصاحبی ایسه یرینك اجرتنی آلور . واکر
چفتجی ایسه اجر مثل آلور

۱۴۴۰ ماده

اکین یشیل ایکن یرصاحبی فوت اولسه اکین یتشنجیه
قدر چفتجی ایشنه دوام ایدر . متوفانك وارثلری اکا
مانع اوله ماز

واکر چفتجی فوت اولسه کئدوسنك وارثی انك مقامنه
قائم اولوب دیلرسه اکین یتشنجیه دکین زراعت
ایشنه دوام ایلر . یرصاحبی اکا مانع اوله ماز

(فصلی ثانی)

(مساقات بیاندهدر)

۱۴۴۱ ماده

مساقات . برطرفدن اشجار و دیگر طرفدن تربیه اولوق

و حاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولنق اوزره بر نوع
شرکتدر

۱۴۴۲ ماده

مساقاتک رکنی ایجاب و قبولدر
شویله که اشجار صاحبی میوه سندن شو قدر حصه
المق اوزره مساقات وجهله شو اشجاری سکا ویردم
دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده جک اولان
کیمسه دخی قبول ایتمسه مساقات منعقد اولور

۱۴۴۳ ماده

عاقدینک عاقل اولسی شرطدر • بالغ اولسی شرط
۱۴۴۴ ماده

مزارعه ده اولدیغی کبی عقد مساقاتده دخی عاقدینک
حصه لری نصف و ثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین
اولنق شرطدر

۱۴۴۵ ماده

اشجارک عامله تسلیمی شرطدر

۱۴۴۶ ماده

مساقات صحیحده عاقدین بینلرنده شرط ایتدکاری وجهله
میوه بی تقسیم ایدرلر

۱۴۴۷ ماده

مساقات فاسده ده حاصل اولان ميوه تماما اشجار صاحبك
اولور . عامل دخی اجر مثل الور

۱۴۴۸ ماده

ميوه خام ايكن اشجار صاحبي فوت اولسه ميوه يتشجيه
قدر عامل ايشنه دوام ايدر . متوفانك وارثلری اكا مانع
اوله ماز

واكر عامل فوت اولسه وارثي انك مقامنه قائم اولوب
ديلر سه ايشنه دوام ايدر . اشجار صاحبي اكا مانع
اوله ماز

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ جمادی الاخره سنه ۱۲۹۱

ناظر معارف عمومی

احمد جودت

امین الفتوی

السید خلیل

قاضی دار الخلافه العلیه

سابقا سیف الدین

مفتی دار شورای عسکری

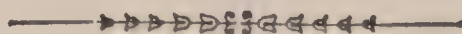
احمد خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

احمد حلمی

عن اعضاء مجلس تدقیقات

شرعیه احمد خالد





كتاب الوكيل

فیوض الحقیقه

برخی عمل و نه

— کتاب حادی عشر —

(وکالت حقنده اولوب بر مقدمه ایله اوچ بابی مشتملدر)

﴿مقدمه﴾

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاندهدر)

۱۴۴۹ ماده

وکالت • بر کیمسه ایشنی بشقه سنه تفویض ایتک واول
ایشده انی کندو یرینه اقامه ایلکدر

اول کیمسه یه موکل و یرینه اقامه ایلدیکی کسنه یه وکیل
و اول ایشه موکل به دینلور

۱۴۵۰ ماده

رسالت . بر کیمسه تصرفده دخی اولقسزین برکسنه نك
سوزینی دیکره تبلیغ ایتکدر
اول کیمسه ره رسول واول کسنه یه مرسل و دیکرینه
مرسل الیه دینور

(باب اول)

(وکالتک رکن و تقسیمی بیانده در)

۱۴۵۱ ماده

توکیلاک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیوبده وکیل دخی
قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه برسوز سویلسه وکالت
منعقد اولور . کذاک وکیل برشی سویلیوبده اول خصوصک اجراسنه
تشبث ایلسه دلالت وکالتی قبول ایتش اولغله تصرفی صحیح
اولور .

اما بعد الايجاب وکیل رد ایتسه ایجابک حکمی قالماز .

بناء علیه موکل بو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیوبده وکیل اوله جق
کسنه قبول ایتتم دیو رد ایلد کدن صکره موکل بهک اجراسنه
مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز

۱۴۵۲ ماده

اذن و اجازت توکیلدر

۱۴۵۳ ماده

اجازت لاحقہ وکالت سابقہ حکمنده در

مثلا بر کیمسه فضولی آخرک مالی صائدقدن صکره مال صاحبہ
خبر و یروب اودخی مجیز اولسه اولجه انی وکیل ایتش کی اولور

۱۴۵۴ ماده

رسالت وکالت قبیلندن دکلدر

مثلا بر کیمسه یه صراف آچه اقراض ایده جک اولوبده اودخی
آچه بی کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه خدمتکار اول
کسنده نک رسولیدر یوخسه استقراضه وکیلی دکلدر

کذلک بر کیمسه نک بر آت اشترا ایتک اوزره جانبازه کوندردیکی
شخص اول جانبازه فلان کیمسه سندن فلان آتی صاتون آلمق
ایستیور دیمسی اوزرینه جانباز دخی شو قدر غروشه اولمق اوزره
بو آتی اکا صادم وار اکا سویله و آتی تسلیم ایله دیهرک اول
شخصه و یروب اودخی منوال مشروح اوزره اول کیمسه یه آتی
تسلیم و اودخی همان قبول ایتدکده اول کیمسه ایله جانباز بیننده
بیع منعقد اوله رق اول شخص ارده مجرد بر رسول و واسطه
اولور - یوخسه وکیل اولماز

و کذلک بر کیمسه قصابه بنم بازاره کیدوب کلان فلان خدمتکاریمه
بنم ایچون یومیه شو قدر قیه ات ویر دیوب اودخی بو وجهله
ویرسه اول خدمتکار افندیسنک رسولی اولور وکیلی دیمک اولماز

۱۴۵۵ ماده

امر بعضا وکالت و بعضا رسالت قبیلندن اولور

مثلا بر کیمسه نک امریاه خدمتکاری بر تاجردن مال اشترا ایلدکده
اول کیمسه نک شرایه وکیلی اولور -

اما اول کیمسه بر تاجر ایله بازارلق ایدوبده مالی الوب کتورمک
اوزره خدمتکارینی کوندرسه افندیسنک رسولی دیمک اولوب
بوخسه وکیل اولماز

۱۴۵۶ ماده

رکن توکیل بعضا مطلق اولور

یعنی بر شرطه معلق یابر وقته مضاف یا خود بر قید ایله مقید اولماز
وبعضا شرطه معلق اولور

مثلا فلان تاجر بورایه کلور ایسه بنم شو آتمی صاتمق اوزره سنی
وکیل ایتدم دیوبده اودخی قبول ایتسه وکالت اول تاجرک کلسنه
معلق اوله رق منعقد اولور • واول تاجر کلور ایسه وکیل دخی
اول مالی صاته یلور • والا صاته ماز

وبعضا بروقته مضاف اولور

مثلا نیسان آینده بنم حیوانلری صاتمغه سنی وکیل ایتدم دیوبده
اودخی قبول ایتسه شهر نیسان حلولنده وکیل اولوب همان
اولوقت یا خود اذن صکره اول حیوانلری بالوکاله صاته یلور
اما نیساندن اول صاته ماز

وبعضا بر قید ایله مقید اولور

مثلا شو ساعتی بیک غروشه صاتمغه سنی وکیل ایتدم دیسه
وکیلاک وکالی انی بیک غروشدن اشاغی یه صاتمق ایله مقید
اولور

(باب ثانی)

(شرط وکالت بیانده در)

۱۴۵۷ ماده

موکک موکل به اولان ایشی یامغه مقتدر اولسی
شرطدر

بناء علیه صبی غیر ممیز ایله مجنونک توکیل صحیح
اولماز

وصبی ممیز حقنده هبه و صدقه کبی ضرر محض اولان
ایشلرده ولیسی اذن و یرسه بیله آخری توکیل ایده من .
وقبول هبه و صدقه کبی حقنده نفع محض اولان ایشلرده
ولیسنک اذن اولسه بیله آخری توکیل ایده بیلور . اما
بیع و شراکبی نفع ایله ضرر بیننده دائر و متردد اولان
تصرفاتده اگر اخذ و اعطایه مأذون ایسه بشقه سنی
دخی توکیل ایده بیلور . دکل ایسه توکیل ولیسنک
اجازتنه موقوفا منعقد اولور

۱۴۵۸ ماده

وکیلک عاقل و ممیز اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دکدر

بناء علیه صبی ممیز مأذون اولسه بیله وکیل اوله بیلور .
فقط حقوق عقداکا عائد اولیوب موکانه عائد اولور

۱۴۵۹ ماده

بر کیمسه بالذات یا به بیله جکی خصوصاً صلرده و معاملاتیه دائر
اولان هر حق ایفا و استیفاسنده بشقه سنی توکیل ایده
بیلور

مثلاً بر کیمسه بیع و شرا و ایجار و استیجار و رهن و ارتهان و ایداع
و استیداع و هبه و اتیهاب و صلح و ابرا و اقرار و دعوی و طلب شفعه
و قسمت و ایفا و استیفای دیونه و قبض ماله دیگر بر کیمسه یی توکیل
ایتسه جائز اولور

فقط موکل بهک معلوم اولسی لازمدر

(باب ثالث)

(وکالتک احکامی بیاننده اولوب التی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(وکالتک احکام عمومییه سنی بیاننده در)

۱۴۶۰ ماده

هبه و اعاره و رهن و ایداع و اقراض و شرکت و مضاربده
و عن انکار صلحده و کیلک عقدی موکلنه مضاف
قیلسی لازمدر . موکلنه مضاف قیلماز ایسه صحیح اولماز

۱۴۶۱ ماده

بیع و شرا و اجاره ده و عن اقرار صلحده و کیلک عقدی
موکلنه مضاف قیلمسی شرط دکادر ، موکلنه مضاف
قیلمیو بده نفسنه اضافت ایله اکتفا ایتسی دخی صحیح
اولور . وایکی صورتده دخی ملکیت انجق موکلنه
ثابت اولور

فقط عقد اگر موکله مضاف قیلنماز ایسه حقوق عقد
حاقده یعنی وکیله عائد اولور . و اگر موکله مضاف
قیلنور ایسه حقوق عقد دخی موکله عائد اولور .
و ب صورتده وکیل رسول کی اولور

مثلا وکیل بالیبع عقدی موکلنه مضاف قیلمیو بده نفسنه اضافت ایله
اکتفا ایدرک موکلنک بر مائی صا ت د قده میعی مشتری به تسلیم ایتکه
مجبور اولور و ثمنی مشتری دین طلب و قبض ایده بیلور و مال مشتری به
بر مستحق چیقوبده بعد الحکم ضبط اولنسه مشتری وکیل بالیبعه
رجوع ایدر . یعنی ویردیکی ثمنی اندن ایستر

و وکیل بالشرا عقدی بو وجهله موکله مضاف قیلمسزین اشترا
ایلدیکی مالی قبض ایدر و مال مشتری انک ثمنی موکلندن آلمسه بیه
کندی مالندن بایعه ویرمک اوزره جبر اولنور . و مال مشتری به
عیب قدیم ظهور ایتسه رد ایچون وکیلک محاصمه یه حق اولور .
اما وکیل اگر عقدی موکلنه مضاف قیلش ایسه مثلا فلانک
طرفندن بالوکاله صا ت دم یا خود فلان ایچون اندم دیدرک عقد بیع
ایلمش اولسه اولخالده آنفاً بیان اولنان حقوق عقد هپ موکله عائد
اولور . و ب صورتده وکیل رسول حکمنده قالور

۱۴۶۲ ماده

رسالته حقوق عقد مرسله عائد اولور . رسوله اصلا
تعلق ایتمز

۱۴۶۳ ماده

بیع و شرا و ایفا و استیفای دینه و قبض عینه و کیل اولان
کیمسه نك جهت و کالتدن طولایی مقبوضی اولان مال
کندی یدنده و دیعه حکمنده در . بلا تعد و لا تقصیر
تلف اولسه ضمان لازم کلز

جهت رسالتدن طولایی رسولک یدنده کی مال دخی
کذاک و دیعه حکمنده در

۱۴۶۴ ماده

مدیون بورجنی دائئه کوندر و بده قبل الوصول رسول
یدنده تلف اولدیغی صورتده اگر مدیونک رسولی ایسه
مدیونک مالندن تلف اولور و اگر دائئک رسولی ایسه
دائئک مالندن تلف اولوب مدیون بورجندن بری اولور

۱۴۶۵ ماده

برکیمسه ایکی کشی یی بردن توکیل ایتمه و کیل اولدقلری
خصوصده یالکز بریسی تصرف یعنی ایفای و کالت
ایده من

فقط خصوصته یا خود رد و دیعه و یا خود قضاء دینه
وکیل ایسه لر یالکز بریسی ایفای وکالت ایده پیلور
اما بر کیمسه یی بر خصوصه وکیل ایتد کدنصکره دیکرینی
دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدیکی صورتده هر قنغیسی
ایفای وکالت ایسه جائز اولور

۱۴۶۶ ماده

بر کیمسه وکیل اولدیغی خصوصده بشقه سنی توکیل
ایده من

مکرکه موکل اکا اذن و یرمش و یا خود رأیکله عمل ایت
دیمش اوله اول حالده وکیل بشقه سنی توکیل
ایده پیلور

و بو وجهله وکیل توکیل ایتدیکی کیمسه موکلک وکیلی
اولور . یوخسه اول وکیلک وکیلی اولماز . حتی
وکیل اولک عزلیله یا خود وفاتیه وکیل ثانی منعزل اولماز

۱۴۶۷ ماده

اگر وکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفای
وکالت ایلرایسه اجرتیه مستحق اولور . و اگر شرط
ایدیلوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر مقوله دن
دکل ایسه متبرع اولوب اجرت ایستیه من

(فصل ثانی)

(شرایه وکالت بیاننده در)

۱۴۶۸ ماده

(۱۴۵۹) ماده نك فقرهٔ اخیره سی حکمنجه وکالتك
ایفاسی قابل اوله جق مرتبه موکل بهك معلوم اولسی
لازمدر

شویله که موکل اشترا ایتدیره جکی شیئك جنسنی بیان
ایتملیدر و جنسك تحتنده اکر انواع متغایره وار ایسه
یالکز جنسك بیانی کافی اولیوب نوعی یاخود بهاسنی
دخی بیان ایتك لازم کلور

واکر انه جق شیئك جنسی بیان اولنماز ایسه یاخود
جنسی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغی
حالده نوعی یا بهاسی تعیین قلنماز ایسه وکالت صحیح اولماز
مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتمش اوله

مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیکرینی توکیل ایتسه وکالت صحیح
اولور وبرکیمسه اثوابلق قاش آلمق اوزره برینی توکیل ایده جک
اولدقده جنسنی یعنی چتاریمی المق ایستر یوخسه بشقه جنس
قاشمی ایستر بوراسنی بیان ایله برابر شام یاهند قاشی دیو نوعی
یاخود طوی شو قدر غرو شلق دیو بهاسنی بیان ایتسی لازمدر .
جنسنی بیان ایتمیوبده یالکز بکا بردابه ال یاخود قاش آل دیسه

وياخود مثلاً چتاری آل دیوبده نوعنی یا بهاسنی بیان ایتمده وکالت صحیح اولماز فقط بکا برقات روبالق قماش یاخود چتاری آل هر قنغی جنس ویانوعدن اولورسه اولسون سنک رایکه مفوضدر دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنغی جنس ونوعدن ایستر ایسه انه یلور

۱۴۶۹ ماده

اصلک یامقصدک ویاخود صنعتک اختلافیله جنس دخی مختلف اولور

مثلاً یموق بزیله کتان بزی اصلارینک اختلافی سببیه مختلف الجنسدرلر وقیونک یوکی ایله دریمی اختلاف مقصد حسبیه مختلف الجنسدر زیر ادریدن مقصد طلوم یا یمق اولوب یوک المقدن مقصد ایسه ایپاک یاپوب کلیم طوقومق کی اکا مغایر اولان خصوصدر . وشار کوی کچه سیله عشاق کچه سی هب یوکن معمول اولدقنری حالده اختلاف صنعت حسبیه مختلف الجنسدرلر

۱۴۷۰ ماده

وکیل اکر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان جنسدن برشی آل دیوبده وکیل بشقه برجنسدن برمال آسه هر نقدر الدیغی شی دها فائده لو اولسه بیله موکل حقنده نافذ اولماز یعنی وکیلک الدیغی مال کندو اوزرنده قالوب موکل ایچون النمش اولماز

۱۴۷۱ ماده

موکل قوج آل دیوبده وکیل دیشی قیون السه موکل حقنده نافذ اولمیوب النان قیون وکیلک اولور

۱۴۷۲ ماده

موکل بکا فلان عرصه یی آل دیوبده اول عرصه اوزرینه
ابنیه یاپسه اندن صکره وکیل انی بالو کاله اله ماز . اما فلان
خانه یی آل دیوبده اول خانه صیوادلسه یا خود اکابر دیوار
علاوه ایدلسه بو حالده وکیل انی بالو کاله اله بیلور

۱۴۷۳ ماده

موکل سوت آل دیوبده نه سوتی اولدیغنی تصریح ایتسه
بلدهده معروف اولان سوته محمول اولور

۱۴۷۴ ماده

موکل پرنج آل دیسه وکیل اولان کیمسه چارشوده صاتیلان
هرنوع پرنجدن اله بیلور

۱۴۷۵ ماده

برکیمسه برخانه المق ایچون دیکرینی توکیل ایده جک
اولدقده محله سنی و بهاسنی بیان ایتلیدر . بیان ایتز
ایسه وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۶ ماده

برکیمسه برتک اینجو یا خود بر قیرمزی یا قوت طاشی المق
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدقده بهاسی قاچ غروشه
قدر اوله جغنی بیان ایتسی لازمدر . ایتز ایسه وکالت
صحیح اولماز

۱۴۷۷ ماده

مقدراتده موکل بهك مقدارى ياخود ثمنى بيان اولنمق
لازمدر

مثلا بغدادى المق ايچون برينى توكيل ايتدكده قاچ كيله اوله جغنى
سويلىسى ياخود شوقدر غروشلق بغدادى ديو مقدار ثمنى بيان
ايلسى لازم كلور . بيان ايتمز ايسه وكالت صحيح اولماز

۱۴۷۸ ماده

موكل بهك وصفى بيان اولنمق لازم دكلدر
مثلا اعلى يا اوسط يادنى ديو وصفنك بيانى لازم كلز
شو قدركه موكل بهك وصفى موكلك حالنه موافق اولمق
لازمدر

مثلا بر باركيز كراجيسى كندوسنه بر باركيز المق اوزره برينى توكيل
ايتدكده وكيل كيدوبده يكرمى بيك غروشلق بر عرب آتى آله من
الور ايسه شراسى موكل حقنده نافذ اولماز يعنى اول آت موكل
ايچون النمش اولميوب وكيلاك اوزرنده قالور

۱۴۷۹ ماده

وكالت بر قيد ايله تقيد اولندقدده وكيل اكا مخالفت ايدهمز
ايدر ايسه شراسى موكل حقنده نافذ اولميوب الديغى
مال كندو اوزرنده قالور

فقط موكل حقنده دها فائده لو بر صورتده مخالفت ايدر
ايسه معنا مخالفت عد اولنمز

مثلا برکیمسه فلان خانہ یی بنم ایچون اونبیک غروشه آل دیدکده وکیل دها زیاده یه اشترا ایتسه موکل حقنده نافذ اولمیوب اول خانه کندوسنک اوزرنده قالور اما اونبیک غروشدن اشاغی ایتسه موکل ایچون النمش اولور

کذلک ویره سی یه آل دیوبده وکیل پشین اچه ایله السه اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما پشین اچه ایله آل دیوبده ویره سی یه السه موکل ایچون النمش اولور

۱۴۸۰ ماده

برکیمسه اشترا سنده وکیل اولدیغی شیئک نصفنی اشترا ایتدیکی صورتده اگر اول شیئک تبعیضنده ضرر وار ایتسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یوق ایتسه نافذ اولور

مثلا برطوپ قاش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما الی کیله بغدادی آل دیوبده وکیل اوچ کیله السه موکل ایچون النمش اولور

۱۴۸۱ ماده

موکل بکا بر جبهه لک چوقه آل دیوبده وکیلک الیدیغی چوقه دن جبهه چیقیمسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب اول چوقه وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۲ ماده

برشیئک بهاسی بیان اولتمسزین اشترا سنده وکیل اولان کسسه اول شیئی قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر ایله دخی آله بیلور

فقط ات واکمک کبی سهر و قیمتی معین اولان شیلرده
غبن یسیر دخی معفو اولماز

اما غبن فاحش ایله آلورسه هر حالده شراسی موکل حقنده
نافذ اولمیوب اول مال کندوسنک اوزرنده قالور

۱۴۸۳ ماده

علی الاطلاق اشترا نقود ایله اشترایه مصروف اولور
بوصورته برشیئک اشتراسنه وکیل اولان کیمسه انی برمالی ایله
ترانیه ایتسه موکل حقنده نافذ اولمیوب اول شیء وکیلک اوزرنده
قالور

۱۴۸۴ ماده

بر موسم معینده لزومی اولان شیئی المق ایچون بر کیمسه
دیگرینی توکیل ایتسه اول موسم مصروف اولور

مثلا بر کیمسه بر بهار موسمنده شالی جبه المق ایچون برینی توکیل
ایتسه اویازین قوللانلق اوزره جبه المسی ایچون توکیل ایتش
اولور موسم یکدکدن صکره یا خود کله جک سنه نك بهارنده السه
موکل حقنده نافذ اولمیوب وکیلک الدیغی جبه کندی اوزرنده
قالور

۱۴۸۵ ماده

بر معین شیئک اشتراسنه وکیل اولان کیمسه اول شیئی
کندوسی ایچون اشترا ایده مز واشترا ایدر کن بن
بونى کندم ایچون الدم دیسه بیله کندوسنک اولمیوب
موکلک اولور

مکر که موکک تعیین ایتدیکی بهادن زیاده و تعیین بهها
ایتدیکی صورتده غبن فاحش ایله الورسه اول وقت
مال و کیلک اولور

و برده موکل حاضر اولدیغی حالده و کیل بن بونی کندم
ایچون الدم دیرسه اول مال و کیلک اولور
۱۴۸۶ ماده

برکیمسه بکا فلانک آتی آل دیوبده و کیل لا ونعم برشی
سویلمکسزین کیدوب اول آتی اشترا ایتدیکی تقدیرده
اگر آلورکن موکل ایچون الدم دیرسه موکک اولور .
واکتدم ایچون الدم دیرسه کندوسنک اولور

اما یالکز الدم دیوبده کیمک ایچون الدیغنی سویلماشیکن
صکرده دن موکل ایچون الدم دیدیکی صورتده آت اگر تلف
یاخود بر عیب حادث اولمدن دیمش ایسه تصدیق اولنور .
واگر آت تلف یاخود بر عیب حادث اولدقدن صکرده دیمش
ایسه تصدیق اولنماز

۱۴۸۷ ماده

برشی المق اوزره برکیمسه یی ایکی کشی بشقه بشقه
توکیل ایتدیکی صورتده و کیل اول مالی الورکن قنغیسی
ایچون قصد و مراد ایتمش ایسه اول مال انک اولور

۱۴۸۸ ماده

وکیل بالشرا کندی مالی موکل ایچون صاتسه صحیح اولماز

۱۴۸۹ ماده

وکیل الدیغی مالی هنوز موکله تسلیم ایتدن عینه
مطلع اولسه انی کندولکنندن اوله رق رد ایده بیلور
اما موکله تسلیم ایتدکن صکره انک امر و توکیلی
اولقسزین رد ایده مز

۱۴۹۰ ماده

وکیل اگر مالی مؤجل اوله رق اشترا ایلسه موکل
حقنده دخی مؤجل اولوب وکیل انک ثمنی پشین اوله رق
طلب ایده مز

اما وکیل پشین پاره ايله اشترا ایتدکن صکره بايع ثمنی
تأجیل ایتسه وکیل ثمنی موکلدن بروجه پشین طلب
ایده بیلور

۱۴۹۱ ماده

وکیل بالشرا ثمنی کندی مالندن ویروبده مبیعی قبض
ایتسه موکله رجوع ایده بیلور یعنی ویردیکی ثمنی اندن
اله بیلور . و مال مشترانک ثمنی هنوز بايعه ویرمامش
اولسه بيله موکلندن ثمنی طلب و موکل انی ادا ایدنجه دك
مالی حبس و توقیف ایده بیلور

۱۴۹۲ ماده

وکیل بالشرایندہ مال مشترک قضا را تلف یا ضایع
اولسہ موکل مالندن تلف اولور و ثمنندن برشی ساقط
اولماز

فقط وکیل انی استیفای ثمن ایچون حبس ایدوبده
اول حالده تلف یا ضایع اولسہ ثمننی وکیل و یرمسی
لازمکلور

۱۴۹۳ ماده

وکیل بالشرای موکل اذنی اولمدقہ عقد بیعی اقاله
ایدهمنز

(فصل ثالث)

(بیعه وکالت حقننده در)

۱۴۹۴ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکلنک مالی
ازہ چوغہ یعنی مناسب کوردیکی بها ایله صاته بیلور

۱۴۹۵ ماده

موکل اگر تعیین ثمن ایتش ایسه یعنی شوقدر غروشه
صات دیمش ایسه وکیل اندن نقصانه صاتهمنز
صاتار ایسه بیعی موکلنک اجازتنه موقوفا منعقد اولور

و خود بخود نقصانده صا تو بده مالی مشتری به تسلیم
ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور

ماده ۱۴۹۶

وکیل بالبیع موکل مالنی کندوسی ایچون السه صحیح اولماز

ماده ۱۴۹۷

وکیل بالبیع کندو لهنده شهادتتری جائز اولمیانلره موکل
مالنی صاته مز مکرکه دکرندن زیادهیه صاتار ایسه
بیعی صحیح اولور

و برده موکل ا کردیلدیگ کیمسهیه صات دیو وکالت
عامه ایله توکیل ایتش ایسه اول حالده وکیل انلره دخی
ثمن مثلیله صاتمسی جائز اولور

ماده ۱۴۹۸

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیمسه موکل مالنی
پشین ایچه ایله یاخود اول مال حقنده بین التجار معروف
اولان مدت ایله ویرهسییه صاته بیلور . اما عرف وعادته
مخالف بر مدت طویله ایله صاته مز

و برده صراحة یاخود دلالة بروجه پشین صاتمغه وکیل
اولسه ویرهسییه صاتامز

مثلا موکل بومالی بروجه پشین صات یاخود شومالی صاتده بوزجی
ویر دیسه وکیل انی ویرهسییه صاته مز

۱۴۹۹ ماده

برمالك تبعيضنده ضرر وار ايسه وکیل انک نصفنی
صاته مز یوق ايسه صاته پیلور

۱۵۰۰ ماده

وکیل و یردسی یه صاتیغنی مالک ثمنی مقابلنده رهن یا کفیل
اله پیلور ۰ فقط رهن تلف یا کفیل مفلس اولسه وکیل
ضامن اولماز

۱۵۰۱ ماده

موکل رهن ایله یا کفیل ایله صات دیدکده وکیل بلار رهن
وبلا کفیل صاته مز

۱۵۰۲ ماده

وکیل بالبیع صاتیغنی مالک ثمنی مشتریدن المدیغنی
حالده کندی مالندن موکله ادا ایتک اوزره جبر اولماز

۱۵۰۳ ماده

ثمن مبیعی قبض ایتک وکیل حق اولسه دخی موکل قبض
ایدیورسه صحیح اولور

۱۵۰۴ ماده

وکیل اگر اجرتسز ايسه صاتیغنی مالک ثمنی استیفا
وتحصیله مجبور دکادر فقط کندو رضاسیله تحویل
ایتمدیکی تقدیرده موکلانی قبض وتحصیل ثمنه توکیل ایتسی
لازم کاور

اما دلال و سمسار کبی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه
مبیعک ثمننی استیفا و تحصیله مجبوردر

۱۵۰۵ ماده

وکیل بالبیع خود بخود بیعی اقاله ایدوبیلور
فقط بواقاله موکل حقننده نافذ اولیوب وکیلک موکله ثمنی
ویرمسی لازم کلور

(فصل رابع)

(مأموره دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۰۶ ماده

برکیمسه بر شخصه یاخود میرییه اولان دیننی ادا ایتک
اوزره دیگر کیمسه یه امر ایدوبده اودخی کندی مالندن
ایفا ایتسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرک رجوعی
شرط ایتسون و کرک شرط ایتسون

یعنی کرک صکره بدن المق اوزره بورجی ویر یاخود سن ویرده
صکره بن سکا ویره یم دیمک کبی بر تعبیر ایله مأمورک کندوسنه
رجوع ایتسنی شرط ایتسون و کرک یالکز بورجی ویردیمش
اولسون

۱۵۰۷ ماده

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ایله ایفای دینه مأمور
اولان کیمسه دائنه مسکوکات خالصه ویرسه آمردن

مسکوکات مغشوشه الور • و مسکوکات خالصه ايله
ایفای دینه مأمور اولان کیمسه مسکوکات مغشوشه
ایله اداء دین ایتسه آمردن مسکوکات مغشوشه الور
اما بر دینک اداسنه مأمور اولان کیمسه دائئه کندی
مالی صاتوبده آمرک دینه تقاص ایتسه دینک مقداری
نه ایتسه آمردن انی الور • و کندی مالی دائئه دکرندن
زیادهیه صاتمیش اولسه بیله آمرمدیون اول زیادهیه دینندن
تنزیل ایتدیره من

۱۵۰۸ ماده

بر کیمسه کندوسی یاخود اهل و عیالی ایچون مصرف
ایتمک اوزره آخر کمسنهیه امر ایتدکده صکره مصرفکی
بن ویرهیم دیورجوعی شرط ایتسه بیله اول کمسنه قدر
معروف مصرفنی آمردن الور

کذلک خانه می یاپدر دیو امر ایدوبده مأمور دخی
یاپدردیغی صورتده رجوعی شرط ایتامیش اولسه بیله
صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمردن الور

۱۵۰۹ ماده

بر کیمسه فلانه اودنج اچه یاخود بخشش و یاخود صدقه
ویر صکره بن سکا ویرهیم دیو آخر کمسنهیه امر ایدوبده
اودخی ویرسه صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویرهیم یاخود صکره بندن آل دیمک
کبی برسوز ایله رجوعی شرط ایتکسزین یالکز ویر
دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایده مز • شو قدر
وار که مأمور اکر آمرک عیالنده بولنمق یاخود شریکی
اولمق کبی بر وجهله بو مثالو خصوصیلرده آمره رجوعی
عرف و عادت ایسه رجوعی شرط ایتامش اولدیغی
صورتده دخی رجوع ایلر • (۳۶) ماده یه باق

۱۵۱۰ ماده

برکسینه نک امری انجق کندی ملکی حقننده جاری اولور
مثلا برکیمسه شومالی دکره آت دیوبده مأمور دخی انی بشقده سنک مالی
اولدیغی بیلهرک آتسه صاحبی اومالی اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولمده
آمره برشی لازم کلز

۱۵۱۱ ماده

برکیمسه بنم شوقدر غروش دینی سن کندی مالندن
ادا ایت دیو آخر کسینه یه امر ایدوب اودخی وعد
ایتد کد نصکره ادادن امتناع ایتسه مجرد وعد ایتش اولمسیله
اول کسینه ادای دینه جبر اولنماز

۱۵۱۲ ماده

آمرک مأمورده اله جغی یاخود امانت ایچه سی اولوبده
اندن دینی ادا ایتک اوزره امر ایلسه مأمور ادای
دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالی صاقدقه دینی ادا ایت دیدیکی صورتده
مأمور اکر وکیل متبرع ایسه بیله جبر اولتماز .
واکر وکیل بالاجره ایسه اول مالی بیع ایله آمر دینی
ادا ایلک اوزره جبر اولنور

۱۵۱۳ ماده

برکیمسه فلان دائنه ویر دیو آخر کمسنه بر مقدار اچه
ویردیکی صورتده آمرک بشقه دانلری اندن حصه المغه
صلاحیتلری اولمیوب مأمور اول اچه یی انجق آمرک امر
ایتدیکی دائنه ویرر

۱۵۱۴ ماده

برکیمسه بورجی تأدیه ایتک اوزره بشقه سنه بر مقدار
اچه ویروبده مأمور هنوز اول مبلغی دائنه اعطا
یا ارسال وایصال ایتدن آمرک فوت اولدیغی معلوم
اولسه اول اچه آمرک ترکه سنه رجعت ایدر . ودائیک
ترکه یه مراجعتی لازم کلور

۱۵۱۵ ماده

برکیمسه دائنه ویرمک اوزره آخر کمسنه بر مقدار اچه
ویروب انجق دائنده کی سندیمه ظهریه ایتدیکه ویاخود
علم و خبر المدقه اچه یی تسلیم ایتد دیو نهی ایتشیکن
مأمور ظهریه ایتدیر مکسزین علم و خبر المقسزین اچه یی
دائنه ویروب بعده دائن انی انکار ایتسه و قبضی اثبات

اولنه میوبده تکرار اول پاردهی آمردن السه آمرانی
مأموره تضمین ایتدیرر

(فصل خامس)

(خصومه یعنی مرافعهیه وکالت حقنده در)

۱۵۱۶ ماده

مدعی ومدعا علیهدن هربری دیلدیکنی خصومه توکیل
ایده بیلور دیکرینک رضاسی شرط دکلدن

۱۵۱۷ ماده

خصومه وکیل اولان کیمسه نك موکلی علیهنه اقراری
اگر حضور حاکمه ایسه معتبر اولور . حضور حاکمه
دکل ایسه معتبر اولماز . وکندوسی وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۸ ماده

برکیمسه آخری خصومه توکیل ایدوبده کندی علیهنه
اقراری استشنا ایلسه جائز اولور

بوصورته موکلک علیهنه وکیلک اقراری صحیح اولماز . (۱۴۵۶)
ماده نك فقره اخیره سنه باق

وبویله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمه اقرار ایتدیکی
صورته وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۹ ماده

خصومه وکالت قبضه وکالتی مستلزم اولماز

بناء عليه دعوى وكيلى قبضه دخی وکیل دکل ایسه محکوم به اولان
مالك بالوكالة قبضه صلاحیتی اولماز
۱۵۲۰ ماده

قبضه وکالت خصوصته وکالتی مستنزم اولماز

(فصل سادس)

(عزل وکیلله دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۲۱ ماده

موکل وکیلنی وکالتدن عزل ایده بیلور
فقط غيرك حقى تعلق ایتش ایسه عزل ایده مز
نتدکیم برمدیون مالنی رهن ایدوبده حین عقد رهنده یاخود صکرده دن
دینک وعده سی حلولنده رهنی صاتمق اوزره برینی توکیل
ایتدیکی صورتده مرتهنک رضاسی اولدقچه موکل راهن او وکیل
عزل ایده مز

کذلک مدعینک طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصوصته توکیل
ایتدکده مدعینک غیابنده انی عزل ایده مز

۱۵۲۲ ماده

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایده بیلور
فقط بروجه بالا غيرك حقى تعلق ایتش ایسه عزل
ایده میوب ایفای وکالتله مجبور اولور

۱۵۲۳ ماده

موکل وکیلنی عزل ایتدکده وکیلله خبر عزلی واصل

اولنجیه دك وكالتی اوزر نده قالور . واولوقته قدر تصرفی
صحیح اولور

ماده ۱۵۲۴

وکیل کندوسنی عزل ایتدکده عزلنی موکله بیلدیرمی
لازم کاور و عزلی موکک معلومی اولنجیه دك وكالت
کندی عهدہ سنده قالور

ماده ۱۵۲۵

مدیونك غیابنده قبض دینه وکیل اولان کیمسه بی موکلی
عزل ایده بیلور اما دائن انی مدیونك حضورنده توکیل
ایتمش ایسه مدیونك علمی لاحق اولدجه عزل صحیح
اولماز

بوصورتده مدیون انك عزلنی اوکر نمدن اکا دیننی اعطا
ایتسه دیندن بری اولور

ماده ۱۵۲۶

موکل بهك ختامیله وكالت نهایت بولور وکیل دخی
بالطبع وكالتدن منعزل اولور

ماده ۱۵۲۷

موکک وفاتیه وکیل منعزل اولور
فقط غیرك حق تعلق ایتمش ایسه منعزل اولماز (۷۶۰)
ماده یه باق

۱۵۲۸ ماده

موکاک وفاتيله وکیلک وکیل دخی منعزل اولور

(۱۴۶۶) مادهیه باق

۱۵۲۹ ماده

وکالت موروث اولماز

یعنی وکیل فوت اولدقده وکالتک حکمی قالماز . وبوجهته وکیلک

وارثی انک مقامنه قائم اولماز

۱۵۳۰ ماده

موکاک یاخود وکیلک تبجن ایتسیله وکالت باطل اولور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۰ جاذی الاولی سنه ۱۲۹۱

معاون ریاست شورای دولت

احمد جودت

امین الفتوی

السید خلیل

قاضی دار الخلافه العلیه

احمد خلوصی

رئیس دائره محاکمات

سیف الدین

عن اعضای دیوان احکام عدلیه

احمد حلمی

كتاب الصلوة والذكر

فروع فی فقه اهل بیت

برخی عمل و نه

— کتاب ثانی عشر —

(صلح و ابراحقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی مشتملدر)

﴿ مقدمه ﴾

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاندهدر)

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقددرکه ایجاب
و قبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصالح . عقد صلح ایدن یکسندهدر

۱۵۳۳ ماده

مصالح علیه . بدل صلح دیمکدر

۱۵۳۴ ماده

مصالح عنه . مدعی به اولان شیدر

۱۵۳۵ ماده

صلح . اوچ قسمدر . قسم اول عن اقرار صلحدر که مدعی
علیهک اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم
ثانی عن انکار صلحدر که مدعی علیهک انکاری
اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم ثالث عن سکوت
صلحدر که مدعی علیه اقرار وانکار ایتیوب سکوتی
اوزرینه واقع اولان صلحدر

۱۵۳۶ ماده

ابرا . ایکی قسم اولوب بری ابراء اسقاط و دیگری ابراء
استیفادر . ابراء اسقاط . بر کیمسه دیگر کسندده اولان
حقنک تمامی اسقاط یا خود بر مقدارینی حط و تنزیل ایله
اول کسندی بری قیلمقدر . ایشته بو کتاب صلحده موضوع
بحث اولان ابرا بودر

ابراء استیفا بر کیمسه دیگر کسنددن حقنی قبض و استیفا ایلش
اولدیغنی اعتراف ایتمکدن عبارت اوله رق بر نوع اقراردر

۱۵۳۷ ماده

ابراء خاص . بر خانه یا خود بر چفتلک و یا خود بر جهتمدن

طولایي اله جق دعواسی کبی بر خصوصه متعلق دعوا دن
برکس نه یی ابرا ایتکدر

۱۵۳۸ ماده

ابراء عام . کافه دعاویدن برکس نه یی ابرا ایتکدر

(باب اول عقد صلح و ابرا ایدنلر حقننده در)

۱۵۳۹ ماده

مصالحك عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دکدر

بناء علیه مجنون و معتوه ایله صبی غیر میرک صلی اصلا صحیح
اولماز . وصبی مأذونک صلحنده ضرر بین یوق ایسه صحیح
اولور . شویله که بر کیمسه صبی مأذونن بر شی دعوی ایدوبده
اودخی اقرار ایتدیکی صورته عن اقرار صلی صحیح اولور
وصبی مأذون اله جغنی امهال و تأجیل ایتک اوزره عقد صلح
ایده بیلور . والله جغنی بر مقداری اوزرینه صلح اولدقه اکر
بینه سی وار ایسه صلی صحیح اولماز . واکر بینه سی اولیوبده
خصنک یمین ایده جکی دخی معلوم اولور ایسه صلی صحیح اولور .
وآخر کسندن بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح
اولسه صحیح اولور . فقط اولمالک قیمتدن نقصان فاحش اوزرینه
صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۰ ماده

بر صبینک دعواسندن ولیسی صلح اولدقه اکر صبی یه

ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور . واکر ضرر بین
وار ایسه صحیح اولماز

بناء علیه برکیمسه بر صبیدن شوقدر غروش دعوی ایدوبده صبینک
پارہسندن ویرمک اوزره پدری صلح اولدوقده اکر مدعینک بینہسی
وار ایسه صلح صحیح اولور واکر مدعینک بینہسی یوق ایسه صلح
صحیح اولماز . و صبینک آخر کسنہ ذمتده الدجفی اولوبده پدری
انک بر مقدارینی حظ و تنزیل ایله صلح اولدوقده اکر بینہسی وار ایسه
صحیح اولماز واکر بینہسی اولیوبده خصمنک بین ایدہجکی دخی معلوم
اولور ایسه اول حانده صلح صحیح اولور و صبینک الدجفی قیمتده
برمال اوزرینہ ولیسی صلح اولسه صحیح اولور . فقط غبن فاحش
بولور ایسه صلحی صحیح اولماز

۱۵۴۱ ماده

علی الاطلاق صبی ایله مجنون و معتوهک ابراسی صحیح اولماز

۱۵۴۲ ماده

خصوصتہ وکالت صلحہ وکالتی مستلزم اولماز

بناء علیه برکیمسه آخر کسنہیی دعواسنہ وکیل ایدوبده اودخی
بلا اذن اول دعوادن صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۳ ماده

برکیمسه کندی دعواسندن صلح اولق اوزره دیکرینی
توکیل ایدوبده اودخی بالوکاله صلح اولدوقده مصالح
علیه موکل اوزرینہ لازم کاور وکیل انکله مؤاخذ
ومطالب اولماز

مکرکه و کیل مصالح علیه ضامن اوله اول حالده و کیل
کیفالتی حسبیه مؤاخذه اولنور

و برده و کیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده
صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت و کیل مؤاخذه

اولنور . یعنی بدل صلح اندن النور اودخی موکله رجوع ایلر
مثلا و کیل بالوکاله شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدوقده اول مبلغی
موکلت ویرمی لازم کلور و کیل اندن مسؤل اولماز

فقط سن شوقدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیل دیمش ایسه
اولحالده بواقچه وکیلدن النور اودخی موکله رجوع ایلر . و برده
عن اقرار مالیدن مال اوزرینه صلح واقع اولوبده و کیل سن فلانک
دعواسندن بنله صلح اول دیهرک عقد صلح ایتمش ایسه بیع حکمنده
اولدیغی جهته بوسورتده دخی بدل صلح وکیلدن النور . اودخی
موکله رجوع ایدر

۱۵۴۴ ماده

ایکی کشی بیننده اولان دعوادن آخر برکسنه فضولی
اوله رق یعنی بلا امر صلح اولدوقده اگر بدل صلحه
ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل
صلحی کندی مالنه مضاف قیلار ایسه و یاخود شو مبلغ
یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانده اولان نقوده
یا عروضه اشارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولمیوب
و کندی مالنه اضافه یا اشارت دخی ایتیوبده علی الاطلاق
شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر و اول مقدار

مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشبو درت صورتده دخی صلح
صحیح واول کسینه متبرع اولور

واکر دردنجی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتز ایسه
مدعی علیه اجازاتنه موقوف اولوب اکر مجیز اولور
ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم
اولور . واکر مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور و دعوی
حالی اوزره قالور

(باب ثانی)

(مصالح علیه ایله مصالح عنک بعض احوال)

(وشروطی بیانده در)

ماده ۱۵۲۵

مصالح علیه اکر عین ایسه مبیع حکمنده واکر دین ایسه ثمن
حکمنده اولور بناء علیه بیعده مبیع یا خود ثمن اولمغه صالح
اولان شی صلحده بدل صلح اولمغه دخی صالح اولور

ماده ۱۵۲۶

مصالح علیه مصالح مال و ملکی اولمق شرطدر
بناء علیه مصالح بشقه کسینه ناک مالی بدل صلح اولمق ویرسه
صلحی صحیح اولماز

ماده ۱۵۲۷

کرك مصالح علیه وکرك مصالح عنه قبض و تسلیمه محتاج

ایسه معلوم اولسی لازمدر . واکر قبض و تسلیمه محتاج
دکل ایسه معلوم اولسی شرط دکلدر

مثلا بر کیمسه دیگر کمنه نك یدنده بولنان بر خاندن واول کمنه دخی
انك یدنده بولنان باغچه دن بر حق دعوی ایدوبده ایکیسی دخی
تعیین مدعا ایتمکسزین دعوارزدن واز کچمک اوزره صلح اولسدلر
صحیح اولور . کذلک بر کیمسه دیگرک یدنده کی خاندده برحق دعوی
ایدوبده تعیین مدعا ایتمکسزین مدعی علیه اکا بر بدل معلوم و یرمک
واو دخی ترک دعوی ایتمک اوزره صلح اولسدلر صحیح اولور .
امامدعی مدعی علیه بدل و یرمک و او دخی اکا حقنی تسلیم ایتمک
اوزره صلح اولسدلر صحیح اولماز

(باب ثالث)

(مصالح عنه حقنده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(صلح عن الاعیان حقنده در)

۱۵۴۸ ماده

برمال معین دعواسندن عن اقرار صلح اکرمال اوزرینه
واقع اولور ایسه بیع حکمنده در

بونده خیاری عیب وخیار رؤیت وخیار شرط جاری
اولدیغی کبی کرک مصالح عنه وکرک مصالح علیه عقار
اولدیغی تقدیرده شفعه دعواسی دخی جاری اولور .

و مصالح عنك كلیسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی علیه و یرمش اولدیغی بدل صلحك
اولمقدارینی یعنی کلیسی یاخود بعضیسی کیرو الور .
واکر بدل صلحك كلیسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی مدعی علیه دن مصالح عنك اول مقدارینی
یعنی کلیسی یاخود بعضیسی ایست

مثلا برکیمسه دیکرندن برخانه دعوی ایدوب او دخی اول خانه انك
اولدیغی اقرار ایله برابر شو قدر غروش بدل و یرمك اوزره صلح
اولسدر مدعی اول خانه مدعی علیه صاتمش کی اولور . و بونده
بروجه بالا بیعك احکامی جاری اولور

۱۵۴۹ ماده

مال دعواسندن عن اقرار صلح اگر منفعت اوزرینه واقع
اولور ایسه اجاره حکمنده در . بونده دخی اجاره احکامی
جاری اولور

مثلا برکیمسه بر باغچه دعواسندن شو قدر مدت مدعی علیه
خانه سنده اوتورمق اوزره صلح اولسه باغچه مقابلنده اول خانه
او قدر مدت ایله استیجار ایتمش اولور

۱۵۵۰ ماره

عن انکار یاخود عن سکوت صلح اولمق مدعی حقننده
معاوضه و مدعی علیه حقننده یمیندن خلاص ایله قطع
منازعه در

بناء علی ذلک مصالح علیه اولان عقارده شفعه جریان ایدر

امام صالح عنه اولان عقارده شفعه جریان ایتمز . و مصالح عنهنک
کلیسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی بدل صلحک
اول مقدارینی یعنی کلیسی یاخود بعضیسی مدعی علیه رد ایدر .
و مستحق ایله خصومه باشلار . و بدل صلحک کلیسی یاخود
بعضیسی بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی اولمقدارده دعواسنه
رجوع ایلر

۱۵۵۱ ماده

برکیمسه برمال معین مثلاً بر باغچه دعوی ایدوبده برمقداری
اوزرینه صلح اوله رق باقیسنک دعواسندن مدعی علیهی
ابرا ایتسه حقنک برمقدارینی المش و باقیسنک دعواسندن
واز چکش یعنی باقیسنده کی دعوی حقنی اسقاط ایلش
اولور

(فصل ثانی)

(دیندن یعنی اله جقدن و حقوق سائره دن صلح اولق)
(بیاننده در)

۱۵۵۲ ماده

برکیمسه آخر کمسنه ذمتنده کی اله جغنک برمقداری اوزرینه
صلح اولسه اله جغنک بعضیسی استیفا ایله باقیسنی اسقاط
یعنی باقیسنندن اول کمسنه یی ابرا ایلش اولور

۱۵۵۳ ماده

برکیمسه معجل اولان هر درلو اله جغننی تأجیل و امهال

ایتمک اوزره صلح اولسه کندوسنک حق تعجیلانی اسقاط
ایلمش اولور

ماده ۱۵۵۴

برکیمسه مسکوکات خالصه اولان اله جفنی مسکوکات
مغشوشه اوله رق المی اوزره صلح اولسه اله جفنی
سکه خالصه اولق حقنی اسقاط ایلمش اولور

ماده ۱۵۵۵

حق شرب و شفعه و حق مرور کی حقوق دعوالرنده
یمیندن قورتلیق ایچون بدل و یرویده صلح اولق دخی
صحیحدر

(باب رابع)

(احکام صلح و ابرا بیاننده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام صلحه دائر اولان مسائل بیاننده در)

ماده ۱۵۵۶

صلح تمام اولدوقده یالکز طرفیندن بری اندن دونه مز
ومدعی صلحله بدل صلحه مالک اولور • و ارتق دعواده
حق قالماز • ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد
ایده مز

۱۵۵۷ ماده

طرفیندن بری فوت اولسه وارثلری دخی انک صلحنی
فسخ ایده من

۱۵۵۸ ماده

صلح اکر معاوضه حکمنده ایسه طرفین انی کندو
رضالریله فسخ و اقاله ایده بیلورلر . و اکر معاوضه
معناسنه اولیو بده بعض حقوق اسقاطی متضمن ایسه
اصلا نقض و فسخی صحیح اولماز . (۵۱) مادهیه باق
۱۵۵۹ ماده

یمیندن خلاص ایچون بدل ویرمک اوزره عقد صلح
اولندقد مدعی حق خصومتی اسقاط ایش اولور .
وارتق مدعی علیه تحلیف اولنهماز

۱۵۶۰ ماده

بدل صلح هنوز مدعییه تسلیم اولنمدن کلیسی یاخود
بعضیسی تلف اولدیغی صورتده اکر تعیین ایله متعین
اولان شیلردن ایسه بالاستحقاق ضبط اولنش حکمنده
اولور

یعنی عن اقرار واقع اولان صلحه مدعی مصالح عنیه کلیسی
یاخود بعضیسی مدعی علیه دن ایسترو عن انکار یاخود عن سکوت
واقع اولان صلحه مدعی دعواسنه رجوع ایلر . (۱۵۴۸)
و (۱۵۵۰) مادهلره باق . و اکر بدل صلح دین ایسه یعنی

شو قدر غروش کبی تعیین ایله متعین اولیان شیلردن ایسه صلحه
خلل کلیوب تلف اولان مقدارک مثلی مدعی علیه طرفندن مدعی به
وبرمک لازم کلور

(فصل ثانی)

(احکام ابرایه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۶۱ ماده

برکیمسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر و فلانده حقم یوقدر
و فلان ایله اولان دعوا مدن فارغ اولدم یا خود و از کچدم
و فلانده حقم قالمدی و فلانندن تماما حقمی الدم دیسه انی
ابرا ایتمش اولور

۱۵۶۲ ماده

برکیمسه دیگرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حق ساقط
اولور . ارتق انی دعوی ایده من . (۵۱) ماده یه باق

۱۵۶۳ ماده

ابرانک مابعدینه شمولی اولماز

یعنی برکیمسه دیگر کسیندی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم اولان حقوقی
ساقط اولور . یوخسه ابرادن صکره حادث اولان حقنی دعوی
ایده یلور

۱۵۶۴ ماده

برکیمسه دیگرینی برخصوصه متعلق دعوا دن ابرا ایتسه

ابراء خاص اولوب بعده اول خصوصه متعلق دعواسی
مسموع اولماز اما بشقه خصوصه متعلق حقی دعوی
ایده یلور

مثلا بر کیمسه بر خاند دعواسندن خصمنی ابرا ایلسه ارتق اول خاند
متعلق دعواسی مسموع اولماز . اما چفتلاک وسائر نسندیه متعلق
دعواسی استماع اولنور

ماده ۱۵۶۵

بر کیمسه فلانی کافه دعاویدن بری قیلدم یاخود اند
اصلا حقم یوقدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن
مقدم اولان هیچ برحق دعوی ایده مز . حتی کفالتدن
طولانی برحق دعوی ایسه مسموع اولماز

شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسنده کفیل اولمشیدک دیو دعوی
ایسه استماع اولنمدیغی کی آخر بر شخصدن سن بنم ابرا ایتش
اولدیغم کیمسه قبل ابرا کفیل اولمشیدک دیو دعوی ایده مز .
(۶۶۴) ماده یه باق

ماده ۱۵۶۶

بر کیمسه مال صاتوب و ثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق
کافه دعاویدن مشتری یی ابرا ایتدیگی کی مشتری دخی انی
ثمن مذکوره متعلق کافه دعاویدن ابرا ایتش و بووجهله
بینلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق ضبط
اولنسه ابرانک تأثیری اولمیوب مشتری و یرمش اولدیغی
ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (۵۲) ماده یه باق

۱۵۶۷ ماده

ابرا اولنان کسنه لر معین و معلوم اولمق لازمدر
بناء علیه بر کیمسه جله مدیونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ کیمسه ده
حقم یوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما فلان محله اهالیسی
ابرا ایتدم دیوب اول محله اهالیسی دخی معین و معدود کساندن
عبارت ایتسه لر ابرا صحیح اولور

۱۵۶۸ ماده

ابرا قبوله توقف ایتز . فقط رد ایله مردود اولور
شویله که بر کسنه دیگر کسنه یی ابرا ایتدکده اول کسنه نك قبولی
شرط دکلدر . فقط او مجلسده ابرای قبول ایتتم دیو رد ایله
اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی قالماز
لیکن ابرای قبول ایتدکدن صکره رد ایتسه ابرا مردود
اولماز

و برده محال له محال علیه یاخود اله جقلو کفیلی ابرا
ایدوبده محال علیه یاخود کفیل انی رد ایتسه ابرا مردود
اولماز

۱۵۶۹ ماده

وفات ایدن کسنه یی دینندن ابرا ایتک صحیح اولور

۱۵۷۰ ماده

بر کیمسه مرض موتنده ورثه سندن برینی دینندن ابرا
ایتسه صحیح و نافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسنه یی
دینندن ابرا ایتسه ثلث مانندن معتبر اولور

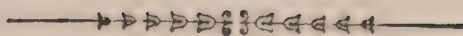
۱۵۷۱ ماده

ترکھ سی مستغرق دیون اولان کمسنه مرض موتنده کنندی
مدیونلردن برینی دینندن ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۶ شوال سنه ۱۲۹۱

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

احمد حلمی احمد خلوصی



كتاب الألفاظ

قانون مجازات اسلامی

برخی مسائل و نه

— کتاب ثالث عشر —

(اقرار حقنده اولوب درت بابی مشتملدر)

✽ باب اول ✽

(اقرارك شرائطی بیانده در)

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کسیسه دیگر کسینه نك کند و سنده اولان حقنی
خبر ویرمکدر اول کسیسه یه مقر و اول کسیسه یه مقرله
و اول حقه مقربه دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرك عاقل بالغ اولسی شرطدر

بناء عليه صغير و صغير هو مجنون و مجنون نه و معتوه و معتوه هه نك
 اقرارى صحيح دكادر . و بونلك عليه نه ولى و وصيلرينك
 اقرارى دخی صحيح اولماز . فقط صغير ممير ماذون كندوسنك
 ماذونيتى صحيح اولان خصوصى صرده بالغ حكمنده در
 ماده ۱۵۷۴

مقرلهك عاقل اولمى شرط دكادر
 بناء عليه بر كيمسه بر صغير غير ممير ايچون مال اقرار ايلسه
 صحيح اولور و اول مالى و ير مى لازم كلور
 ماده ۱۵۷۵

اقرارده مقر ك رضاسى شرطدر
 بناء عليه جبر و اكر اه ايله واقع اولان اقرار صحيح اولماز
 (۱۰۰۶) ماديه باق
 ماده ۱۵۷۶

مقر ك محجور اولماسى شرطدر .
 كتاب حجر ك ايكنجى و او چنجى و در دنجى فصللرينه باق
 ماده ۱۵۷۷

ظاهر حالك اقرارى تكيذيب ايتماسى شرطدر . بناء عليه
 جثه سنك بلوغه تحملى اولميان بر صغيرا كر بالغ اولدم ديو
 اقرار ايلسه صحيح و معتبر اولماز

۱۵۷۸ ماده

مقرلهك جهالت فاحشه ايله مجهول اولماسی شرطدر .
اما جهالت یسیره اقرارك صحتنه مانع اولماز

مثلا برکیمسه یدنده کی مال معینه اشارت ايله بو مال بر آدمکدر دیو
اقرار ایلسه یاخود بو مال فلان بلده اهالیسندن برینکدر دیو اقرار
ایدوبده اول بلده اهالیسی معدود اولسه اول کیمسهنك اقراری
صحیح اولماز اما بو مال شو ایکی کشیدن برینکدر دیسه یاخود فلان
محله اهالیسندن برینکدر دیوبده اول محله اهالیسی قوم محصور
اولسه اقراری صحیح اولور . وبر وجه بالا بر کیمسه بو مال
شو ایکی کشیدن برینکدر دیدیکی صورتده اگر اول ایکی کشی
اتفاق ایدرلرایسه اول مالی مقردن اله بیلورلر وبعد الاخذ اول
ماله بالاشترک مالک اولورلر واکر اختلاف ایدرلرایسه هر بری
اول مال کندوسنك اولدیغنه مقرک یمین ایتمسنی طلب ایده بیلورلر
ومقر ایکیسنك یمینندن دخی نکول ایدرسه اول مال کذلک اول ایکی
کشی بینده مشترک اولور . واکر یالکز برینك یمینندن نکول
ایدرسه اول مال مستقلا یمینندن نکول ایتدیکی کشینك اولور
ایکیسنه دخی یمین ایدرسه مقر انلرک دعواسندن بری اولوب مقر به
اولان مال کندی یدنده قالور

(باب ثانی)

(اقرارك وجوه صحتی بیاندهدر)

۱۵۷۹ ماده

معلومی اقرار صحیح اولدیغی کی مجهولی اقرار دخی

صحیح اولور . فقط بیع و اجاره کبی مع الجہالہ صحیح
اولیان عقودده مقر بہک مجهول اولسی اقرارک صحتنہ
مانعدر

نتہ کیم بر کیمسہ بندہ فلان کیمسہنک امانتی واردر یاخود بن فلان آدمک
مالی غصب یا سرقت ایلدم دیسہ اقراری صحیح اولوب اول امانت
مجهولہی یاخود مال مغضوب یا مسروق بیان وتعیین ایتک اوزرہ
کندوسنہ جبر اولنور اما بن فلان کیمسہنہ یہ بر شی صاتم یاخود
ابدن بر شی استیجار ایتدم دیسہ صحیح اولماز واول صاتیغک
ویا استیجار ایتدیگک ندر دیو بیان ایتک اوزرہ جبر اولنماز

۱۵۸۰ ماده

اقرار مقر لہک قبولنہ توقف ایتز . فقط انک ردیلہ
مردود اولوب حکمی قالماز . ومقرلہ مقر بہک یالکیز
بر مقدارینی رد ایلسہ انجق اولمقدارده اقرارک حکمی
قالمیوب رد ایتدیکی مقدارده اقراری صحیح اولور

۱۵۸۱ ماده

مقر ایلہ مقرلہ مقر بہک سببندہ اختلاف ایتسہ لر بو اختلافلی
اقرارک صحتنہ مانع اولماز

مثلا بر کیمسہ جہت قرضدن طولایی بیک غروش دعوی ایدوب
مدعی علیہ ایتسہ ثمن مبیع اولہرق بیک غروش اقرار ایلسہ
بووجهلہ اختلافلی اقرارک صحتنہ مانع اولماز

۱۵۸۲ ماده

بر مالیدن صلحہ طالب اولمق اول مالی اقرار دیمک

اولور . اما بر مالك دعواسنده صلحه طالب اولق
اول مالى اقرار ديمك اولماز

شويلاه كه بر كيمسه ديكر كسنديه ذمتكده بيك غروش الاجق حقم
اولمغله وير ديدكده اول كسنديه مبلغ مزبور دن يديوز غروشه
صلح اولهلم ديو صلحه طالب اولسه مطلوب اولان بيك غروشى
اقرار ايتمش اولور . اما شو بيك غروش دعواسندن صلح اولهلم
ديو مجرد دفع منازعه ايچون صلحه طالب اولسه مبلغ مزبورى
اقرار ايتمش اولماز

۱۵۸۳ ماده

بر كيمسه نك يندىكى مالى ديكر كسندىك شرايه يا استيجاره
ويا استعارديه طالب اولسى يا خود بو مالى بكا هبه ايت
ويا وديعه اولهرق وير ديمسى ويا خود اول كسندىكا
بو مالى وديعه اولهرق ال ديو بده انك دخی قبول ايتسى
اول مال كندوسنك اولمديغنى اقراردر

۱۵۸۴ ماده

شرطه تعليق اولنان اقرار باطلدر . فقط عرف ناسده
حلول اجله صالح اولان بر زمانه تعليق اولنور ايسه
دين مؤجلى اقراره حمل اولنور

مثلا بر كيمسه ديكر كسنديه بن فلان محله وار رسم يا خود فلان
مصلحتى درعهده ايدرسم سكا شو قدر غروش ديتدر ديسه اشبو
اقرارى باطل اولوب مبلغ مزبورك تأديهسى لازم كلز . اما فلان
آيك ابتداسى يا خود روز قائم كلورسه سكا شو قدر غروش

دیندر دیسه دین مؤجلی اقراره حل اولنور واولوقتك حلولنده
مبلغ مزبورک تأدیسه لازم کلور (۴۰) مادهیه باق

۱۵۸۵ ماده

مشاعی اقرار صحیحدر

شویاه که بر کیمسه یدته اولان بر ملک عقارک نصف وثلث کی بر حصه
شایعه سنی دیگر کسنه یه اقرار و او دخی تصدیق ایتدکد نصره
قبل الافراز والتسلیم مقر وفات ایله مقر بهک شیوعی اشبو اقرارک
صحتنه مانع اولماز

۱۵۸۶ ماده

دلسزک اشارت معهوده سیله اقراری معتبردر . اماناطق
اولان کسنه نک اشارتیه اولان اقراری معتبر دکلدرد
مثلا بر کیمسه ناطق اولان کسنه یه فلانک سنده شو قدر غروش حق
وارمیدر دیدکده اول کسنه باشنی اکیسیله اول حق اقرار
ایتمش اولماز

(باب ثالث)

(اقرارک احکامی بیاننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل ثالث)

(احکام عمومی بیاننده در)

۱۵۷۸ ماده

یتمش طقوزنجی ماده موجبنجه کشی اقراریه الزام اولنور

انجق حاكك حكيميله تكذيب اولنور سه اقراري حكيمسز قالور

شويلاه كه بر كيمسه نك صاتون الوده ينده بولنان بر شيئه آخر كسسه
مستحق چيقه رق اني ادعا ايتسي اوزرينه لى المحاكمه اول كسسه
بوشي فلانك مالى ايدى بكا صاى ديمش اولديغى حانده اول كسسه
دعواسنى اثبات وحاكم دخى حكم ايتدكه مشتري بايعه رجوع ايله
ثمن مبيعى اندن استرداد ايلر واکرچه حين محاکمه ده اول شى بايعك
مالى ايدوكنى اقرار ايله مستحقك دعواسنى انكار ايلش ايسده
حاكك حكيميله تكذيب اونمش ايدوكندن اقرارينك حكيمى
قالديغى جهته مانع رجوع اوله ماز

ماده ۱۵۸۸

حقوق عبادده اقراردن رجوع صحيح اولماز
شويلاه كه بر كيمسه فلان كسسه شوقدر غروش دينم واردر ديدكه
صكره اقرارمدن رجوع ايتدم ديمسه اعتبار اولنمىوب اقراريله
الزام اولنور

ماده ۱۵۸۹

بر كيمسه وقوعبولان اقرارنده كاذب اولديغنى ادعا ايتسه
مقرله انك كاذب دكل ايدوكنه تحليف اولنور
مثلا بر كيمسه فلان شوقدر غروش استقراض ايتدم ديو بر قطعه
سند ويردكدن صكره واقعا اوقدر غروش استقراض ايتدم ديو سند
ويردم ايسده هنوز مبلغ مزبوري اندن المدم ديمسه انك بواقرارنده
كاذب اولمديغنه مقرله تحليف اولور

ماده ۱۵۹۰

بر كيمسه ديكر كسسه يه ذممه شوقدر غروش اله جفك

وارد در دیو اقرار ایتدکده اول کسینه دخی اول اله حق
بنم دکدر فلان شخصکدر دیو اقرار و او شخص دخی
انی تصدیق ایلسه اول اله حق ایکنجی مقر لهک اولور
لکن حق قبضی اولکی مقر لهک اولور • یعنی ایکنجی
مقرله انی مدیوندن مطالبه ایتسه اکا ادا ایتک اوزره
مدیونه جبر اولماز • شو قدرکه مدیون کندی رضاسیله
اول دینی ایکنجی مقر لهه اعطا ایدر سه ذمتی بری
اولوب اولکی مقرله انی تکرار مدیوندن مطالبه
ایدمز

(فصل ثانی)

(نفی ملک و نام مستعار بیانده در)

۱۵۹۱ ماده

مقر اکر اقرارنده مقر بهی نفسینه مضاف قیلار سه
انی مقر لهه هبه ایتش اولوب تسلیم و قبض بولندچه
تمام اولماز و اکر نفسینه مضاف قیلار سه مقربه قبل
الاقرار مقر لهک ملکی اولدیغنی اقرار ایله نفی ملک
ایتش اولور

مثلا بر کیمسه یدمه اولان کافه اموال و اشیا فلان کسینه نکدر
بنم اصلا علاقه یوقدر دیسه اول وقت یدنده موجود اولان

جميع اموال واشیاسنی اول كسینه هبه ایتمش اولوب تسلیم
وقبض لازم كلور واكر اوزریمه لابس اولدیغ ائوابدن ماعدا بكا
نسبت اولنان كافه اموال واشیا فلان كسینه نكدر بنم اصلا علاقهم
یوقدر دیسه اولوقت لابس اولدیغی ائوابدن ماعدا كندوسنه
نسبت اولنان یعی انكدر دینلان كافه اموال واشیایی اول كسینه
اقرار ایله نفی ملك ایتمش اولور فقط بواقرارندن صكره بعض اشباه
مالك اولسه اشبو اقراری اول اشباه شامل اولماز

كذلك شو دكانم ایچنده اولان جميع اموال واشیام فلان كبیر
اوغینكدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دكان مذکور ایچنده
موجود اولان جميع اموال واشیاسنی اول بیوك اوغلنه هبه ایتمش
اولوب تسلیم لازم كلور

واكر شو دكانم ایچنده اولان جميع اموال واشیا فلان كبیر اوغینكدر
بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دكان مذکور ایچنده موجود
اولان جميع اموال واشیایی اول بیوك اوغلنه اقرار ایله نفی ملك
ایتمش اولور فقط اندن صكره اول دكانه بعض اشیا قویسه
بواقراری اول اشباه شامل اولماز

وكذلك بر كیمسه فلان یرده کی دكانم زوجه مكدر دیسه هبه قیلاندن
اولوب تسلیم لازم كلور واكر بكا نسبت اولنان فلان دكان
زوجه مكدر دیسه قبل الاقرار اول دكان زوجه سنك اولوب
كندوسنك ملكی اولدیغنی اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۲ ماده

بر كیمسه باسند یدنده اول بر ملك دكان حقنده بودكان
فلان كسینه نكدر بنم علاقهم یوقدر وسندنده محرر اسمم
مستعاردر دیوب یاخود باسند آخردن صاتون الدیغی

بر ملك دكان ايچون بودكاني فلان كمسنه ايچون المشدم
ثمن اوله رق ويرديكم اچقه دخی انك مالندندر وسندنده
اسم مستعار اوله رق قيد اولنمشدر ديسه اول دكان نفس
الامرده اول كمسنه نك ملكي اولديغنی اقرار ايتمش اولور
ماده ۱۵۹۳

بر كمسه باسند فلان كمسنه ذمتنده اولان شو قدر غروش
اله جق هر نقدر سندده بنم نامه محرر ايسه ده مبلغ مزبور
فلان كمسنه نكدر سندده اسم مستعاردر ديسه مبلغ مزبور
نفس الامرده اول كمسنه نك حقی اولديغنی اقرار ايتمش اولور
ماده ۱۵۹۴

بر كمسه حال صحته ايكن بر وجه بالا اقرار ايله نفی ملك ايتمش
اولسه يا خود اسمك مستعار اولديغنی اقرار ايتسه اقراری
معتبر اولوب حال حياتنده كندوسی و وفاتندن صكره
ورثه سی بو اقرار ايله الزام اولنور . اما مرض موتنده ايكن
اولوجهله اقرار ايتسه حكمی فصل آتیده مستبان اولور

(فصل ثالث)

(اقرار مريض بياننده در)

ماده ۱۵۹۵

مرض موت اول خسته لكدر كه اكثريانده اولوم قور قوسی
اولديغی حالده خسته ذكور دن ايسه خانه سی خارجنده

وانا ثدن ايسه خانه سى داخلنده اولان مصالحنى كورمكدن
عاجز اولوب بو حال اوزره برسنه مرور ايتدن وفات
ايله كرك صاحب فراش اولسون وكرك اولسون

واكر مريضك مرضى تمتد اولوبده دائماً بر حال اوزره
برسنه كچر ايسه اول مريضك مرضى مشدد و حالى متغير
اولدجه صحيح حكمنده اولوب تصرفاتى صحيحك
تصرفاتى كبيدر

اما مرضى مشدد و حالى متغير اولوبده برسنه كچمكدن
وفات ايدرسه وقت تغيردن اعتباراً وفاتنه دك اولان حالى
مرض موت عد اولنور

ماده ۱۵۹۶

هيچ وارثى اولميان كشينك ياخود زوجه سندن بشقه
وارثى اولميان آدمك و ياخود زوجندن بشقه وارثى
اولميان قادينك مرض موتنده اقرارى بر نوع وصيت
اوله رق معتبر اولور

بناء عليه وارثى اولميان كشى مرض موتنده جميع اموالى بر كسنيه
اقرار ايله نفى ملك ايتسه صحيح اولوب وفاتنده صكره ترك سندن
امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز

كذلك زوجه سندن بشقه وارثى اولميان كيسه مرض موتنده جميع
اموالى زوجه سندن ياخود زوجندن بشقه وارثى اولميان قادين
جميع اموالى زوجنه اقرار ايله نفى ملك ايتسه صحيح اولوب

بعد الوفات بونلردن بریسنگ تر کهنه امین بیت المال طرفندن مداخله
اولنه ماز

۱۵۹۷ ماده

بر کیمسه مریض ایکن ورته سندن برینه مال اقرار ایدوبده
بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقاراری معتبر اولور

۱۵۹۸ ماده

بر کیمسه مرض موتنده وارثلرندن برینه برعین یاخود دین
اقرار ایتدکن صکره فوت اولسه دیگر وارثلرک
اجازتنه موقوفدر انلر مجیز اولورسه انک اقراراری دخی
معتبر اولور . واکر انلر مجیز اولماز ایسه انک اقراراری
دخی معتبر اولماز

شو قدر وارکه مقرک حیاتنده دیگر وارثلرانی تصدیق
ایتمشلر ایسه وفاتندن صکره انلر بو تصدیقلرندن رجوع
ایده میوب اول اقرار معتبر اولور

وبرده وارته امانت اقراراری هر حالده صحیحدر .
شویله که بر کیمسه کندوسنگ بر وارشنده اولان امانتنی
قبض ایتش یاخود وارثنک کندوسنده اولان امانت
معلومه سنی استهلاک ایلش ایدوکنی مرض موتنده اقرار
ایلسه صحیح اولور

مثلا فلان اوغلمده وديعه اولان مالى اخذ و قبض ايتشمدر ديو
اقرار ايتسه صحيح و معتبر اولور و كذا فلان كيمسده اولان
اله چغمي فلان اوغلم بالوكاله اخذ ايدوب بكا تسليم ايتشمدر ديسه
اقرارى معتبر اولور . كذلك فلان اوغلك بنده وديعه يا خود
عاريت اولان بشـبيك غرو شلق الماس يوزوكنى صاتوب ثمنى كندى
امور يمه صرف واستهلاك ايتشمدر ديسه اقرارى معتبر اولوب
اول يوزوك قيمتى تر كدن تنمين اولنقى لازم كلور

۱۵۹۹ ماده

بو مجتهد وارثدن مراد مريضك وقت وفاتنده وارث
بولنان كيمسده در

شو قدر واركة وارث دكل ايكن صكرده دن بر سبب
حادث ايله مقر ك وقت وفاتنده حاصل اولان وراثت
اقرار ك صحتنه مانع اولماز

نته كيم بر كيمسه مرضى موتنده بر اجنبى قادينه مال اقرار
ايدوبده بعده انى تزوج ايتدكدن صكرده فوت اولسه
اقرارى نافذ اولور

اما وراثتى بويله بر سبب حادث ايله حاصل اولميو بده سبب
قديم ايله اولور ايسه اقرارى ينه نافذ اولماز

مثلا اوغلى اولان بر كيمسه لابوين قرنداشلرندن برينه مال اقرار
ايدوبده اوغلك وفاتندن صكرده كندوسى وفات ايتسه مقرله انك
قرنداشى بولنديغى جهته وارث اولدجغندن اول اقرار نافذ
اولماز

۱۶۰۰ ماده

مريضك مرض موتنده ايكن زمان صحتنه اسناد ايله
اقراری زمان مريضنه کی اقراری حکمنده در

بناء عليه مرض موتنده ايكن وارنده الهجفی اولان شو قدر غروشی
زمان صحتنه استيفای ایش ایدوکنی اقرار ایتسه دیگر وارثلر مجیر
اولدجه نافذ اولماز

كذلك حال صحتنه ايكن فلان مالنی ورثه سندن فلانه هبه وتسلیم ایش
ایدوکنی مرض موتنده اقرار ایلسه هبه سی بینه ايله ثابت یاخود دیگر
وارثلری انی مجیر اولدجه اقراری نافذ اولماز

۱۶۰۱ ماده

مريضك مرض موتنده اجنبی یه یعنی کیندوسنه وارث
اولیان کیمسه یه کرک عین و کرک دین اقراری جمیع اموالی
محیط اولسه بيله صحیح اولور

شو قدر وارکه مقر به مقره هنوز بیع یا هبه اولنش یاخود
اخردن ارثاً انتقال ایش اولمق کبی بر سبيله وقت اقرارده
انک ملکی اولدیغی چوق کیمسه لک معلومی اوله رق
کیندو اقرارنده کاذب ایدوکی ظاهر اولورسه اول حالده
نظر اولنور . اکر بو اقراری مذاکره وصیت اثناسنده
دکل ایسه هبه دیمک اوله رق تسلیم لازم کلور . واکر
مذاکره وصیت اثناسنده ایسه وصیت معناسنه محمول
اولور و کرک هبه اولسون و کرک وصیت اولسون انجق
ثلث مالندن معتبر اولور

۱۶۰۲ ماده

دیون صحت دیون مرض اوزرینه مقدمدر
یعنی تر که می غریم اولان کیمسنگ حال صحتده ذمتنه تعلق ایدن
دیونی مرض موتنده کی اقراریه ذمتنه تعلق ایدن دیونی اوزرینه تقدیم
قلنور . شویله که مریضک تر که سندن اولا دیون صحت استیفا
قلنوب بعده فضله قالور ایسه دیون مرض تأدیه اولنور
فقط مریضک مرض موتنده اسباب معروفه ایله یعنی
اقراردن بشقه ناسک مشاهد و معلومی اولان شرا
واستقراض و اتلاف مال کبی سببلرله ذمتنه تعلق ایدن
دینلری دیون صحت حکمنده در
مقر به اعیانندن برشی اولدیغی صورتده دخی حکمی بومنوال
اوزره در

یعنی بر کیمسه مرض موتنده اجنبیه هر نه درلو شی اقرار ایسه
دیون صحتی یاخود بر وجه بالا اسباب معروفه ایله لازم کله رک
دیون صحت حکمنده اولان دیونی تأدیه اولندجقه مقرله مقر به
مستحق اولماز

۱۶۰۳ ماده

بر کیمسه کندوسنگ بر اجنبی کمنده اولان اله جغنی استیفا
ایلمش اولدیغنی مرض موتنده اقرار ایتدکده نظر
اولنور . اگر بواله جغنی کندوسنگ حال مرضنده ایکن
اول کمنهنگ ذمتنه تعلق ایتش ایسه بواقراری صحیح
اولور . فقط غرماء صحت حقنده نافذ اولماز

وا کر بواله جغنی کند و سنک حال صحتنده ایکن اول کسه نك
ذمتنه تعلق ایتش ایتسه هر حالده صحیح اولور . کرک
دیون صحت اولسون و کرک اولسون

مثلا بر مریضك حال مرضنده ایکن بر مال صاتدقدن صکره ثمنی قبض
ایلش اولدیغنی اقرار ایتسه صحیح اولور ایتسه ده غریماء صحت
وار ایتسه انلر بو اقراری طوتماغه قادر اولورلر . وا کر حال
صحتنده ایکن بر مال صاتدقدن صکره ثمنی قبض ایلش اولدیغنی مرض
موتنده اقرار ایتسه هر حالده صحیح اولوب غریماء صحت اولسه دخی
انلر بو اقراری طوتیمز دیه مزلر

۱۶۰۴ ماده

برکسنه مرض موتنده دانلرنندن برینك دینی ادا ایله سائر
دانلرینك حقوقنی ابطال ایده مز
فقط مریض ایکن استقراض ایلمدیکی پاره یی واشترا
ایلمدیکی مالک ثمنی ادا ایده بیلور

۱۶۰۵ ماده

بومحشده کفالت بالمال دین اصلی حکمنده در

بناء علیه برکسنه مرض موتنده وارثنك بورجنه یاخود الهجغه
کفیل اولسه نافذ اولماز . واجنبی یه کفیل اولدقده ثلث مالندن
معتبر اولور . اما حال صحتنده ایکن اجنبی یه کفیل اولدیغنی
مرض موتنده اقرار ایتدکده مجموع مالندن معتبر اولور . شو قدر که
دیون صحت وارا ایتسه تقدیم اولنور

(باب رابع)

(اقرار بالکتابه بیانده در)

ماده ۱۶۰۶

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار کبیدر
(۶۹) مادهیه باق

ماده ۱۶۰۷

برکسه نك كندو اقرارینی یازمق اوزره آخره امر ایتمی
حکما اقراردر

بناء علیه فلان کیمسه یه شو قدر غروش بورجم اولدیغنه دائر بر سند
یاز دیو کاتبه امر ایدرك یازدیرو بده امضا ایلمش یاخود مهرلمش
اولدیغی سند کندو خط دستیله اولان سند کبی اقرار بالکتابه
قییلندر

ماده ۱۶۰۸

تجارك معتدبه اولان دفترلرنده کی قیودی دخی اقرار
بالکتابه قییلندندر

مثلا بر تاجر برکسنه یه شو قدر غروش بورجی اولدیغنی کندو
دفترینه قید ایتمش اولسه اول کیمسه یه اولقدر بورج اقرار
ایتمش اولوب لدی الحاجه اقرار شفاهیسی کبی معتبر و مرعی
اولور

ماده ۱۶۰۹

برکیمسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیرو بده ممضا

یاخود مختوم اوله رق آخره ویرمش اولدیغی دین سندی
اگر مرسوم ایسه یعنی رسم وعادته موافق اوله رق
یازلمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر شفاهیسی
کبی معتبر و مرعی اولور

برمعتاد ویریه کلان وصولار یعنی مقبوض علم و خبر لری
دخی بوقبیلدندر

۱۶۱۰ ماده

برکیمسه بروجه بالامر سوم اوله رق یازوب یاخود
یازدیروبدہ ممضا یاخود مختوم اوله رق ویرمش اولدیغی
دین سندی کندوسنک اولدیغی معترف ایکن حاوی
اولدیغی بورجی انکار ایسه انکارینه اعتبار اولنمیوب
اول بورجی ایفا ایلمسی لازم کلور

اماسند کندوسنک اولدیغی انکار ایتدیکی تقدیرده
اگر خط و یا ختمی مشهور و متعارف ایسه انکارینه اعتبار
اولنمیوب اول سند ایله عمل اولنور

واگر خط و ختمی مشهور و متعارف دکل ایسه استکتاب
اوله رق اهل خبریه کوستریلور انلر ایکسیده
بر شخصک یازوسیدر دیو خبر ویرلر ایسه دین مذکوری
ویرمک اوزره اول کیمسده امر اولنور

الحاصل سند اگر شائبه تزویر و شبهه تصنیعدن بری

اولور ايسه انكاه عمل اولنور
اما شبهه دن برى اولديغنى تقديرده مديون اول سندن
كندى سندن اولديغنى انكار ايلديكى كې اصل دينى
دخى منكر ايسه دينى اوليوب سندن دخى كندوسنك
اولديغنه مدعينك طلبيله تحليف اولنور
ماده ۱۶۱۱

بروجه بالا بر كيمسه مرسوم اوله رق دين سندن
ويردكن صكره فوت اولسه وارثلى اوسند متوفانك
اولديغنى معترف اولدقلى حالده اول دينى تركه متوفادن
ايضا ايللى لازم كلور
اما اول سندن متوفانك اولديغنى انكار ايتكارى تقديرده
اكر متوفانك خط و ختمى مشهور و متعارف ايسه اول
سندن ايله عمل اولنور

ماده ۱۶۱۲
وفات ايدن بر كيمسه نك تركه سندن نقود ايله مملو بر كيمسه
ظهور ايدوب اوزرنده بوكيمسه فلان كيمسه نك ماليدر
بنم يدمده امانتدر ديو متوفانك خطيله محرر بريافته
بولنسه اول كيمسه اول كيمسه يي تركه متوفادن اخذ ايدر
ديكر وجهله اثباته محتاج اولماز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۹ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی ناظر عدلیه
سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضای مجلس تدقیقات شرعیه
عمر حلمی احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی
عبدالستار



كتاب الدعوى

مفتی محمد طاهر صاحب دین

بر مبنی عمل و نه

— کتاب رابع عشر —

(دعوی حقنده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

﴿ مقدمه ﴾

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۶۱۳ ماده

دعوی . بر کیمسه دیگر کسنه دن حضور حاکمه حقنی
طلب ایتمکدر

اول کیمسه یه مدعی و اول کسنه یه مدعا علیه دینلور

۱۶۱۴ ماده

مدعا . مدعینک دعوی ایلدیکی شیدرکه مدعا به دخی
دینلور

۱۶۱۵

تناقض . مدعیدن کندی دعواسنه مناقض یعنی دعواسنک
بطلانی موجب برسوز سبقت ایلش اولمقدر

(باب اول)

(دعوانک شروط و احکامنه و دفع دعوایه دائر اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(دعوانک شروط صحتی بیاننده در)

۱۶۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیهک عاقل اولمیری شرطدر
مجنونک و صبی غیر ممیزک دعوالری صحیح دکادر .
قطط و لیلری و وصیلری بالولایه و بالوصایه انلرک یرینه
مدعی و مدعی علیه اولورلر

۱۶۱۷ ماده

مدعا علیهک معلوم اولمسی شرطدر
بناء علیه مدعی فلان قریه اهالیسنندن لاعلی التعین برنده یاخود
برقاچنده شوقدر غروش الدجیم واردیسه صحیح اولماز مدعی علیه
تعیین ایلک لازم کلور

۱۶۱۸ ماده

حين دعواه خصمك حضوري شرطدر • ومدعا عليه
محکمه يه کليکدن ووکیل کوندر مکدن امتناع ايتديکی
تقديرده اولنه جق معامله کتاب قضاده بيان قلنه جقدر

۱۶۱۹ ماده

مدعا بهك معلوم اولسي شرطدر • مجهول اولور ايسه
دعوى صحيح اولماز

۱۶۲۰ ماده

مدعا بهك معلوميتي اشارت ايله يا خود وصف و تعريف
ايله در

شويلاه که عين منقول اولديغي تقديرده مجلس محاکمه ده
حاضر ايسه اکا اشارت کافيدر • و حاضر دکل ايسه
وصف و تعريف و قيمتي بيان ايله معلوم اولور و عقار
اولديغي تقديرده حدودينک بيانيله تعيين اولنور •
ودين ايسه جنس و نوع و وصف و مقدارى بيان
اولنقى لازم کلور • نته کيم مواد آتیه دن متضح
اولور

۱۶۲۱ ماده

مدعا به عين منقول اولديغي حالده حاضر بالمجلس ايسه
مدعى اکا ايله اشارت ايدرك ايشته بو بندر بو آدم اکا

بغير حق وضع يد ايد يور اليو يرلسنى طلب ايدرم ديو
دعوى ايدر واکر حاضر بالمجلس اوليوب انجق
مصرفسز جلب و احضاري ممکن ايسه دعواده
وشهادت و ياخود یمینده اکا بویله جه اشارت اولنمق
اوزره مجلس حکمه کتوریلور . واکر مصرفسز
احضاري ممکن دکل ايسه مدعی انی تعریف و قیمتنی
بیان ایلر

فقط غصب ورهن دعوالرنده قیمتک بیانی لازم کلز
مثلا بر زمرد یوزوکی غصب ایتدی دیسه و قیمتنی بیان ایتسه
و حتی قیمتنی بیللم دیسه بیلله دعواسی صحیح اولور
ماده ۱۶۲۲

مدعا به اکر جنس و نوع و وصفلی مختلف اعیان ايسه
جمله سنک مجموع قیمتنی ذکر ایتک کافی اولور . هر برینک
بشقه بشقه قیمتلرینی تعیین ایتک لازم کلز
ماده ۱۶۲۳

مدعا به عقار ايسه حین دعوی وشهادتده بلده سی
و قریه سی و یا محله سی و زقاقی و حدود اربعه سی یاخود
ثلثه سی و حدودینک صاحبلی و ارایسه انلرک و بابا
وددهلرینک اسملی ذکر اولنمق لازمدر فقط مشهور
و معروف اولان آدمک یالکز اسم وشهرتنی ذکر ایتک
کافیدر . بابا و دده سنک اسملرینی ذکره حاجب یوقدر

كذلك اول عقار اكر شهرته مبنی تحديد دن مستغنی
ایسه كرك دعواده و كرك شهادتده حدودینك بیانی
شرط دكلدر

و برده مدعی اكر شو سنده حدودی محرر اولان عقار
بنم ملكمدر دیو دعوی ایدر ایسه صحیح اولور
ماده ۱۶۲۴

مدعی حدودك بیانده اصابت ایدوبده عقارك مقدار
ذراع و یا دونمینی اكسك یا زیاده سویلسه دعواسنك
صحتنه مانع اولماز
ماده ۱۶۲۵

عقارك ثمنی دعواده حدودینك بیانی شرط دكلدر
ماده ۱۶۲۶

مدعا به دین ایسه مدعی انك جنس و نوع و وصف
و مقدارینی بیان ایلمسی لازمدر

مثلا التون یا كوش دیو جنسینی و عثمانلی سكه سی یا خود انكلیز
سكه سی دیو نوعی و سكه خالصه یا خود سكه مغشوشه دیو
وصفنی ونه مقدار اولدیغینی بیان ایلمسی لازمدر . فقط علی الاطلاق
شو قدر غروش دیو ادعا ایتسه دعواسی صحیح و عرف بلدهجه
معهود اولان غروش مغشوشه مصروف اولور . وایکی درلو غروش
متعارف اولدیغی حانه برینك رواج و اعتباری ده زیاده اولسه
ادناسنه صرف اولنور . نته کیم شو قدر عدد بشاك دیو دعوی
ایتنه فی زماننا مسكوكات مغشوشه دن اولان قره بشاكه مصروف
اولور

۱۶۲۷ ماده

مدعا به عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولنق
لازم کلیوب بلکه بومال بندر دیو ملک مطلق دعواسی
صحیح اولور

اما دین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن مبیعتمیدر
یوخسه اجرتمیدر و یا خود آخر جهتمدن طولایی
بر بورجدر الحاصل نه جهتمدن طولایی دین اولدیغی
سؤال اولنور

۱۶۲۸ ماده

اقرارک حکمی مقربهک ظهوریدر یوخسه بدایه حدوئی
دکدر . بوجهتله اقرار سبب ملک اوله ماز . بناء علیه
مدعی مجرد مدعا علیهک اقرارینی سبب طوته رق اندن
برشی دعوی ایتسه استماع اولنماز

مثلا مدعی بو مال بندر وانک دی الیدی اولان شو آدم دخی بنم
اولدیغنی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع اولنور اما
بومال بندر زیرا انک ذی الیدی اولان شو آدم بنم اولدیغنی اقرار
ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز . كذلك مدعی جهت
قرضدن طولایی شو آدنده بو قدر غروش الهجتم واردر حتی
کندوسی دخی بو جهتمدن طولایی او قدر غروش بورجی اولدیغنی
اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه مسموع اولور اما شول آدم
بکا جهت قرضدن طولایی بو قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار

ایتمش اولدیغی ایچون انده یو قدر غروش حقیم واردر ایسترم دیو
دعوی ایلسه مسموع اولماز

۱۶۲۹ ماده

مدما بهک محتمل الثبوت اولسی شرطدر
بناء علیه عقلا یا عاده و جودی محال اولان شیئی ادعا صحیح اولماز
مثلا برکیمسه کندوسندن سنأ بیوک یا خود نسی معروف اولان کسینه حقنده
یو بنم اوغلدر دیو ادعا ایتسه دعواسی صحیح دکلدر
۱۶۳۰ ماده

دعوانک ثبوتی تقدیرنده مدما علیهک برشی ایله محکوم
و ملزم اولسی شرطدر

مثلا برکیمسه دیگر کسندییه برشی اعاره ایتدکده دیگر بر شخص
چیقوبده بن انک متعلقاتنده نم بکا اعاره ایتسون دیو دعوی ایتسه
صحیح اولماز کذلک برکیمسه دیگر کسندی برخصوصه توکیل ایتدکده
دیگر بر شخص چیقوبده بن آنک قومشوسی نم انک وکالته دهها مناسب
دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز . زیرا هر کس مالنی دیلدیکنه
اعاره و دیلدیکنی امورینه توکیل ایده بیلدجکندن بو دعوالر ثابت
اولدیغی تقدیرده مدعا علیه حقنده هیچ بر حکم ترتب ایتمز .

(فصل ثانی)

(دفع دعوی حقنده در)

۱۶۳۱ ماده

دفع . مدعا علیه طرفندن مدعینک دعواسنی دفع ایده جک

بر دعوی در میان اولیٰ و لمقدر

مثلاً بر کسیسه جهت قرضدن طولای شوقدر غروش دعوی ایتدکده مدعا علیه بنانی ادا ایتشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتشیدک ویاخود بز صلح اولمش ایدک یاخود بومبلغ قرض دکلدر بلکه سکا صاتمیش اولدیغم فلان مالک ثمنیدر ویاخود فلان کسنده الهجغ اولان اولمقدار غروشی سکا حواله ایتمکله سندی بکا اول مبلغی ویر مشیدک دیسه مدعینک دعواسنی دفع ایتمش اولور

کذا بر کسیسه دیگر کسنده دن فلانک ذمتنده الهجغ اولان شوقدر غروشه سن کفیل اولمشدک دیو دعوی ایتدکده اول کسنه مدیونک مبلغ مزبوری ادا ایلش ایدوکنی ادعا اینسه مدعینک دعواسنی دفع ایتمش اولور وکذا بر کسیسه دیگر کسنه نک یدنده بولتان بر مالی بندر دیو دعوی ایتدکده اول کسنه اکا بوندن مقدم فلان آدم اول مالی بندن دعوی ایتدکده سن انک دعواسنه شهادت ایتشیدک دیو ادعا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع ایلش اولور

کذلک بر کسیسه بر متوفانک تر کسندن شوقدر غروش الهجق دعوی ووارثک انکاری اوزرینه بودعواسنی اثبات ایتدکد نصکره متوفانک حال حیاتنده اول دینی ادا ایلش اولدیغنی وارثی ادعا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع ایتمش اولور

۱۶۳۲ ماده

دفع دعوی ایدن کسیسه دفعنی اثبات ایتدکده مدعینک دعواسی منافع اولور واثبات ایدهمدیکی تقدیرده انک طلبیه اصل مدعی تحلیف اولنور

مدعی یمیندن نکول ایدر ایسه مدعا علیهک دفعی ثابت

اولور واکر مدعی یمین ایدر ایسه کندیوسنک اصل
دعواسی عودت ایدر
ماده ۱۶۳۳

برکیمسه دیکر کسه نه دن شو قدر غروش اله جق دعوی
ایدوبده مدعی علیه دخی بن سنی بو مبلغ ایله فلانک
اوزرینه حواله ایدوب هربریکز دخی حواله یی قبول
ایتمش ایدیکز دیو ادعا وبونی محال علیه دخی حاضر
اولدینگی حالده اثبات ایلسه مدعی یی دفع ایله مطالبه سندن
خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه
انک حضورینه قدر موقوفا مدعی یی دفع ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(خصم اولوب اولمیانلر بیاننده در)

ماده ۱۶۳۴

برکیمسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه اقراری
تقدیرنده انک اقراری اوزرینه بر حکم ترتب ایدر ایسه
انکاریله دعواده و اقامه بینه ده خصم اولور
واکر مدعا علیه اقراری تقدیرنده بر حکم ترتب ایتمز ایسه
انکاریله خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلوبده بر ذاتدن سنک رسولک فلان بندن
شومالی الدی ثمنی ویردیو دعوا ایتدکده اول ذات اقرار ایتمسه

ثمن مبیعی دفع و تسلیمه مجبور اولدیغی جهتله انکار ایتدیگی صورتده
دخی مدعی به خصم اولور اول حالده مدعیك دعواسی وینهسی
استماع اولور. اما مدعی سنك شرایه وکیك اولان کسنه الدی
دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه ثمن مبیعی مدعی به دفع
و تسلیمه مجبور اولدیغی جهتله انکار ایتدیگی صورتده مدعی به
خصم اولماز

اول حالده مدعیك دعواسی استماع اولماز
ولی ووصی و متولی بوقاعده دن مستثنا در . شویله که
بر کیسه مال یتیمی یا خود مال و قبی ملک بدر دیو دعوی
ایتدکده ولینك یا وصینك یا خود متولینك اقرارلری نافذ
اولمیدندن اوزرینه بر حکم ترتیب ائمز . اما انکارلری
صیح اولوب ائک اوزرینه مدعیك دعوی وینهسی
استماع اولور شوقدر وار که ولی ووصی و متولیدن
صادر اولان بر عقد اوزرینه دعوی اولندیغی حالده
اقرارلری دخی معتبر اولور

مثلا مسو غ شری به بناء بر صنیك مالنی ولیسی صاتوبده اكا دائر
مشستری طرفندن بر دعوی وقوعبولسه ولینك اقرارى معتبر
اولور

۱۶۳۵ ماده

دعوائى عینده خصم انجیق ذی الیددر
مثلا بر کیسه دیگر کسنه نك آتنی غصب ایله آخر بر شخصه بیع
و تسلیم ایدوبده اول کیسه آتنی استرداد ایتك ایستدکده انجیق

ذی الیددن دعوی ایدر اما او آتک قیمتی تضمین ایتدیرمک ایستدکده
غاصبدن دعوی ایدر

۱۶۳۶ ماده

برکیمسه مال مشتریاه مستحق چیقوبده آنی دعوی ایتدکده
نظر اولنور

اگر مشتری اول مالی قبض ایتمش ایسه حین دعوی
وشهادتده خصم یالکز مشتریدر بایعک حضوری شرط
دکادر . و اگر مشتری اول مالی هنوز بایعدن قبض
ایتماش ایسه مشتری مالک وبایع ذی الید اولمق
حسیله حین دعوی وشهادتده ایکیسنک دخی حضوری
لازمدر

۱۶۳۷ ماده

ودیعه یی ودیعدن ومستعار ی مستعیردن ومأجوری
مستأجردن ومرهونی مرتهندن دعوی وقتنده و دیع ایله
مودعک ومستعیر ایله معیرک ومستأجر ایله موجرک
ومرتهن ایله راهنک برلکده حاضر بولنملری شرطدر
فقط و دیعه ویا مستعار ویا مأجور ویا خود مرهون
غصب اولنسه یالکز و دیع ومستعیر ومستأجر ومرتهن
انلری غاصبدن دعوی ایده پیلور مالکک حضوری
لازم کلز وبونلر حاضر اولدجه یالکز مالک انلری دعوی
ایده من

۱۶۳۸ ماده

وديع مشترى به خصم اولماز

شويلاه كه بر كسنه ديكر كيمسەنك يەندە اولان خانە ايچون بن بو خانەي
فلان شخصدن شوقدر غروشه صباتون الدم آنى بكا تسليم ايت ديو
دعوى ايتدكده اول كسنه بو خانەي بكا اول شخص ايداع وتسليم
ايتدى ديسە مدعينك خصومتى مندفع اولور اول شخصك ايداعنى
اثباته حاجت يوقدر . فقط مدعى دخی فی الواقع اول شخص
بو خانەي سكا ايداع ايتشیدی لکن صکره بكا صائدی وسندن قبض
وتسليم ينى توکیل ايتدی دیوبده اول شخصك بيع وتوکیلنى
اثبات ایدرسه اول خانەي وديعدن اخدايدر

۱۶۳۹ ماده

وديع مودعك دائنه خصم اولماز

بناء عليه دأْن مودعه اولان الـجغنى وديعك مواجهدهسندە اثبات
ايدوبده اندەكى وديعدن استيفای دين ايدەمز . فقط (۷۹۹)
مادهده بيان اولنديغى اوزره غائبك اوزرينه نفقهسى واجب اولان
كشى نفقهسى غائبك امانت اچەسندن المق اوزره وديعدن دعوى
ايدەينلور

۱۶۴۰ ماده

دائنه مديونك مديوني خصم اولماز

بناء عليه بر كيمسه متوفاده اولان الـجغنى متوفانك مديوني مواجهدهسندە
اثبات ايدوبده اندن استيفا ايدەمز

۱۶۴۱ ماده

بايعه مشترينك مشتريسى خصم اولماز

مثلاً بر کیمسه بر مالی دیگر کسنه یه بیع و او دخی آنی قبض ایله آخر
شخصه بیع و تسلیم ایتدکن صکره (مشتري اول اول مالی ثمنی ادا
ایتمکسزین قبض ایتمشیدی انک ثمنی ویر یا خود ثمنک استیفاسنه قدر
حبس ایتمک اوزره آنی بکا ویر) دیو بایعک مشتری ثانیدن دعواسی
استماع اولنماز

۱۶۴۲ ماده

متوفانک لهنه و علیهنه اولان دعواده یالکز ورته دن بریسی
خصم اوله ییلور

فقط ترکه دن بر عینی دعواده اول عین ورته دن کیمک یدنده

ایسه خصم اودر . ذی الید اولمیان وارث خصم اوله ماز

مثلاً متوفانک بر کسنه ده اولان اله جغنی ورته دن یالکز بری دعوی
ایده ییلور و بعد الثبوت اول اله جغک مجموعی جله ورته ایچون
حکم اولنور . فقط مدعی اولان وارث آندن یالکز کندی
حصه سنی قبض ایدر سائر ورته نک حصه سنی قبض ایده مز

کذلک بر کیمسه ترکه دن دین دعوی ایده جک اولدقده ورته دن یالکز
بر یسنک حضورنده دعوی ایده ییلور . کرک اول وارث یدنده
ترکه دن مال بولنسون و کرک بولنسون . و بویله یالکز بر وارثک
حضورنده دعوی دین ایدوبده اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی
تقدیرده دیندن آنک حصه سینه نقدر اصابت ایدرسه یالکز
اول مقداری ویرمک اوزره امر اولنور وانک اقراری سائر
ورته یه سرایت ایتمز . و اگر اقرار ایتوبده مدعی یالکز
اول وارثک حضورنده دعواسنی اثبات ایدرسه جله ورته علیهنه
حکم اولنور . و مدعی اولوجهله محکوم به اولان دینی ترکه دن

الہجق اولدقده سائر ورثه مدعیہ اول دینی تکرار بزم حضورمزدہ اثبات ایت دیہمزلر فقط مدعینک دعواسنی دفعه صلاحیتلری وارددر. اما قبل القسمه متوفانک ترکسندن اولان فقط ورثه دن برینک یدنده بولنان بر آتی بر کیمسه بنم مالم اولوب متوفایه ایداع ایتمشیدم دیو دعوی ایدہجک اولدقده خصم انجق ذوالید اولان وارثدر. دیگر ورثه دن دعوی ایتسه استماع اولماز. و ذوالیددن دعوی ایدوبده انک اقراریلہ حکم اولنور ایسه سائر ورثه یه سرایت ایتمز انک اقرای انجق کندی حصه سی مقدارنجه نافذ اولوب انک اول آتده اولان حصه سی مدعینک اولق اوزره حکم اولنور واکر ذوالید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی دعواسنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیهنه حکم اولنور. (۷۸) ماده یه باق

۱۶۴۳ ماده

ارشدن غیری بر سبب ملک ایلہ بر قایچ کیمسه بیننده مشترک اولان بر عینی دعواده شرکادن بری دیگرک حصه سنده مدعی یه خصم اوله من

مثلا شرا طریقیلہ بر قایچ کیمسه بیننده مشترک بر خانہ یی بر کیمسه شرکادن یالکز بری حضورنده ملکمدر دیو دعوی واثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر اولان شریکک حصه سنده مقصور اولوب سائرینه سرایت ایتمز

۱۶۴۴ ماده

طریق عام کبی منافع ی عمومه عائد اولان یرلرک دعواسنده عامه دن یالکز بریسی مدعی اولوب انک دعواسی

استماع ايله مدعا عليه اوزرينه حكم اولنه بيلور
ماده ۱۶۴۵

اهاليلرى قوم غير محصور اولان ايكي قريه بيلنده نهر
ومرعى كې منافعى مشترك اولان شيلر دعواسينده
طرفيندن بعضيلرينك حضوري كافيدر . اما اهاليلرى
قوم محصور اولديغى صورتده بعضيلرينك حضوري
كافي اوليوب جله سينك ياخود طرفلرندن وكييلرينك
حضوري لازمدر

ماده ۱۶۴۶

يوز نفر دن زياده اولان قريه اهاليلى قوم غير محصور
عد اولنور

(فصل رابع)

(تناقض بيانده در)

ماده ۱۶۴۷

تناقض ملكيت دعواسنه مانع اولور

مثلا بر كيمسه بر مال اشترا ايدوبده يعنى صاتون المقتضى استيو بده .
بعده اول مال قبل الاشترا كندوسنك ملكى ايدوكنى دعوى ايتسه
مسموع اولماز . وكذا فلان كسندده هيج بر حقم يوقدر ديدكدن
صكره اول كسنددن برشى دعوى ايتسه مسموع اولماز
كذلك بر كيمسه ديكر كسنددن فلان آدمه ويرمك اوزره سكا شوقدر

غروش ویرمشیدم سن اکا ویرمیوب یدنده قالمغه کتور اول مبلخی
ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا علیه انکار ایتمکه مدعی اقامه بینه
ایتدکده صکره مدعا علیه دونوبده کرچک اول آدمه ویرمک اوزره
بکا او قدر غروش ویرمشیدک لکن بن اول مبلخی اکا تسلیم ایلدم
دیو دفع دعوی ایده جک اولسه مسموع اولماز

وکذلک بر کیمسه دیگرک یدنده اولان بر دکائی ملکه در دیو دعوی
ایتدکده ذوالید کرچک اول دکان سنک ملکک ایدی لکن فلان
تاریخده سن انی بکا بیع ایتشیدک دیو دعوی ومدعی اصلا بینزده
بیع و شرا جریان ایتدی دیو کلیا انکار ایتمکه ذی الید دعواسنی
اثبات ایتدکن صکره مدعی دونوب فی الحقیقه اول دکائی اول
تاریخده سکا بیع ایتشیدم لکن بو بیع وفاء یاخود شو مقوله شرط
مفسد ایله عقد اولشیدی دیو دعوی ایلسه استماع اولماز

۱۶۴۸ ماده

بر کیمسه بر مالی دیگر کسینه نک اولدیغنی اقرار ایتدکن
صکره بنمدر دیو دعوی ایتسه صحیح اولدیغنی کبی آخرک
طرفندن بالوکاله یا بالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح
اولماز

۱۶۴۹ ماده

بر کیمسه دیگر کسینه بی جمیع دعوادن ابرا ایتدکن
صکره کندوسی ایچون اندن بر مال دعوی ایتسه صحیح
اولماز • اما بشقه سی ایچون بالوکاله یاخود بالوصایه
دعوی ایده بیلور

۱۶۵۰ ماده

بر کسیسه بر مالی آخر کسیسه ایچون دعوی ایتد کدن
صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز .
اما کندوسی ایچون دعوی ایتد کدن صکره بالوکاله
آخر کسیسه ایچون دعوی ایتدیلور زیرا دعوی وکیل
بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار اما بر کسیسه عندالخصومه
کندر ملکئی بشقه سنه مضاف قیلماز

۱۶۵۱ ماده

حق واحد ایکی کشیدن اورو اورو استیفا اولنده مدیخی
کی جهت واحده دن طولانی حق واحد ایکی کشیدن
ادما دخی اولنده ماز

۱۶۵۲ ماده

نصل که متکلم واحدک دعواسنده تناقض بولنور
ایسه وکیل و موکل و وارث و مورث کی متکلم
واحد حکمنده اولان ایکی کسیسه ناک کلاسیزده
دخی تناقض تحقق ایدر . شویله که بر خصوص حقنده
موکلدن سبق ایدن دعوایه منافی وکیل بر دعوی درمیان
ایتسه صحیح اولماز

۱۶۵۳ ماده

خصمک تصدیقیله تناقض مرتفع اولور

مثلاً بر کیمسه جهت قرضیدن اوله رق دیگر کسینه دن شو قدر غروش
اله جق دعوی ایتد کد نصکره مبلغ مزبورک جهت کفالتدن اولدیفنی
دعوی ایدوبده مدعی علیه دخی بونی تصدیق ایلسه تناقض مرتفع
اولور

ماده ۱۶۵۴

حاکم تکذیبیه دخی تناقض مرتفع اولور

مثلاً بر کیمسه دیگر کسینه نک یدنده اولان مالی بخدر دیو دعوی
ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانک ایدی بن اندن صاتون
الدم دیو انکار ایتد مدعی اقامه یننه ایدوبده حکم اولنسه محکوم
علیه اول مالک ثمنیه بایعنه رجوع ایدر واکرچه ابتدا اول مال
بایمک ایدوکنی اقرار ایتسیله صکره کی رجوعی یننده تناقض
وار ایسه ده حاکم حکمیه بو اقراری تکذیب اولدیفندن تناقض
مرتفع اولور

ماده ۱۶۵۵

محل خفا اولوبده مدعینک معذرتی ظاهر اولور ایسه
تناقض معفو اولور

مثلاً بر کیمسه بر خانیه استیجار ایتد کد نصکره بن صغیر ایکن پدرم
بو خانیه بن ایچرن اشترا ایتش حین استیجارده خبرم یوق ایدی
دیو موجردن ادعا وبویولد، برقطعه سند ابراز ایلسه دعواسی
مسموع اولور

کذلک بر کیمسه بر خانیه استیجار ایتد کد نصکره وقتیه اول خانه
کندوسنه پدرندن ارثا انتقال ایلش ایدوکنه واقف اولوبده موجردن
ادعا ایلسه دعواسی استماع قلمور

۱۶۵۶ ماده

تقسیم ترکیه ایتدار مقسومك مشترک اولدیغنی اقرار در .
 بناء علیه بعد التقسیم مقسومی بنادر دیو دعوی ایتک تناقضدر
 مثلا ترکدنک تقسیمدن صکره ورشدن بر یسی اعیان مقسومدن
 بر یسی بن متوفادن صاتون المشیدم یاخود متوفی انی حال صحته
 بکا هبه وتسلیم ایتشیدی دیو ادعا ایتسه مسموع اولماز فقط بن صغیر
 ایکن متوفی اول مالی بکا ویرمش وقت تقسیمده بیلوردم دیر ایتسه
 معذور ودعواسی مسموع اولور

۱۶۵۷ ماده

متناقض کورینان ایکی کلامک توفیقی ممکن اولوبده مدعی
 دخی توفیق ایدر ایتسه تناقض مرتفع اولور
 مثلا بر خانه ده مستاجر اولدیغنی اقرار ایتش ایکن بو خانه بنادر دیو
 دعوی ایتسه استماع اولماز . اما مستاجر ایدم صکره صاحبندن
 صاتون الدم دیو توفیق ایتسه دعواسی استماع اولور
 كذلك بر کیمسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش دعوی ایدوبده
 مدعا علیه دخی بن سندن برشی المدم وسنگله بنمزدده هیچ بر معامله
 جاری اولماشدر یاخود بن سنی اصلا طائیم دیوبده مدعی اقامه
 بینه ایتدکدنصکره مدعا علیه بن اول مبلغی ایضا ایتشیدم یاخود
 سن بنی اندن ابرا ایتشیدک دیو ادعا ایتسه تناقض اولمغله دعواسی
 استماع اولماز . اما مدعینک دعوی مشروحه سنی اوزرینه مدعا
 علیه سکا هیچ بورجم یوقدر دیوبده مدعی اقامه بینه ایتدکدنصکره
 مدعا علیه اوت سکا اوقدر بورجم وار ایدی نکن بن انی سکا تأدیه
 ایتشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتشیدک دیو دعوی واثبات ایتسه
 مدعی پی دفع ایدمیلور

وڪڙلڪ بر کيمسه ديگر کسنه دن سسند شويلاه بر وديعم وار ایدی
ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا علیه سن بکا اصلا بر شی ایداع
ایتمدک دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه ایتدکدنصکره مدعا علیه
بن انی سکا رد و تسلیم ایتمشیدم دیو دفع ایده جک اولورسه
بو دفعی مسموع اولیوب و دیعه انک یدنده موجود ایسه مدعی
انی عیناً الور و مستهلک ایسه قیمتی تضمین ایتدیرر اما مدعینک
دعوی مشروحه سی اوزرینه مدعا علیه بنده سنک اویلاه و دیعهک
یوقدر دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه ایتدکدنصکره مدعا علیه
اوت اویلاه بر و دیعهک وار ایدی لکن بن انی سکا رد و تسلیم ایتمشیدم
دیو ادعا ایسه دعواسی مسموع اولور

۱۶۵۸ ماده

بر کیمسه بر عقدک باتاً و صحیحاً کند و سندن صادر اولدیغنی
اقرار ایدمرک بو اقراری سنده ربط اولندقدن صکره دونوبده
اول عقدک وفاء و یاخود فاسدا منعقد اولدیغنی ادعا ایسه
دعواسی مسموع اولماز
(۱۰۰) مادهیه باقی

مثلاً بر کیمسه مالک منزلی بر کسنه یه ثمن معلوم مقابلنده بیع و تسلیم
ایتدکدنصکره حضور حاکمه واروب بن شو حدود ایلاه محدود
اولان منزلی شو قدر غروش مقابلنده فلان کسنه یه بیع
بات صحیح ایلاه صاتم دیو اقرار ایدوبده بو اقراری سنده ربط
اولندقدنصکره دونوبده بیع مزبوری وفا طریقیلاه یاخود شو مقوله
شرط مفسد ایلاه عقد اولنمشیدی دیو ادعا ایسه دعواسی مسموع
اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسسه ايله اولان دعواسندن صلح اوله رق
حضور حاكمه واروبده اول صلحك صحيجا عقد اولنديغني اقرار
ايدرك بواقاراي سنده ربط اولندقدنصكره دونوبده صلح مزبوري
شومقوله شرط مفسد ايله اولمشيدي ديو ادنا ايلسه دعواسي مسموع
اولماز

۱۶۵۹ ماده

بر كيمسه بر مالي ملكمدر ديو ديكر كسسه حضورنده آخره
بيع وتسليم ايتد كده اول كسسه كوروبده بلاعذر
سكوت ايتمشيكن صكره دن اول مال بنمدر ياخود آنده
حصه م واردر ديو دعوي ايتسه نظر اولنور . اكر
اول كسسه بايعك اقرار بندن ياخود زوج وزوجه دن
بريسي ايسه اشبو دعواسي مطلقا استماع اولتماز . و اكر
اجانب دن ايسه اولوجه له يالكز مجلس بعهده بولنمسي
دعواسنك استماعنه مانع اوليوب انجق مجلس بعهده
حاضر اولدقدن بشقه مشتري نك بر مدت اول ملكده ائنيه
يايمق ياخود ييتمق وياخود اغاج ديكمك كي تصرف ملك
ايله تصرفني كوروبده بلاعذر سكوت ايتد كدنصكره
بروجه بالا بنم ملكمدر ياخود آنده حصه م واردر ديو
دعوي ايتسه كذلك استماع اولتماز

(باب ثانی)

(مرور زمان حقنده در)

۱۶۶۰ ماده

دین و ردیعه و ملک عقار و میراث و عقارات موقوفه ده
مقاطعه یا خود اجارتین ایله تصرف و مشروطه تولیت
و غله دعوالری کبی اصل وقفه و عمومه عائد اولسان
دعوالر اون بش سنه ترك اولندقدنصکره استماع اولنماز

۱۶۶۱ ماده

اصل وقف حقنده متولی و مرتزقه نك دعوالری اوتوز
التي سنه یه قدر استماع اولنور
اما اوتوز التي سنه مرور ایتدکدن صکره ارتق استماع
اولنماز

مثلا بر کیمسه اوتوز التي سنه بر عقاره ملکیت اوزره متصرف
اولدقدنصکره بر وقفك متولیسى اول عقاره بنم وقفك مستغلاتنددر
دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز

۱۶۶۲ ماده

طریق خاص و مسیل و حق شرب دعوالری اگر ملک
عقارده ایسه اون بش سنه مرور ایتدکدن صکره
استماع اولنماز . و اگر عقارات موقوفه ده ایسه متولینك

انلری اوتوز التی سنهیه قدر دعوایه صلاحیتی واردر
اون سنه مرورندن صکره اراضی میریه دعوالری
استماع اولندیغی کبی اراضی میریه ددی طریق خاص
ومسایل وحق شرب دعوالری دخی اون سنه ترک
اولندقدنصکره استماع اولنماز
۱۶۶۳ ماده

بو بایده معتبر یعنی دعوانک استماعنه مانع اولان مرور
زمان انجق بلاعذر واقع اولان مرور زماندر
یوخسه مدعینک و صیسی بولنسون بولنسون صغیر یا مجنون
یا معتوه اولسی یا خود مدت سفر اولان اخردیارده بولنسی
ویا خود خصمنک متغلبه دن اولسی کبی اعدار شرعیه دن
بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولنماز بناء علیه مرور
زمانک مبدئی عذرک زوال و اندفاعی تاریخندن اعتبار اولنور
مثلا بر کیمسه نک حال صغرنده یکن زمانه اعتبار اولنمیوب مرور
زمان انجق حد بلوغه واصل اولدیغی تاریخندن معتبردر

کذلک بر کیمسه نک متغلبه دن بریله دعواسی اولوبده خصمنک تغلی
ممتد اوله رق دعوی ایده مدیکندن مرور زمان بولنسه اول دعواسنک
استماعنه مانع اولماز. مرور زمان انجق تغلبک زوالی تاریخندن
معتبردر

۱۶۶۴ ماده

مدت سفر سیر معتدل ایله اوچ کونلک یعنی اون سکر
ساعتلک مسافه در

۱۶۶۵ ماده

بیلرلنده مدت سفر اولان ایکی بلده ساکنلرندن بریسی
برقاج سنه ده بر کره بر بلده ده بر لشوب یکدیگریله
حاکمه لری قابل ایکن بر برندن برشی دعوی ایتیه رک
بووجه له مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرور دن
مقدم تاریخ ایله برینک دیکرندن دعواسی استماع
اولماز

۱۶۶۶ ماده

برکیمسه برخصوصی حضور حاکمه دیگر کسنه دن
برقاج سنه ده بر کره دعوی ایدوب انجق فصل دعوی
ایدلیه رک بووجه له اون بش سنه مرور ایتسه دعوانک
استماعنه مانع اولماز . اما حضور حاکمه اولمیان ادعا
ومطالبه مرور زمانی دفع ایده مز

بناء علیه برکیمسه برخصوصی مجلس حاکمک غیری
یرلده ادعا ومطالبه ایدرک بووجه له مرور زمان بولنسه
مدعینک دعواسی استماع اولماز

۱۶۶۷ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادعایه صلاحیت کلدیکی
تاریخدن اعتبار اولنور

بناء علیه دین مؤجلی دعواده مرور زمان انجق حلول اجلدن معتبر

اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعيتك اول دينى دعوى
ومطالبه به صلاحيتي يوقدر

مثلاً بر كيمسه ديكر كمنه دن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنى اوج
سنه مؤجل اولوق اوزره سكا بيع ايلديكر فلان شى ثمندن سمنده
شو قدر غروش الهجتم واردر ديو دعوى ايلسه استماع اولنور
زيرا حلول اجلدن اعتباراً انجق اون ايكي سنه پيكمش اولنور
كذلك بطناً بعد بطن اولاده مشروط وقفه دائر بطن ثابته بولنان
اولادك دعوالرنده مرور زمان انجق بطن اولك اختراضى تاريخندن
معتبردر . زيرا بطن اول موجود ايكن بطن ثابته دعوايه صلاحيتي يوقدر
وكذلك مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانك هداى وقت طلاقدن
يا خود احد زوجينك وفاى تاريخندن اعتبار اولنور . زيرا مهر
مؤجل ياطلاق يا خود وفات ايله مهجل اولنور
۱۶۶۸ ماده

مفلس اولان كمنه دن الهجق دعواسنده مرور زمان
انجق افلاسك زوالى تاريخندن معتبردر

مثلاً اون بش سنه دنبرو مقامياً مفلس اولوب هنوز كسب يسار
ايلديكى متحقق اولان بر كيمسه دن ديكر كمنه دن اون بش سنه
مقدم ذمتده فلان جهتدن شو قدر غروش الهجتم وار ايدى
اول تاريخدنبرو مفلس اولدينك جهته دعوى ايده مدم
شمدى اداء دينه اقتدارك اولمظه دعوى ايدرمد ديسه استماع اولنور
۱۶۶۹ ماده

بر كيمسه بر دعوايى بوجه بالا بلا عذر ترك ايدرك مرور
زمان بولنسه اول دعوى حياتنده كندوسندن استماع

اولنمديغى كېي وفاتنده وارثدن دخى استماع اولنماز
ماده ۱۶۷۰

بر دعوايى بر مدت مورت و بر مدت وارث ترك ايدوبده
ايكى مدتكم مجموعى مرور زمان حدينه بالغ اولورسه
ارتق استماع اولنماز
ماده ۱۶۷۱

بايع ايله مشترى و واهب ايله موهوبله مورت ايله وارث
كبيدر

مثلا بر كيمسه بر عرصديه اون بش سنه متصرف اولوب اول عرصه نك
اتصالنده خانه سى اولان كسسه بو مدتده سكوت ايتدكن صكره
اول خندي آخره بيع ايتدكده مشترى اول عرصه اشبو اشترا
ايتديكم خانه نك طريق خاصيدر ديو دعوى ايلسه مسمه ع
اولماز

كذلك بر مدت بايع و بر مدت مشترى سكوت ايدوبد ايكى مدتكم
مجموعى مرور زمان حدينه بالغ اولسد مشترينك دعوا سى استماع اولنماز
ماده ۱۶۷۲

متوفانك ديكرنده اولان بر مالنى دعوا ده ورثه سندن
بعضيلرى حقنده مرور زمان بولنمشيكن ديكر بعضيسى
حقنده صغر كې بر عذر ايله مرور زمان بولنمديغنه مېنى
اول مالى دعوى و اثبات ايتدكده مدعا بهده اولان
حصه سى كندوسنه حكم اولنور و بو حكم سائر ورثه يه
سرايت اتمز

۱۶۷۳ ماده

بر کیمسه بر عقارده مستأجر اولدیغنی مقرر ایکن اون بش
سنه دن زیاده زمان مرور ایتمله اکا مالک اوله ماز
اما انکار ایدوبده مالک دخی اول عقار بنم ملک مدر شو قدر
سنه مقدم سکا ایجار ایتشیدم دایما اجرتنی قبض ایدرم
دیو دعوی ایتدکده نظر اولنور

اگر ایجاری بین الناس معروف ایسه دعواسی استماع
اولنور . دکل ایسه استماع اولنماز

۱۶۷۴ ماده

تقادم زمان ایله حق ساقط اولماز
بناء علیه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا علیه حضور
حاکمه مدعینک دعواسی وجهله حالا کندوسنده حتی
اولدیغنی صراحة اقرار و اعتراف ایدیورر ایسه مرور
زمانه اعتبار اولنمیوب مدعا علیه اقراری موجب
حکم اولنور

اما مدعی علیه حضور حاکمه اقرار ایتوبده مدعی انک
دیگر محله اقرار ایتش اولدیغنی دعوی ایدرسه مدعینک
اصل دعواسی استماع اولنمیغنی کبی اقرار دعواسی دخی
استماع اولنماز

فقط دعوی اولنان اقرار مقدا مدعی علیه معروف
اولان خط و یا ختمی حاوی بر سنده ربط اولنوبده اول

سندك تاريخندن وقت دعوايه قدر مرور زمان مدتي
بولنماش ايسه او صورتده اقرار دعواسي استماع اولنور
ماده ۱۶۷۵

طريق عام ونهر و مرعي کبي منافعى عمومه عائد اولان
يرلرک دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولنماز
مثلا بر قريهيه مخصوص اولان مرعايى بر کيمسه بلا نزاع اللى سند
ضبط وتصرف ايتدکد نصکره قريهسى اهاليلى اول مرعايى اندن
دعوى ايتسه لر استماع اولنور

اراده سنه تاريخى فى ۹ جادى الاخرى سنه ۱۲۹۳

عن اعضاءى شوراي دولت امين الفتوى ناظر عدليه
سيف الدين السيد خليل احمد جودت

رئيس ثانى محكمة تمير عن اعضاءى مجلس تدقيقات شرعيه
السيد احمد حلمى

رئيس المسودين عن اعضاءى مجلس تدقيقات شرعيه
عمر حلمى احمد خالد

اعلامات ميمزى معاونى
عبد الستار

كتاب البَيِّنَاتِ وَالتَّحْلِيلَةِ

میزان الحکمه

بوی عمل اوله

— کتاب خامس عشر —

(بیانات و تحلیف حقننده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)
(مشتملدر)

﴿ مقدمه ﴾

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۱۶۷۶ ماده

بینه • حجت قویه دیمکدر

۱۶۷۷ ماده

تواتر • کذب اوزره اتفاقلری عقلا جائز اولمیان جماعتک
خبر یدر

۱۶۷۸ ماده

ملك مطلق . ارث و شراکي اسباب ملکدن بريله مقيد
اوليان ملکيتدر . و بويله بر سبب ايله مقيد اولان ملکيته
دخی ملک بسبب دينيلور

۱۶۷۹ ماده

ذی الید . بر عینه بالفعل وضع ید ایدن یا خود تصرف
ملاك ايله تصرفی ثابت اولان کیمسه در

۱۶۸۰ ماده

خارج . بوجه بالا وضع ید و تصرفدن بری اولان
کیمسه در

۱۶۸۱ ماده

تحلیف احد خصمینه یمین و یرمکدر

۱۶۸۲ ماده

تحالف . خصمیندن ایکیسنه دخی یمین و یرمکدر

۱۶۸۳ ماده

تحکیم حال . یعنی حال حاضری حکم قیلق استصحاب
قبیلاندندر

استصحاب دخی عدمی مظنون اولیان بر امر محقق
بقاسیه حکم ایتمکدر که ابقاء ماکان علی ماکان دیمک
اولور

(باب اول)

(شهادت حقنده اولوب سکر فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شهادتك تعریف و نصابی بیاندهدر)

۱۶۸۴ ماده

شهادت . بر کیمسه نك آخر کسنده اولان حقنی اثبات
ایچون حضور حاکمه و خصمینک مواجهه لرنده شهادت
لفظیله یعنی شهادت ایدرم دیو خبر ویرمکدر
اشبو مخبره شاهد و اول کیمسه یه مشهودله و اول کسنه یه
مشهود علیه و اول حقه مشهود به دینیلور

۱۶۸۵ ماده

حقوق عبادده شهادتك نصابی ایکی اریا خود بر اریله ایکی
خاتوندر . فقط اریککلرک اطلاعی ممکن اولمیان یرلرده یالکیز
خاتونلرک مال حقنده شهادتلی قبول اولنور

۱۶۸۶ ماده

دلسزک و اعمانک شهادتلی مقبول دکدر

(فصل ثانی)

(شهادتک کیفیت اداسی بیانده در)

۱۶۸۷ ماده

مجلس محاکمه نك خارجنده اولان شهادت معتبر
دکدر

۱۶۸۸ ماده

شاهدلرک مشهود بهی بالذات معاینه ایتش اولوبده
اولوجهله شهادت ایلسی لازمدر . سماع ایله یعنی ناسدن
ایشتمد دیو شهادت ایلسی جائز اولماز
فقط بر محاکم وقف یاخود بر کسینه نك فوت اولدیغنه
ثقه دن ایشتمد دیو شهادت ایتسه یعنی بوکا شهادت
ایدرم زیرا ثقه دن بویله ایشتمد دیسه شهادتی مقبول
اولور

و ولایت و موت و نسب خصوصلرنده وجه شهادتی
بویله تفسیر ایلیدرک یعنی ایشتمه سوزینی سویلیدرک سماع
ایله شهادت ایلسی جائزدر

مثلا فلان آدم فلان تاریخده بو بلنده والی یاخود حاکم ایدی
وفلان آدم فلان وقت فوت اولدی وفلان کیمسه فلانک اوغلیدر
بویله پلورم دیوبده ایشتمد دییدرک صورت قطعیه ده شهادت

ایندیکی صورتده هر نقدر بو خصوصلری معاینه ایتماش اولسه
وسنی انلری معاینهده مساعد اولسه بيله شهادتی قبول اولنور .
وبرده ناسدن ایشتم دیمیوبده بلکه بز بو خصوصی معاینه ایتدک
اما بیغزده بویله مشهردر بویله بیلورز دهرک شهادت ایلسه
هر صورتده جائز اولور

۱۶۸۹ ماده

شاهد اگر شهادت ایدرم دیمیوبده یالکز فلان خصوصی
بویله بیلورم یاخود خبر ویررم دیمش اولسه اداء شهادت
ایلمش اولماز . فقط انک اوزرینه حاکم اکا بویله شهادت
ایدر میسن دیو سؤال ایدوبده اودخی اوت بویله شهادت
ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتش اولور
واکرجه اهل خبردنک اخباری کبی مجرد تحقیق
واستکشاف حال ایچون واقع اولان افاداتده شهادت
لفظی شرط دکدر انجق بونلر شهادت شرعیه اولیوب
مجرد اخبار قبیلندندر

۱۶۹۰ ماده

مشهودله و مشهود علیه و مشهود به حاضر ایسه لر شاهد
شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانک بووجهله
اشارتی کفایت ایدر . مشهودله ایله مشهود علیهک بابا
وددهلرینک اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلز
اما غائب اولان موکله یاخود متوفایه دائر اولان

شهادتده شاهد انلرك بابا و دددرلر نك اسملرینی ذكر ایتك
لازمدر . فقط مشهور و معروف اولان بر کیمسه ایسه
شاهد انك یالکز اسم و شهرتنی ذكر ایتك کافیدر زیرا
مقصد اصلی انی سائرندن تمیز ایده جك وجهله تعریفدر
۱۶۹۱ ماده

عقاره دائر اولان شهادتده حدودینك بیانی لازمدر .
فقط شاهد اکر مشهود به اولان عقارک حدودینی ذكر
ایتموبده محلنده تعیین و ارائه ایده بیله جکنی بیان ایلر ایسه
محلنه کیدیلوب ارائه ایتدیریلور

۱۶۹۲ ماده

(۱۶۲۳) ماده ده بیان اولندیغی اوزره مدعی سندنده کی
حدوده استناد ایله دعوی ایتدیکی تقدیرده شاهدلر
دخی بوسندده حدودی محرر اولان عقارانك ملکیدر دیو
شهادت ایتسهلر صحیح اولور

۱۶۹۳ ماده

بر کیمسه مورثنك دیگر کسسه ذمتنده شو قدر غروش اله جغی
اولدیغی دعوی ایتدکده شاهدلر اکر متوفانك اول
کسسنده اول مقدار اله جغی اولدیغنه شهادت ایتسهلر
کفایت ایدر ورثه سینه موروث اولمشدر دیو تصریح
حاجت یوقدر

دین یرینه عین ادعا اولندیغی صورتده یعنی اول کسسه

ی‌دنده مورثك بر مال معینی بولندیغی ادعا اولندقدده دخی
حکم ینه بووجهله در
ماده ۱۶۹۴

بر کیمسه ترکه دن شو قدر غروش اله‌جق دعوی ایتدکده
شاهدلر اکر متوفانك اول کیمسه یه او قدر دینی اولدیغنه
شهادت ایتسه لر کفایت ایدر وفاتنه قدر ذمتنده باقی ایدی
دیو تصریح حاجت یو قدر . دین یرینه عین ادعا اولندیغی
صورته یعنی اول کیمسه متوفانك ی‌دنده کندو سنك
بر مال معینی اولدیغنی دعوی ایتدکده دخی حال بومنوال
اوزره در

ماده ۱۶۹۵

بر کیمسه دیگر کسه نه دن اله‌جق دعوی ایتدکده شاهدلر
اگر اول کیمسه نك مدعی یه اول مقدار دینی اولدیغنه
شهادت ایتسه لر کفایت ایدر . فقط خصمی حالا دینك
بقاسندن سؤال ایدوبده شاهدلر حالا بقاسنی بیلمیز دیسه لر
شهادتلی رد اولنور

(فصل ثالث)

(شهادتک شروط اساسیه سی بیانده در)

ماده ۱۶۹۶

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

۱۶۹۷ ماده

محسوسك خلافتنه اقامه اولنان بینه مقبول اولماز
مثلا بر كيمسه نك بر حیات و یا بر خانه نك معمور اولدیغی مشاهد
ایکن اول كسینه نك وفات ایلدیكنه یا خود اول خانه نك خراب اولدیغنه
بینه اقامه اولنسه مقبول و معتبر اولماز

۱۶۹۸ ماده

متواترك خلافتنه اقامه اولنان بینه قبول اولماز

۱۶۹۹ ماده

بینه برحق اظهار ایچون مشروع قلمشدر . بناء علیه
فلان كیمسه او ایشی ایشلمدی و فلان شی فلان كسینه نك دكلدر
و فلانك فلانہ بورجی یوقدر کی نفی صرفه شهادت قبوله
اولماز . فقط نفی متواتر بینه سی مقبولدر

مثلا بر كیمسه فلان كیمسه یه فلان وقت فلان محله شوقدر غروش
اقراض ایتدم دیو جهت قرضدن اول مقدار غروش دعوی ایدوب
حالبو که اول كسینه نك اولوقت اوراده اولیوبده بشقه محله
بولندیغی تواترا اثبات اولنسه اشبو تواتر بینه سی مقبول اولوب
مدعینك دعواسی مسموع اولماز

۱۷۰۰ ماده

شهادتده دفع مغرم و جر مغنم یعنی دفع مضرت و جلب

منفعت داعیه سی اولماق شرطدر

بناء علیه اصلك فرعہ و فرعك اصله یعنی آبا و اجداد
وامهات وجداتك اولاد و احفادی لهلرینه و اولاد

واحفادك آبا و اجدادی و امهات و جداتی لهرینه و هكذا
احد زوجینك دیکری لهسنه شهادتلی مقبول اولماز . اما
بونلردن ماعدا اقر بانك یكدیکری لهسنه شهادتلی مقبول
اولور . كذلك برکیمسه نك انفاقیه تعیش ایدن آدمك
و اجیر خاصنك کندو لهسنه شهادتلی مقبول اولماز . اما
قیو یوداشلرینك یكدیکری لهنه شهادتلی مقبول اولور
و كذلك شریکلك مال شرکته یكدیکری لهسنه
شهادتلی و کفیل بالمال اولان کیمسه نك اصیل طرفندن
مکفول بهك ادا اولدیغنه شهادتی مقبول اولماز . اما سایر
خصوصلرده یكدیکره شهادتلی مقبول اولور

۱۷۰۱ ماده

دوستك دوسته شهادتی مقبولدر . فقط بیلنلرده کی دوستلق
یكدیکرك مالنده تصرف اتمه مرتبه سنه وارر ایسه اول
حالده یكدیکرك لهسنه شهادتلی مقبول اولماز

۱۷۰۲ ماده

شاهد ایله مشهود علیه بیننده عداوت دنیویه اولماق
شرطدر . عداوت دنیویه عرف ایله بیلنور

۱۷۰۳ ماده

برکیمسه هم مدعی و هم شاهد اوله ما
بناء علیه وصینك یتیمه و وکیلک مؤکله شهادتلی صحیح
اولماز

۱۷۰۴ ماده

بر کیمسه نك كندو فعلنه شهادتی معتبر دكلدر
بناء عليه و كیلارك و دلالارك بز بیع ایتشیدك دیو كندو
فعلارینه شهادتلی معتبر اولماز
كذلك بر بلده حاكمی انفصالندن صكره قبل الا انفصال
كندوسندن صدور ایتش اولان حكمه شهادت ایلسه
صحیح اولماز اما قبل الا انفصال بر کیمسه نك كندو حضورنده
واقع اولان اقرارینه بعد الا انفصال شهادت ایلسه معتبر
اولور

۱۷۰۵ ماده

شاهدك عادل اولمسی شرطدر
عادل حسناتی سیئاتنه غالب اولان کیمسه در
بناء عليه رقاص و مسخره کبی ناموس و مروتی مخل حال
و حرکتلی اعتیاد ایدن اشخاصك و کذب ايله معروف
اولان کسانك شهادتلی مقبول اولماز

(فصل رابع)

(شهادتك دعوايه موافقتی بیاننده در)

۱۷۰۶ ماده

شهادت اکر دعوايه موافق ايسه قبول اولنور . دكل

ایسه قبول اولماز . فقط لفظه اعتبار اولمیوب معنی موافقت کافیدر

مثلا مدعابه و دیعه اولوبده شاهدلر مدعا علیه ایداعی اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسه لر یا خود مدعابه غصب اولوبده شاهدلر مدعا علیه غصبی اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسه لر مقبول اولور .
کذلک مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدوبده شاهدلر دائنک مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتسه لر مقبول اولور .

۱۷۰۷ ماده

شهادتک دعوايه موافقتی یا اکا تمامیه مطابقتی و یا خود مشهود بهک مدعا بهدن اقل اولسی صورتیدر

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکیمدر دیو دعوی ایدوبده شاهدلر دخی ایکی سنه دنبرو و ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکلری صورتده شهادتلری مقبول اولدیغی کی بر سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکلری صورتده شهادتلری قبول قیلنور .

کذلک مدعی بیک غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بشیوزه شهادت ایتدکلری صورتده بشیوز غروش حقنده شهادتلری قبول اولنور

۱۷۰۸ ماده

مدعابه اقل اولوبده شاهدلر اکثره شهادت ایتسه لر مقبول اولماز مگرکه شهادت ایله دعوی بیننده کی اختلاف ذاتاً قابل توفیق اولوبده مدعی دخی انلرک بدنی توفیق ایلیه او حالده شهادت قبول قیلنور

مثلا مدعى بو مال ايكي سنه دنبرو بنم ملكمدر ديو دعوى ايدوبده. شاهدلر اوچ سنه دنبرو ملكى اولديغنه شهادت ايلسه لر قبول قيلنماز. كذلك مدعى بشيوز غروش دعوى ايدوبده شاهدلر بيك غروشه شهادت ايتسه لر قبول اولنماز. اما مدعى بنم آنده الهجعم فى الواقع بيك غروش ايدى لكن شيوزيني استيفا ايتمشيدم شاهدلر اوراسنى بتزلر ديو دعوى ايله شهادتك بينى توفيق ايلسه شاهدلر شهادتى قبول اولنور

۱۷۰۹ ماده

مدعى مثلا شو باغ بنم ملكمدر ديوملك مطلق دعواسى ايدوبده شاهدلر مدعى بوباغى فلاندىن صاتون الدى ديو ملك مقيده شهادت ايتسه لر قبول اولنور شويله كه شاهدلر اولوجهله ملك مقيده شهادت ايتدكارنده حاكم سنده بوسبيله مى ملك دعواسى ايده يورسين يوخسه آخر سبيله مى ديو مدعين سؤال ايدر مدعى اكر اوت بنده بوسبيله دعوى ايدر دير ايسه حاكم اول شاهدلر شهادتنى قبول ايدر و اكر سبب آخرله دعوى ايدر ياخود بن بوسبيله دعوى ايتم دير ايسه حاكم اول شاهدلر شهادتنى رد ايلر

۱۷۱۰ ماده

مدعى مثلا برباغده ملك مقيد دعواسى ايتديكى صورتده نظر اولنور اكر بايعنى ذكر ايتيه رك صاتون الدم ياخود مبهم اوله رق برآدمدن صاتون الدم دير ايسه

ملك مطلق دعواسى حكمنده اولمغله شاهدلر بوباغ
انك ملكيدر ديو ملك مطلقه شهادت ايتسه لر قبول
اولنور

اما فلان آدمدن صاتون الدم ديو بايعنى تصریح ايدوبده
شاهدلرى ملك مطلقه شهادت ايتسه لر شهادتلى قبول
اولماز

چونكه ملك مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعى ثابت اولوب
زواندينه مثلا باغك مقدا حصوله لكش اولان ميوهلرينه دخى
مدعينك مالك اولمى لازم كلور ملك مقيد ايسه انجق سبينك مثلا
عقد بيع وشرانك تاريخ وقوعيندن اعتباراً ثابت اولور بو وجهله ملك
مطلق ملك مقيده نسبتله اكثر اولور و بو صورتده شاهدلر اكثره
شهادت ايتش اولورلر

۱۷۱۱ ماده

شهادت اكر دينك سبينده دعوايه مخالف اولور ايسه
مقبول اولماز

مثلا مدعى ثمن مبيع اولمق اوزره بيك غروش الدجق دعوى
ايدوبده شاهدلر مدعا عليهك جهت قرضدن طولاي اول مقدار
دينى اولديغنه شهادت ايلسه لر مقبول اولماز . كذلك مدعى
بوملك بكا پدرمدن مورثدور ديو دعوى ايدوبده شاهدلر اناسندن
موروث اولديغنه شهادت ايتسه لر مقبول اولماز

(فصل خامس)

(شاهدلك اختلافلى بيانده در)

۱۷۱۲ ماده

شاهدلك مشهود بهده اختلاف ايتسهلر شهادتلى مقبول اولماز

مثلا شاهدلك برى بيك غروشلق التون وديكرى بيك غروشلق سيم مجديه ديو شهادت ايتسهلر شهادتلى قبول اولماز

۱۷۱۳ ماده

شاهدلك مشهود بهه متعلق اولان برشيده اختلافلى مشهود بهده اختلافى موجب اولور ايسه شهادتلى قبول اولماز و موجب اولماز ايسه قبولى اولنور

بناء عليه غصب وايفاي دين كى صرف فعلدن عبارت اولان خصوصلرده شاهدلك برى بر زمان معينده و يامكان معينده فعله و ديكرى زمان آخرده يامكان آخرده فعله شهادت ايتسهلر بو اختلافلى مشهود بهده اختلافى موجب اولمغله شهادتلى قبول اولماز

اما قول قبيلندن اولان بيع و شرا و اجاره و كفالت و حواله و هبه و رهن و دين و قرض و ابرا و وصيت خصوصلرنده شاهدلك زمان و مكانده اختلافلى

مشهود بدهده اختلافی موجب اولماغله شهادتلىرىڭ قنولنه
مانع اولماز

مثلا بر كيمسه بورجنى ادا ايلش اولديغنى دعوى ايدوبده شاهدلك
برى خانه سنده وديكرى دكانده ادا ايلش اولديغنه شهادت ايتسه لر
شهادتلىرى قبول اولنماز . اما بر كيمسه ديكر كمنهڭ ينده اولان
بر مال ايحون سن بوماني بكا شوقدر غروشه صاتمش ايدك انى بكا تسليم
ايت ديو دعوى ايتدكه شاهدلك بريسي فلان خانه ده وديكرى
فلان دكانده صاتمش اولديغنه شهادت ايتسه لر شهادتلىرى قبول
اولنور . زيرا فعل تكرر واعاده اولنه ماز . اما قول تكرر
واعاده اولنه ييلور

۱۷۱۴ ماده

شاهدلىر مال مغصوبك رنكسندە ياخود اركل وياديشى
اولسندە اختلاف ايتسه لر شهادتلىرى قبول اولنماز

مثلا مغصوب اولان حيوان حقنده شاهدلك برى قير آت وديكرى
ياغز يا آل آت وياخود برى آت وديكرى قصراق ديو شهادت ايلسه لر
شهادتلىرى قبول اولنماز

۱۷۱۵ ماده

دعوای عقدده شاهدلىر بلك مقدارنده اختلاف ايتسه لر
شهادتلىرى قبول اولنماز

مثلا شاهدلك برى بر مالك بشيوز غروشه وديكرى اوچيوز غروشه
صاتلديغنه شهادت ايلسه لر شهادتلىرى قبول اولنماز

(فصل سادس)

(تزکیهٔ شهود حقنده در)

ماده ۱۷۱۶

شاهد لر شهادت ایتدکده حاکم مشهود علیهدن نه دیر سین
بونلر شهادت لر نده صادقیدر لر یوخسه دکلیدر لر دیو سـؤـال
ایدر . مشهود علیه اگر شاهد لر بو شهادت لر نده صادقیدر لر
یا خود بو شهادت لر نده عادلدر لر دیر ایسه مدعا بهی اقرار
ایتمش اولور و اقرار یله حکم اولنور . و اگر بونلر شاهد
زوردر لر یا خود بونلر عادل آدملر در لیکن بو خصوصده
خطا ایده یور لر یا خود واقعه دی او نوتمش لر دیر ایسه و یا خود
یا لکز بونلر عادل آدملر در دیملکه برابر مدعا بهی انکار
ایتمسه حاکم حکم ایتیوب شاهد لری سرا و علنا تزکیه ایله
عادل اولوب اولدقلرینی تحقیق ایلر

ماده ۱۷۱۷

شاهد لر کرک سرا و کرک علنا منسوب اولدقلری جانبدن
یعنی طلبهٔ علومدن ایسه ساکن اولدقلری مدرسه مدرسی
ایله معتمد اهالیسندن و عسکریدن ایسه طابوری ضابطان
و کاتبلرندن و کتبه دن ایسه قلمی ضابطان و خلفاسندن
و تجاردن ایسه تجارک معتبرانندن و اصنافدن ایسه
کتخداسیله لونجه اوسته لرندن و صنوف سائرهدن ایسه

محلہ ویا قریہ لرینک موثوق و مؤتمن اہالیسندن تزکیہ
اولنور

۱۷۱۸ ماده

سرا تزکیہ اصطلاح فقہادہ مستورہ تعبیر اولنور ورقہ
ایلہ اجرا اولنور

شویله کہ حاکم اول ورقہ یہ مدعی و مدعی علیہک اسملرینی
و مدعابہ ایلہ شہودک اسم و شہرت و صنعتلرینی و اشکال
و محملرینی و بابا و دده لرینک اسملرینی و معروف ایسہ لر
یالکز اسم و شہرتلرینی تحریر و الحاصل شاهدلری سائرندن
تمیز ایدہ جک و جہلہ تعریف و بیان و برظرف درونہ
وضع ایلہ اوزرینی مہر لدکن صکرہ مزکی انتخاب
اولنان کمسنہ لرہ ارسال ایدر مزکیلر دخی مستورہ یی
فتح و قرائت ایدوب ایچندہ اسملری محرر اولان شاهدلر
عادل ایسہ لر اسملری تحتہ عدل و مقبول الشہادہ دیو تحریر
و عادل دکلر ایسہ عادل دکلر دیو تحریر و امضا ایلیرک
مستورہ یی کتورن آدمی و آخر کمسنہ یی مضمونہ واقف
ایتمکسزین ظرف اوزرینی مہر لیوب حاکمہ اعادہ ایدر

۱۷۱۹ ماده

مستورہ دہ مزکیلر طرفندن شاهدلر حقندہ عادل و مقبول

الشهادة ديو يازلمیوبده عادل دكلر ياخود حالارینی بيلمیز
ويا مجهول الاحوال وياخود الله بيلور کبی صراحة
ياخود دلالة جرحی افاده ايدر برسوز يازلمش اولور
وياخود هیچ برشی يازلمقسزین مستوره مختوما حاکمه
اعاده اولنور ايسه حاکم اول شاهدلرک شهادتنی قبول
ایتمز

بوصورتده حاکم طرفندن مدعییه سنک شاهدلرک جرح
اولندی دینلمیوب انجق بشقه شاهدلرک وار ايسه کتور
دینلور

واکر مستورده عادل ومقبول الشهاده درلر ديو يازلمش
ايسه مرتبه ثانیه ده اوله رق علنا تزکیه ده ابتدار
اولنور

۱۷۲۰ ماده

علنا تزکیه بوجمله اجرا اولنور که مزکیلر حضور
حاکمه جلب ايله مترافعان حاضر اولدقلری حالده
شاهدلر تزکیه اولنور وياخود مترافعان برابر اولدقلری
حالده شاهدلر تزکیه نائینه ترفیقا مزکیلرک یانلرینه
کوندریله زک محللارنده علنا تزکیه اولنورلر

۱۷۲۱ ماده

سرا تزکیه ده برمزکی کافی ايسه ده احتیاطه رعاية لااقل
ایکی اولملیدر

ماده ۱۷۲۲

تزکیه علیه شهادت قبیلندن اولوب شهادتک شرط
ونصابی بونده دخی معتبردر . شوقدر وارکه مزکیلرک
شهادت لفظنی ذکر ایتلری لازم دکدر

ماده ۱۷۲۳

بر حاکمک عندنده برخصوص ضمننده عدالتی ثابت
اولان شاهدلرینه اول حاکمک حضورنده دیگر برخصوصه
شهادت ایتدکرنده اگر اره سی التی آی یکمامش ایسه
حاکم تکرار انلری تزکیه ایله مشغول اولماز . واکر
التی آی یکمامش ایسه حاکم تکرار انلری تزکیه ایلر

ماده ۱۷۲۴

کرك قبل التزکیه وکرك بعد التزکیه مشهود علیه دفع
مغرم یاخود جر مغنم کبی شهادتک قبولنه مانع اولور
برشی اسنادیلله شاهدلره طعن ایدرایسه حاکم اندن بینه
طلب ایلر . و مشهود علیه بونی بالبینه اثبات ایلدیکی
تقدیرده حاکم اول شاهدلرک شهادتلرینی رد ایدر و اثبات
ایده مدیکی تقدیرده حاکم اگر شاهدلری تزکیه ایتمامش
ایسه تزکیه ایلر . واکر تزکیه ایلش ایسه شهادتلری
موجببنجه حکم ایدر

۱۷۲۵ ماده

مزکیلردن بعضیسی شاهدلری جرح و بعضیسی تعدیل
ایلسه جرح طرفی مرجح اوله رق حاکم انلرک شهادتلیله
حکم ایتمز

۱۷۲۶ ماده

معاملاتده شاهدلر بعد اداء الشهاده فوت و یا خود غائب
اولسه لر حاکم انلری تزکیه ایدرک شهادتلیله حکم
ایده یلور

(تذیب)

(تحلیف شهود حقمنده در)

۱۷۲۷ ماده

مشهود علیه قبل الحکم شاهدلره شهادتلرنده کاذب
اولدقلرینه یمین ویر دیو حاکمه الحاح ایدوبده شهادتک
یمین ایله تقویتنه دخی نزوم کوزلدیکی تقدیرده حاکم
اوشاهدلره یمین ایتدیره یلور . و حاکم شاهدلره یمین
ایدرسه کز شهادتکزی قبول ایدرم والا ایتم
دیه یلور

(فصل سابع)

(شاهدلرک شهادتدن رجوعی حقننده در)

۱۷۲۸ ماده

شاهدلر بعد اداء الشهاده وقبل الحکم حضور حاکمه شهادتلرندن رجوع ایتسهلر شهادتلی کأن لم یکن حکمنده اولور و کندولری تعزیر اولنورلر

۱۷۲۹ ماده

شاهدلر بعد الحکم حضور حاکمه شهادتلرندن رجوع ایتسهلر حاکم حکمی نقض اولنمیوب محکوم به شاهدلره تضمین ایتدیریلور (۸۰) ماده یه باق

۱۷۳۰ ماده

شاهدلرک بعضیسی بوجه بالا شهادتدن رجوع ایتدکده اکر باقیسی نصاب شهادته بالغ ایتسه رجوع ایدنن ضمان لازم کلز فقط تعزیر اولنور . و اکر باقیسی نصاب شهادته بالغ دکلسه محکوم بهک نصفی رجوع ایدن برکشی اولدیغی تقدیرده مستقلا اکا و بردن زیاده اولدقلری تقدیرده بالاشترک سویا انلره تضمین ایتدیریلور

۱۷۳۱ ماده

رجوعک شرطی حضور حاکمه اولمقدر . شاهدلرک بشقه محله رجوعنه اعتبار یوقدر

بناء على ذلك مشهود عليه شاهدك بشقه محمله شهادتک بدین رجوع ایتدکارینی دعوی ایسه مسموع اولماز و شاهد بر حاکم حضورنده شهادت ایتدکدن صکره دیگر حاکم حضورنده شهادتدن رجوع ایسه رجوعی معتبر اولور

(فصل ثامن)

(تواتر حقنده در)

۱۷۳۲ ماده

کثرت شهوده اعتبار یوقدر

یعنی طرفیندن بریتک طرف آخره نسبتله شاهدلری زیاده اولمغله انک ترجیح اولمغسی لازم کلز . مکرکه شاهدلرینک کثرتی درجه تواتره بالغ اوله

۱۷۳۳ ماده

تواتر علم یقین افاده ایدر

بناء علیه بالاده بیان اولندیغی اوزرره تواترک خلافته بینه اقامه اولنده ماز

۱۷۳۴ ماده

تواترده لفظ شهادت شرط اولمدیغی کبی عدالت دخی ارا نماز . بناء علیه مخبرلرک تزکیه سنه حاجت کورنمز

ماده ۱۷۳۵

تواتر ده مخبر لرك عدد معينى يوقدر . انجق عقل انلرك
كذب اوزره اتفاقلرينى تجويز ايتيه جك مرتبه برجم غفير
اولملى لازمدر

(باب ثانى)

(حجاج خطيه وقرينه قاطعه بياننده اولوب ايكي)

(فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(حجاج خطيه بياننده در)

ماده ۱۷۳۶

ياللكز خط وختم ايله عمل اولنماز . فقط شبهه تزوير
وتصنيعدن سالم ايسه معمول به يعنى مدار حكم اولور
بشقه وجهله ثبوت حاجت قالماز

ماده ۱۷۳۷

برات سلطانى وقيود دفتر خاقانى تزويردن امين اولمغله
معمول بهدر

ماده ۱۷۳۸

كتاب قضاده بيان اولنه جغى وجهله حيله وفساددن

سالم اوله جق صورتده طوتیلان سبجیات محاکم ایله دخی
عمل اولنور

۱۷۳۹ ماده

مجرد و ققییه ایله عمل اولنماز . اما بروجه بالا موثوق
و معتمدیه اولان سبجیل محکمه ده مقید ایسه او حالده معمول به
اولور

(فصل ثانی)

(قرینه قاطعه بیانده در)

۱۷۴۰ ماده

اسباب حکمدن بریسی دخی قرینه قاطعه در

۱۷۴۱ ماده

قرینه قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره در

مثلا بر کسسه انده قانه بولاشمش یچاق اولدیغی حالده خوف و تلاش
ایله بر خالی خانه دن چیقدیغی کبی در عقب او خانه یه کیر یلو بده هنوز
بوغازلانش بر شخص کورلسه اول کسسه بو شخص قاتلی اولدیغنه
اشتباه اولنماز . شاید که اول شخص کندو کندوسی اولدرمش
اولق کبی صرف احتمالات و همیه التفات قلنماز . (۷۴)
ماده یه باق

(باب ثالث)

(تحلیف پیانده در)

ماده ۱۷۴۲

اسباب حکمیدن بری دخی یمین یا خود یمیندن نکولدر شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلدیکی تقدیرده انک طلبیله مدعا علیه یمین و یریلور

فقط بر کیمسه دیگر کمنه دن سن فلانک و کیلیسین دیو دعوی ایدوبده اول کمنه انکار ایتدیکی صورتده کندوسنه یمین و یرلک لازم کلز

کذلک ایکی کشینک هربری بر کمنه نک یدنده کی مالی اندن اشترا ایتدم دیو دعوی ایدوبده اول کمنه برینه صاتیغنی اقرار ایله دیگرینک دعواسنی انکار ایتدیکی صورتده کندویه یمین توجه ایتز

بو خصوصده استیجار وارتهان و اتهاب دخی اشترا کبیدر

ماده ۱۷۴۳

خصمیندن بری تحلیف اولنه جق اولدیغنی حالده والله و یا خود بالله دیو الله تعالی حضرترینک اسمنه قسم ایتدیریلور

ماده ۱۷۴۴

یمین انجق حاکمک یا خود نائینک حضورنده اولور .

بشقه کسنه حضورنده اولان یمیندن نکوله اعتبار
یوقدر

۱۷۴۵ ماده

تحلیفده نیابت جاری اولور . اما یمینده نیابت جاری
اولماز

بناء علیه دعوی وکیلاری خصمه یمین ویر دیره بیلور .
اما موکلارینه یمین توجه ایتدکده بالذات انلرک یمین
ایتمسی لازم کلور وکیلارینه یمین ایتدیریله من
۱۸۴۶ ماده

یمین انحق خصمک طلبی اوزرینه ویریلور . فقط درت
یرده بلاطلب حاکم طرفندن یمین ویریلور
اولا برکیمسه ترکهدن برحق دعوی واثبات ایتدکده
حاکم مدعییه بو حقی متوفادن بروجله استیفا ایتدیکنه
وایتدر مدیکنه وانی ابرا و بشقه سنک اوزرینه حواله
ایلدیکنه و بشقه کسنه طرفندن ایفا اولمادیغنه و بو حقی
مقابلنده متوفانک رهنی اولمادیغنه یمین ویرر اشته بوکا
یمین استظهار دینلور

ثانیاً برکیمسه برماله مستحق چیقوبده دعواسنی اثبات
ایتدکده اول مالی کسنه یه صاتمماش و هبه ایتماش
والحاصل بروجله ملکندن چیقارماش ایدوکنه
حاکم طرفندن یمین ویریلور

ثالثاً مشـتری مبیعی عیبـنه بنـاء رد ایدـه جـك اولـدقـده
عیبـنه مـطـلـع اولـدقـدن صـكـره قـولا یاخـود (۳۴۴) مـادـده
بیـان اولـنـدیغـی اوزـره مـلا كـك تـصـرفـی كـبی تـصـرف ایلـه
دلالـه عیبـنه راضـی اولـمـاش ایدـو كـنه حـاكـم طـرفـنـدن یـمـین
ویریلور

رابعاً حـاكـم طـرفـنـدن شـفعـه ایلـه حـكـم اولـنـه جـق اولـدقـده
شـفعـه شـفعـه یـی ابطـال یـعـنی حـق شـفعـه سـنی بـر و جـهـله اسـقـاط
ایتمـاش اولـدیغـنه یـمـین ویریلور

۱۷۴۷ مـادـه

خـصـمـك طـلـبی اوزـرینـه هـنـوز حـاكـم طـرفـنـدن یـمـین تـكـلیف
اولـنـدین مـدـما علـیه یـمـین ایدـیویرسـه مـعـتـبر اولـیـوب تـكـرار
حـاكـم طـرفـنـدن تـحـلیف اولـنـق لـازـم كـلـور

۱۷۴۸ مـادـه

بـر كـیـمـسـه كـنـدو فـعـلـنـه دـائـر یـمـین ایدـه جـك اولـدقـده بـتـاته
یـمـین ویریلور یـعـنی بـوشـی بـویـله دـر یاخـود دـكـادر دیـو قـطـعیـا
یـمـین ایتـدیریلور

اـمـا دـیـكـر كـیـمـسـه نـك فـعـلی حـقـنـدـه یـمـین ایدـه جـك اولـدقـده
عـدم عـلمـه یـمـین ویریلور یـعـنی اول شـیئی بـیـلـدیـكـنه یـمـین
ایتـدیریلور

۱۷۴۹ مـادـه

یـمـین یـاسـیـبـه یاخـود حـاصـله اولور

شویله که بر خصوصك واقع اولوب اولدیغنه یمین ایتك
سببه یمیندر و بر خصوصك حالا باقی اولوب اولدیغنه یمین
ایتك حاصله یمیندر

مثلا بیع و شرا دعواسنده عقد بیعك اصلا وقوعبولدیغنه یمین ایتك
سببه یمیندر . اما عقدك حالا باقی اولوب اولدیغنه یمین ایتك
حاصله یمیندر

۱۷۵۰ ماده

مختلف دعوالر مجتمع اولدوقده بر یمین کفایت ایدر هر برینه
بشقه بشقه یمین و یرمك لازم کلمز

۱۷۵۱ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالرده کندویه یمین توجه ایدن
کیمسه یمین تکلیف اولنوبده یمین ایتم دیو صراحة
یاخود بلاعذر سکوت ايله دلالة یمیندن نکول ایتسه حاکم
انك نکوليله حکم ایدر . و بعدالحکم یمین ایدهجك اولسه
اكا التفات اولنمیوب حاکم حکمی حالی اوزره قالور

۱۷۵۲ ماده

دلسزك اشارت معهوده سیله یمینی و یمیندن نکولی
معتبردر

(لاحقہ)

۱۷۵۳ ماده

مدعی هیچ شاهد یوقدر دیدکدن صکره شاهد

کتوره جک اولسه یاخود فلان وفلان دن بشقه شاهدم
یوقدر دیدکدن صکره آخر شاهدم وار دیسه قبول
اولماز

(باب رابع)

(ترجیح بینات و تحالفه دائر اولوب درت فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(تنازع بالایدی بیاننده در)

۱۷۵۴ ماده

منازع فیه اولان عقارده ذی الیدلک بینه ایله اثبات اولنمق
لازمدر . طرفینک تصادقی یعنی مدعینک دعواسی
اوزرینه مدعا علیہک دخی اقرار ایلمسی ایله مدعا علیہک
ذی الید اولدیغنه حکم اولنه ماز

فقط مدعی اول عقاری بن سندن اشترا ایتشیدم یاخود
سن انی بندن غصب ایتشیدک دیودعوی ایتدیکی صورتده
مدعا علیہک ذی الید اولدیغنی بینه ایله اثباته حاجت
یوقدر

وبرده منقول هرکیمک یدنده ایسه ذی الید اودر بروجده

بالاينه ايله اثباته حاجت يوقدر • وبونده طرفينك
تصادقي كافيدر

۱۷۵۵ ماده

ايكي كيمسه بر عقارده نزاع ايدوب هر برى اول عقاره
ذى اليد اولديغنى ادعا ايتدكده اولانلردن قنغيسنك
ذى اليد اولديغنه بينه طلب اولنور

ايكيسى بردن ذى اليد اولدقلىنه اقامه بينه ايتدكارى
تقديرده ايكيسنك دخى مشتركا ذى اليد اولدقلى ثابت
اولور

واكر برى وضع يدينى اثباتدن اظهار عجز ايدوبده
ديكرى واضع اليد اولديغنه اقامه بينه ايدرسه انك ذى اليد
اولديغنه حكم اولنوب او برى خارج عد اولنور

و خصميندن هيچ بريسى ذى اليد اولديغنى اثبات ايدمىز
ايسه هر برينه آخرك طلبيله خصمنك اول عقارده ذى اليد
اولديغنه يمين ويريلور • ايكيسى دخى يميندن نكول
ايدرسه بالاشتراك اول عقارده ذى اليد اولدقلى ثابت
اولور • واكر برى يميندن نكول ايدوبده ديكرى يمين
ايدر ايسه يمين ايدن كيمسه اول عقاره مستقلا واضع
اليد اولمق اوزره حكم اولنوب ديكرى خارج عد اولنور •
واكر هر برى يمين ايدرسه هيچ بريسنك ذى اليد

اولدیغنه حکم اولنمیوب حقیقت حال ظاهر اولنجده دك
مدعا به اولان عقار توقیف اولنور

(فصل ثانی)

(ترجیح بینات حقنده در)

ماده ۱۷۵۶

ایکی کشی بر مالده علی الاشتراك متصرف یعنی ایکسی
دخی ذی الید ایکن بری بالاستقلال و دیگری بالاستشارك
ملکمدر دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه سی اولادر

یعنی ایکسی دخی اقامه بینه ایده جك اولدقلرنده دعوی استقلال
ایده نك بینه سی دعوی اشتراك ایده نك بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور
واکر ایکسی دخی استقلال دعوی ایدوبده اقامه بینه ایتسه لر
اول عقار مشترکا انلره حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز
اولوبده دیگری اثبات ایلسه اول عقار مستقلا انکملکی اولمق
اوزره حکم ایدیلور

ماده ۱۸۵۷

تاریخ بیان اولنمیان ملک مطلق دعواسنده خارجك بینه سی اولادر
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نك یدنده اولان خانه ایچون بوخانه بینم
ملکمدر بو آدم اکا بغیر حق وضع ید ایدیور الیورلمسی مطلوبمدر
دیو دعوی و ذی الید دخی بوخانه بینم ملکمدر بوجهتله بحق وضع ید
ایدرم دیو دعوی ایتدکده خارج اولان کیمسه نك بینه سی ترجیح
واستماع قلنور

۱۷۵۸ ماده

شراکبی تکرری قابل بر سبيله مقيد اولان و تاريخ بيان اولمیان
ملکیت دعوالری ملک مطلق دعواسی حکمنده اولوب
بونلرده دخی خارجک بینهسی ذی الیدک بینهسی اوزرینه
ترجیح اولنور

فقط ایکسیسی دخی بر شخصدن تلقی ملک ایتش اولدقلرینی
ادما ایتدکاری صورتده ذی الید بینهسی ترجیح
قلنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسندنک یدنده اولان بردکان ایچون بودکانی بن
ولی اغادن اشترا ایتدم بوجهتله بنم ملکیم ایکن بو آدم بغیر حق
وضع ید ایدیور دیو دعوی و ذی الید دخی بن انی بکر افندیدن
اشترا ایتدم یاخود پدرمدن موروثدر بوجهتله وضع ید ایدرم دیو
دعوی ایتدکده خارجک بینهسی ترجیح واستماع اولنور . اما ذی الید
بودکانی ولی اغادن بن اشترا ایتدم دیسه اول حالده انک بینهسی
خارجک بینهسی اوزرینه ترجیح قلنور

۱۷۵۹ ماده

تاج کبی تکرری قابل اولمیان بر سبيله مقيد ملکیت
دعواثرنده ذی الید بینهسی اولادر

مثلا خارج و ذی الید بر طایده نزاع ایدوبده هربری اول طایک
کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعوی ایتدکلرنده ذی الیدک
بینهسی ترجیح قلنور

۱۷۶۰ ماده

ملك مورخ دعواسنده تاريخى مقدم اولانك بينه سى اولادر
مثلا بر كيمسه ديكر كسنه نك ينده اولان عرصه ايچون بن بو عرصه يى
برسنه مقدم فلان شخصدن اشترا ايتدم ديو دعوى و ذى اليد دخی
بو عرصه بش سنه مقدم وفات ايدن پدرمدن بكا موروثدر ديو دعوى
ايتدكه ذى اليدك بينه سى ترجيح اولنور . واکر التى اى مقدم وفات
ايدى پدرمدن موروثدر ديمش اوليسه اول حالده خارجك بينه سى
ترجیح قلنور . كذلك خصمينك هر بى مدعا بهى بشقه بشقه
شخصلردن اشترا ايتش اولدقلر ينى ادعا وایکسیده بايعلر ينى تاريخ
تملكلر ينى بيان ايتسلر قنغيسنك بايعنك تاريخ تملكى مقدم ايسه انك
بينه سى ترجيح اولنور

۱۷۶۱ ماده

تاج دعواسنده تاريخه اعتبار اوليوب بروجده بالا ذى اليد
بينه سى ترجيح اولنور

انجق مدعا بهك سنى ذى اليدك تاريخه توافق ايتديكى
صورته اكر خارجك تاريخه توافق ايدرسه خارجك
بينه سى ترجيح اولنور . واکر سنى ايكيسنه دخی مخالف
اولور يا خود معلوم اولماز ايسه اول حالده ايكيسنك بينه لرى
متهاتر يعنى متساقط اوله رق مدعا به ذى اليدك ينده
ترك وابقا قلنور

۱۷۶۲ ماده

زياده بينه سى اولادر

مثلا بايع و مشتری تملك يا مبيعك مقدارنده اختلاف ايتسه لر زياده دعوى
ايدنه نك بينه سى ترجيح اولنور
ماده ۱۷۶۳

تمليك بينه سى عاريت بينه سى اوزرينه ترجيح اولنور
مثلا بر كيمسه ديكر كمنه نك يدنده كى مالى عاريت وير مشيدم ديو كپرو
المق ايستيو بده اول كمنه دخى سن اول مالى بكا بيع يا هبه ايتشيدك
ديسه بيع يا هبه بينه سى ترجيح قلنور
ماده ۱۷۶۴

بيع بينه سى هبه ورهن و اجاره بينه لرى اوزرينه و اجاره
بينه سى رهن بينه سى اوزرينه ترجيح اولنور
مثلا بر كيمسه ديكر كمنه ده فلان مالى سكا صا تشيدم ثمنى وير ديو دعوى
ايدوبده اول كمنه دخى سن انى بكا هبه و تسليم ايتشيدك ديو دعوى
ايتدكه بيع بينه سى ترجيح قلنور
ماده ۱۷۶۵

عاريتده اطلاق بينه سى اولادر
مثلا بر عاريت آت مستعير يدنده تلف اولوبده معير بن انى سكا درت
كون قوللانمق اوزره اعاره ايتشيدم سن ايسه درت كون
مرورنده آتى بكا تسليم ايتيوب بشجى كون يدنده هلاك اولمغله
قيمتنى ضامن اول ديو دعوى و مستعير دخى سن اوله درت كونه دك
ديو تقيد ايتيوب على الاطلاق قوللانمق اوزره بكا اول آتى اعاره
ايتشيدك ديو دعوى ايتدكه مستعيرك بينه سى ترجيح و استماع اولنور
ماده ۱۷۶۶

صحت بينه سى مرض موت بينه سى اوزرينه ترجيح اولنور

مثلاً بر کیمسه بر مالی ورته سندن برینه هبه ایدوبده وفات ایتدکده
دیگر ورته انی مرض موتنده هبه ایلش اولدیغنی وموهوب له دخی
حال صحتنده هبه ایتمش ایدوکنی ادعا ایتدکده موهوب لهک بینه سی
ترجیح قلنور

ماده ۱۷۶۷

عقل بینه سی جنون و یا عته بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور
ماده ۱۷۶۸

حدوث ایله قدم بینه سی جمع اولدقده حدوث بینه سی
ترجیح اولنور

مثلاً بر کیمسه نک ملککنده دیگر کسندنک مسیلی اولوبده حادثدر یا خود
قدیمدر دیو بینلرنده اختلاف واقع اوله رق صاحب خانه ادعا حدوثنی
ادعا ایله رفعنی طلب وصاحب مسیلی دخی انک قدمنی ادعا ایتدکده
صاحب خانه نک بینه سی ترجیح قلنور

ماده ۱۷۶۹

راجح طرفی اقامه بینه دن اظهار عجز ایتدیکی صورتده
مرجوح طرفندن بینه ایستنیلور اثبات ایدرسه فیه
ایده مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیلور

ماده ۱۷۷۰

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتمکه مرجوح
طرفی اقامه بینه ایدوبده موجبیه حکم اولندقدن صکره
راجح طرفی اقامه بینه ایتک ایستدیکی تقدیرده ارتق اکا
التفات اولنماز

(فصل ثالث)

(سوز كيمك اولديغنه و تحكيم خاله دائر در)

ماده ۱۷۷۱

زوج ايله زوجه ساكن اولدقلى خانه درونده كى اشيا ده
اختلاف ايتدكلى صورتده نظر اولنور . تفنك و قليج
كى يالكز زوجه صالح اولان يا خود اوانى و مفروشات كى
ايكىسنه ده صالح اولان شيلرده زوجه نك بيله سى ترجيح
اولنور . و ايكىسیده اثباتدن عاجز اولدقلى صورتده سوز
مع اليمين زوجكدر . يعنى اول اشيا زوجه سنك اولديغنه
يمين ايدرسه كندوسنك اولديغنه حكم اولنور

اما يالكز نسايه صالح اولان البسه و حليات كى شيلرده
زوجك بيله سى ترجيح قلدنور . و ايكىسیده اثباتدن عاجز
اولدقلى تقديرده سوز مع اليمين زوجه نكدر . مكر كه
برى ديكره صالح اولان شيلرك صانع و بايعى اولورسه
هر حالده سوز مع اليمين انكدر

مثلا كوپه نسايه مخصوص حلياتدن اولوب انجق زوج قيو مجى
اولديغى صورتده سوز مع اليمين انك اولور

ماده ۱۷۷۲

احد زوجينك وفاتنده ورثه مورثك مقامنه قائم اولور
فقط طرفين برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلى تقديرده
ايكىسنه دخى صالح اولان شيلرده سوز مع اليمين حياتده

اولانکدر . وایکیسی بردن وفات ایتدکاری صورتده
ایکیسینه ده صالح شیرده سوز مع الیمین زوجک
ورته سنکدر

ماده ۱۷۷۳

واهب هبه دن رجوع ایتک ایستیوبده موهوب له دخی
موهوبک تلف اولدیغنی دعوی ایتدکده سوز بلا یمین
موهوب لهکدر

ماده ۱۷۷۴

امین اولان کیمسه برائت ذمتی حقننده یمینله تصدیق
اولنور

نته کیم مودع ودیعه یی دعوی ایدوبده ودیعه دخی بنانی
سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعه کدر . فقط
یمیندن خلاص ایچون اقامه بینه ایدجهک اولور سه بینه سی
استماع قلنور

ماده ۱۷۷۵

مختلف دیونی اولان کسینه دائنه بر مقدار شی ویردکن
صکره قنغی دینه محسوباً ویرمش اولدیغنی دعوی ایدر سه
سوز انکدر

ماده ۱۷۷۶

بر دکر منک مدت اجاره سی منقزی اولدقن صکره
مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویک انقطاعی حسبیه

اول مدتک اجر تدن حصه سنی تنزیل ایتک ایستیه رک
موجر ایله بیلرنده اختلاف واقع اولوبده بینه دخی
اولدیغی تقدیرده نظر اولنور

اگر اختلافی مدت انقطاع مقدارنده ایسه مثلا
مستأجر اون کون و موجر انجق بش کون انقطاعی
دعوی ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

واگر اختلافی اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر
صویک انقطاعی کلیا انکار ایسه حال حاضر تحکیم
اولنور . یعنی حکم قلعنور . شویله که اگر صو وقت
دعوی و خصومتده جاری ایسه سوز مع الیمین موجر کدر
واگر اولو وقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

۱۷۷۷ ماده

بر کیمسه نک خانه سنه اقان صو یولی حقنده حادثر یاخود
قدیمدر دیو اختلاف اولنوبده صاحب خانه مسیلاک
حادث اولدیغی ادعا ایله رفغی ایستدیکی و طرفینک
بینهلری اولدیغی صورتده نظر اولنور

اگر وقت خصومتده اول مسیلدن صو جریان ایدر
یاخود اولجه جریانی معلوم اولور ایسه حالی اوزره
ابقا اولنور . و سوز مع الیمین صاحب مسیلاک اولور .
یعنی مسیلاک حادث اولدیغنه یمین ایتدیریلور

واكر وقت خصوصتده صو جريان ايتمز ويا اندن اولجه
جریانى معلوم اولماز ايسه سوز مع اليمين صاحب خانه نك
اولور

(فصل رابع)

(تحالفه دائر در)

۱۷۷۸ ماده

بايع و مشتری ثمنك يا مبيعك و يا ايكي سنك دخى مقدارنده
يا وصفنده و يا جنسهنده اختلاف ايتدكلى صورتده
هر قنغيسى اقامه بينه ايلر ايسه انك لهنه حكم اولنور
واكر ايكي سى دخى اقامه بينه ايدرلر ايسه زياده ي
اثبات ايدنك لهنه حكم اولنور
وايكي سى دخى اثباتدن عاجز اولورلر ايسه انلره يابريكر
او بريكرنك دعواسنه راضى اولور يا خود بيعى فسخ
ايلرز دينيلوز . و بونك اوزرينه بريسى ديكرينك
دعواسنه راضى اولماز ايسه حاكم انلك هر برينه
ديكرينك دعواسى اوزرينه يمين ويرر وابتدا مشتريدن
بدا ايلر هر قنغيسى يميندن نكول ايدر ايسه آخرك
دعواسى ثابت اولور و اكر ايكي سى دخى يمين ايدرسه
حاكم اول بيعى فسخ ايدر

۱۷۷۹ ماده

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ایتدین اجرتک
مقدارنده موجر ایله اختلاف ایتدکده مثلاً مستأجر
اجرت اون التوندر و موجر اون بش التوندر دیودعوی
ایتدکاری تقدیرده قنغیسی اقامه بینه ایدر ایسه قبول
اولنور

وایکیسی بردن اقامه بینه ایدرلر ایسه موجرک بینه سیله
حکم اولنور و اگر ایکیسی دخی اثباتدن عاجز اولورلر
ایسه ایکیسیده تحلیف قیلنور و مستأجرک تحلیفیه بدأ
اولنور . هر قنغیسی نکول ایدر ایسه نکولیه الزام قیلنور
وایکیسی دخی یمین ایدر ایسه حاکم عقد اجاره بی فتح ایلر
مدتده یاخود مسافده اختلاف ایتدکاری حالده دخی
حکم بو وجهله در شوقدر وارکه ایکیسی دخی اقامه بینه
ایتدکاری تقدیرده مستأجرک بینه سیله حکم اولنور و تحالف
صورتنده موجرک تحلیفیه بدأ ایدیلور

۱۷۸۰ ماده

مدت اجارنک انقضاسندن صکره موجر و مستأجر
ماده آنفده بیان اولندیغی اوزره اختلاف ایتسه لر
تحالف یوقدر سوز مع الیمین مستأجرکدر

۱۷۸۱ ماده

مدت اجاره اثناسنده موجر و مستأجر اجرتك مقدارنده
اختلاف ایتسهلر تحالف جاری اولوب باقی مدت حقنده
عقد اجاره فسخ اولنور چکن مدتک حصه سنده دخی
سوز مستأجرک اولور.

۱۷۸۲ ماده

مشتري یدنده مبيع تلف یاخود مانع رد اولور بر عیب
حادث اولدقدن صکره متبایمان اختلاف ایتسهلر تحالف
یوقدر انجق مشتري تحلیف اولنور

۱۷۸۳ ماده

اجل دعواسنده یعنی مؤجل اولوب اولماقده و شرط
خیارده و ثمنک کلیسنی یا بعضیسنی قبضده تحالف
اولیوب بواوچ صورتده دخی منکر اولان تحلیف
قلنور

اراده سنيه تاريخى فى ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

معارف ناظرى
احد جودت

امين الفتوى
السيد خليل

عن اعضاء شورى دولت
سيف الدين

رئيس مجلس تدقيقات شرعيه
و مجلس انتخاب حكام السيد
احد خلوصى

رئيس ثانى محكمة تميز
السيد احد حلى

قاضى دار الخلافه العليه
احد خالد

مستشار مفتش اوقاف
عمر حلى

اعلامات شرعيه ميمزى
معاونى عبد الستار



كتاب القضاء

فیقہ حنفیہ طبعیہ

میں عمل و لہ

— کتاب سادس عشر —

(قضا حقنہ اولوب بر مقدمہ ایله درت بابی مشتملدر)

﴿مقدمہ﴾

(بعض اصطلاحات فقہیہ بیانندہ در)

۱۷۸۴ ماده

قضا . حکم و حاکمات معنارینہ کاور

۱۷۸۵ ماده

حاکم . بین الناس و قوعبولان دعوی و مخصوصہ بی احکام
مشروعہ سنہ توفیقاً فصل و جسم ایچون طرف سلطانیدن
نصب و تعیین بیوریلان ذاتدر

۱۷۸۶ ماده

حکم . حاکم مخصوصه یی قطع و حسم ایتسیدر . بودخی
ایکی قسمیدر

قسم اول . حاکم حکم ایتدم ادما اولنان شیئی و یردیمک کبی
سوزلر ایله محکوم بهی محکوم علیه الزام ایتسی یعنی لازم
قیلسیدر ایشته بوکا قضاء الزام و قضاء استحقاق دینلور

قسم ثانی . حاکم یوقدر منازعه دن ممنوعسین دیمک کبی
سوزلر ایله حاکم مدعی یی منازعه دن منع ایتسیدر بوکا
دخی قضاء ترک دینلور

۱۷۸۷ ماده

محکوم به . حاکم محکوم علیه الزام ایلدیکی شیدر که
قضاء الزامده مدعینک حقنی ایفا ایتسی و قضاء ترکده
مدعینک منازعه دن و از چکمسیدر

۱۷۸۸ ماده

محکوم علیه . علیه حکم اولنان کسنه در

۱۷۸۹ ماده

محکوم له . لهسنه حکم اولنان کیمسه در

۱۷۹۰ ماده

تحکیم . خصمینک خصومت و دعوالرینی فصل ایچون
رضالریله آخر کیمسه یی حاکم اتخاذا ایتلرندن عبارتدر
اول کیمسه یه فتحین ایله حکم و میمک ضمی و خانک فتحی

و كافي مشدده مفتوحه ايله محكم دینلور

۱۷۹۱ ماده

وکیل مسخر . محکمه یه احضار اولنده میان مدعا علیه

حاکم طرفندن نصب اولنان وکیلدر

(باب اول)

(حکامه دائر اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(حاکمک اوصافی بیانده در)

۱۷۹۲ ماده

حاکم . حکیم فہیم مستقیم و امین مکین متین اولمیدر

۱۷۹۳ ماده

حاکم . مسائل فقہیہ و اصول محاکمہ و واقف و دعاوی

واقعه یی انلره تطبیقا فصل و حسمه مقتدر اولمیدر

۱۷۹۴ ماده

حاکمک تمیز تامه مقتدر اولسی لازمدر

بناء علیه صغیر و معتوه و اعمی و طرفینک صوت قوی لرینی

ایشیدہ میہ جک مرتبه صاغر اولان کسینہ نک قضاسی

جائز دکادر

(فصل ثانی)

(حاکم آدابى پيائنده در)

۱۷۹۵ ماده

حاکم . مجلس محاکمه ده الش ویرش و ملاطفه کبی
مهابت مجلسی ازاله ایده جک افعال و حرکاتدن اجتناب
ایتملیدر.

۱۷۹۶ ماده

حاکم . ایکی خصمک هیچ بر یسنک هدیه سنی قبول ایتمز

۱۷۹۷ ماده

حاکم متخاصمیندن هیچ بر یسنک ضیافته کیتمز

۱۷۹۸ ماده

اتنای محاکمه ده حاکم طرفیندن یالکز بر یسنی خانه سنده
قبول ایتمک و مجلس حکمده بر یله خلوت و یاخود ایکیسندن
برینه ال یا کوز و یا باش ایله اشارت ایتمک و یا انلردن
بر یسنه کیرلو لاقردی یاخود دیگرینک بیلدیکی لسان ایله
سوز سويلمک کبی تهمت و سوء ظنه سبب اوله بيله جک
حال و حرکته بولنماملیدر

۱۷۹۹ ماده

حاکم بین الخصمین عدل ایله مأموردر

بناء علیه طرفیندن بری هر نقدر اشرافدن و دیکری آحاد
ناسدن اولسه بیه حین محاکمه ده طرفینی اوتورتمق
و کندولره احاله نظر و توجیه خطاب ایتک کبی محاکمه ده
متعلق معاملاتده تمامیه عدل و مساواته رعایت ایتمی
لازمدر

(فصل ثالث)

(حاکمک و ظائف بیانده در)

۱۸۰۰ ماده

حاکم . طرف سلطانیدن اجرای محاکمه ده و حکمه
وکیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا . زمان و مکان ایله و بعض خصوصاتک استثناسیله
تقید و تخصص ایدر

مثلا بر سنه مدت ایله حکمه مأمور اولان حاکم انجق اوسنه ایچنده
حکم ایدر اول سنه نك حلولندن اول و یا مرورندن صکره حکم
ایده من . و کذا معین بر قضاده حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم
اول قضاتک هر محلنده حکم ایدر اما دیگر قضاده حکم ایده من .
و بر محکمه معینه ده حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم انجق اول
محکمه ده حکم ایدوب دیگر محله ده حکم ایده من . و کذا مصلحت
عامه ملاحظه عادل سنه بناء فلان خصوصه متعلق دعوی استماع
اونیمه دیو امر سلطانی صادر اولسه حاکم اول دعوایی استماع

و حکم ایدہ مر و یا خود بر محکمہ حاکمی بعض خصوصیات معینہ استماعند
 مأذون اولوبده ماعداسنی استماعہ مأذون اولسہ اول حاکم انجق
 مأذون اولدیغی خصوصاتی استماع و حکم ایدر ماعداسنی استماع و حکم
 ایدہ مز . و كذلك بر مجتهدك بر خصوصده رأی ناسه ارفق و مصلحت
 عصره اوفق اولدیغنه بناء انك رأیله عمل اولنمق اوزره امر سلطانی
 صادر اولسہ اول خصوصده حاکم اول مجتهدك رأینده منافی دیگر
 بر مجتهدك رأیله عمل ایدہ مز ایدر ایسه حکمی نافذ اولماز

۱۸۰۲ ماده

بر دعوائی معاً استماع و حکم ایتک اوزره نصب اولنسان
 ایکی حاکدن یا لکز بریسی اول دعوائی استماع و حکم
 ایدہ مز ایدر سه حکمی نافذ اولماز (۱۴۶۵)
 ماده یه باق

۱۸۰۳ ماده

متعدد حاکمی اولان بلدهده خصمیندن بریسی بر حاکم
 و دیگری او بر حاکم حضورنده مرافعه اولمق ایستیوب
 بوو جهله بینلرنده اختلاف واقع اولسه مدعی علیهک اختیار
 ایلدیکی حاکم ترجیح اولنور

۱۸۰۴ ماده

بر حاکم عزلی و قوعبولوب فقط بر مدت خبر عزل
 کندویه و اصل اولماغله اول مدتده بعض دعاوی استماع
 و فصل ایتش اولسه صحیح اولور

اما خبر عزلك وصولدن صكره وقوعبولان حكمى صحيح اولماز
۱۸۰۵ ماده

حاكم اكر نصب وعزل نائبه مأذون ايسه ديكر كيمسه ي
كندوسنه نائب نصب وانى عزل ايدوبيلور دكل ايسه
ايدومز و كندوسنك معزول يافوت اولسييله نايى منعزل
اولماز (۱۴۶۶) ماده يه باق

بناء عليه بر قضائك حاكمى وفات ايتده يرينه ديكر حاكم
كلنجده دك اول قضاده وقوعبولان دعوايى حاكم متوفانك
نائبى استماع و حكم ايدوبيلور
۱۸۰۶ ماده

حاكمك استماع ايلديكى بينه ايله نايى و نائبك استماع
ايلديكى بينه ايله كندوسى حكم ايدوبيلور

شويابه كه حاكم بر دعوى حقنده بينه استماع و نائبه اخبار ايلسه نايى
اعاده بينه ايتكسزين حاكمك اخبار يله حكم ايدوبيلور و حكمه
مأذون اولان نائب بر خصوصده بينه استماع ايدوبده حاكمه انما ايلسه
حاكم اعاده بينه ايتكسزين نائبك انماسيله حكم ايدوبيلور اما حكمه
مأذون اوليوبده انجى تدقيق واستكشاف ايچون بينه استماعنه مأمور
اولان كيمسهنك انماسيله حاكم حكم ايدومز بالذات استماع بينه
ايتكى لازمد

۱۸۰۷ ماده

برقضا حاكمى بشقه برقضا داخلانده كى اراضى دعواسنى

استماع ایدہ بیلور . فقط کتاب دعوا دہ بیان اولندیغی
وجهله حدود شرعیہ سنک بیانی لازم کلور

۱۸۰۸ ماده

محکوم له حاکمک اصول و فروغندن بری و زوجه سی
و حکم اولنه جق مالده شریکی و اجیر خاصی و حاکمک
انفاقیلہ تعیش ایدر آدمی اولماق شرطدر
بناء علیه حاکم بونلردن برینک دعواسنی استماع ایله لهسنه
حکم ایدہ من

۱۸۰۹ ماده

بربلده حاکمکک یاخود ماده آنفده مذکور منسوباتندن
برینک اول بلده اہالیسندن برکسنه ایله دعواسی اولدیغی
صورتده اول بلده ده دیگر حاکم و اراسه انک حضورنده
مرافعه اولورلر

واکر اول بلده ده دیگر حاکم یوق ایسه طرفین کندی
رضائریله نصب ایدہ جکاری حکمک یاخود اول حاکم
نائب نصبنه مأذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب
نائبک او یاخود جوارده کی دیگر برقضا حاکمکک حضورنده
مرافعه اولورلر

و طرفین بو صورتلردن برینه راضی اولدقلری صورتده
طرف سلطانیدن مولی استدعا ایدرلر

۱۸۱۰ ماده

حاکم رؤیت دعواده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعایت
ایتملیدر

فقط ورودی مؤخر اولان بر دعوانک تعجیلی ایجاب حال
و مصلحتدن کورلدیکی حالده انک رؤیتنی تقدیم ایلر

۱۸۱۱ ماده

حاکمک لدی الحاجه آخردن استفتا ایتسی جائزدر

۱۸۱۲ ماده

حاکم . غم و غصه و اچلاق و غلبه نوم کبی صحت تفکره
مانع اوله بیله جک بر عارضه ایله ذهنی مشوش اولدیغی حالده
حکمه تصدی ایتملیدر

۱۸۱۳ ماده

حاکم مراجعاتده اجرای تدقیقات ایتسکه برابر ایشی
سور نجمه ده بر اقاملیدر

۱۸۱۴ ماده

حاکم محکمه یه سجلات دفتری وضع ایدوب ویره جکی
اعلامات و سنداتی حیل و فساددن سالم اوله بیله جک
منتظم بر صورتده اول دفتره قید و تحریر و انک حفظنه
دقت و اعتنا ایدر . و کندوس سنک عزلی و قوعبولدوره

یابالذات ویامینی واسطه سیله سجالاتی خلفی اولان حاکمه
دور و تسلیم ایلر

(فصل رابع)

(صورت محاکمه داتردر)

۱۸۱۵ ماده

حاکم محاکمه یی علما اجرا ایدر . فقط قبل الحکم نه وجهله
حکم ایدیه جکنی افشا اتمز

۱۸۱۶ ماده

طرفین لاجل المحاکمه حضور حاکمه کادکارنده حاکم اول
مدعییه دعواسنی تقریر ایتدیرر . واکر اولجه دعواسی
تحریرا ضبط اولنمش ایسه قرائت ایله مضمونی کندوسنه
تصدیق ایتدیریلور و ثانیاً مدعا علیه استجواب ایلر .
شویله که مدعی سندن شو وجهله دعوی ایدیور نه دیرسین
دیو سؤال ایدر

۱۸۱۷ ماده

مدعی علیه اقرار ایدر ایسه حاکم انی اقرار یله ازام ایدر .
واکر انکار ایدر سه حاکم مدعیدن بینه ایستر

۱۸۱۸ ماده

مدعی بالینه دعواسنی اثبات ایتدیکی صورتده حاکم

انك اوزرينه حكم ايلر • واثبات ايدمهديكي صورتده
بر يمين حق قالمغله طالب اولور ايسه حاكم انك طلبى اوزرينه
مدعى عليه يمين تكليف ايلر

۱۸۱۹ ماده

مدعى عليه يمين ايدرسه يا خود مدعى يمين ويرد ير مز ايسه
حاکم مدعى ي مدعى عليه معارضه دن منع ايدر

۱۸۲۰ ماده

مدعى عليه يميندن نكول ايدرسه حاکم نكوليله حكم ايدر
ونكوليله حكم ايتد كدن صكره يمين ايدرم ديسه ارتق
التفات اولماز

۱۸۲۱ ماده

اصولنه موافق وشبهه تزوير وتصنيعدن سالم اوله رق
بر محكمه حاكمى طرفندن ويريلان اعلام وسندك بلاينه
مضمونيله عمل وحكم جائزدر

۱۸۲۲ ماده

مدعى عليه بوجه بالا لى الاستجواب لا ونعم بر جواب
ويرميو بده سكوتنده اصرار ايدر ايسه سكوتى انكار عد
اولنور

وكذلك اقرارده ايتم انكارده ايتم ديوجواب ويررسه
بوجوابى دخى انكار عد اولنور وايكى صورتده دخى
مدعى دن بوجه بالا يينه طلب قيلنور

۱۸۲۳ ماده

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جک یرده مدعینک
دعواسنی دفع ایده جک بر دعوی در میان ایتد کده کتاب
دعواده و کتاب بیناتده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله
اولنور

۱۸۲۴ ماده

طرفیندن بریسی افاده سنی تکمیل ایتد جکه دیکری افاده یه
تصدی ایده مز ایده جک اولور ایسه حاکم طرفندن منع
اولنور

۱۸۲۵ ماده

طرفیندن لسان بیلیان کس نه نک افاده سنی ترجمه ایچون
محکمه ده موثوق و مؤتمن ترجمان بولندیریلور

۱۸۲۶ ماده

اقربا بیننده وقوع بولان و یا خود طرفینک صلحه رغبتلری
مأمول اولان مختاصمه ده حاکم برویا ایکی دفعه طرفینه
مصالحه یی توصیه و اخطار ایدر موافقت ایدر لر ایسه کتاب
صلحه مندرج اولان مسائله توفیقا مصالحه ایدر و موافقت
ایتمزلر ایسه محاکمه یی اتمام ایلر

۱۸۲۷ ماده

حاکم محاکمه یی اتمام ایتد کد نص کره مقتضاسنی حکم
و طرفینه تفهیم ایلر واسباب موجب سهیله برابر حکم

و تنبیهی حاوی بر اعلام تخیم ایدوب محکوم لهه
والدی الایجاب بر نسخہ سنی دخی محکوم علیہ اعطا ایدر
ماده ۱۸۲۸

حکیمک سبب و شرطری تمامیلہ بولند قد نصکره حاکمک
حکمی تأخیر ایتسی جائز دکلدرد

(باب ثانی)

(حکمه دائر اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(حکمک شروطی بیاننده در)

ماده ۱۸۲۹

حکمه سبق دعوی شرطدر

شویله که حاکمک حقوق ناسه متعلق بر خصوصی حکم ایتسی
اول امرده اول خصوصی بر کیمسه نک آخر کسنه دن دعوی ایتسیله
مشروطدر

دعوی سبق ایتدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز

ماده ۱۸۳۰

حین حکمه طرفینک حضوری شرطدر

یعنی طرفین بالموا جهه محاکمه ایداد کدنصکره حکم

اولنه جنی وقت مجلس حکمده حاضر اولمری لازمدر
فقط بر کیمسه دیکرندن بر خصوصى دعوی ایدوبده مدعا
علیه دخی اقرار ایتد کدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن
غائب اولسه حاکم انک غیابنده اقرارینه بناء حکم
ایده بیلور

کذلک مدعا علیه مدعینک دعواسنی انکار ایدوبده مدعی
بالمواجهه مدعاسنه اقامه بینه ایتد کدن صکره قبل التزکیه
والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انک
غیابنده بینه یی تزکیه و حکم ایده بیلور
۱۸۳۱ ماده

مدعا علیها وکیل موواجهه سنده اقامه بینه اولندقدنصکره
مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه حاکم اول
بینه ایله مدعا علیه اوزرینه حکم ایده بیلور
وبالعس مدعی علیها موواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن
صکره وکیل مجلسه حاضر اولسه حاکم اول بینه ایله
وکیلک اوزرینه حکم ایده بیلور
۱۸۳۲ ماده

جمله ورثه یه خصومت توجه ایدن دعواده ورثه دن
برینک موواجهه سنده اقامه بینه اولنوبده قبل الحکم
غائب اولسه حاکم اول بینه ایله احضار اولنان دیکر
وارث اوزرینه حکم ایده بیلور اعاده بینه یه حاجت یوقدر

(فصل ثانی)

(حکم غیابی بیانده در)

ماده ۱۸۳۳

مدعینک طلب واستدعاسی اوزرینه حاکم طرفندن مدعی علیه
محکمهیه دعوت اولنور

معذرت مشروعه سی اولدیغی حالده محکمهیه کلکدن
ووکیل کوندرمکدن امتناع ایدرسه بالاجبار محکمهیه
احضار قیلنور

ماده ۱۸۳۴

مدعی علیه محکمهیه کلکدن ووکیل کوندرمکدن
امتناع ایدوبده جلب واحضاری قابل اولدیغی تقدیرده
مدعینک طلبیه محکمهیه مخصوص اولان ورقه دعوتیه
آیرو آیرو کونلرده اوچ دفعه کندویه کوندریلهرک
محکمهیه دعوت وکلدیکی صورتده حاکم اکا بروکیل
نصبیه مدعینک دعوی وینه سنی استماع ایده جگنی
کندویه تفهیم ایلر . بونک اوزرینه مدعی علیه
ینه محکمهیه کلز ووکیل کوندرمز ایسه حاکم انک
حقوقنی محافظه ایده جک برکیمه یی اکا وکیل نصب
ایدوب وکیل مزبور مواجهه سنده مدعینک دعوی
وینه سنی استماع و تدقیق ایدرک مقارن صحت اولدیغی

تین ایدرسه بعدالشبوت حکم ایدر

۱۸۳۵ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حکم غیابی مدعی علیه

تبلیغ ایدیلور

۱۸۳۶ ماده

غیابا علیه حکم اولنان کیسه محکمه یه حاضر اولوبده

مدعینک دعواسنی دفعه صالح بر دعوا یه تشبث ایدر

ایسه استماع وایجابی وجهله فصل اولنور . دعوایی

دفعه تشبث ایتدیکی ویا ایدوبده دفعه صالح اولمدیغی

تقدیرده حکم واقع انفاذ واجرا قیلنور

(باب ثالث)

(دعوانک بعدالحکم رؤیتی حقنده در)

۱۸۳۷ ماده

اصول مشروعه سنه موافق یعنی حکمک سبب وشرطلری

موجود اوله رق حکم واعلام اولنان دعوانک تکرار

رؤیت واستماعی جائز اولماز

۱۸۳۸ ماده

بر دعوا حقنده لاحق اولان حکمک اصول مشروعه سنه

موافق اولمدیغی محکوم علیه ادما وعدم موافقت جهتنی

دخی بیان ایدوبده استیناف دعوی طلبنده بولندیغی
حالده وقوعبولان حکم لدی التحقیق اصول مشروعدهسند
موافق ایسه تصدیق اولنور دکل ایسه استیناف
قیلنور

۱۸۳۹ ماده

بردعوی حقهده لاحق اولان حکمه محکوم علیه قناعت
ایتموبده اول حکمی حاوی اولان اعلامک تمیزی طلبنده
بولندیغی حالده لدی التدقیق اصول مشروعدهسند موافق
ایسه تصدیق قیلنور دکل ایسه نقض اولنور

۱۸۴۰ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدیغی کی بعدالحکم دخی
صحیح اولور

بناء علیه بردعواده محکوم علیه اولان کیمسه اول دعوایی
دفعه صالح بر سبب سرد و بیان ایله دفع دعوی ادعاسنده
واعاده محاکمه طلبنده بولندیغی حالده محکوم لهک
مواجهه سنده اشبو ادعائی استماع و بوخصوص حقهده
محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسندنک ید تصرفنده اولان بر خانه پدرندن
کندویه موروث اولدیغی دعوی واثبات ایدوبده حاکم دخی
حکم ایتد کد نصکره اول کیمسنک پدری اول خانهنی مقدما ذی الیدک
پدرینه صامتش اولدیغنی مبین برسند معمول به ظهور ایتدکده

ذی الیدن دغواسی استماع ایله اثبات ایلدیکی تقدیرده حکم اول
متنقض واول کیسه نك دغواسی مندفع اولور

(باب رابع)

(تحکیمه دائر مسائل بیاندددر)

۱۸۴۱ ماده

حقوق ناسه متعلق مال دعوالرنده تحکیم جائزدر

۱۸۴۲ ماده

محکمک حکمی انجق کندوسنی تحکیم ایدن خصمین
حقنده و تحکیم ایتدکاری خصوصده جائز و نافذ اولوب
انلردن بشقه سنه تجاوز ایتز وانلرک خصوصات سائر سنه
دخی شامل اولماز

۱۸۴۳ ماده

محکمک تعددی جائزدر

یعنی بر خصوصه ایکی یاخود دهها زیاده کیسه نك حکم نصب اولنمسی
جائزدر

مدعی و مدعا علیه طرفلرندن برر حکم نصب ایتسه لر جائز
اولور

۱۸۴۴ ماده

بروجه بالا محکمکله متعدد اولدقلری صورتده هپسینک
رأی متفق اولق لازمدر . یالکیز بریسی حکم ایده من

۱۸۴۵ ماده

حکمر طرفیندن تحکیمه مأذون ایسه لر دیگر بر کیمه یی
تحکیم ایده ییلور لر نکل ایسه لر ایده مز لر

۱۸۴۶ ماده

تحکیم بر وقت ایله تقید اولندقد اولوقتک مرور یله زائل اولور
مثلا فلان کوندن بر آیه قدر حکم ایتک اوزره نصب اولنان حکم
انجق بو بر آی ایخنده حکم ایده ییلور اول آیک مرورنده حکم
ایده مز . ایدرسه حکمی نافذ اولماز

۱۸۴۷ ماده

محکم حکمندن اول طرفیندن هر بری آنی عزل
ایده ییلور

شو قدر وار که طرفین انی تحکیم ایدوبده طرف سلطانیدن
منصوب ونائب نصبنه مأذون اولان حاکم دخی انی
مجیر اولسه حاکم انی استخلاف ایتش اولسیله اول محکم
بو حاکمک نائی منزله سنده اولور

۱۸۴۸ ماده

حاکمک قضالری داخلنده کی اهالیکنک جله سی حقنده
حکمری نصل که لازم الاجرا ایسه محکمک دخی انلری
تحکیم ایدنلر حقنده و محکم اولدقلری خصوصده حکمری
اولوجهله لازم اولور

بناء علیه حکمر اصول مشروعه سنه موافق اوله رق

حکیم ایتدکدن صکره طرفیندن هیچ بریسی اول حکمی قبولدن امتناع ایده می

۱۸۴۹ ماده

محکمک حکمی طرف سلطانیدن منصوب حاکم عرض اولند قدده موافق اصول ایسه قبول و تصدیق ایدر . دکل ایسه نقض ایلر

۱۸۵۰ ماده

طرفین احکام مشروعه سنه توفیقا حکمه مأذون قیلدق لری محکم لری لدی التئسیب صلحا تسویه دخی مأذون ایتسه لر محکم لک صلحا تسویه لری معتبر اولور . شویله که طرفیندن بری محکم لردن برینی و دیگری دخی او برینی منازع فیه اولان خصوصک او لوجهله صلحا تسویه سنه دخی توکیل ایدوبده آنلر دخی کتاب صلحه مندرج اولان مسائله بالتوفیق صلحا تسویه ایتسه لر اشبو صلح و تسویه یی طرفیندن بری قبولدن امتناع ایده می

۱۸۵۱ ماده

برکیمسه تحکیم اولنماش اولدیغی حالده ایکی کشی بیننده کی دعوایی فصل ایتدکدن صکره طرفین اکا راضی وانک حکمی مجیز اولسه لر حکمی نافذ اولور (۱۴۵۳)

ماده یه باق

اراده ستيه تاريخي في ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

معارف ناظري
احد جودت

امين الفتوى
السيد خليل

عن اعضاء شوراي دولت
سيف الدين

رئيس مجلس تدقيقات شرعيه
و مجلس انتخاب حكام
السيد احمد خلوصي

رئيس ثاني محكمة تمييز
السيد احمد حلمي

قاضي دار الخلافه العليه
احمد خالد

مستشار مفتش اوقاف
عمر حلمي

اعلامات شرعيه مميزي معاوني
عبد الستار



(مجلهٔ احکام عدلیه دن کتاب بینات حقننده بعض)
(وصایای شامل مذکرهٔ عدلیه)

مجلهٔ احکام عدلیه دن اون بشنجی کتابی اولان کتاب
بینات بوکره رهین حد ختام اوله رق بارادهٔ سنیهٔ
جناب پادشاهی طبع و نشر قلندی

مجلهٔ مذکور دن نشر اولنان اون درت کتابی محاکم
شرعیه ده نوجهله معمول به ایسه محاکم نظامیه ده دخی
سیاق مطرد اوزره دستور العمل اولق امر طبیعیدر
ذکر اولنان کتاب بینات دخی کرک محاکم شرعیه ده
وکرک محاکم نظامیه ده مرعی الاجرا اولق لازم کاور
چونکه کتاب مزبور درت بابی مشتمل اولوب . برنجیسی
شهادت و تواتر . ایکنجیسی جمع تحریریه و قرینهٔ قاطعه
اوچنجیسی یمین . درنجیسی ترجیح بینات ایله تحالف .
حقننده در ابواب ثلثهٔ اخیره حقننده بر دیه جاک اولیوب
علی الخصوص یمین حقننده محاکم نظامیه ایچون بر نظام
اولدیغی جهتله محاکم نظامیه دن یمین بانه شدت احتیاجی
وارد در مباحث سائرده دخی بالجمله محاکم نظامیه دن
احتیاجی درکاردر

شهادت بحثه کلنجه : بیع و شرا حقننده شاهد استماعی
تجارت قانوننامه سنده مندرج اولدیغی حالده هنوز

کیفیت استماعنه دائر بر نظام یا پائنامشدر شو حالده باب
اولک دخی علی العموم محاکم نظامیه مرجع اولسی
امر طبیعیدر شو قدر وارکه تجارت قانوننامه سنده
مصرح شاهد استماعی خصوصی محکمه نک تنسیبه
معلق اوله رق مندر جدر و شرکت و پولیچه کبی نیجه
مواد تجاریه و التزام و ملتزمی بپنده عقد شرکت مثلاً
یک چوق معاملات نظامیه هب سندات و اوراق معتبره
ایله اجرا اولنهرق بونتردن متحدت دعاوی و منازعاتک
محاکم نظامیه ده حین رؤیتنده یالکیز سندات اعتبار
اولنمق معروف و مرعیدر و تجار بپنده معروف اولان
شی مشروط حکمنده اولق دخی مجله نک مقدمه سنده
مندرج اولان اصول فقهیه دندر

بناء علی ذلک بو مثلاً معاملاتک شهادت اوزرینه بناسی
قابل اولدیغی کبی تجارت محکمه لرنده شاهد استماعی
محکمه نک تنسیبه معلق اوله رق جزیان ایده بیله جکدر .
کتاب مذکورده شهادت بحشی ایسه اطلاق اوزرد
مندرج اولدیغندن و سندات اوزرینه تعامل جاری اولان
خصوصلرده ینه سند ارائمق امر ضروری بولندیغندن
محاکم نظامیه ده و علی الخصوص تجارت محکمه لرنده
نه درلو خصوصلرده وقایع غروشه قدر دعوالرده

شاهد استماع اولنه جغنه دائر بر نظام یا بلیق لازمه حال دن
کوریلور انجق بونظام یا پلنجه یه قدر محاکم نظامیه ده
کافی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرده شاهد استماع
اولنه رق خصوصات سائرده کما کان بینة تحریریه ارا نمسی
ومواد سائرده اشبو کتاب بیناتک احکام مندرجه سنه
تمامیه توفیق معامله اولنمسی لازمه دن اولغله محاکم
نظامیه بویولده تبلیغات اجرایی خصوصی دخی امر
وفرمان جناب شهنشاهیدن بولندیغندن اولوجهاله ایفای
مقتضای خصوصنه همت

فی ۹ ذی القعدة سنه ۱۲۹۳



❖ بلا بینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله بیه جک ❖
❖ صورتده سندات شرعیه نك تنظيمه دائر تعلیمات ❖
❖ سنیه در ❖

برنجی ماده بر استدا محکمه یه حواله اولنوب طرفین
محکمه یه کادکارنده کرک مدعی و کرک مدعی علیه
شخص محکمه جه مجهول بولندیغی و اقامه اولنان دعوی
کندی دعوای اولدیغنه دلالت ایدر یدلرنده اوراق
معتبره بولندیغی و یاخود دعواده همنان یکدیگرینی
تصدیق ایدرک بر صنیعه شائبه سی حس اولندیغی
تقدیر جه شخصلرینی واسم و شهرتیه صنعت و مأموریت
و محل اقامتلرینی تعریف ایچون محله لری مختارلرندن و یاخود
تابع اولدقلری اصناف کتخدا سندن و یا آمر و ضابطلرندن
و منسوب اولدقلری دوائر ورؤسا طرفلرندن بر قطعه
علم و خبر کتور یله جکدر

ایکنجی ماده و کالت تسجیلنه مخصوص اولمق اوزره
محکمه ده بر جریده طوتیه جقدر طرفیندن بری تسجیل
و کالت ایده جک اولدقده نه صورتله و کیمی توکیل ایتدیکنی
حاکم و یا نائی حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینیه
تسجیل جریده سنه یازیلوب کندوسنه امضا و تمهیر

ایتدریله جك واکر کندوسنك یازوسی یوق ایسه انك
امر وانتخابیله دیکری تحریر ایدوب زیرینی کندی
مهری ویا اشارت مخصوصه سیله تصدیق ایتدکن
صکره تقریر وکالت حاکم ویا نایب دن قنغیسی حضورنده
وقوعبولش ایسه اولدخی امضا و تمهیر ایده جکدر
و حین تسجیلده موکاک بابا و دده سنك اسمی دخی سؤال
اولنه رق جریده یه قید اولنه جقدر

اوچنجی ماده ماده آنفده بیان اولندیغی وجهله
بر محکمه حاکم ویا نایبی حضورنده وکالت تسجیل
و جریده مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صکره محاکمه
ختم بولمق سزین اول حاکک عزل ویا وفاتی وقوع
بولدیغی تقدیرجه موکل تکرار حاکم لاحق حضورنده
تسجیل وکالتله محتاج اولمیوب جریده ده مسطور اولان
قید موجبجه حاکم لاحق خصم مواجهه سندده وکیلک
وکالتیله حکم ایدوب مرافعه یی رؤیت واستماع ایده
یلور

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط کاتبی
طرفینک افاده لرینی کمال مرتبه دقتله استماع و تأیید
مدعا ضمننده ابراز ایده جکری اوراق سنداتی لایقیله

مطالعه ایتد کد نصکره طرفینک اسم و شهرت و محل اقامت لری
و شخص لری تعریف اولمش ایسه معرفت لری اسم و شهرت
و صورت افاده لری و ابراز اولسان سندات و اوراق
خلاصه لری عادی ورقه اوزرینه ضبط و تحریر ایده جکدر
بشنجی ماده ماده آفده ده بیان اولسان ضبط دعوی
طرفینک اکلایه یله جکی آچق بر عبارت ایله یازیله جقدر

التنجی ماده دعوی ضبط اولندقدن صکره ضبط
کاتبی طرفین ایله برابر مستشاری اولان محکمه لرده
مستشار حضورینه مستشاری اولسان محکمه لرده حاکم
و یا نائی حضورینه کیروب ضبطی قرائت ایدر
و بعد القرائه صورت ضبط طرفینک افاده لری موافق
اولوب اولدیغنی مستشار و یا حاکم و یا نائی آرو آرو
طرفیندن سؤال ایله طرفیندن هربری صورت ضبطک
افاده سنه موافق اولدیغنی تصدیق ایدر ایسه در حال
واکر تصدیق ایتیبده ضبطده بر سهو و یا نقصان
وقوعندن و یا خود محاکمه جده نزومی اولان بعض شیلرک
سؤال و جوابی ضبط و تحریر اولنماسندن طولانی
ضبطک تصحیحنه نزوم کوریلور ایسه تصحیح ایدلدکن
صکره محکمه یه مخصوص اولان ضبط جریده سنه قید

اولنه رق زیری طرفینه امضا و تمهیر ایتدیر یله جکدر
 ضبط جریده سنده حک و سلنتی و قوعبولیه جقدر
 یدنجی ماده ضبط بر منوال محرر جریده مخصوصه سنده
 تحریر و طرفینه امضا و تمهیر ایتدیر لدکن صکره
 در سعادته صدرین دائره لرنده مستشار و یا معاون
 و استانبول باب محکمه سنده مستشار بولندیغی حالده
 معاون و مشاور لرندن بری محکمه تفتیشده مستشار
 بولندیغی تقدیرده محکمه نیک ممیز اولی و محاکم سائر ایل
 علی العموم طشره محکمه لرنده حاکم و یا نایب و باش کاتبی
 ضبطک زیرینی تصدیقا امضا و یا مهر ذاتیلر یله تمهیر
 ایده جکدر

سکرنجی ماده محاکمهیه مباشرت اولندقدن صکره
 محاکمه نیک ختامنه دکین اول محاکمهیه متعلق جریان
 ایده جک بالجماله معاملات و تحقیقاتک جریانی عقبنده
 سالف البیان ضبط جریده سنده دعوانک ضبطی زیرینه
 خلاصه و جهله قید و تحریر اولنه جغی مثلوه محاکمه نیک
 رنکی دکیشوبده طرفینک افاداتنه بعض عبارت علاوه سی
 لازم کلدیکی تقدیرده ضبطی امضا و تمهیر ایدن مأمور لر
 معرفتیه طرفین حضورنده ترقیم و علاوه اولنه رق زیرینی

خرفین و اهمیتی اولدیغی حالده مأمورلر دخی امضا
و تمهیر ایده جکاردر

طقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم
کلدکده اولا شاهدلری اولوب اولدیغی کندوسسندن
سؤال اولنور شاهدلری اولدیغی بیان و تقریر ایتدیکی
حالده کیملر ایدوکی واسه و شهرتلی و انلردن ماعدا
شاهدلری اولوب اولدیغی و اولدیغی تقدیرده انلرک اسم
و شهرتلی صوریلور کرک شاهدلری حقنده واقع اوله جق
افاداتی و کرک اصلا شاهدلری اولدیغی سویلمدیکی حالده
افادات و اقعده سی ضبط جریده سنه قیدیه کندوسنه امضا
و تمهیر ایتدیر یله جکاردر

اوننجی ماده بر محاکمه فصل اولندقدده نه وجهله حکم
اولندیغی و حکمک اسباب موجبده سی خلاصه وجهله
ضبطده شرح و یریلوب وزیر حاکم طرفندن تمهیر
ایدیلوب بعدده اعلام مسوده سی قلمه النور

اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان
ضبط جریده سندن صورت ضبطی عینیه کندو
جریده سنه نقل و تحریر ایدوب اندن تقریر ایدر و محکمه یه
مخصوص اولان جریده محکمه نك بر مأمین محالنده حفظ
اولنوب لازم کلدکجه اخراج اولنه جقدر محکمه ده

دعاوینک کثرتی نسبتنده محکمه یه مخصوص متعدد ضبط
جریده لری طوتیلور

اون اینکنجی ماده جریده ده محرر صورت دعوی
اساس طوتیلورق اعلام مسوده سی اصول صک اوزره
قله النور حین تسویدده صورت ضبطک بعض عبارت لرنده
قاعده صک اوزره محو و اثبات جائز ایدده اساس مسئله جه
تغیر اولماق شرطدر طرفیندن بری اصلا شاهد لری
اولمادیغنی افاده ایتدیکی صورتده افاده مذکورده سی عینیه
اعلامه درج اولنوب اقامه بینه دن اظهار عجز تعبیریه
اکتفا اولنمیه بقدر

اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده سی قله
الدقندن صکره مسوده اولادیرین واستانبول باب
محکمه لرنده وقایع کاتبی و محکمه تفتیشده ممیز اول
طرفلرندن تصحیح و بعده مستشار طرفندن دخی تدقیق
و صورت ضبطه توفیق اولنهرق تصحیح و امضا و ضعیله
حاکمه تقدیم اولنور محاکم سائرده محکمه نك باش کاتبی
وار ایسه انک طرفندن مسوده تصحیح اولنهرق حاکمه
تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده سی بالذات
حاکمه تقدیم ایدر غلطه و خواص رفیعہ محکمه لری
کبی مرکز نائی بولنان محکمه لرنده نائب مستشار وظائفی
ایفا ایده چکدر مسوده حاکمه تقدیم اولندقدده بعد النظر

والتدقیق کشیده ایدہ جکی یازیله موجنبجه اعلامی تحریر
اولنه جقدر

اون دردنجی ماده بروجہ مشروح اعلام یازلدقدنصکرده
ضبط کاتبی اسمنی ظهر اعلامہ تحریر ومسودہ بی تدقیق
وامضا ایدن مأمورلر ترتیب سابق اوزره اعلامی دخی
مطالعہ وظهرینی امضا ویاتمہیر ایدوب بعدہ اعلام حاکمہ
تقدیم اولنور

اون بشنجی ماده حاکم دخی مطالعہ ایتدکدن صکرده سبجلہ
قید ومقابلہ اولنه دیو اعلامک ظہرینہ یازوب مقیدہ
کونددر مقید دخی سبجلہ قید ومقابلہ ایدوب ومقابلہ
ایتدیکنی ظهر اعلامہ شرح ویروب زیرینی تمہیر وحاکمہ
اعادہ ایتدکدن صکرده حاکم اصولی وجهلہ اعلامی تمہیر
ایدر

اون التنجی ماده طشرہ یہ کوندرملک اوزره درسعادت
محاکنندن تنظیم اولنه جق وکالت جچتلرندن بالادہ بیان
اولنان اصول تمامیلہ اجرا اولنه جقدر

اون یدنجی ماده طشرہ حکامی وکالت تقریرینی
قضا داخلندہ ایسہ اول قضانک بدایت محکمہ سندہ
ومرکز لوا اولان قضادہ ایسہ لوا بدایت محکمہ سندہ

كرسى ولايتده ايسه استيناف محكمه سنده اله جقدر
اون سكزنجى ماده بروجده محرر موكلك تقريرى
الندقدن صكره صورت تقريرى عينيله جريديه قيد
وتحرير اولنوب موكله مهر ويا امضا ويا اشارت
مخصوصه ايله تصديق ايتدرد كدن صكره اصول موضوعه سنده
توفيقا وكالت جتى تنظيم وتمهيد اولنور

اون طقونجى ماده حاكم طرفندن بر منوال محرر
تنظيم قلنان حجت شرعيده بيان اولنديغى اوزره
وكالت تقريرينك كندو حضور لرنده وقوعبولديغى
حين تقريرده حاضر بولنان اعضا بامضبطه تصديق
ايدجك و بو تصديق مضبطه سى قضا بدایت محكمه سندن
اعطا قلمش ايسه اول قضانك ملحق بولنديغى ولايت
استيناف محكمه سندن ويا خود لوا بدایت محكمه سندن
تصديق اولنه جقدر

يكرمنجى ماده موكلك شخصى مجهول بولنديغى
تقديرجه برنجى ماده ده بيان اولنديغى وجهله شخصى
تعريف ايتديريله جقدر

يكرمى برنجى ماده طشرده تنظيم اولنان وكالت
ججتلرينك كما فى السابق فتوا خانه دن تدقيق وتطبيق
اجرا اولنه جغى كې بعدما طشرده كوندرلك اوزره
در سعادت محاكمندن ويريلاں وكالت ججتلرينك مهرى

مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه دن شرح و یریه جکدر
یکرمی ایکنجی ماده بشقه بلده یه کوندراک اوزره
وراثت و وصایت کبی موادک ثبوتنی حاوی سند شرعی
تنظیمی لازم کلدکده مشره حکامی اون یدنجی ماده
موجبجه مواد مذکورده بدایت یا استیناف محکمه لرنده
استماع و فصل ایدر و طشرده تنظیم اولنه حق و کالت
جتمری حقنده بیان اولنان اصول بومثللو سند شرعی
حقنده دخی جاری و معتبردر

یکرمی اوچنجی ماده مأمور و امنا ارسالیله محکمه
استماع قلنه حق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه ده بر و یا
بر قاق خصوص جریده لری طوتیله جکدر و بو جریده لر
ضبط جریده لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدمک لازم
کلدکده مأموره و یریه جکدر فصل دعوی و تسجیل و کالت
و اقرار و وقف و وصیت و محالعه و تطلیق و کشف و تقسیم
عقار و صلح و ابرا و اخبار ملک و تصرف و طرفیندن برینی
تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذونا بر محله
و یا بر قریه یه اعزام قلنان مأمور اول محله و یا قریه ده مختاران
واها لیدن بر قاق ذاتی جلب و جمع ایله بر مجلس عقد ایدوب
خصوصات واقعه یی استماع و بعده خصوص جریده سنه
قید و تحریر وزیرینی مجلسک انعقادینه باعث اولان

اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر
و یا امضا و یا اشارت مخصوصه لریله تصدیق ایتدیر دکن
صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه
ترفیق ایدیلان امنایله برابر حاکمه آنها ایده جکدر
خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت واستقامتی مجرب
ومعلوم اولان ذات تعیین ایدملیدر

یکرمی دردنجی ماده بر جتک مضمونیه حکم اولنوب
موجنبجه اعلامی تنظیم اولندقدده اول جت محکمه ده
الیقونیلوب دفتر سجلاتک حفظ اولندیخی محله حفظ
اولنه جقدر جتله ایله برابر طشره دن ورود ایدن تصدیق
مضبطله لری دخی جتله کی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه ده توفیقاً تنظیم
واعطا قلنان سندات شرعیه نک مضمونی خصم طرفندن
انکار اولندقدده مجله احکام عدلیه نک ۱۷۳۸ و ۱۸۲۱
ماده لری منطوقلرنجه حکام شرعیه سندات مذکور دنک
بلا بینه مضمونیه حکم ایده بیلور فقط لدی التدقیق
بر اعلام و یا جت و یا بر قیدده تزویر وتصنیع شائبه سی
حس اولندیخی تقدیرجه حاکم اول اعلام و جت وقیدک
بلا بینه مضمونیه حکم ایتیوب مضمونه بینه طلب ایدر

فی ۴ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۶

(تعليم اصول تحليف)

مدعا عليه یمین و یرمك لازم كلديكى حالده دعوانك
رؤیت اولنديغی محكمه ده یاخود محكمه طرفندن كوندریلان
نائب حضورنده خصمی دخی حاضر اولديغی حالده
یمین ایتدیریلور

شویله که حاکم یاخود نائی مسئله یی تصویر ایدرك
بوخصوصه یمین ایدرمیسین دیو مدعا علیه دن سؤال
ایدوب اودخی اوت ایدرم دیدکن صکره یمینك شکل
و کیفیتنی تصویر ایدرك مجله احکام عدلیه نك بیک یدیوز
قرق دردنجی ماده سی حکمنجه (والله) دیو الله تعالی
حضرترینك اسمنه قسم ایتدیرر

والله یرنده (بالله) یاخود (تالله) دینمك دخی جائز
اولور فارسجه (بخدا سوکند میخورم) وترجه
(الله اند ایچبورم) تعبیرلری دخی یمیندر

تحلیفك اصولی مجله احکام عدلیه ده مسطور ایسه ده
بونى برمرتبه ده ایضاح ایچون زيرده بعض امثله
ایراد اولنه جقدر فقط ابتدا بوکا دائر بروجه اتی بعض
مواد اساسیه بیان قلنه جقدر

مدعی ادعا ایدوبده مدعا علیه ك انكار ایتدیكى نه ایسه
انك اوزرینه یمین و یرمك لازم کلور ادعا وانكار

اولسان شی اگر مدعا علیہک کندو فعلی ایسه بتاته
واکر غیر یسینک فعلی ایسه عدم علمه یمین ویریلور
مجله احکام عدلیه نک (۱۷۴۸) ماده سنه باق و برده
یمین یاسیبه و یاخود حاصله یعنی مدعینک حاصل دعواسی
اوزرینه اولور ایشته بو وجهله دخی یمین ایکی قسمه
تقسیم ایدیلور .

شویله که مدعینک دعواسیله مدعا علیہک انکارینه نظر
اولور اگر مدعی جهت بیان ایتکسزین برحق یاخود
مجله احکام عدلیه نک بیک التی یوز یتش سکزنجی ماده سی
حکمنجه ملک مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیہ دخی
انک بو دعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور
واکر مدعی جهت بیان ایدرک برحق یاخود ملک بسبب
دعوی ایدوبده مدعا علیہ انک حاصل دعواسنی انکار
ایدرسه ————— کذلک حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیہ
جهت ویاسیبه انکار ایدرسه او حالده سببه یمین ویریلور
ته کیم کیفیت امثله آتیه دن متضح اولور
(بتاته تحلیف حقند بعض امثله)

مدعی مدعا علیهدن جهت بیان ایتکسزین سنده شوقدر
غروش اله جغم وارد رانی ایسترم دیو دعوی ولدی
الاستجواب مدعا علیہ انکار ایدوبده مدعی اثباتدن
اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم اکا

(واللہ بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یو قدر) دیو
یمین ایتدیررکه حاصله تحلیف دیمک اولور

(صورت اخری)

مدعی مدعا علیہک بدنده اولان معلوم الحدود بر عتقار
حقننده بو عتقار بنم ملکمدر سن اکا بغیر حق وضع ید
ایدیورسین اندن کف ید ایت دیو دعوی ولدی الاستجواب
مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله
اکا یمین ایتدرمک ایستدکده حاکم اکا (واللہ اول عتقار
بو آدمک ملکی دکادر) دیو یمین ایتدیرر و بو دخی حاصله
تحلیف قبیلهندن اولور

(دیگر مسئله)

مدعی جهت قرضدن سنده شوقدر غروش اله جغم وار
انی ایسترم دیو دعوی ایتدکده اگر مدعا علیه بورجم
یو قدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر ایسه حاکم اکا
کذلک (واللہ بنم اکا او قدر غروش بورجم یو قدر) دیو
حاصله یمین ایتدیرر و اگر مدعا علیه بن اندن او قدر غروش
استقراض ایتدم دیو جهتی انکار ایدر ایسه اول حالده
حاکم اکا (واللہ بن بو آدمدن او قدر غروش استقراض
ایتدم) دیو سببه یمین ایتدیرر

(دیگر صورت)

مدعی مدعا علیه یدنده بولسان معلوم الحدود برعقار
حقننده فلان تاریخنده سن بو عقاری اون بیك غروش بدل
مقابلنده بكا صاتك بن دخی اشترای ایتدم اول جهتدن
بو عقار بنم ملکمدر اون بیك غروشی الله بو عقاری
بكا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بو عقار
سَنك ملکك دکدر دیو حاصل دعوایی انکار ایدر
ایسه حاکم اکا (والله بو عقار بو آدمک ملکی دکدر)
دیو حاصله یمین ایتدیرر

واکر مدعا علیه بن بو عقاری سکا صاتمدم دیو سببی انکار
ایدر ایسه اول حالده حاکم اکا (والله بن بو عقاری بو آدمه
صاتمدم) دیو سببه یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ اخری)

مدعی مدعا علیه سن بنم فلان کسَنه ذمتنده فلان
جهتدن اله حق حقم اولان شوقدر غروشك اداسنه انك
امریله کفیل اولمشیدك بناء علیه کفالتك حسبیه
سندده او قدر غروش حقم اولغله انی سندن ایسترم دیو
دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرک مدعی
اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم
اکا (والله بو آدمک بیان وادعا ایلدیکی کفالت جهتندن
بندده او قدر غروش حق یوقدر) دیو یمین ایتدیرر

(مسئلهء اخرى)

مدعى مدعا عليه دن سنك ذمتكده ثمن مبيع اوله رق شو
 قدر غروش اله جق حقم اولوب حتى اول جهتدن او قدر
 غروش بورجك اولديغنى اقرار دخى ايتشيدك ديو دعوى
 ولدى الاستجواب مدعا عليه انكار ايدوبده مدعى كرك
 اصل دينى وكرك مدعا عليه ك انى اقرار ايتديكنى اثباتدن
 اظهار عجز ايله اكا يمين ايتدير مك ايسستدكده اقراره يمين
 ويرليوب ماله يمين ويريلور شويلاه كه مدعا عليهه (والله
 بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم يوقدر) ديو يمين ايتديريلور
 (عدم علمه تحليف حقنده بعض امثله)

بر كيمسه جهت بيان ايتدير ك بر متوفانك تركه سندن شو قدر
 غروش اله جق دعوى ايدوبده اثباتندن اظهار عجز ايله
 متوفانك وارثنه يمين ايتدير مك ايسستدكده حاكم انى عدم
 علمه تحليف ايدر شويلاه كه (والله بن مورثمك بو آدمه
 او قدر غروش بورجى اولديغنى بيلم) ديو يمين ايتدير
 (صورت اخرى)

مدعى فلان كسسه حياتده ايكن فلان تاريخده بندن شو قدر
 غروش استقراض ايله امورينه صرف ايدوب حالا حقم
 اولمغله تركه سندن ايسترم ديو دعوى ولدى الانكار اثباتدن

اظهار عجز اید و بده متوفانك وارثه یمین ایتدیرمك
ایستد کده وارث اکر مورثك اكا بورجی اولدیغنی
انکار ایدر ایسه حاکم اكا (والله مورثك بو آدمه او قدر
بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیرر
واکر استقراضی انکار ایدر ایسه حاکم اكا (والله مورثك
بو آدمدن او قدر غروش استقراض ایتدیکنی بیلم) دیو
یمین ایتدیرر

(دیگر صورت)

بر آدمك بر شخصدن اشترا ایلدیکی عقاری دیگر کسینه اول
عقاری ده اول بن او شخصدن اشترا ایتشدم دیو دعوی
اید و بده اثبات ایده مدیکی جهتله اول آدمه یمین ایتدیرمك
ایستد کده حاکم اول آدمی عدم علمه یعنی کندوسندن اول
بو عقاری اول کسینهك اشترا ایلش اولدیغنی بیلمدیکنه
تحلیف ایدر شویله که (والله بن بو آدمك بو عقاری بندن اول
اول شخصدن صاتون الدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیرر

بالاده مذکور اولان صورتلر هب مدعینك طلبی اوزرینه
ویریلان یمینلره مثالدر اما مدعینك طلبی اولقمزین
حاکم طرفندن یمین ویریلان صورتلر مجله احکام عدلیهك
بیک یدی یوز قرق التنجی ماده سنده مسطور اولمغله
انلردن بحثه حاجت کورلما مشدر

MAIN STACKS

